



۲۵۳۶

در باره سوم هشتم سپهر

نقش‌الکلیله
حاج میرزا محمد

درباره سوم شهریور
و
نقش لایق در
جنگ خمر

کتابخانه ج نجفی





۲۵۲۶

کتابخانه ج نجفی

درباره سوم هشتم برپور

نقد و تحلیل
در

کتابخانه ج نجفی

مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی

در ادوار تاریخ پرشکوه شاهنشاهی ایران بارها مخاطراتی عظیم بر کشور ما وارد شده است که شاید هر یک از آنها می‌توانست به‌تنهایی ملتی را نابود ساخته و نام مملکتی را از صفحات تاریخ بزداید.

اما ملیت استوار و فرهنگ بارور ایرانی که چونان درخت تناوری ریشه گرفته است هربار در برابر این ناملایمات به‌پایمردی و پایداری بصرمی‌خاست و سرانجام سرافراز و سربلند به‌حیات جاودانه خویش ادامه می‌داد.

تاریخ معاصر ایران نیز از این‌گونه رویدادها برکنار نمانده است. در مدتی کمتر از نیم سده ملت ایران بارها در برابر آزمایش‌هایی دشوار قرار گرفت و مصائبی بس سنگین بر او وارد آمد.

یکی از این موارد، رویداد سوم شهریور ۲۵۰۰ شاهنشاهی است. این واقعه طوفان مهیبی بود که آرامش و آسودگی کشور ما را درهم شکست و پس از دوره‌ای که مشحون از سازندگی و تلاش و کوشش بود ویرانی‌ها و مشکلاتی برای ملت ایران برجای گذاشت.

شاهنشاه آریامهر که در شرایط دشواری جانشین پدر والا قدر خود شده بودند، با ایمان به‌نیروی استوار ملت، مردم ایران را در راه حفظ تمامیت و استقلال کشور خود رهبری فرمودند و اشغال خاک میهن توسط نیروهای خارجی به‌دشواری فرجام یافت، و سرانجام ملت ایران پس از گذراندن سالهای پرمشقت و غم‌انگیز به‌آینده تابناک خود دلگرم و امیدوار گردید.

در طول این سالهای پرمشقت، ملت ایران که به‌سجایای اخلاقی رهبر ژرف‌نگر خویش واقف بود، سختی معیشت و نایابی بسیاری از کالاهای ضروری را با صبر و حوصله پذیرا شد.

شاهد بارز این مدعا بیاناتی است که شاهنشاه در آغاز سال ۲۵۰۲ ضمن پیام نوروزی خطاب به ملت ایران ایراد فرمودند: .

... میدانم که بیشتر خانواده‌ها استطاعت جشن‌گرفتن را ندارند و لباس نو هم برتن نخواهند کرد. میدانم در این سال که به‌پایان رسید شدائد زندگی اکثر شما را متأثر و ناتوان ساخت. عده‌ای گرفتار بودند و عده‌ای از سرما رنج بردند، و اغلب بقدر خود به‌نوعی گرفتار بودند که شرح انواع آن بلیات روح اندوهگین مرا منقلب میسازد...»

سرانجام این همگامی و همدلی به‌تضمین استقلال و تمامیت ارضی کشور منجر گردید و سالها بعد هنگامیکه کشتی طوفان‌زده ایران به‌ساحل نجات پیوست شهریار ایران مکنونات قلبی خود را درباره آن سالها چنین بازگو فرمودند:

... در طول مدت اشغال کشور ایران یکدم از غم‌واندوه آسوده نبودم و چه شبهائی را که تا صبح از شدت نگرانی بیدار بودم...»

حوادث سوم شهریور ۲۵۰۰ تاکنون بارها مورد بررسی محققین و مورخین قرار گرفته است؛ ولی مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی از نظر دستیابی به‌جزئیات این رویداد، به‌گردآوری اسناد و مدارک مربوط به آن و بطور کلی نقش ایران در پیروزی متفقین پرداخته و امیدوار است که در آینده به‌یاری دانشمندان و پژوهندگان، نشریات متعددی در بررسی زوایای گونه‌گون این رویداد تاریخ معاصر ایران و پیامدهای وسیع آن در دسترس عموم قرار دهد.

امیرعباس هویدا
وزیر دربار شاهنشاهی

مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی که وظیفه‌دار بررسی تحولات سیاسی دوران شاهنشاهی پهلوی است، اینک با انتشار کتاب «در باره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم» نکات دقیق یکی دیگر از رویدادهای مهم عصر حاضر را در معرض مطالعه و قضاوت خوانندگان قرار می‌دهد.

در این کتاب که با تکیه به اسناد و مدارک رسمی در باره رویداد سوم شهریور ۲۵۰۰ شاهنشاهی و اثرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن در جامعه آنروز ایران، و بطور کلی نقش میهن ما در پیروزی متفقین نگاشته شده است، کیفیت و چگونگی یک سلسله وقایع مهم تاریخ معاصر روشن گردیده و واقعیت این جریان بزرگ سیاسی و عبارت دیگر نحوه مشارکت ایران در پیروزی متفقین و غلبه دموکراسی بر عفريت ظلم و جور بازگو میگردد.

نکته بارز دیگر کتاب در آن است که نسل جوان ایرانی را آگاه می‌سازد که نام «بل پیروزی»، عنوانی که متعاقب جنگ جهانی دوم کشور ما به آن مشهور گردید، چه مفاهیم ویژه و عمیقی برای جامعه ایرانی در بردارد.

برای آنکه بهتر آن روزها، و سالهای غم‌انگیز را بشناسیم و نقش عظیم شاهنشاه آریامهر، رهبر دوراندیش و آینده‌نگر خویش را در هدایت کشور بسوی استقلال و آزادی و سپس مجد و عظمت دریابیم، هیچ سخنی بهتر از بیانات ملوکانه نیست. شاهنشاه آریامهر در کتاب «ماموریت برای وطنم» در باره آن سالهای سیاه چنین فرموده‌اند:

«... در طول مدت اشغال کشور ایران یکدم از غم و اندوه آسوده نبودم و چه شبهایی که تا صبح از شدت نگرانی بیدار بودم...»

«... یکی از نخستین کارهای من در آغاز سلطنت این بود که مشروطه دموکراسی

را دوباره احیا کنم. در آن موقع حیات سیاسی ما چنان دچار هرج و مرج شده بود که اگر از روش دموکراسی اصلاً مأیوس می‌شدم، جای تعجب نبود. ولی خوشبختانه عقاید سیاسی من چنان مستحکم شده بود که اوضاع و پیشامدهای تهدید کننده نمی‌توانست مرا به‌ترک اصولی که بزرگان جهان مانند جفرسون آن را پذیرفته و من نیز مصمم به‌حفظ آنها بودم وادار سازد...»

«... از لحاظ اقتصادی در کشور ما قیمت کالاها به‌سرعت سرسام‌آوری بالا میرفت و در فاصله بین سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۲ تورم پول به‌مرحله خطرناکی رسیده و هزینه زندگی ۴۰۰ درصد بالا رفته بود و مخارجی که متفقین در ایران می‌کردند جریان پول را سریع‌تر ساخته و بهای اجناس کمیاب را اتصالاً بالاتر می‌برد...»

چنین است که با مطالعه این کتاب، نسل جوان ایران ارزش بهای سنگینی را که ملت ایران تحت رهبری شهریاری دوران‌دیش و ژرف بین، در ازاء حفظ استقلال کشور پرداخت کرده، به‌خوبی درک میکند و بی‌تردید او را در بقای این استقلال و آزادی بیش از پیش مصمم و استوار خواهد ساخت.

در تدوین کتاب حاضر اهتمام بر این بوده است که صرفاً اسناد و مکاتبات سیاسی مورد استفاده قرار گیرد و واقعیت‌ها از زبان گویای اسناد گفته شود، و جز در موارد ضروری، از هر گونه تفسیر و تجزیه و تحلیل اسناد نیز اجتناب شده است.

مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی امید دارد اسنادی که در این کتاب آمده است پایه‌ای برای تحقیقات و بررسیهای جامع پژوهندگان و مورخین آینده باشد.

هوشنگ انصاری

رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران

و
رئیس مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی

۱ صفحہ ۱ سرگاز

۱۷ صفحہ ۱ ارون اسلام و شریک

۵۳ صفحہ ۲ سوم شریک

۱۱۹ صفحہ ۳ تفریق استقلال

۱۹۹ صفحہ ۴ لکھنؤ پریس

۲۶۹ صفحہ ۵ دریا و تیرہ جاکیت

۲۹۱ صفحہ ۶ رسالہ



سرفراز

حوادث روزهای سوم تا بیست‌وششم شهریور ۱۳۲۰ (۲۵۰۰ شاهنشاهی) را می‌توان ضربه هولناکی در تاریخ معاصر ایران به‌شمار آورد؛ زیرا در خلال این بیست‌وچند روز، نظم و ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ملتی که بعد از قرن‌ها سرگردانی می‌رفت تا به‌حیات تازه‌ای دست یابد، چنان در هم ریخت که بیم آن می‌رفت از ایران به‌عنوان یک واحد سیاسی و ارضی، نام و نشانی باقی نماند. برای محو تمامیت کشور و قومیت ملت ایران دسیسه‌ها برپا شد، ولی پادشاه جوان، دوراندیش، سلحشور و سیاستمدار ایران، همگام با مردم دلیر و بردبار وطن خود، دست به‌دست یکدیگر، شعله‌های آتش مقدس استقلال را روشن نگاه داشتند. سالها بعد، در زمانی که بر اثر کیاست و سیاست این رهبر خردمند، حاکمیت ملی از دست رفته کشور اعاده یافته بود، شاهنشاه ایران درباره آن‌روزهای شوم فرمودند:

«... در آن روزها چنان غوغائی در دلم برپا بود که می‌گویم دیگر به‌آن فکر نکنم. می‌توانم بگویم ایران، به‌یمن یک معجزه، هویت ملی خود را حفظ کرد...»
شاهنشاه آریامهر که در روزهای قبل از واقعه سوم شهریور ناظر بر اوضاع بودند، و متعاقباً نیز رهبری ملت را در مبارزه برای کسب استقلال واقعی به‌عهده گرفتند، شرح حادثه را، گویاتر از هر مورخ در کتاب «مأموریت برای وطن» مرقوم فرموده‌اند.

در اینجا قسمتهایی از این نوشته به‌عنوان سرآغاز کتاب حاضر نقل می‌شود:

«... روزی که آتش جنگ دوم در اروپا زبانه کشید، ایران بیطرفی خود را اعلام داشت، زیرا پدرم به هیچوجه میل نداشت که کشورش دچار جنگ بشود. از اینرو اعلام داشت که دولت ایران در برابر هر گونه عملی که از طرف دول محور و یا دول متفق پیش آید قدرت حفظ بیطرفی خود را دارد. سیاست پدرم در این جمله خلاصه می‌شد که بیطرفی باید با قدرت توأم باشد. پس از حمله هیتلر به کشور روسیه که در روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ رخ داد کشور ایران بیطرفی خود را مجدداً تأیید و تأکید کرد.

«حمله عظیم آلمان به شوروی بر همه کس ثابت کرد که جز با کمک سریع انگلیس و امریکا بقای روسیه معتمد است. با توجه دقیق به نقشه جهان، دشواری متفقین در انتخاب راه عملی برای رساندن این کمک آشکار می‌شود زیرا «ولادی وستک» و سایر بنادر شوروی در خاور دور تحت مراقبت شدید نیروی دریایی ژاپن بود که عملاً در ماه سپتامبر ۱۹۴۰ با آلمان همدست و متحد شده ولی هنوز وارد جنگ نشده بود. به علاوه مسافت این بنادر از جبهه غربی روسیه بسیار زیاد بود. متفقین از طریق بندر «مورمانسک» که در کرانه اقیانوس منجمد شمالی واقع شده است به روسها کمکهای می‌کردند. این راه دریایی بسیار خطرناک بود زیرا کشتیهای حامل مهمات به آسانی مورد حمله زیردریاییهای آلمان که در کرانه‌های نروژ در کمین بودند قرار می‌گرفتند. به علاوه تجهیزات و تسهیلات راه آهن و امکانات بندر مورمانسک بسیار محدود و غیر کافی بود و ممکن نبود به سرعت این بندر را برای این امر مهم حاضر ساخت. از لحاظ فرضی (تئوری) راه مدیترانه و دریای سیاه برای کمک به روسها عملی به نظر می‌آمد ولی خطر دریای مدیترانه برای کشتیرانی متفقین هر روز افزایش می‌یافت، به علاوه ترکیه که سعی داشت بیطرفی خود را مانند ایران حفظ نماید تنگه داردانل را بسته بود و چون عرض این تنگه در بعضی نقاط از یک میل هم کمتر است با زور داخل شدن به آن هم با مقاومت شدید ترکها مواجه می‌شد و به احتمال قوی موجب مداخله آلمانیها که یونان و بلغارستان را در تصرف داشتند می‌گردید. نتیجه این مشکلات آن شد که متفقین یگانه راه عملی را برای انجام منظور خود در نظر گیرند و آن طریق خلیج فارس و راه آهن سرتاسری ایران بود و از طعنه تقدیر، روس و انگلیس نه تنها وطن عزیز پدرم را اشغال کردند بلکه ضربه‌ای دردناک هم بر روح وی وارد آوردند بدین کیفیت که راه آهن سرتاسری ایران را که تازه بنای آن تکمیل شده و مورد علاقه شدید وی بود به عملیات خود انحصار دادند.

«در آن زمان دستگاه تبلیغاتی انگلیسی و روسی می‌گفتند که علت ورود متفقین به ایران این بود که پدرم نقض بیطرفی کرده و حاضر نشده است آلمانیهای مقیم ایران را اخراج کند. ولی این دلیل بسیار سطحی و کودکانه بود زیرا اولاً در آن موقع تنها متخصصین آلمانی در ایران نبودند بلکه عده زیادی هم از اتباع متفقین در کشور ما اقامت و تحت حمایت قانون ایران قرار داشتند. ثانیاً با توجه به آنچه که گفته شد خطری که متفقین را تهدید می‌کرد خیلی بزرگتر از قضیه جزئی اقامت تثنی چند از اتباع آلمان در ایران بود و امروز همه با من هم عقیده‌اند که اگر متفقین راههای ایران را برای رساندن مهمات ضرور نداشتند به احتمال قوی کشور مرا در جنگ دوم جهانی اشغال نمی‌کردند. این نکته را هم باید در نظر داشت که اگر آلمانیها خط دفاعی روسیه را در قفقاز در هم شکسته بودند، چنانکه در حمله بهار سال ۱۹۴۲ نزدیک بود به این کار توفیق یابند، بدون تردید به پیشروی خود در داخله ایران ادامه می‌دادند. زیرا همه کس می‌داند که طبق طرح معروف به طرح «روزنبرگ» هدف نازیها آن بود که فتوحات خود را در خاور نزدیک تا حدود خلیج فارس امتداد دهند و به هندوستان نزدیک شوند. و از آن گذشته علل دیگری آنها را به رسیدن به خلیج فارس وادار می‌کرد زیرا در ضمن اینکه می‌خواستند نفت قفقاز را بخود اختصاص داده و روسها را از آن محروم سازند آرزو داشتند که نفت ایران و پالایشگاههای آن را تصرف نمایند و دست انگلیسها را از آن کوتاه سازند. آلمانیها به خوبی می‌دانستند که نیروی دریایی انگلیس و نیروهای زمینی و هوایی متفقین سوخت خود را از نفت ایران تأمین می‌کنند و کوشش می‌کردند که یگانه راه رساندن کمک متفقین را به روسها، از کار بیاندازند.

«در این موقع رابطه علت و معلول قضایا را باید در نظر آورد. اگر متفقین از راه ایران آنچه مهمات به روسیه نمی‌رسانیدند احتمال می‌رفت که حمله آلمانها در سال ۱۹۴۲ به پیروزی منتهی گردد و کشور من را نیز مسخر کنند. شاید بعضی از هموطنان از این پیروزی که موجب محو نفوذ روس و انگلیس بود استقبال می‌کردند ولی دیر یا زود زندگانی زیر تسلط هیتلر آنها را مأیوس می‌ساخت. بهر حال وقتی از گوشه و کنار خبر انعقاد قرارداد سری روس و آلمان که به موجب آن روسها حق تسلط بر کشور ایران را به دست آورده بودند به گوش آنها رسید تغییر عقیده دادند زیرا این قرارداد از قرارداد سال ۱۹۰۷ روس و انگلیس خطرناکتر و مضرتر بود. دز سال ۱۹۴۱ پیروزی ارتشهای آلمان در روسیه و احتمال پیشروی آنها از طریق قفقاز به طرف جنوب،

انگلیسیها را بیش از پیش نگران ساخت که مبادا هندوستان و کانال سوئز و مناطق نفت‌خیز خاورمیانه به‌مخاطره افتد.

«از اواسط سال ۱۹۴۰ نگرانی انگلیسیها نسبت به نفوذ آلمان در ایران افزایش می‌یافت و چند بار به‌دولت ایران در این‌مورد اخطار و پیشنهاد نمودند که تعداد متخصصین و مستشاران مختلف آلمانی و ملیتهای دیگر در کشور ما محدود گردد ولی پدرم خاطرنشان ساخت که تعویض متخصصین آلمانی اشکال دارد و آلمانیها چنین عملی را به‌نقض بیطرفی ایران تفسیر خواهند کرد. ضمناً پدرم اطمینان داد که دولت او به‌خوبی قادر است که از هرگونه عمل ناروای آلمانیها در ایران جلوگیری نماید. اینک که جنگ دوم جهانی خاتمه یافته و بگذشته می‌نگریم این حقیقت باید گفته شود که تا آنجایی که اطلاع دارم در دوران جنگ حتی یک فقره خرابکاری مؤثر و مهم در تأسیسات راه‌آهن و صنایع نفت ایران رخ نداد.

«در ۱۹ ژوئیه همان سال دولتین روس و انگلیس یادداشت مشترکی به‌مقامات رسمی ایران تسلیم و در ۱۶ اوت یادداشت شدیدالحن‌تری ارسال نمودند ولی جوابهایی که دولت ایران می‌داد به‌نظر آنها قطعی نمی‌آمد.

«در ۲۵ اوت دولتین انگلیس و روس یادداشت‌های مجددی به‌دولت ایران تسلیم و طی آن اظهار داشتند که دیگر ناگزیرند رویه شدیدتر و صریح‌تری اتخاذ کنند و در همان‌موقع کشور ما مورد تجاوز و تعرض نیروهای مهاجم روس از طرف شمال و انگلیس از طرف جنوب قرار گرفت. چند ساعت بعد از این واقعه، پدرم به‌نمایندگان سیاسی روس و انگلیس در ایران اظهار داشت که حاضر است منظور دول متبوع آنها را بپذیرد ولی جواب دادند که نیروهای دو کشور به‌پیشرویهای خود ادامه خواهند داد.

«ارتش ایران کاملاً غافلگیر شده بود و سربازان ما در سربازخانه‌ها مورد بمباران قرار گرفتند و نیروی دریایی ما را که چندان بزرگ نبود، بدون اطلاع قبلی غرق و تلفات زیادی بر ما وارد ساختند. جای تعجب نیست که پدرم و سایر ایرانیان بگویند که متفقین بکشور ما نیرنگ زده و خیانت کردند. در حقیقت پدرم هیچگاه تصور نمی‌کرد که متفقین به‌این آشکاری بر حاکمیت و استقلال ما تجاوز نمایند. وی می‌دانست که برای متفقین با نیرو و وسائل زیادی که داشتند آسان است که به‌خاک وطن عزیزش تعدی و تجاوز کنند ولی تا دقیقه آخر معتقد بود که از نظر اخلاقی و احترام به‌قوانین و مقررات بین‌المللی کار را تا این مرحله نخواهند کشاند.

«سه روز بعد نخست‌وزیر از مقام خود استعفا داد و جانشین او به نیروهای ایران دستور ترک مقاومت داد ولی در حقیقت قبل از صدور این دستور هرگونه مقاومتی پایان یافته بود.

«در ۹ سپتامبر نخست‌وزیر جدید موافقت پارلمان را برای قبول در خواستهای متفقین کسب کرد. در آن هنگام متفقین نیروهای خود را در مسافتی دور از پایتخت مستقر کرده بودند ولی چند روز بعد به عنوان اینکه دولت ایران در وفای به عهد خود تعلل می‌ورزد اعلام داشتند که قوای آنها بعد از ظهر روز ۱۷ سپتامبر وارد حومه تهران می‌شود.

«صبح روز ۱۶ سپتامبر در مجلس شورای ملی ایران اعلام شد که پدرم از سلطنت استعفا کرده است و در همان روز من جانشین او و عهده‌دار مقام سلطنت ایران گردیدم. بدین ترتیب متفقین به هدف خود نائل آمده پدرم را از میان برداشته و راه را برای حمل مهمات به روسیه از طریق کشور ایران باز کردند و بدون پرده باید بگویم که عمل آنها بسیار تأسفانگیز بود و بدست خود بذل اختلاف و دشواریهای آینده را کاشتند.

«اینک که بگذشته می‌نگریم باید دید متفقین بجای عملی که کردند چه نحو دیگر می‌توانستند اقدام کنند؟ به نظر من پاسخ این پرسش بسیار ساده است. در این مورد اول باید اظهارات مستر چرچیل را که در تاریخ جنگ دوم جهانی مندرج است و بطور خلاصه، نظر متفقین را تشریح کرده است نقل کنم:

«باز کردن راهی از طریق کشور ایران برای ارتباط کامل با روسیه اهمیت فوق‌العاده داشت زیرا از یکطرف فرستادن اسلحه و مهمات گوناگون به شوروی از طریق اقیانوس منجمد شمالی دشوار و از طرف دیگر لازم بود امکانات سوق‌الجیشی آینده را نیز در نظر بگیریم. من در مسئله اردوکنشی جدیدی به‌خاورمیانه بدون نگرانی نبودم ولی دلایلی که برای این اقدام آورده می‌شد ملزم‌کننده بود. چاههای نفت ایران عامل مهم و اساسی جنگ محسوب می‌شد و اگر روسیه شکست می‌خورد ما بایستی آماده تصرف آنها باشیم.

«مسئله تهدید هندوستان هم در کار بود. درهم شکستن شورش عراق و اشغال سوریه از طرف نیروهای انگلیس و فرانسوی که با زحمت بسیار و تلفات سنگینی انجام گرفت نقشه هیتلر را در خاورمیانه به کلی برهم زده بود ولی اگر روسها شکست

می‌خوردند ممکن بود که باز نقشه دیگری را پیش بکشند. یک هیئت آلمانی که عده افراد و فعالیت آنها زیاد بود در تهران مستقر شده و حیثیت آلمان در ایران بسیار قابل ملاحظه بود. پیش از آنکه به مسافرت پلاستیا مبادرت ورزم (خلیج پلاستیا در نیوفوندلند است و در آنجا چرچیل اولین بار در روز ۹ اوت ۱۹۴۱ با روزولت ملاقات کرد) کمیسیون مخصوصی تشکیل دادم تا در باره عملیات نظامی علیه ایران طرحریزی نموده و امور را هم‌آهنگ نمایند و در غیبت من نتیجه کارهای خود را بوسیله تلگرام به من گزارش دهند. این عمل انجام گرفت و گزارش مزبور که مورد موافقت کابینه جنگ قرار گرفته بود به من رسید. معلوم شد که دولت ایران با اخراج جاسوسان و اتباع آلمانی مقیم ایران موافقت نمی‌کند و باید به‌قوة قهریه متوسل گردیم. در تاریخ ۱۳ اوت مستر ایدن آقای مایسکی را در وزارت امور خارجه پذیرفت و درباره نکاتی که باید در یادداشتهای جداگانه دو دولت به ایران مندرج باشد موافقت به عمل آوردند. روز ۱۷ اوت یادداشت مشترکی از طرف دولتین انگلیس و روس به ایران تسلیم گردید و چون پاسخ مثبتی به آن داده نشد مقرر گردید که نیروهای انگلیس و روس روز ۲۵ اوت به ایران وارد شوند.»

«من با بعضی از نکاتی که چرچیل به عنوان حقایق ذکر می‌کند موافق نیستم ولی نکته اساسی این است که بر فرض آنکه تمام اظهارات چرچیل صحیح باشد راهی را که متفقین در این باره اتخاذ کردند به عقیده من غلط و ناصواب بود. در مرحله اول باید متفقین با پدرم بیشتر با صداقت رفتار می‌کردند. اخیراً یادداشتهای اعتراضیه متفقین را که در آن زمان به دولت پدرم تسلیم کرده‌اند مورد مرور و مطالعه قرار دادم و متوجه شدم که بسیار کودکانه و مربوط به امور جزئی است و تقریباً یگانه تکیه‌کلام آنها روی اتباع آلمانی در کشور ایران است و از مقاصد بزرگتر خود از قبیل برقراری راه ارسال مهمات به روسیه و جلوگیری از ورود نیروی آلمان به مناطق نفت‌خیز خاورمیانه و یا کشور هندوستان هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده‌اند.

«پدرم مرد هوشیار و آشنا به فنون سوق‌الجیشی بود. هرگاه انگلیسها و روسها منظوره‌های حقیقی خود را بی‌پرده به‌وی اظهار می‌داشتند بکنه مطلب پی‌می‌برد. اما متفقین هدف خود را تنها اخراج آلمانیهای مقیم ایران قرار داده و این موضوع را اتصالاً تکرار می‌کردند. چنانکه ذکر کردم اکثر آلمانیها در ایران مشغول خدمت در کارهای اساسی صنعتی بودند و به‌موجب آمار موجود عده آنها با در نظر گرفتن افراد

خانواده حداکثر به ۴۷۰ تن می‌رسید. بر فرض تصدیق به اینکه شاید چند نفری هم بی‌اجازه و بدون در دست داشتن پروانه اقامت در این کشور بودند جای تعجب نخواهد بود که پدرم از فشار متفقین برای اخراج این عده خشمناک گردد. متفقین می‌دانستند که پدرم در این مورد بسیار حساس بود و معتقدم که یادداشتهای آنها از جنبهٔ ریا خالی نبود و مقصود اصلی آنها به‌جای سازش و موافقت آن بود که بهانه‌ای برای تجاوز به کشور ایران در دست داشته باشند.

«رضاشاه متوجه شد که متفقین منظور خود را بطور صریح اظهار نمی‌دارند و ناگزیر بر خلاف شئون سلطنتی از وزیر مختار خود مقیم لندن خواست که مقصود و منظور حقیقی متفقین و احتیاجات آنها را جويا شود ولی دیگر کار از کار گذشته بود. پدرم به‌وزیر مختار آلمان مقیم تهران ابلاغ کرده بود که دولت ایران مصمم است بقیه آلمانیهای را که در ایران می‌باشد اخراج کند و ترتیب اعزام آنها نیز از طریق کشور ترکیه فراهم شده بود ولی وقت این اقدام هم با عملیات عجولانه متفقین منقضی شده بود.

«متفقین نه‌تنها باید با پدرم با صداقت و صراحت رفتار می‌کردند بلکه باید پیشنهاد اتحاد سیاسی محترمانه به‌او می‌نمودند.

«در اینجا موضوعی را فاش می‌کنم که شاید تاکنون کسی از آن آگاهی نداشته باشد و آن اینکه پدرم چند سال قبل از استعفای رسمی خود، در نظر داشت شخصاً از سلطنت به‌نفع من کناره‌گیری کند. البته او در این مورد هیچ‌وقت با من صحبتی نکرده بود ولی بعداً یکی از محارم و مشاورین او مرا از این امر آگاه کرد. وی در نظر داشت سلطنت را بمن واگذاشته و خود به‌عنوان سیاستمدار مجرب و ارشد در مواقع لزوم مرا از اطلاعات و تجربیات خود برخوردار سازد. اما قبول این امر هنوز هم برای من مشکل است زیرا برای شاهنشاهی با آن اقتدار چنان اقدامی بعید به‌نظر می‌رسید. با تمام این احوال به‌عقیدهٔ من وی در نظر داشت که در حدود سال ۱۹۴۰ یا کمی بعد از آن از سلطنت کناره‌گیری نماید.

«من نمی‌گویم که متفقین باید از افکار و اسرار پدرم وقوف داشته باشند. سخن من این است که متفقین پیش از اینکه بنابر شیوه هیتلری به‌خاک ایران تجاوز نموده و همان اصولی را که برای حفظ آن جنگ می‌کردند زیر پا بگذارند وظیفه داشتند که بذل مساعی نموده و با رضاشاه اتحاد محترمانه‌ای منعقد سازند.

«به هر حال چون چند ماه پس از تجاوز آنها این اتحاد برقرار می‌گشت بهتر بود که پیش از آن واقعه این اتحاد صورت گیرد تا خونی ریخته نشود و بین مردم کشور من و روسها و انگلیسها بغض و کینه به وجود نیاید.

«از این گذشته هرگاه متفقین از آمدن قوای آلمان به ایران نگران بودند چرا به وسیله عقد اتحاد نظامی یا سیاسی از ما کمک نظامی نخواستند؟ بعضیها ممکن است تصور کنند که با علاقه رضاشاه به حفظ بیطرفی کامل، چنین درخواستی به هیچ وجه معقول نبود. پاسخ من به این موضوع این است که پدرم مرد منطقی و منصفی بود و ترقی و سعادت کشور و رفاه مردم ایران را بر هر چیز ترجیح می‌داد اگر متفقین از سخن گفتن در پرده و ابهام خودداری کرده و وضع حقیقی سوق‌الجیشی خود را با در نظر گرفتن منافع ایران برای رضاشاه مجسم کرده بودند بدون تردید به مطلب آنها پی‌برده بود و همچنین عقیده من این است که یا پدرم پیشنهادهای متفقین را قبول می‌نمود و یا اینکه خود به کنار می‌رفت و انجام آن را بر عهده من واگذار می‌فرمود و متفقین هم دیگر احتیاجی نداشتند که نیرویی را که در نقاط دیگر لازم داشتند به ایران گسیل دارند و ما هم از هرج و مرج و وهنی که تجاوز و تصرف کشور به وجود آورده بود مصون مانده و زودتر در نبرد عمومی بر علیه ستمکاریهای هیتلر شرکت جسته بودیم.

«پس از پیشنهاد یک اتحاد سیاسی و نظامی اعم از اینکه نتیجه‌ای می‌بخشید یا شمر ثمری واقع نمی‌شد، متفقین باید مسئله ارسال مهمات را با مقاصد و هدفهایی که در آغاز جنگ اعلام کردند و حفظ آزادی و استقلال ملل کوچک را متعهد شدند هم‌آهنگ می‌ساختند.

«اولیای مسئول متفقین باید با پدرم و یا با من اگر جانشین او شده بودم وارد مذاکره شده و می‌گفتند:

«ما مجبوریم مقدار زیادی مهمات جنگی به کشور روسیه که سخت در مضیقه است برسانیم و از لحاظ جغرافیایی و منطقی کشور ایران تنها طریق حصول این منظور است. ما حاضریم در ازای استفاده از بنادر و راه‌آهن سرتاسری ایران و جاده‌های این کشور مبلغ منصفانه‌ای پرداخت کنیم و هیچ‌گونه تجاوز و تخطی به بیطرفی و استقلال کشور ایران نخواهیم کرد. نیروی نظامی به خاک ایران گسیل نمی‌داریم و فقط اگر موافقت کنید متخصصین امور حمل و نقل به ایران اعزام می‌داریم تا در حمل

و نقل مهمات و حفظ نقاط حساس راه کمک کنند. ارسال مهمات از راه ایران برای ما امر حیاتی است و ترجیح می‌دهیم که این کار به‌وسیله عقد قرارداد دوستانه با شخص اول کشور یعنی شاه انجام گیرد».

«باید به‌خاطر داشت که هیتلر هم‌چنین قراردادی با دولتمندان سوئد و سوئیس برای حمل مهمات از طریق آن کشورها داشت و نظر اصلیش هرچه بود بیطرفی آن کشورها را محترم شمرده و حتی این حق را برای خود نخواست که نگهبانان و متخصصین امور حمل و نقل خود را به آن کشورها اعزام دارد. آیا متفقین قادر نبودند که بدین ترتیب بیطرفی ما را محترم شمارند؟

«اگر در آن موقع من به‌سلطنت رسیده بودم پیشنهادهای آنها را به‌نحوی که ذکر کردم قبول می‌نمودم و تصور می‌کنم اگر رضاشاه هم از سلطنت کناره‌گیری نکرده بود او هم قبول می‌نمود. زیرا با اطلاعی که از روحیات پدرم دارم تصور می‌کنم که هر چند در باطن از عاقبت چنین پیشنهادهایی نگرانی پیدا می‌کرد ولی پذیرفتن آنها را بر سر اشغال کشور ایران ترجیح می‌داد. در آن صورت زمان به‌سلطنت رسیدن من هم به‌تأخیر می‌افتاد ولی برای من اهمیتی نداشت زیرا کشور من از مشکلات و سختیهای بسیار رهایی می‌یافت و منافع متفقین هم بیشتر و بهتر تأمین می‌شد و دیگر الزامی نداشتند که نیروی عظیمی را در این کشور معطل نمایند.

«ولی وقایع به‌طرز دیگری جریان پیدا کرد. گاهی گفته می‌شود که علت استعفای پدرم علاقه او به‌حفظ تاج و تخت ایران برای فرزندش بوده است ولی این سخن گمراه‌کننده است. زیرا مراقبتی که او در تعلیم و تربیت من مبذول می‌داشت به‌خوبی حاکی از این بود که مسئله جانشینی من همواره در ذهنش بود و ارتباط به‌زمان خاصی نداشت. علت اساسی استعفای پدرم این بود که وی مردی نبود که بماند و اشغال وطن را بدست نیروهای اجنبی و دخالت آنها را در امور داخلی ایران مشاهده کند و این نکته را با کلماتی که از احساسات و عشق نهانی او حکایت می‌کرد به‌من فرمود:

«مردم همیشه مرا شاهنشاهی مستقل و صاحب اراده و نیرومند و حافظ منافع خود و کشور شناخته‌اند با این حیثیت، و حسن اعتماد و اطمینانی که مردم به‌من دارند نمی‌توانم پادشاه اسمی کشور اشغال شده‌ای باشم و از یک افسر جزء انگلیسی و یا روسی دستور بگیرم. در این موقع ذکر این نکته را لازم می‌دانم که وقتی من به‌سلطنت رسیدم با هیچ‌یک از نمایندگان متفقین جز سران دولتها و سفرای کبار آنها

وارد مذاکره نشده و کسی را نپذیرفتم.

«به هر حال خارجیها خوب می‌دانستند که همکاری با پدرم برای آنها امکان‌پذیر نیست چنانکه پدرم نیز به هیچ وجه نمی‌توانست با آنها کار کند. صحیح است که او را برای استعفای از سلطنت و ترک وطن در فشار گذاشتند ولی عجیب آن است که میل خود او همین بود و بنابراین می‌توان گفت که اعلیحضرت فقید با موافقت متقابل بین او و متفقین از وطن خویش دوری گزید.

«آخرین نگاهی که پدرم به میهن انداخت، از عرشه یک کشتی انگلیسی بود که وی را به جزیره موریس می‌برد. اول قرار بود که به امریکای جنوبی رهسپار شود ولی در عوض اول به جزیره مزبور که واقع در مشرق ماداگاسکار و از مستعمرات انگلیس است عزیمت نمود و از آنجا نیز به ژوهانسبورگ در افریقا رفت و سه سال بعد (یعنی در سال ۱۳۲۲) در سن هفتاد سالگی در آن شهر بدرود حیات گفت.

«باری روزی که در سن بیست‌دو سالگی مسئولیت تاج و تخت ایران را به عهده گرفتم خویشتن را با مشکلات فراوانی روبرو یافتم. اولین اقدام من، تعیین سیاست خارجی جدید ایران بود. زیرا سیاست بیطرفی رسمی که پدرم اتخاذ کرد نتیجه سوء بخشیده و یک سیاست شکست خورده محسوب می‌گردید. من با کمال وضوح احساس کردم که همکاری با متفقین نه تنها غیر قابل اجتناب است بلکه اتخاذ چنین سیاستی بسیار لازم و به نفع کشور خواهد بود. خوشبختانه نخست‌وزیر جدید من، محمدعلی فروغی که یکی از سیاستمداران و دانشمندان بنام ایران بود با تمام نظریات من در این مورد کاملاً موافق و همراه بود و بکوشش آن مرد مذاکرات به منظور انعقاد قرارداد اتحاد سه جانبه با انگلیس و روسیه به عمل آمد و این قرارداد بین انگلستان و روسیه و ایران در ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ به امضا رسید. در این قرارداد دو دولت متفق تصریح کردند که وجود سربازان آنها در خاک وطن ما هرگز صورت اشغال نظامی نخواهد داشت. (هر چند تمام ایرانیان این وضع را اشغال نظامی می‌دانستند) ضمناً تعهد نمودند که تعامیت و حاکمیت سیاسی کشور ما را محترم داشته و شش ماه پس از خاتمه جنگ با آلمان قوای خود را از خاک ایران خارج سازند و قول دادند که مشکلات اقتصادی ایران را که در نتیجه جنگ ایجاد شده بود تسهیل نمایند. ما نیز به نوبه خود برای عبور نیروهای متفقین از طرق ارتباطی ایران به منظور حمل ذخائر جنگی به روسیه، تسهیلات

و مزایای مورد نیاز را برای آنها تأمین کردیم. در اثر اتخاذ این سیاست جدید با آلمان و ایتالیا و ژاپن قطع رابطه سیاسی کردیم و در ۹ سپتامبر ۱۹۴۳ به آلمان نازی اعلان جنگ دادیم.

«مداخلات پی‌درپی متفقین در امور سیاسی کشور ایران، من و مردم ایران را کاملاً متنفر کرده بود. برای روشن شدن این قضیه ذکر یک واقعه به عنوان مثال کافی است: صرف‌نظر از تورم پولی که در آن زمان ایجاد شده بود متفقین اعلام داشتند که مبالغ هنگفتی اسکناس رایج ایران برای رفع احتیاجات و پرداخت هزینه نیروی آنها در ایران باید انتشار یابد و چون این تقاضا مخالف با قوانین جاریه کشور بود، متفقین از قوام نخست‌وزیر وقت خواستند بدون در نظر گرفتن موازین قانونی با هر وسیله‌ای که هست این تقاضا را انجام دهد. و چون در پاسخ گفته بود که چنین امری غیرممکن است بروی فشار آوردند که قانون جدیدی از مجلس بگذرانند. او در جواب اظهار داشته بود که احتمال نمی‌رود مجلس شورای ملی با چنین قانونی موافقت نماید. متعاقب این مذاکرات روزی سفیر کبیر انگلیس به حضور من آمد و اظهار داشت که وی از جانب دولت متبوعه خود و از جانب دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت آمریکا باید اظهار کند که قوام مورد اعتماد آنهاست ولی با مجلس فعلی قادر به انجام کاری نیست. آنگاه تقاضای انحلال مجلس را از من نمود. این پیشنهاد عجیبی بود که نماینده یک دولت بیگانه به من می‌کرد. به‌وی گفتم که این من و ملت ایران هستیم که باید به‌دولتی اظهار اعتماد کنیم نه شما و هرچند که با هم دوست و متحد هستیم ولی تنها من و ملت ایران می‌توانیم نسبت به انحلال مجلس تصمیم اتخاذ کنیم و من اجازه نخواهم داد که بیگانگان در چنین امری بما دستور بدهند و پیشنهاد مزبور را قویاً رد کردم. دیری نگذشت که در همان سال عده‌ای آشوبگر در تهران بنای اغتشاش را گذاشتند و انگلیسها نیروی خود را که پس از ورود بایران از تهران خارج کرده بودند ظاهراً بمنظور برطرف کردن غائله به پایتخت اعزام داشتند و بدین طریق مجلس را تهدید کردند تا با تقاضای آنها موافقت کند.

«در استانهای شمالی ایران روسها از همکاری با مأمورین کشوری ما امتناع داشتند و این نواحی را کاملاً تحت تسلط نظامی و سیاسی و اقتصادی خویش درآورده بودند و منطقه روسها تقریباً کشور جداگانه‌ای شده بود. چنانکه وقایع بعد نشان داد نقشه روسها این بود که قسمت مهمی از این نواحی را به‌همین شکل نگاه دارند.

«مجلس شورای ملی به مرکز مبادله اتهامات ناروا تبدیل شده و برنامه منظمی نداشت بلکه قوه مقننه در قوای مجریه و قضائیه مداخله و از جریان قانون جلوگیری می‌کرد. روحیه کارمندان دولت نیز به آخرین درجه ضعف رسیده بود.

«یکی از نخستین کارهای من در آغاز سلطنت این بود که مشروطه دموکراسی را دوباره احیا کنم. در آن موقع حیات سیاسی ما چنان دچار هرج و مرج شده بود که اگر از روش دموکراسی اصلاً مأیوس می‌شدم جای تعجب نبود ولی خوشبختانه عقاید سیاسی من چنان مستحکم شده بود که اوضاع و پیشامدهای تهدیدکننده نمی‌توانست مرا به ترک اصولی که بزرگان جهان مانند جفرسون آن را پذیرفته و من نیز مصمم به حفظ آنها بودم وادار سازد.

«از لحاظ اقتصادی در کشور ما قیمت کالاها به سرعت سرسام‌آوری بالا می‌رفت و در فاصله بین سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۲ تورم پول به مرحله خطرناکی رسیده و هزینه زندگی ۴۰۰ درصد بالا رفته بود و مخارجی که متفقین در ایران می‌کردند جریان پول را سریع‌تر ساخته و بهای اجناس کمیاب را اتصالاً بالاتر می‌برد. محصول گندم و برنج استانهای شمال برای مصارف سایر نقاط ایران کافی بود ولی در آن موقع روسها از حمل این محصولات ممانعت می‌کردند و آن را برای مصارف خود اختصاص داده بودند.

«مصادره کامیونها و واگونها باری مانع حمل و نقل خواربار و سایر مایحتاج عمومی شده و خود باعث افزایش قیمتها شده بود وعده‌ای از سرمایه‌داران وظیفه‌ناشناس ایرانی نیز از موقع سوء استفاده کرده و دست به احتکار و سفته‌بازی زده و بر ثروت خود و فقر نیازمندان می‌افزودند.

«گرچه این مطلب عجیب و باورنکردنی به نظر می‌آمد ولی حقیقت این است که متفقین حتی کوشش کردند کارخانه‌های اسلحه و مهمات‌سازی ما را هم مصادره نمایند. روسها اصرار داشتند که کارخانه‌های فشنگ‌سازی را که بدست پدرم ایجاد شده بود به کشور شوروی انتقال دهند و انگلیسها مصمم بودند که توبهای ۱۰۵ میلیمتری متعلق به ارتش ایران را تصرف کنند ولی من از این اعمال و سایر مصادره‌هایی که در نظر داشتند جلوگیری کردم.

«در طول مدت اشغال کشور ایران یکدم از غم و اندوه آسوده نبودم و چه شبهایی که تا صبح از شدت نگرانی بیدار بودم. من اصولاً و عملاً با عمل متفقین در

اشغال ایران مخالف بودم و به نظر من بدون جهت به استقلال و حق حاکمیت ما لطمه زده بودند. به هر طرف چشم می‌انداختم مردم کشور ایران را گرفتار بدبختی و مشقتی که نمره روش سیاسی و اقتصادی متفقین بود می‌دیدم. و روح من از آزمندی بعضی از ثروتمندان ایرانی که پشت پا به منافع کشور ایران و رفاه مردم این سامان زده بودند بیشتر از همه چیز رنج می‌برد.

«در جریان این اوضاع متفقین با کمال موفقیت از طریق کشور من ذخایر و مهمات جنگی را به روسیه می‌فرستادند. ترتیب حمل ذخایر بدین ترتیب بود که انگلیسها محمولات را از بنادر خلیج فارس تا تهران می‌آوردند و به روسها تحویل می‌دادند که خود به روسیه حمل کنند.

«در اواخر سال ۱۹۴۲ نیروی امریکا در خلیج فارس که عده آن به تدریج به ۳۰۰۰۰ نفر رسید نیز به انگلیسها ملحق گردیدند.

«در تابستان سال ۱۹۴۲ اولین بار وینستون چرچیل را که برای ملاقات با استالین از طریق ایران عازم مسکو بود ملاقات کردم. وی دو روز در تهران اقامت گزید و طی ضیافت ناهاری که برای او ترتیب داده بودم مذاکرات جالبی بین او و من پیش آمد. به نظر من یکی از مسائل مورد بحث مسئله ورود نیروی متفقین به قاره اروپا و درهم شکستن قوای هیتلری بود. من به چرچیل پیشنهاد کردم که متفقین اول به ایتالیا حمله کنند و پس از آنکه وضع خود را در آنجا تثبیت نمودند از طریق بالکان به حمله عظیم خود مبادرت ورزند. در حالی که چرچیل به پیشنهاد من گوش فرا داد و در باب آن فکر می‌کرد متوجه شدم که چشمانش برقی زد. در آن موقع درباره پیشنهاد من اظهاری نکرد ولی نقشه بعدی وی درباره تسخیر اروپا از طریق «شکم نرم» یعنی ایتالیا چندان هم از پیشنهاد من دور نبود. البته توافق نظریات کلی سوق الجیشی ما دو نفر بر سبیل اتفاق بود ولی اگر نقشه مزبور عملی می‌شد محققاً سرنوشت ملل کشورهای مرکزی اروپا طور دیگری ثبت تاریخ می‌گردید.

«در ماه نوامبر ۱۹۴۳ کنفرانس تاریخی تهران با شرکت روزولت و استالین و چرچیل تشکیل گردید. در طی مدت کنفرانس روزولت به دلائل نامعلومی در سفارت کبرای شوروی که محل توقف استالین بود اقامت گزید ولی چرچیل در سفارت انگلیس (که پس از انعقاد کنفرانس به سفارت کبری ارتقاء یافت) سکونت اختیار کرد.

روزولت به علت ضعف مزاج قادر نبود که از محل خود خارج شود و این مسئله وضع عجیبی را پیش آورده بود بدین کیفیت که من برای ملاقات او به سفارت کبرای شوروی رفتم و حال آنکه استالین شخصاً به ملاقات من آمد. کلیه جلسات کنفرانس هم در سفارت کبرای شوروی منعقد می شد و فقط یکبار چرچیل به مناسبت روز تولد خود در سفارت انگلیس ضیافتی ترتیب داد.

روزولت در نظر من یک نفر باختری ممتاز و برجسته آمد و بنا به سنت دیرین دانشمندان شیفته و فریفته ایران و فرهنگ این سرزمین بود. با وجود آنکه با سیاست خارجی روزولت در بعضی جهات کاملاً مخالف بودم وی را از جهات دیگر به چشم تحسین و تکریم نگاه می کردم.

«وقتی ملت ایران از متن اعلامیه روزولت و چرچیل و استالین در کنفرانس تهران آگاهی یافتند بسیار شادمان شدند زیرا میلیونها افراد این کشور از خرابی اوضاع اقتصادی خود بجان آمده و در حیرت بودند که آیا پس از ختم غائله جنگ آزادی از دست رفته را باز خواهند یافت یا نه.

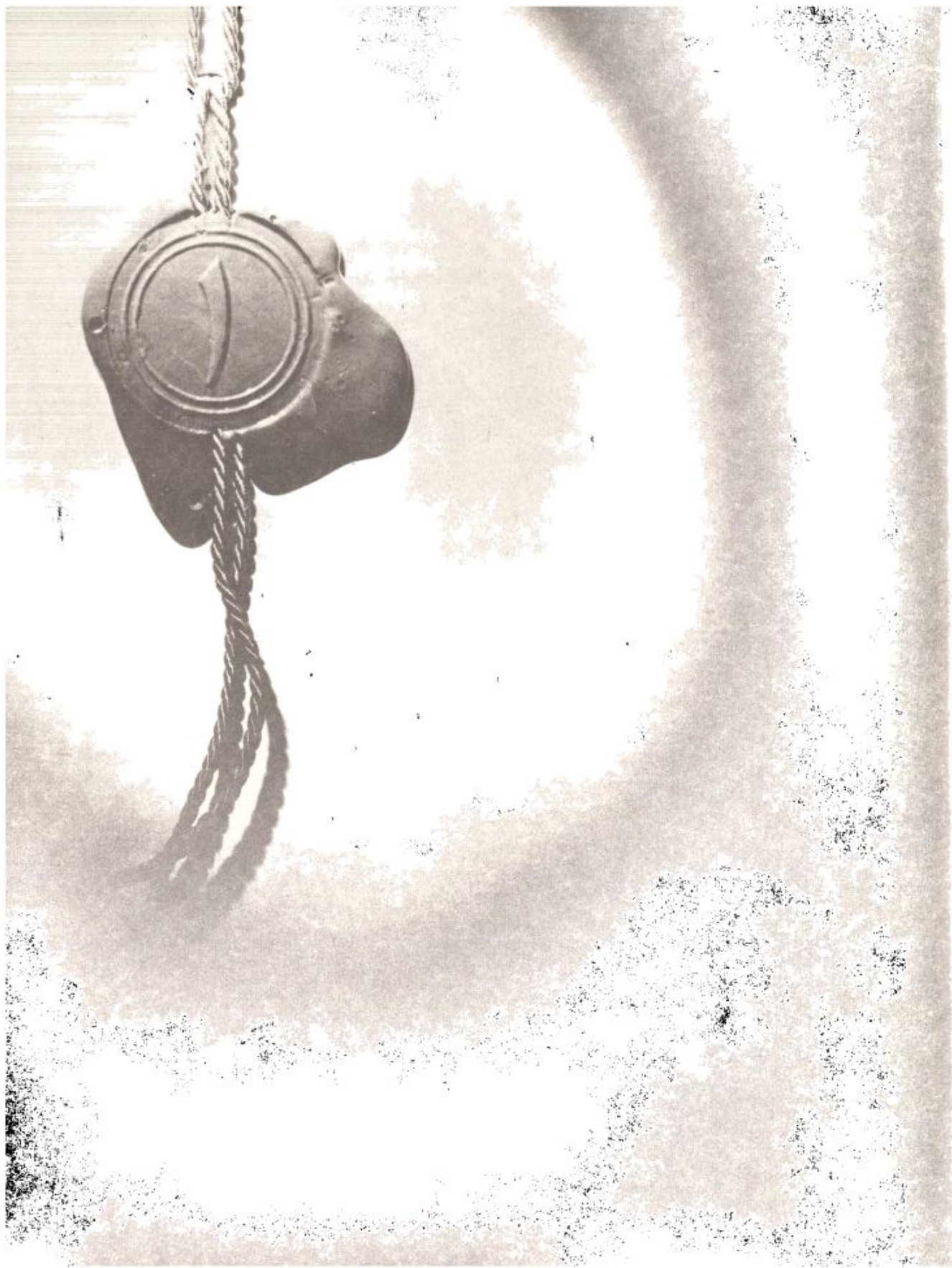
«اعلامیه تهران که در روز اول دسامبر صادر شد از نظر وقایعی که بعداً رخ داد آنقدر مهم است که باید بعضی از قسمتهای اساسی آن در اینجا ذکر شود.

«دولتهای کشورهای متحد امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان کمکهایی را که ایران در پیشرفت جنگ بر علیه دشمن مشترک و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسایل حمل و نقل مهمات از ممالک ماوراء بحار به اتحاد جماهیر شوروی به عمل آورده تصدیق دارند. سه دولت نامبرده تصدیق دارند که جنگ برای ایران دشواریهای مخصوص اقتصادی ایجاد کرده است و موافقت کردند که هر گونه مساعدت اقتصادی که امکان داشته باشد برای دولت ایران فراهم کنند.

«دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان با دولت ایران در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران وحدت نظر دارند. و به مشارکت دولت ایران با سایر ملل طرفدار صلح در استقرار صلح بین المللی و امنیت و رفاه پس از جنگ طبق منشور اتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.

«دولت شوروی که یکی از امضاء کنندگان پیمان اتحاد سه جانبه بود، ملتزم و متعهد گشته بود که در ظرف شش ماه پس از خاتمه جنگ کلیه نیروی نظامی خود را از کشور ایران بیرون ببرد. چنانکه در اعلامیه تهران قید شده بود، دولتهای کشورهای متحده امریکا و روسیه و انگلستان ملتزم و متعهد شده بودند که استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران را محترم بشمارند. به نظر من تمام ایرانیان نزد خود تصور می کردند که استالین مفاد عهدنامه و اعلامیه را محترم شمرده و به قولی که داده است وفادار خواهد ماند. روز یازدهم اسفند ۱۳۲۴ مصادف با آخرین روزی بود که دوره شش ماهه پس از اختتام جنگ سپری می گشت و در آن روز باید نیروهای متفقین کاملاً ایران را تخلیه کرده باشند و تا آن روز نیروهای انگلیسی و امریکایی نیز کلاً از خاک ما بیرون رفته بودند. ولی با کمال تعجب و نگرانی دیدیم استالین بقول مؤکد خود وفا نکرده و نه تنها نیروی خود را از کشور ما خارج نساخته بلکه رویه ای را پیش گرفته است که جهان آزاد را به تکان و هیجان انداخت....»

شاهنشاه آریامهر در کتاب «مأموریت برای وطنم» رویدادهای شهریور ماه ۱۳۲۰ (۲۵۰۰ شاهنشاهی) را از دیدگاه نظاره گری آگاه ترسیم کرده و سپس اوضاع ایران را طی جنگ دوم جهانی، به عنوان قهرمانی که در متن حوادث شرکت جسته و رهبری ملت خود را در سالهای دشوار جنگ به عهده داشته است، تشریح فرموده اند. به منظور ارائه اسناد و مدارکی که در این نوشته تاریخی به آن اشاره رفته است، نخست نگاهی به اوضاع عمومی اروپا، قبل از جنگ جهانی دوم انداخته، و سپس به نقل مدارک و اسناد می پردازیم تا ضمن اشاره به اهمیت نقش ایران در پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، کوششهایی که منجر به تضمین استقلال ملی ایران گردید، از دیدگاه تاریخ مستور نماند.



اروپا تا اسلام و
سیاست

در آتش بزرگ جنگ

تحولات سیاسی و نظامی در آلمان

- متعاقب کناره‌گیری آلمان از عضویت در «جامعه ملل» (۲۱ اکتبر ۱۹۳۳) و آزادی از قید و بند پاره‌ای نظامات بین‌المللی، این کشور به یک سلسله اقدامات سیاسی توسعه‌طلبانه در خاک اروپا، دست زد و با تکیه به نیروی نظامی اقدام به رفع محدودیت‌های حاصل از انعقاد عهد چند جانبه کرد. نخستین اقدامات آلمان هیتلری را در این زمینه، می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:
- ۱- در ۱۶ مارس ۱۹۳۵ خدمت نظام عمومی را در سراسر کشور آلمان برقرار ساخت.
 - ۲- در ۱۳ ژانویه ۱۹۳۵ ناحیه «سار» را اشغال کرد.
 - ۳- در ۷ مارس ۱۹۳۶ معاهده «لوکارنو» را نقض و ناحیه «رنانی» را برخلاف معاهده مزبور مجدداً منطقه نظامی اعلام داشت.
 - ۴- در ۱۴ نوامبر ۱۹۳۶ آن قسمت از معاهده ورسای را که مربوط به مقررات کشتیرانی در رودخانه‌ها می‌شد ملغی کرد.
 - ۵- در ۳۰ ژانویه ۱۹۳۷ طرح «داوس» مربوط به نظام و مقررات راه‌آهن و رایش بانک را منسوخ شناخت.
 - ۶- در ۱۳ مارس ۱۹۳۸ خاک اتریش و اراضی «سودت» را به موجب موافقت‌نامه مونیخ (۲۹ سپتامبر ۱۹۳۸) اشغال و ضمیمه خاک آلمان کرد.
 - ۷- در ۱۵ مارس ۱۹۳۹ چکوسلواکی و در ۲۲ مارس ناحیه «ممل» و در ۲۳ اوت بندر «دانتزیک» را اشغال کرد.
 - ۸- در ۲۸ آوریل ۱۹۳۹ موافقت‌نامه آلمان و لهستان و در ۱۸ ژوئن همان سال موافقت‌نامه دریایی انگلیس و آلمان را ملغی ساخت.
- در تمام این دوران، دول بزرگ آن روز جهان که ناظر بر این تحولات بودند، جهت احتراز از هرگونه مناقشه و درگیری با حکومت نازی جز از راه‌های متعارف دیپلماسی اقدامی نمی‌کردند. با این حال سیاستمداران مدبر و دوراندیش دنیا می‌دانستند که اقدامات دولت آلمان نازی مقدمه طوفان هولناکی در اروپا و شاید در سراسر جهان است، لذا متعاقباً دول معظم

اروپایی در صدد برآمدند به وسیله عقد معاهدات و قراردادهایی به یکدیگر نزدیک شوند تا در صورت بروز جنگ آماده باشند. از جمله در اوایل سال ۱۹۳۹ نمایندگان سه دولت فرانسه و انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی برای عقد قرارداد نظامی در مسکو اجتماع کردند. سرانجام در سپیده دم روز اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ با تجاوز ارتشهای آلمان به لهستان جنگ جهانی دوم آغاز شد. طولی نکشید که با پشتیبانی دولتین فرانسه و انگلیس از لهستان، که مورد تهاجم ارتش نازی قرار گرفته بود، آتش جنگ زبانه کشید و در اندک مدتی شعله های آن به ممالک دیگر جهان سرایت کرد. دو جبهه متخاصم به نام «متفق» و «محور» در شرق و غرب و شمال و جنوب در برابر یکدیگر قرار گرفتند و مدت پنج سال سراسر جهان به خاک و خون کشیده شد. هریک از دولتها یا در صف متفقین در آمدند و یا با دول محور هم پیمان گردیدند. اما پاره ای نیز با اعلام بی طرفی، خود را از معرکه کارزار برکنار نگاه داشتند.

اعلام بی طرفی ایران

از جمله کشورهایی که صلاح خود را در بی طرفی دید، دولت ایران بود. اعلیحضرت رضاشاه که به احیای مبانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، و فرهنگی سرزمین خود همت گماشته بودند و به هیچ وجه نمی خواستند شاهد بازگشت کشور به انحطاط دوران قبل از سلطنت خویش باشند، با پیدایش نخستین آثار جنگ در صدد برآمدند ایران را بی طرف اعلام کرده، از آتش جنگ برکنار نگاه دارند. بنابراین به دولت دستور اکید دادند که در این خصوص بررسی جامعی انجام دهد.

دولت در اجرای اوامر اعلیحضرت رضاشاه به وسیله وزارت امور خارجه از سفارت ایالات متحده آمریکا تقاضا کرد کلیه قوانین و مقررات و آیین نامه های بین المللی مربوط به حالت بی طرفی و عدم تخاصم را ارسال دارند، تا نسبت به وضع کشور در قبال جریانات نظامی و سیاسی بین المللی تصمیم لازم اتخاذ گردد.

پس از اتمام مطالعات دولت، اعلیحضرت رضاشاه در مراسم گشایش دوازدهمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی سیاست خارجی ایران را چنین اعلام فرمودند: «در روابط ایران با کشورهای دیگر، مخصوصاً کشورهای همسایه که پایه آن براساس دوستی و احترام متقابل استوار می باشد، دولت ایران بی طرفی کامل را پیروی می نماید و آرزومند است در نزدیکترین وقت آرامش برقرار شود؛ زیرا که ادامه جنگ لطمه به اوضاع مالی و اقتصادی کلیه امور وارد خواهد آورد و مدنیت دنیا را تهدید می کند».

پیرو بیانات اعلیحضرت رضاشاه از طریق مقامات دولتی و سیاسی کشور نیز اقدامات عیدیه در جهت اعلام بی طرفی ایران به عمل آمد.

در اینجا به برخی از اسناد که روشنگر این فعالیتها و اقدامات است، اشاره می‌نمایم.
دولت در ۱۱ شهریور ۱۳۱۸ بیانیه‌ای به این شرح صادر کرد:

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۱ شهریور ۱۳۱۸

بیانیه رسمی

«در این موقع که متأسفانه نایره جنگ در اروپا مشتعل گردیده است، دولت شاهنشاهی ایران به موجب این بیانیه تصمیم خود را به اطلاع عموم می‌رساند که در این کارزار بی‌طرف مانده و بی‌طرفی خود را محفوظ خواهد داشت.»

نخست وزیر

محمود جم

بلافاصله پس از انتشار این بیانیه، از طرف وزیر کشور نیز اعلامیه دیگری به این شرح انتشار یافت:

شماره: ۵۹۶۵

تاریخ: ۱۱ شهریور ۱۳۱۸

اعلامیه وزارت کشور

«در این موقع که متأسفانه نایره جنگ در اروپا برپا شده است، به بیگانگانی که در ایران به هر عنوان زیست می‌نمایند لزوماً آگهی داده می‌شود که از ابراز هرگونه احساساتی که منافای بی‌طرفی کشور ایران باشد، جداً خودداری کرده و متوجه باشند که مبدا برخلاف مقررات بی‌طرفی حرکتی از آنها ناشی شود.»

وزیر کشور

علی‌اصغر حکمت

همچنین نخست‌وزیر وقت کشور با ایراد بیاناتی در جلسه علنی مجلس شورای ملی تصمیم دولت را چنین به اطلاع نمایندگان مردم رسانید:

«...فقط چیزی که اسباب تأثر ما هست وقوع جنگ اروپاست. در این باب خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که تصمیم دولت شاهنشاهی به امر مبارک

همایونی این بوده است که بی‌طرف باشد و بی‌طرفی کشور ایران را در هر مورد حفظ نماید...»

از طریق وزارت امور خارجه نیز بخشنامه زیر به‌عنوان سفیران، وزیران مختار و کاردارهای مقیم دربار شاهنشاهی صادر گردید:

شماره: ۲۵۹۴۵/۴۲۵۷

تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۱۸

آقای سفیرکبیر

آقای وزیر مختار

آقای کاردار

«محترماً به‌آگاهی آن جناب می‌رساند، در این موقع که نایره جنگ در اروپا مشتعل گردیده است دولت شاهنشاهی ایران تصمیم گرفته است که در این کارزار بی‌طرف مانده و بی‌طرفی خود را محفوظ دارد. خواهشمند است این تصمیم دولت شاهنشاهی را به‌آگاهی دولت متبوعه خودتان برسانید.»

با تجدید احترامات فائقه - وزیر امور خارجه

مظفر اعلم

همزمان با ارسال بخشنامه مذکور، تصمیم دولت شاهنشاهی مبنی بر حفظ بی‌طرفی ایران در جنگ به‌کلیه نمایندگیهای شاهنشاهی در خارج از کشور نیز طی بخشنامه‌هایی به‌شرح زیر اطلاع داده شد تا مراتب را به‌آن کشورها ابلاغ نمایند:

شماره: ۲۵۹۱۹

تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۱۸

بخشنامه به‌کلیه نمایندگیهای شاهنشاهی در خارج

«در این موقع که جنگ در اروپا در گرفته، دولت شاهنشاهی تصمیم گرفته است بی‌طرف مانده و بی‌طرفی خود را محفوظ دارد. مراتب به‌سفارتخانه‌ها در تهران اعلام

شد. در آنجا تصمیم دولت شاهنشاهی را به اطلاع وزارت امور خارجه برسانید.»

وزیر امور خارجه

مظفر اعلم

در پاسخ این بخشنامه‌ها و تلگرافات از طرف سفارتخانه‌های انگلیس و شوروی
یادداشت‌هایی به شرح زیر به وزارت امور خارجه ارسال گردید:

یادداشت سفارت انگلیس در تهران

شماره: ۳۹۶۰

تاریخ: ۱۵ شهریور ۱۳۱۸

آقای وزیر،

«محترماً وصول نامه جنابعالی شماره ۲۵۹۴۵/۴۲۵۷ مورخه ۱۳ شهریور (۵ -
سپتامبر ۱۹۳۹) را که بدان وسیله تصمیم دولت شاهنشاهی را دایر به بی طرفی آن دولت
در جنگی که در اروپا رخ داده، به دوستدار اطلاع داده بودند، اطلاع می‌دهم. دوستدار
تصمیم مزبور را بدولت متبوعه خود ابلاغ نموده‌ام.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.»

یادداشت سفارت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

شماره: ۲۸۶

تاریخ: ۱۴ شهریور ۱۳۱۸

آقای وزیر،

«با کمال احترام وصول نامه مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۱۸ شماره ۲۵۹۴۵/۴۲۵۷ -
جنابعالی را مشعر بر ابلاغ تصمیم دولت شاهنشاهی ایران به رعایت بی طرفی در جنگی
که در اروپا شروع شده تأیید می‌نماید. دوستدار تصمیم دولت شاهنشاهی را به آگاهی
دولت متبوعه خود رسانیده است.

موقع را مغتنم شمرده احترامات صمیمانه را تقدیم می‌دارد.»

در جریان تبادل نامه‌های فوق‌الذکر دولت شوروی پیوسته سعی داشت در هر فرصتی،
بی طرفی ایران و مناسبات دوستانه و روابط حسنه بین دولتن را به وسایل مختلف خاطرنشان کند.

در این زمینه گزارش زیر توسط محمد ساعد، سفیرکبیر وقت دولت شاهنشاهی ایران در مسکو، به وزارت امور خارجه ارسال شده است:

رونوشت تلگراف سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو به تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۱۸

«تعقیب تلگراف مورخه ۱۸/۱۱/۱۳ اینکه مرقوم داشته‌اند دولت شوروی پی به حقیقت نبرده و هنوز نسبت به بی‌طرفی کامل ایران در تردید است. چون نمی‌دانم این نظر وزارتخارجه مبنی بر چه مدارک و ناشی از کدام قرائن و آثار است، نمی‌توانم چیزی عرض کنم. اگر سفارت شوروی در تهران چنین اظهاریه نموده، شاید نظر شخصی خود سفیرکبیر بوده است. مشاهدات بنده همان است که دیروز تلگراف کردم. بنده کراراً در ملاقاتهای خود با آقای مولوتوف و جانشین او گفتم که دولت ایران بی‌طرفی کامل خود را حفظ نموده و برای تضمین و تشدید روابط خود با دولت شوروی خواهد کوشید. چنانکه در ملاقات اخیر با آقای مولوتف که موضوع روابط تجارتی پیش آمد، مشارالیه اظهار داشت:

«با روابط حسنه که فی‌مابین موجود است، و اعتماد متقابل در حسن‌نیت همدیگر یقین دارد، برای تجدید روابط تجارتی با اهتمام طرفین موافقت حاصل خواهد شد. جواب دادم:

«خیلی خوشحالم که این اظهارات دوستانه را از رئیس دیپلماسی شوروی می‌شنوم.»

آقای مولوتوف گفت:

«آقای سفیرکبیر، مگر در این احساسات ما تردیدی داشتید؟» گفتم:

«خیر، بالعکس فقط می‌خواستم امتنان خود را اظهار نمایم.»

«همچنین چندی قبل در ملاقات سفیرکبیر آلمان با آقای مولوتوف صحبت راجع به روابط روس و ایران پیش آمده بود. آقای مولوتوف اظهار داشته بود «روابط ما با ایران خوب است و ما در ایران به تدبیر و دوربینی و دوراندیشی شاهنشاه معظم ایران اطمینان داریم.»

«تابه حال در هیچ‌یک از ملاقاتهای بنده با کارکنان دولت شوروی در بی‌طرفی کامل ایران اظهار تردیدی نکرده‌اند. چنانکه دستور فرمودید برای تأکید و تأیید بی‌طرفی خود از کمیسر خارجه وقت خواستم که مطلب را تجدید، و اگر تردیدی و اظهاریه

نمایند جوابهای لازم بدهم.»

سفیرکبیر
محمد ساعد

در تأیید حسن مناسبات با دولت شوروی اعلیحضرت رضاشاه نیز در نطق افتتاحیه خود به‌هنگام گشایش دوازدهمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی راجع به روابط تجارتنی بین ایران و شوروی، در جواب مولوتوف، اظهار داشتند:

«... پیمان بازرگانی با شوروی مدت آن تمام شده و تجارت مابین دو کشور دچار وقفه شده است. ولی انتظار می‌رود مذاکرات مستقیم، وضعیت را با مراعات قانونی که مجری است، در اثر حسن‌نیت و مودت طرفین به‌حالت طبیعی خود برگرداند.»

مدتها بعد بار دیگر سفیر شوروی در تهران تشکرات دولت متبوع خود را درباره بی‌طرفی ایران اعلام داشته و تمایل آن دولت را برای همکاری و ایجاد تسهیلات لازم در امور اقتصادی و بازرگانی به اطلاع دولت ایران رسانید. وزارت امور خارجه مراتب فوق را به شرح زیر به اطلاع سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو رسانید:

شماره: ۹۶۷

تاریخ: ۱۲ تیرماه ۱۳۲۰

«آقای اسمیرنوف سفیرکبیر شوروی روز نهم تیر وارد و تقاضای ملاقات فوری از جناب آقای نخست‌وزیر کرد، عصر همان روز پذیرفته شد و اظهار داشت دولت شوروی از اعلام بی‌طرفی دولت ایران تشکر دارد و علاقه و دوستی خود را اظهار می‌دارد. در امور اقتصادی و بازرگانی مایل است همه‌گونه مساعدت بنماید، و در حمل کالاهای ترانزیتی، با وجود اشکالات کنونی، وعده تسهیلات می‌دهد. ضمناً تقاضا دارد نسبت به کالاهایی که دولت شوروی از کشورهای دیگر خریداری و از جنوب ایران می‌خواهد وارد کند، اجازه ترانزیت داده شود. درخاتمه اظهارات سفیرکبیر، با اظهار احساسات دوستانه وعده همکاری

صمیمانه در کارهای مربوط داده شد و چنین اضافه گردید مبنای سیاست دولت شاهنشاهی بر دوستی و حسن تفاهم است، که همیشه به‌شهود رسیده و امید است با حسن‌نیت طرفین همواره تحکیم و برای منافع مشترک نتایج نیکو حاصل نماید. در کارهای بازرگانی و اقتصادی از طرف دولت ایران نیز کمال مساعدت و تسهیلات می‌شود. نسبت به تقاضای ترانزیت هم وعده داده شد که در آنچه منافی اصول بی‌طرفی نباشد، موافقت و اجازه داده شود.

«سفیرکبیر با اظهار امتنان گفت از همین قرار به‌مسکو تلگراف خواهد نمود.»

جواد عامری

اعلام بی‌طرفی ایران در مخاصمه بین‌المللی در مطبوعات جهان انعکاس وسیعی یافت. جراید کشورهای خارج هریک در اطراف تصمیم دولت ایران دایر بر بی‌طرفی اخبار و مطالبی انتشار دادند که برای نمونه چند مورد از آنها را در اینجا می‌آوریم:

روزنامه‌الیوم چاپ بیروت در شماره ۶۵۴ مورخه ۳ نوامبر ۱۹۳۹ زیر عنوان — «گشایش مجلس شورای ملی در ایران»، نوشت «نطق شاهنشاه ایران بی‌طرفی این کشور را در جنگ کنونی تأیید می‌نماید.»

روزنامه فرمدن بلات منتشره در هامبورگ در شماره مورخه ۲ نوامبر ۱۹۳۹ — (۱۳۱۸/۸/۱۰) شرحی در حفظ بی‌طرفی دولت ایران درج کرد.

روزنامه فلسطینی چاپ یافا در شماره ۴۲۰۰/۳۱۳ مورخ ۱۹۳۹/۱۰/۲۸ — (۱۳۱۸/۸/۵) زیر عنوان «ایران می‌خواهد در بی‌طرفی باقی بماند» مطلبی نوشت.

روزنامه ژورنال ایتالی نامه‌ای از سفارت شاهنشاهی در رم انتشار داده مبنی بر اینکه دولت شاهنشاهی تصمیم گرفته است در این جنگ به‌طور کامل بی‌طرفی خود را حفظ کند و اخباری که هر روز در روزنامه‌های وابسته به ادارات انگلیسی و مصری منتشر و گفته می‌شود که دولت شاهنشاهی تصمیم دارد به‌نفع کشورهای متفق وارد جنگ شود، بی اساس است.

روزنامه المصری، چاپ قاهره زیر عنوان «میان روسیه و ایران اختلافی نیست» از وقایع خبری تهران مطلبی درج کرده که ترجمه آن به این قرار است:

«تهران — جناب علی منصور، نخست‌وزیر، صریحاً اظهار داشت که میان روسیه و ایران اختلافی وجود ندارد. این اظهارات کلیه تبلیغات و گفتگوهای بیگانگان را در خصوص این موضوع از میان برده است. آقای نخست‌وزیر حسن روابط ایران را با همه همسایگان تأکید و ادامه آن را تأیید کرد. نخست‌وزیر ایران برنامه کابینه خود را که مبنی بر بی‌طرفی کامل در جنگ اروپا می‌باشد، مانند کابینه‌های پیشین تصریح کرد.»

تدارک جنگ در اروپا

هرچند دولت آلمان در سال ۱۹۳۹ و قبل از شروع جنگ دوم جهانی به علل و جهات خاص سیاسی قرارداد عدم تجاوز با دولت روسیه شوروی منعقد کرد، ولی در پشت پرده از قصد خود صرف نظر نکرد و مترصد بود که در صورت لزوم پیمان منعقد را کان لم یکن تلقی نماید. دولت شوروی نیز که از قصد نهایی هیتلر بی اطلاع نبود انعقاد پیمان عدم تجاوز بین دو کشور را وسیله‌ای جهت استمهال و آمادگی نظامی خود تلقی می‌کرد. بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم، زمانی که سربازان متفقین وارد برلن، پایتخت آلمان، شدند و بایگانی وزارت امور خارجه آن کشور را تصرف کردند، اسناد و مدارک زیادی که مبنی بر چگونگی نیات زمامداران آلمان در خصوصت با روسیه بود، یافتند. این اسناد و مدارک تماماً حاکی از تصمیم تعرض آلمان به خاک شوروی بود. در بین این اسناد و مدارک نامه‌ای که هیتلر قبل از حمله به خاک روسیه، به موسولینی، متفق خود نوشته بود، حاوی مضامین مهمی در این مورد است. خلاصه این نامه چنین می‌باشد:

«... من در این اواخر به شما گفتم که تجربه حاصل از جنگ کرت و نتایجی که از آن به دست آمده ثابت کرده است که حمله به انگلستان مستلزم به کار افتادن کلیه قدرتها می‌باشد. اگر پیروزی نهایی فقط مستلزم تفوق قدرت هوایی بود، در اتخاذ چنین مسئولیتی یک دقیقه تأخیر نمی‌کردم، به شرطی که از طرف مشرق غفلتاً مورد تهاجم واقع نشوم. حرکت سربازان روسیه در مرزهای ما، رو به شدت گذاشته و ژنرال «بودل» در این خصوص به وابسته نظامی شما اطلاعات کافی داده است. با این اطلاعات می‌توان یقین حاصل کرد که قسمت اعظم سربازان روس در سرحدات ما تمرکز یافته و به فعالیت پرداخته‌اند. سربازان روس از وقتی که هوا رو به گرمی می‌رود، با عجله و شتاب مشغول ساختن استحکامات شده‌اند.

«به هر حال، من بعد از تفکر زیاد به این نتیجه رسیده‌ام که باید گره ریسمانی را که به دور گردن ما بسته می‌شود، قبل از اینکه فشار وارد آورد، قطع کنیم و بدین طریق به مرام مشترک خودمان در جنگ خدمت نماییم.»

این نامه صراحتاً دلالت دارد که دولت آلمان از طرف مشرق، یعنی روسیه بیمناک بود، و عملیات سربازان روسی را در مرزهای خود خطری بزرگ می‌پنداشت.

این بود که سرانجام هیتلر، باتمام مشکلاتی که در سر راه خود داشت تصمیم گرفت نیت خود را به موقع اجرا گذاشته، کار روسیه را یک طرفه سازد و سپس متوجه سرزمین اصلی انگلیس شود.

روز سوم ماه فوریه سال ۱۹۴۱، هیتلر شورای عالی جنگ را در برلن تشکیل داد. در این جلسه او نطقی راجع به ارتش روسیه و وضع آن کشور ایراد کرد که قسمتی از آن چنین است:

«... روسها یکصد لشکر پیاده و بیست و پنج لشکر سوار و سی لشکر زرهی دارند. سپاهیان ما، از حیث عده تقریباً همین مقدارند، اما از جهت ارزش نظامی به مراتب بر سربازان روسی ترجیح دارند. هنگام جنگ با شورویها ما نباید سعی در عقب نشینی و فرار آنان از میدان نبرد بکنیم. بزرگترین خطر برای ما عقب نشینی سربازان روسی است. ما باید سعی کنیم آنها را محاصره و نابود سازیم. در این صورت است که در همان پیشرفتهای اولی ما، ملت روس بر ضد استالین قیام کرده و در نتیجه رژیم استالین ساقط می گردد.

«جنگ روسیه بیش از شش تا هفت هفته به طول نخواهد کشید. بعد از این مدت، ما به خطی که از رود ولگا تا آرخانگل کشیده می شود، خواهیم رسید. این خط، همان خط دفاعی اروپاست...»

روز چهارم ماه ژوئن همان سال مجدداً هیتلر در جلسه دیگر شورای عالی جنگ اظهار داشت:

«جنگ با روسیه غیر قابل اجتناب و حتمی است...»

این بیانات جای تردیدی درباره خیال باطنی هیتلر باقی نمی گذاشت و مسلم بود که دیر یا زود جنگ خونینی در مشرق اروپا آغاز می شود، و ارتش آلمان با نیروی عظیم خود به خاک روسیه حمله می کند.

روز بیست و دوم ماه ژوئن سال ۱۹۴۱، ساعت سه و نیم بعد از نصف شب، در جبهه ای که از اقیانوس منجمد شمالی تا دریای سیاه ادامه داشت، حمله شدید نازیها به کشور روسیه شوروی آغاز گردید. همان طور که صدراعظم آلمان پیش بینی کرده بود، در اوایل کار پیروزی و فتوحات قابل توجهی نصیب آن دولت شد.

همزمان با اولین حمله سپاهیان آلمان اعلامیه هیتلر به وسیله وزیر امور خارجه آن کشور

از رادیو برلن خوانده شد.

هیتلر در این اعلامیه علل و موجبات حمله به خاک شوروی را به اطلاع جهانیان رسانید و در آن متذکر شد که هرگاه حمله به خاک روسیه، از طرف آلمان صورت نمی‌گرفت، روسیه شوروی با قوای کاملی که برای حمله به آلمان تدارک دیده بود، دیر یا زود به خاک آلمان حمله می‌کرد.

در اعلامیه اضافه شده بود که جنگ ساعت سه و نیم بعد از نصف‌شب بیست و دوم ماه ژوئن آغاز شده و ابتکار عملیات در دست سپاهیان آلمانی است. غافلگیری روسیه و سرعت عمل آلمانی‌ها به حدی بود که دوساعت بعد از شروع جنگ، سه هزار فروند هواپیمای روسی در فرودگاه‌ها نابود شدند.

در پایان آن روز، نصف هواپیماهای شوروی به شدت آسیب دیده بودند. وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان به محض اینکه حمله آلمان به روسیه آغاز شد، به دولت روسیه وعده هم‌گونه مساعدت و همراهی داد. چرچیل روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ این اعلامیه را منتشر ساخت:

«... دولت انگلیس باردیگر با یکی از لحظات حساس جنگ مواجه گردیده است. نخستین بار، موقعی بود که فرانسه سقوط کرد و انگلیس در میدان جنگ تنها ماند. دوم، هنگامی که نیروی هوایی انگلیس موفق گردید خطر تهاجم آلمان به خاک انگلیس را مرتفع سازد. سوم زمانی که رئیس جمهوری و کنگره آمریکا قانون وام و اجاره را تصویب کرد.

«اکنون چهارمین لحظه حساس فرا رسیده است. ارتش آلمان امروز صبح خاک روسیه شوروی را مورد تهاجم قرار داد. حمله آلمان موقعی انجام گرفت که قرارداد عدم تجاوز فی‌مابین دو کشور موجود بود، و دولت آلمان تا آن وقت هیچ‌گونه شکایتی راجع به عدم اجرای آن نکرده بود. از این واقعه به هیچ‌وجه در شگفت نیفتاده‌ام. در حقیقت چندین بار استالین را از آنچه که امروز به وقوع پیوست، مطلع ساخته بودم. همین‌طور کشورهای دیگر را از این خطر آگاه نمودم. فقط امید داشتم آنچه گفتم مورد توجه آنان قرار گرفته باشد.

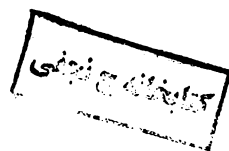
«آنچه اکنون می‌دانیم این است که ملت روس به دفاع از خاک خود برخاسته و رهبر شوروی آنها را به انتها درجه مقاومت دعوت کرده است. ماشین نظامی موحشی که ما و سایر کشورهای متمدن دنیا، فقط و فقط از روی نادانی و جهالت به نازها اجازه دادیم اندک اندک برپاسازند، اکنون به کار افتاده است. این ماشین نمی‌تواند

متوقف بماند. چرخهای آن باید دائماً در حرکت باشد، و نه تنها از نفت، بلکه از خون باید تغذیه نماید. برای این منظور هیتلر ارتش مکانیزه خود را به میدان جنگ مهیبی برای غارت و تخریب روانه کرده است. او انتظار دارد که پیروزی را در نتیجه قتل و غارت به دست آورد و بدان وسیله چین و هندوستان را در گرداب فنا غرق کند.

«اگر چه همین کافی است که ما را در وحشت و شگفتی بیندازد، لیکن باید منظور اصلی را که در پس این خطر قرار گرفته و در حیات انگلستان و آمریکا تأثیر دارد، بیان کنم. بین مرام نازیسم و بدترین شکل مرام کمونیسم نمی‌توان کوچکترین تفاوتی قائل شد. این مرام جز حرص و تسلط نژادی، فاقد هرگونه اصولی است. هیچ‌کس چون من مخالف مرام کمونیسم نبوده است و اکنون نیز چیزی که با عقیده و اظهارات قبلی خود تناقض داشته باشد بیان نمی‌کنم. فقط می‌گویم که تمام مخالفت‌های من در مقابل منظره‌ای که خود را در برابر جهانیان آشکار ساخته به‌کلی نابود می‌شود.

«گذشته با تمام مناظر رقت‌انگیزش از نظر محو می‌گردد. من سربازان روسیه شوروی را می‌بینم که در خاک موطن خود ایستاده، به حراست اراضی و مزارعی که پدران آنها از قدیم در آن زراعت نموده‌اند می‌پردازند. آنان را می‌بینم به حمایت خانه‌هایی که مادران و زنان آنها در آن دعا می‌کنند، مشغولند. ما فقط یک هدف داریم. ما مصمم هستیم آنچه وابسته به نازی است معدوم سازیم. از این تصمیم هیچ چیز نمی‌تواند ما را منصرف سازد. ما هیچ وقت به مشورت و مذاکره با هیتلر و یا یکی از همکاران و طرفداران او نخواهیم پرداخت. ما در زمین و دریا و هوا خواهیم جنگید، تا آنکه به یاری خداوند متعال زمین را از وجود افرادی که موجب ظلمت آن شده‌اند، پاک سازیم و ملل مختلف را از زیر بار رقت آنان رهایی بخشیم. هر شخص و یا کشوری که برای هیتلر قدم بردارد، از دشمنان ما محسوب خواهد شد. این اصل نه تنها درباره حکومت‌های متحد آلمان اجرا خواهد شد، بلکه مشمول حکومت‌هایی هم خواهد بود که برخلاف مصالح کشور و هم‌میهنان خود آلت دست نازیها قرار گرفته باشند. این دست‌نشاندها، و سران نازی در صورتی که به دست هم‌میهنان خود معدوم نگردند، در روز پیروزی به دادگاه عدل متفقین کشیده خواهند شد.

«این است مشی سیاسی ما و آنچه باید به جهانیان اعلام نمایم. از این نظر هرگونه کمک و مساعدتی که در حدود قدرت و توانایی ما باشد، درباره ملت و کشور



شوروی مبذول خواهیم داشت و از تمام دوستان و متفقین خود در کلیه نقاط این تقاضا را می‌کنیم که این سیاست را تا پایان جنگ ادامه دهند و تعقیب نمایند. ما به دولت روسیه هرگونه کمک فنی و اقتصادی که در حدود توانایی ما باشد و ممکن است مورد استفاده آن کشور قرار گیرد، پیشنهاد کرده‌ایم. آلمان را شب و روز بمباران خواهیم کرد، و هرروز بر شدت حملات هوایی خود خواهیم افزود. بمبهای بیشتری بر فراز آلمان فرو خواهیم ریخت و بر آلمانیها طعم بلایی را که بر سر بشر آورده‌اند، خواهیم چشاند. این جنگ طبقاتی نیست. این جنگ، جنگی است که در آن کلیه کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا، بدون هیچ‌گونه تبعیض نژادی و مذهبی و حزبی به پیکار مشغولند.

«وظیفه من این نیست که از مشی سیاسی دولت آمریکا سخن بگویم، ولی می‌توانم اعلام کنم که اگر هیتلر خیال می‌کند حمله او به خاک شوروی ممکن است در کشورهای دموکراسی موجب اختلاف آراء یا تقلیل کوشش شود، اشتباه بزرگی کرده است. برعکس ما سعی و کوشش خود را با دلگرمی و اطمینان خاطر بیشتری به کار خواهیم برد تا بتوانیم بشر را از بیدادگرهای آلمان رهایی بخشیم.

«تهاجم هیتلر به روسیه مقدمه حمله او به کشور بریتانیای کبیر است. هیتلر امیدوار است قبل از آنکه آمریکا در جنگ مداخله کند، انگلستان را از پای در آورد. بنابراین خطر روسیه، خطر ما و ایالات متحده آمریکاست، و هدف اهالی روسیه شوروی که برای دفاع از میهن خود می‌جنگند، هدف مردان آزادیخواه در هر یک از نقاط جهان است. ما باید هر آن به کوشش خود بیفزاییم و بسا نهایت قدرت و از خود گذشتگی دشمن را معدوم سازیم.»

روز ۳۲ ژوئن ۱۹۴۱ سمرولز وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا حمله آلمان را به خاک شوروی مورد انتقاد قرار داد، و وعده کرد همه گونه مساعدت و کمک به دولت روسیه شوروی انجام خواهد شد. همچنین روزولت رئیس جمهوری آمریکا صراحتاً در مصاحبه مطبوعاتی خود گفت:

«... در آتیه هرگونه کمکی که در حدود قدرت و توانایی آمریکا باشد از روسیه شوروی دریغ نخواهیم داشت و صدور تجهیزات نظامی را به مقصد روسیه در کشتیهای آمریکایی آزاد خواهیم گذاشت. به وزارت دارایی دستور خواهم داد که وجوه نقدی

موجودی شوروی را در آمریکا از قیود و موانع آزاد سازد، تا آن دولت بتواند به خرید آلات و ادوات جنگی و حمل آنها به کشور خود اقدام کند.»

رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا با موافقت دولت انگلیس رسماً به دولت شوروی پیشنهاد کمک نظامی کرد. دولت روسیه این پیشنهاد را پذیرفت و طبق قانون وام و اجاره، قرار شد دولت شوروی سلاح مورد لزوم خود را دریافت دارد.



دستاویز برای اشغال ایران

در ۶ اوت ۱۹۴۱ (اول مرداد ۱۳۲۰) آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلیس ضمن سخنرانی مفصل خود در مجلس عوام آن کشور راجع به اوضاع بین‌المللی چنین اظهار داشت:

«... اینک اوضاع خاورمیانه را از مد نظر می‌گذرانیم و اظهارات نمایندگان محترم را در مورد هدف جنگ مورد تفسیر و تأویل قرار می‌دهیم. بکرات و دفعات اعلام نموده‌ایم که کشور ما هیچ نوع چشم داشت ارضی ندارد ما خواهان تحصیل اراضی نیستیم. ما بدین منظور وارد جنگ نشده‌ایم که کشور خودمان را توسعه دهیم. ما بدین سبب داخل در جنگ شده‌ایم که نازیها زندگی اروپا و حیات و آزادی ما را، به همان نحوی که امروز صلح جهان را در خطر انداخته‌اند، طرف تهدید قرار داده‌اند ما بدین علت وارد صحنه کارزار گشته‌ایم که در برابر تجاوزات پایداری کنیم نه اینکه خود غنیمتی به دست آورده و به غارت و چپاول مبادرت کرده باشیم به‌طوری که اعلام شده ما تنها یک سیاست را نسبت به تمام مللی که بین کانال سوئز (از طرف باختر) و مرز هندوستان (از طرف خاور) به سر می‌برند، یعنی همان مناطقی که «خاورمیانه» خوانده می‌شود، می‌توانیم تعقیب نماییم و این موضوع را وجهه‌همت قرار خواهیم داد که آن کشورهایی را که در خاورمیانه واقع شده‌اند، یاری کنیم از مزایای زندگی آزاد و مستقلی برخوردار شوند. ضمناً نیروهای ما، چه از حیث افراد و چه از جهت تسلیحات، برای تقویت قوای خاورمیانه به میدان روانه می‌شوند که در نبردی که در پیش است شرکت کنند.... این کشورها برای تأمین این منظور که فرصتی به آلمان ندهند که مزاحمتی ایجاد کرده و موجبات اغتشاش، طغیان و آشوب را برای اجرای نیات و مقاصد خود فراهم کنند، می‌بایستی با هم همکاری نمایند.

«برای توجه بیشتر نمایندگان محترم می‌گویم که امروز در ایران تعداد بی‌شماری آلمانی وجود دارند. تجربیات در بسیاری کشورها چنین نشان داده که این مهاجرین آلمانی یا هر طوری که می‌خواهید اسمشان را بگذارید... بی‌اندازه برای کشوری که در آنجا اقامت دارند در مواقع بحران، خطرناک هستند. روی همین اصل نظر و توجه جدی دولت ایران را نسبت به خطری که در نتیجه ادامه اجازه اقامت عده بی‌شماری آلمانی در آن کشور ایجاد شده است و به‌ضرر خود آن کشور تمام می‌شود، جلب نموده‌ام. امیدوارم که دولت ایران از بذل توجه نسبت به این اخطار، که از روی کمال دوستی و نهایت صمیمیت داده شده، دریغ نخواهد کرد و همین حالا اقدامات لازم را برای مقابله با این وضع به عمل خواهد آورد...»

به دنبال نطق وزیر امور خارجه انگلیس، نمایندگان سیاسی بریتانیا در ایران به یک سلسله تعطیلات با وزارت امور خارجه درباره اخراج آلمانیها از ایران دست زدند که در این زمینه به‌اسناد زیر می‌توان اشاره کرد:

مبدأ: سفارت انگلیس - تهران

تاریخ: ۲۵ مرداد ۱۳۲۰

یادداشت

«دولت شاهنشاهی ایران در موارد عدیده تمایل خود را دایر به حفظ و تأیید رویه بی‌طرفی کامل در جنگی که در اثر جاه‌طلبی تجاوزکارانه زمامداران فعلی آلمان بر عالم تحمیل گردیده، ابراز داشته است. تمایل به کنارماندن از میدان کشمکش و خصومت، از طرف بعضی ممالک دیگر نیز احساس شد؛ لکن آن ممالک بعداً مورد حمله یا تجاوز قوای مسلح آلمان قرار گرفتند. با در نظر گرفتن این حقیقت مسلم و غیر قابل انکار است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اینک خود را ناگزیر می‌داند با یک روح دوستانه به‌ذکر بعضی ملاحظات مبادرت نموده و توجه جدی اولیای دولت ایران را به آن معطوف سازد:

۱ - در مقام اول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بر علیه استقلال یا تمامیت ارضی ایران هیچ‌گونه قصدی ندارد. میل و آرزوی صمیمانه دولت انگلستان این است که رویه دوستی و معاضدت با ایران را، که مستضمن مصالح ایران و امپراطوری انگلستان می‌داند، حفظ نماید.

۲ - در اثر توسعه دایره جنگ خطر شدیدی جهت منافع ایران و انگلیس محسوس شده است. سابقاً، یعنی در ماه ژانویه گذشته، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نگرانی شدید خود را در خصوص عده زیاد اتباع آلمان که به آنها اجازه اقامت در ایران داده شده است؛ به استحضار خاطر اولیای دولت شاهنشاهی رسانید. از آن تاریخ به بعد دولت انگلستان خطرات شدیدی را که ممکن است از عملیات این اتباع آلمانی ناشی گردد و همچنین لزوم محدود ساختن کامل تعداد آنها را که بر وفق مصالح خود ایران می باشد، خاطر نشان ساخته است. با در نظر گرفتن حوادثی که در بسیاری از ممالک رخ داده، در حقیقت نمی توان شک داشت که هر زمان دولت آلمان تشخیص دهد که فرصت مناسبی فرا رسیده، این اشخاص را برای ایجاد اغتشاش در ایران و یا در ممالک مجاور، به منظور کمک در اجرای نقشه های نظامی خود مورد استفاده قرار خواهد داد.

۳ - در اواخر ماه ژوئیه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به نمایندگی خود در تهران دستور داد، از لحاظ اهمیت فوق العاده و فوریت امر، لزوم اتخاذ اقدامات فوری را تأکید و خاطر نشان نماید و از نظر خطر روزافزون وضعیت جنگ تأکید نماید عده آلمانی هایی که مجازند در ایران اقامت کنند، شدیداً تقلیل یابد.

۴ - از قرار معلوم دولت ایران اصولاً صحت توصیه ای را که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نموده است تصدیق و اشعار داشته اند که اقداماتی به عمل می آورند تا آلمانی هایی که پروانه اقامتشان منقضی و رفتارشان مورد سوءظن واقع گردیده، و یا اینکه می توان به جای آنها از اتباع ایران تعیین کرد، در اسرع وقت از مملکت خارج شوند. همچنین دولت ایران تعهدات خود را دایر به اینکه عملیات آلمانی هایی را که در این مملکت باقی خواهند ماند مورد تفتیش و مراقبت جدی قرار دهد، تصدیق نمود.

۵ - نظر به مراتب فوق، اینک دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است با نهایت صراحت و تأکید توصیه خود را مبنی بر اینکه هیأت آلمانی های مقیم ایران باید بدون تأخیر بیش از این، از ایران خارج گردند، تکرار می نماید.

۶ - هرگاه دولت ایران مایل باشد چند تن از مستخدمین فنی آلمانی را که در حال حاضر جهت امور صنعتی ایران استخدام شده اند، موقتاً نگاه دارد، تقاضا می شود فهرست کامل اسامی آنها و مشاغلی که جهت آن استخدام شده اند، به نمایندگی اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تهران ارائه شود. دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان حاضر خواهد بود با دولت ایران مساعدت کرده و سعی نماید متخصصین لایق انگلیسی یا بی طرف، به جای متخصصین آلمانی که خارج می شوند، تأمین نماید و با کمال مسرت با دولت ایران اقدامات مشترک به عمل خواهد آورد که اشکالات موقتی را، که ممکن است در اثر حرکت این عده از کارکنان تعلیم یافته پیش آید، تخفیف دهد.

۷ - در باب سایر آلمانیهای مقیم ایران دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ممنون خواهد شد از تاریخ حرکت آنها کاملاً مستحضر شود. البته دولت ایران ترتیبی خواهد داد که اجازه داده نشود اتباع دیگر آلمان وارد ایران گردند.

۸ - این نکته حائز اهمیت است که هیچ یک از مستخدمین فنی آلمانی که بر طبق ترتیبات پیشنهادیه در قسمت ۶ فوق ابقا می شوند، نباید در کاری گماشته شوند که ارتباط مستقیم با سیستم ارتباطات ایران از قبیل راه آهن - راهها - تلفن و تلگراف و بیسیم داشته، یا اینکه طوری باشد که عملیات مضرة آنها حیات ملی ایران را در طی مدت بحران فلج سازد.

۹ - بالاخره اشعار می شود که مقتضی است اقدامات مؤثری به عمل آید که رفتار مستخدمین فنی آلمانی که بر طبق ترتیبات مذکوره در قسمت ۶ فوق ابقا خواهند گردید تحت سرکشی و مراقبت کامل قرار گرفته و محدود گردد. زیرا این مسئله باید معین شود که این اشخاص جز به کارهای فنی که جهت آن استخدام شده اند به عملیات دیگری از هیچ قبیل مشغول نخواهند گردید.

۱۰ - به قراری که اطلاع حاصل شده دولت ایران مقرر داشته اند در وضعیت اتباع آلمان مقیم ایران تحقیقات کامل به عمل آید و بلاشک اطلاعات کاملی در دست دارند حاکی از اینکه علت بودن هر فردی در این مملکت چیست؟ بنابراین امید دارد که فهرست اسامی هر یک از اتباع آلمان را، که بخواهند جهت کار ضروری نگاه دارند، بدون تأخیر به وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بدهند و فوراً اقداماتی به عمل آید که مابقی اتباع آلمان به فوریت از ایران حرکت کنند.»

[از کارتن پیمان سه جانی ایران و اتحاد شوروی و انگلیس. سال ۱۳۲۰. نخست وزیری]

یادداشت دوم که شدید اللحن تر و بیشتر جنبه اولتیماتوم داشت از طرف سفارت انگلیس به دولت ایران به این قرار تسلیم گردید:

۱- توجه اولیای دولت شاهنشاهی ایران کراً به لزوم اتخاذ اقدامات جهت اخراج هیأت آلمانیها از ایران جلب شده است.....

۲- باعث تأسف است که دولت ایران هنوز مقتضی ندانسته است جواب رضایتبخش به یادداشت مورخه ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) بدهد. از قرار معلوم دولت ایران با ابقای اتباع آلمان در ایران بالنسبه به انجام تمایلات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مسئله ای که در اثر اوضاع و حوادث جنگ کسب فوریت نموده و می نماید بیشتر اهمیت می دهد. دولت ایران باید مسئولیتی را که در اثر این تصمیم متوجه می شود عهده دار گردد.

۳- در این صورت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را مجبور می داند اقدامات لازمه برای حفظ منافع حیاتی خود به عمل آورده و خطری را که از عملیات محتمله آلمانیها در ایران ناشی می شود برطرف سازد. دولت ایران می تواند مطمئن باشد که این اقدامات به هیچ وجه بر علیه ملت ایران نبوده و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هیچ گونه نقشه و منظوری بر علیه استقلال یا تمامیت خاک آن ندارد. هرگونه اقدامات نظامی که قوای انگلیس مجبور شوند اتخاذ نمایند فقط موقتی بوده و پس از رفع شدن بحران حاضر ادامه نخواهد یافت زیرا این اقدامات فقط و فقط متوجه دول محور می باشد.»

[کارتن پیمان سه جانی ایران و اتحاد شوروی و انگلستان. سال ۱۳۲۰. نخست وزیری]

وزارت امور خارجه ایران در پاسخ یادداشت سفارت انگلیس تذکاریه ای به مضمون زیر به وزیر مختار انگلیس در تهران تسلیم داشت:

تاریخ: ۳۰ مرداد ۱۳۲۰
تذکاریه

«دولت شاهنشاهی نظر به مذاکرات سرریدربولارد وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ که بر طبق آن تذکاریه ای به همان تاریخ تسلیم نمودند، اشعار می دارد که از ابراز تمایل و علاقه دولت انگلستان به حفظ رویه دوستی با ایران نهایت خرسندی را داشته و لازم می داند اطمینان دهد که دولت شاهنشاهی نیز به این مناسبات دوستانه کمال میل و علاقه را دارد و این رویه را همواره

عملاً مشهود ساخته است. همچنین اظهاراتی که در تصدیق و تأیید سیاست بی‌طرفی ایران شده است، با امتنان تلقی می‌نماید.

«اما راجع به‌نگرانی که از حیث شمارهٔ آلمانیهای مقیم ایران و عملیات آنها اظهار گردیده، لزوماً متذکر می‌شود به‌طوری که ضمن مذاکرات عیدیه به‌نمایندهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خاطر نشان شده است، اساساً ورود و خروج و اقامت اتباع دول بیگانه در خاک ایران تابع مقررات و نظامات دقیق می‌باشد، و نسبت به‌رفتار کلیهٔ آنها مراقبتهای جدی معمول می‌گردد. با توجه دولت در حفظ انتظامات کشور و صیانت حقوق مشروع دولت دوست و همسایه، به‌هیچ‌وجه انتظار نمی‌رفت که چنین نگرانی ابراز شود. چنانکه تاکنون هیچ اتفاقی که این‌گونه نگرانی را اثبات کند رخ نداده و روابط دو دولت برپایهٔ دوستی محکم استوار بوده است.

«دولت شاهنشاهی به‌پاس همین مناسبات دوستی و صمیمیت یقین داشت که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با در نظر داشتن سیاست بی‌طرفی ایران، همان سیاستی که مکرر مورد تصدیق کامل آن دولت قرار گرفته است و با رعایت الزاماتی که از این سیاست ناشی می‌گردد، از طرح هر گونه مسائلی که منافی آن باشد احتراز جویند.

«بنابراین جای تأسف است که ملاحظه می‌شود در تذکاریهٔ ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ مطالبی قید شده که با این منظور مباین می‌باشد.

«با این حال نظر به‌میل و علاقه‌ای که دولت شاهنشاهی به‌زمینهٔ حسن تفاهم میان دو کشور دارد، لازم می‌داند توجه دقیق دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را به‌این نکته جلب کند که در مورد بیگانگان مقیم ایران، برنامهٔ دولت از ابتدا این بوده که به‌خدمت‌آنها که در بنگاههای دولتی اشتغال دارند، به‌محض اینکه از آنها بی‌نیازی حاصل می‌شود یا ایرانیان بتوانند به‌جای آنها گماشته شوند، خاتمه دهد. از سایر بیگانگان نیز، کسانی که دارای کاروپیشتی معینی نبوده و وجود آنها ضرورتی نداشته باشد، از کشور خارج می‌شوند.

«نظر به‌مقتضیات کنونی، چنانکه طی مذاکرات اخیر خاطر نشان شده، اجرای این برنامه با دقت و سرعت بیشتری تعقیب می‌گردد. مخصوصاً این اواخر در نتیجهٔ همین عمل از شمارهٔ اتباع بیگانه در ایران کاسته شده به‌زودی نیز تعداد آنان به‌میزان قابل توجهی تقلیل خواهد یافت. بدیهی است در مورد تقلیل شمارهٔ بیگانگان، طرز عمل،

تشخیص نیازمندیها، و سایر جزئیات و کیفیات اجرایی آن بسته به نظر خود دولت شاهنشاهی می‌باشد که با رعایت مقتضیات اقداماتی را که شایسته می‌داند معمول خواهد داشت.

«در همان حال که دولت شاهنشاهی حاضر است هر اقدامی را که برای حفظ امنیت و صیانت حقوق مشروع همسایگان خود ضروری بدانند به موقع اجرا بگذارد، هیچ گونه پیشنهادهایی را که بر خلاف سیاست بی طرفی یا حق حاکمیت دولت باشد نمی تواند بپذیرد.»

[کارتن پیمان سه جانی ایران و انگلیس و روس. سال ۱۳۲۰. نخست وزیری]

ضمناً دولت ایران به نمایندۀ خود در لندن دستور داد به وسایل ممکنه نظر دولت شاهنشاهی را در مورد حفظ بی طرفی و امور مربوط به اقامت بیگانگان به اطلاع دولت و مردم انگلستان برساند.

وزیر مختار ایران در انگلستان روز پانزدهم ژوئیه نامه ای به روزنامه تایمز نوشت و ضمن آن نظر رسمی دولت شاهنشاهی را اعلام داشت. خلاصه این نامه چنین است:

«۱- دولت ایران بی طرفی کامل خود را اعلام داشته و از روز آغاز جنگ عملاً هم این بی طرفی را ثابت و مدلل ساخته است. اکنون نیز تصمیم دارد که در برابر هر پیش آمد، و یا اوضاعی، موقعیت بی طرفی خود را محفوظ بدارد.

«۲- هیچ گونه فشار و یا تحریکی از طرف هیچ یک از دولتهای خارجی به کشور ایران وارد نیامده است و دولت ایران بقدر کفایت قوی و نیرومند است که در برابر تحمیل هر گونه فشار و یا مبادرت به هر نوع تحریکی در خاک کشورش مقاومت نماید. هر گونه گزارشهایی که بر خلاف این حقیقت مسلم انتشار یافته و یا بعداً انتشار یابد، دلیل بر بی اطلاعی و کوتاه نظری نسبت به موقعیت و اوضاع حقیقی ایران می باشد.

«۳- در مورد اقامت اتباع دولتهای خارجی در ایران باید به این حقیقت توجه داشت که به موجب قوانین و مقررات جاری کشور ایران، خارجیانی می توانند در ایران اقامت کنند و هیچ بیگانه ای، از هر ملیت که باشد، اجازه و قدرت ندارد تا بر ضد امنیت و یا بی طرفی کامل ایران کاری بکند و عملی انجام بدهد.»

در این مدت روسها هم به نوبه خود بیکار نشستند. به وسایل مختلف از جمله مذاکرات سیاسی و ارسال یادداشت‌های متعدد، موضوع خطرات آلمانیها را به دولت ایران یادآور می‌شدند.

تذکاره‌ای که سفیر کبیر دولت شوروی در این خصوص در ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ به نخست وزیر ایران تسلیم کرد چنین است:

«دولت شوروی لازم می‌داند اعلام نماید که با سیاست بی‌طرفی که دولت ایران فعلاً تعقیب می‌کند، کاملاً موافقت دارد. از طرف دیگر دولت شوروی در ضمن تأیید اعلامیه ۱۹ ژوئیه ۱۹۴۱ خود اظهار می‌دارد که به هیچ وجه مقاصد تعرض آمیزی نسبت به مصونیت سیاسی و ارضی ایران نداشته، و پیوسته سعی است که در صلاح دو کشور سیاست دوستی و همکاری با ایران را ادامه دهد.

«با این حال دستجات فاشیست آلمانی که در ایران هستند، و فعالیت خصمانه خود را نسبت به منافع دولت اتحاد جماهیر شوروی و ایران، به ویژه از آغاز حمله خیانت کارانه آلمان به دولت شوروی افزایش داده‌اند، کوشش می‌کنند که به هر ترتیب شده است نگذارند که این همکاری از قوه به فعل در آید.

«دولت شوروی در ۲۶ ژوئن و ۱۹ ژوئیه توجه دولت ایران را به این کیفیت جلب کرده است که آلمانیهای ساکن ایران ممکن است در هر موقع برای ایجاد انقلاباتی در ایران، که موجب تهدید منافع خود ایران و کشورهای همسایه باشد، به کار روند.

«دولت شوروی در همین حال به دولت ایران سفارش کرده است تدابیر قاطع برای خاتمه دادن به فعالیت خصمانه آلمانیها و تقلیل شماره آلمانیها که در ایران هستند، اتخاذ کند. دولت ایران نیز رضایت خود را برای اتخاذ این تدابیر جهت تقلیل شماره آلمانیهای ساکن ایران اظهار داشته است.

«نظر به این مراتب دولت شوروی لازم می‌داند به دولت ایران سفارش کند که قسمت قابل ملاحظه‌ای از آلمانیهای ساکن ایران بلافاصله و بدون هیچ گونه تأخیر از ایران خارج شوند.

«دولت شوروی به همین ترتیب لازم می‌داند تأکید نماید که هیچ یک از کارشناسان آلمانی، از کسانی که در ایران باقی خواهند ماند، در بنگاههایی از قبیل راه آهن، راههای شوسه، خطوط تلگرافی و تلفنی، دستگاه بی سیم و در مراکز عمده

حیاتی دولتی و زندگانی اقتصادی ایران به کار گماشته نشده و درباره تمام آلمانی‌هایی که در کشور باقی می‌مانند تدابیری به منظور محدود ساختن رفت و آمدهای آنان اتخاذ گردد. دولت شوروی مایل است همین‌طور اطمینان حاصل کند که دولت ایران در آینده نیز اقداماتی برای منع ورود آلمانی‌ها به ایران به عمل خواهد آورد.

«بدیهی است دولت ایران تعهد خواهد کرد که درباره کلیه آلمانی‌هایی که در ایران می‌مانند نظارت صحیح و جدی برقرار داشته و به سفیرکبیر شوروی اطلاعات لازم حاکی از علل و جهات توقف بعدی هر آلمانی در ایران بدهد. برای رفع زحمتی که ممکن است جهت دولت ایران در نتیجه طرد کارشناسان آلمانی ایجاد گردد، دولت شوروی مجدداً یادآور می‌شود که حاضر است به جای آنها تعداد لازم کارشناسان واجد شرایط از بین اتباع شوروی، در صورتی که میل دولت ایران باشد، اعزام دارد.»

[کارتن پیمان سه جانبه ایران و اتحاد شوروی و انگلیس. سال ۱۳۲۰. نخست‌وزیری]

دولت ایران در جواب این تذکاریه، در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۲۰ یادداشتی به شرح زیر برای سفیرکبیر دولت شوروی در ایران فرستاد:

«دولت شاهنشاهی از تمایل دولت اتحاد جماهیر شوروی به تعقیب سیاست دوستی با ایران که در تذکاریه ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ اشعار گردیده، نهایت خرسندی را داشته و از طرف خود اطمینان می‌دهد که به حفظ این مناسبات صمیمانه، کاملاً علاقمند بوده و این رویه را همواره و عملاً مشهود ساخته است. همچنین اظهاراتی را که در تصدیق و تأیید سیاست بی طرفی ایران شده است با امتنان تلقی می‌نماید. اما راجع به اظهار نگرانی از وجود یک عده از آلمانی‌ها در ایران، که تصور شده است مخل روابط و منافع مشترکه دو دولت باشند، دولت شاهنشاهی لازم می‌داند اظهار بدارد بطوری که طی مذاکرات مربوط به تذکاریه ۱۹ ژوئیه ۱۹۴۱ (۲۸ تیرماه ۱۳۲۰) سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی، در همان تاریخ، و در روز ۲۹ تیرماه ۱۳۲۰ مفصلاً خاطر نشان و در ضمن تذکاریه دولت شاهنشاهی به تاریخ هفتم مرداد ۱۳۲۰ نیز نوشته شده و در مذاکرات عدیده دیگر تکرار گردیده است، با وجود مراقبتهای جدی و دقیق دولت در حفظ انتظامات کشور و مراقبت مخصوصی که در حفظ حقوق مشروع دول دوست و همسایه به عمل می‌آید به هیچ وجه انتظار نمی‌رفت که دولت اتحاد

جماهير شوروي چنين احتمالاتي بدهند و تردیدی از این حیث داشته باشند. چنانکه تا کنون هیچ اتفاقی، که این گونه نگرانی را اثبات کند، رخ نداده و روابط دو دولت براساس تزلزل‌ناپذیری استوار بوده است.

«دولت شاهنشاهی به‌پاس همین مناسبات دوستی و صمیمیت یقین داشت که دولت اتحاد جماهیر شوروی با در نظر داشتن سیاست بی‌طرفی ایران، همان سیاستی که مکرر مورد تصدیق کامل آن دولت قرار گرفته است، و با رعایت الزاماتی که از این سیاست ناشی می‌گردد از طرح هر گونه مسائلی که منافای آن باشد احتراز جویند.

«بنابراین جای تأسف است که ملاحظه می‌شود در تذکارهٔ ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ مطالبی قید شده که با این منظور متباین است. با این حال نظر به میل و علاقه‌ای که دولت شاهنشاهی به تکمیل زمینهٔ حسن تفاهم میان دو کشور دارد، لازم می‌داند توجه دقیق دولت اتحاد جماهیر شوروی را به این نکته جلب کند که در مورد بیگانگان مقیم ایران برنامهٔ دولت از ابتدا این بوده است که به خدمت آنهایی که در بنگاههای دولتی اشتغال دارند به محض اینکه از آنها بی‌نیازی حاصل شود یا ایرانیان بتوانند به‌جای آنها گماشته شوند خاتمه داده و از سایر بیگانگان نیز، کسانی که دارای کار و پیشهٔ معینی نبوده و وجود آنها ضرورتی نداشته باشد از کشور خارج گردند.

«نظر به مقتضیات کنونی و همانطوری که طی مذاکرات نیز خاطرنشان شده اجرای این برنامه با دقت و سرعت بیشتری تعقیب می‌گردد. مخصوصاً این اواخر در نتیجهٔ همین عمل از شمارهٔ اتباع بیگانه در ایران کاسته شده و به‌زودی نیز تعداد آنها به‌میزان قابل توجهی تقلیل خواهد یافت.

«بدیهی است در مورد تقلیل شمارهٔ بیگانگان، طرز عمل، تشخیص نیازمندیها، و سایر جزئیات و کیفیات اجرایی آن بسته به نظر خود دولت شاهنشاهی می‌باشد که با رعایت مقتضیات اقداماتی را که شایسته می‌داند معمول خواهد داشت.

«در همان حال که دولت شاهنشاهی حاضر است هراقدامی را که برای حفظ امنیت کشور و صیانت حقوق مشروع همسایگان خود ضروری بداند به موقع اجرا بگذارد هیچ‌گونه پیشنهادهایی را که برخلاف سیاست بی‌طرفی یا حق حاکمیت دولت باشد نمی‌تواند بپذیرد.»

[کارتن پیمان سه جانبه ایران و اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس. سال ۱۳۲۰. نخست وزیری]

از سوی دیگر وزارت امور خارجه از ماهها قبل با صدور دستورات لازم به سفیر ایران در مسکو و برلن و سپس ضمن مذاکرات شفاهی با سفیر کبیر شوروی در تهران موضوع بیطرفی ایران را با جدیت و بطرق مختلف تأیید می‌نمود. اسناد زیر شاهد براین امر است:

تلگراف رمز به سفارت خانه‌های مسکو و برلن

شماره: ۱۱۳

تاریخ: ۱۳۱۹/۴/۹

«به‌طوری که از رادیوی برلن شنیده و استنباط کرده‌اید آلمانها برخلاف سابق که برای خوش آیند و تحیب و متمایل نمودن ما، بطرف سیاست خود از هیچگونه انتشارات و عبارات خوش فروگذار نمی‌کردند، و از این راه نتوانستند به مقاصد خودشان نائل گردند، اخیراً، شاید که بواسطه غرور و پیشرفتهای در جنگ، لحن‌شان را تغییر و به‌کنایه و اشاره در تحت لفافه مطالب تهدیدآمیزی اظهار می‌دارند. غافل از این که نه آن بیانات فریبنده سابق، و نه این اظهارات زننده و تهدیدآمیز کنونی، هیچکدام در ما موثر نبوده و ما را از استقلال فکری و سیاست معین خودمان در حفظ بی‌طرفی کامل باز نداشته و منحرف نمی‌سازد.

«بنابراین لازم است مراقب این وضعیت بوده در ضمن صحبت و به‌طرزهای مقتضی در محافل مربوطه و از طرف خودتان به‌عنوان اینکه از رادیوی برلن شنیده‌اید نظریه بالا را به‌آنها اظهار کنید و تشریح نمائید تا بدانند دولت شاهنشاهی در رویه و سیاست خود ثابت می‌باشد و به‌این حرفها و تهدیدات واقعی نمی‌گذارد و با این دسائس موفق نخواهند شد مقاصد خودشان را به‌ما تحمیل نمایند.»

«رونوشت به‌دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال گردید.»

وزیر امور خارجه

مظفر اعلم

تلگراف رمز به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو

تاریخ: ۶ آبان ۱۳۱۹

«چنانکه اطلاع دارند و ضمن دستورهای سابق کراراً خاطر نشان شده است، رویه و سیاست دولت از ابتدای بروز جنگ رعایت بی طرفی کامل و حفظ و تحکیم روابط دوستی با کشورهای دوست و همسایه می باشد. مخصوصاً نسبت به دولت شوروی که دولت ایران همواره سعی بوده است روابط دوستی و همسایگی فی مابین بسط و توسعه یافته، سوء تفاهاتی که در پاره ای مسائل جزئی و بی اهمیت، به واسطه عدم بصیرت بعضی از مأمورین ایجاد گردیده، مرتفع و اعتماد و اطمینان کامل بین طرفین حکمفرما شود. به همین لحاظ دولت شاهنشاهی از هیچ گونه مساعدت و همراهی نسبت به کارهای مشروع دولت شوروی مضایقه و کوتاهی نکرده است. بنابراین بار دیگر تأکید می نماید که جنابعالی نیز باید سعی و جدیت نمایید اعتماد و اطمینان دولت شوروی را به حسن نیت و صمیمیت دولت شاهنشاهی جلب و در ضمن مذاکرات با مقامات مربوطه یا همکاران خود متوجه باشید هیچ وقت اظهاری که ممکن است ایجاد سوء تفاهمی نماید به میان نیاید.»

جواد عامری

تلگراف رمز به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو

تاریخ: ۶ مرداد ۱۳۲۰

«از شرح مذاکرات با کمیسیاریای خارجه و سفیر کبیر انگلیس آگاهی حاصل شد. راجع به اشاره ای که به تحریکات انگلیسها و وارد کردن روسها به این قبیل تقاضاها نموده اید، این مطلب صریحاً به جنابعالی اشعار و تذکر داده شده بود که این رفتار روسها به کلی منافی اظهارات دوستانه یک ماه اخیر آنهاست و ناشی از نزدیکی با انگلیس است. اینها افکاری است که انگلیسها به آنها القاء می کنند. به طوری که سفیر کبیر انگلیس به شما اطلاع داده است، انگلیسها هم راجع به آلمانها اظهاراتی کرده اند، منتها رویه آنها ملایم تر و به جلب توجه دولت به خطرات احتمالی از تبلیغات آلمانها قناعت شده است. ولی در مقابل روسها را تحریک کرده اند که درخواستهای شدیدتر

بنمایند. در این موضوع با سفیر کبیر انگلیس به‌طور مختصر مذاکره و به او بفهمانید که این رویه جز تولید اشکال و ازدیاد نگرانی نتیجه دیگری ندارد. مخصوصاً خاطرنشان کنید که این طرز رفتار خیلی پرخطرتر از مخاطرات احتمالی است که می‌خواهند از آن احتراز شود. با مراقبت شدید دولت، این‌گونه تصورات مورد ندارد، مگر اینکه مقصودشان این باشد که به این عنوانها و بهانه‌جوییها ما را از بی‌طرفی خارج کنند. چنین قضیه‌ای را دولت ایران جالب مخاطرات بزرگ سیاسی و زیانهای مهم اقتصادی می‌داند. به‌علاوه اجبار دولت ایران به‌اتخاذ چنین سیاستی مخالف استقلال و حاکمیت ایران است و برای دولت غیر قابل قبول می‌باشد.

«در مذاکرات مجدد با کمیسیاریای خارجه، موقعیت دولت را در مقابل این درخواست جداً خاطرنشان و یادآور شوید که در بیست سال اخیر با اینکه از اطراف تشبثات زیاد برای ظنین ساختن ما نسبت به دولت شوروی به عمل آمده، هیچ‌گاه از رویه دوستانه نسبت به آن کشور منحرف نشده و در تمام این مدت سیاست صداقت‌آمیز خود را حفظ نموده‌ایم. حالا هم موجبی دیده نمی‌شود که مستلزم تغییر این وضعیت باشد تا ایجاد نگرانی کند.

«آیا تصور می‌کنید دولت آن اندازه قدرت ندارد که رفتار یک عده اتباع آلمان را تحت نظارت و مراقبت قرار دهد؟ روسها که از وجود آلمانیها در ایران برای خود تصور خطر می‌کنند، باید ملتفت باشند که اجرای تقاضای آنها، به‌طوری که در نظر گرفته‌اند، برانزده نیست و انجام درخواست آنها با هیچ اصولی وفق نمی‌دهد. در زمینه دلایلی که در بالا گفته شد، بخواهید دولت را در اقدامات خود آزاد بگذارند و به‌دولت اعتماد داشته، یقین بدانند همان‌طور که تا کنون عمل شده، در این مورد از حفظ حقوق مشروع آنها خودداری نخواهد شد. بنابراین چرا تقاضای خود را به طریقی می‌کنند که برای ما قابل قبول و اجرا نباشد؟ با مناسبات دوستی و رویه مساعدت‌آمیز دولت ممکن است خواهش کنند که از عده آنها بکاهیم که البته تا حدودی که ممکن باشد، انجام می‌شود.

«در پاسخ تذکاریه سفیر کبیر شوروی شرحی در زمینه حسن مناسبات و عدم امکان انجام تقاضای آنها به ترتیبی که خواسته‌اند تهیه شده، اما چون سفیر کبیر بیمار است، در اولین ملاقات به او داده خواهد شد. مذاکرات با وزیر مختار انگلیس هم در اینجا دنبال می‌شود. لازم است با کمیسیاریای خارجه و سفیر کبیر انگلیس مذاکرات را

تعقیب و نتیجه را گزارش دهید. در مذاکرات با کمیسیاریای خارجه مخصوصاً سیاست دوستانه و صمیمیت دولت را خاطر نشان بنمایید.»

جواد عامری

[کارتن پیمان سه جانبه ایران و اتحاد شوروی و انگلیس. سال ۱۳۲۰. نخست وزیری]

گزارش حمید سیاح مدیرکل وزارت امور خارجه به نخست‌وزیر
تاریخ: ۷ مرداد ۱۳۲۰

گزارش

«امروز، سه شنبه ۷ مرداد جاری، حسب‌الامر به سفارت کبرای شوروی نزد آقای اسمیرنوف سفیر کبیر رفتم بدو از طرف آن جناب و خودم از عارضه کسالت سفیر کبیر اظهار تأسف نمودم. قبل از تسلیم پاسخ به تذکریه‌ای که جهت اخراج اتباع آلمان از ایران داده شده بود، چنین اظهار داشتیم:

«موقعی که تذکریه را به جناب آقای نخست وزیر دادید، معزیه‌ایه بدو سعی کردند برای اینکه در بدو ورود به ایران جواب رد به تقاضای جنابعالی نداده باشند، با دلایل و براهینی آن را به شما مسترد دارند، و چون موافقت به آن حاصل نشد و اظهار داشتید که به امر دولت متبوعه خود آن را داده‌اید و وعده دادید دلایلی را که برای اعاده تذکریه، جناب آقای نخست وزیر ذکر نمودند، تلگرافاً به دولت شوروی ابلاغ نمایید، تا دولت شوروی حاضر شود آن را پس بگیرد و یا در متن آن تغییری بدهد، جناب آقای نخست وزیر هم قبول کردند تذکریه را بطور امانت تا رسیدن جواب (دو سه روز) نگاه دارند. پریروز آقای رایزن سفارت کبرای شوروی به این جناب اطلاع داد که جناب سفیر کبیر حاضر نیست تذکریه را پس بگیرد و یا در متن آن تغییری بدهد. البته این خبر موجب تأسف دولت شاهنشاهی شد که دولت شوروی دلایل دولت ایران را با حسن نظر تلقی نکرده است.

«دولت ایران از بدو تأسیس دولت شوروی، و بخصوص در مدت جنگ، عملاً نشان داده که چقدر علاقمند به حسن روابط دوستی با دولت شوروی است و همیشه سعی بوده که اتفاقات و وقایع را بطور خوب تصفیه و تا حد امکان رضایت دولت شوروی را فراهم سازد. تا قبل از دخول شوروی به جنگ، چنانکه مراکز جدیت داشتند روابط ایران و شوروی را تیره بسازند و هر روز خبرهایی جعل و انتشار

می‌دادند، ایران علاقه خود را نشان داد و اخبار را تکذیب و بالعکس روابط دوستی را تزئید نمود. دولت ایران انتظار داشت دولت شوروی هم همین سیاست را تعقیب و همان اعتماد و حسن‌ظن را به‌ما متقابلاً ابراز نماید، و در هر موقع اگر تقاضای مشروعی داشته باشد شفاهاً اظهار و دوستانه در حدامکان و با در نظر گرفتن عهود ایران با سایر دول و اطراف کار، انجام دهد. دولت شوروی بخوبی می‌داند که دولت ایران با دولت آلمان عهدنامه مودت و تجارت و اقامت اتباع دارد و به‌موجب آن اتباع آلمان حق اقامت و تجارت در ایران را دارند. به‌علاوه هر متخصصی هم که در ایران مشغول کار است با قرارداد مخصوص جداگانه‌ای مشغول شده است. پذیرفتن این تقاضای دولت شوروی در اخراج اتباع آلمان به‌آن صورت از طرفی موجب نقض عهدنامه با دولت آلمان است، و از طرف دیگر در این موقع اجرای آن باعث نقض بی‌طرفی ایران هم می‌شود. همان بی‌طرفی که دولت شوروی آن را قدردانی نموده است. به‌علاوه تذکاریه دولت شوروی، نظر به این که وقت هم معین کرده، مثل اتمام حجت می‌باشد که بیش از هر چیز اسباب تعجب دولت ایران شده به این واسطه دولت ایران متأسف است که نمی‌تواند مدلول آن را بپذیرد و آن را رد می‌کند. ضمناً لازم است متذکر شوم خوب است دولت شوروی بیشتر حسن تفاهم و اعتماد به‌ما داشته باشد تا به‌چیزهایی که از اطراف آژانسهای بیگانه می‌شنود و یا تلقین می‌شود.»

(در این موقع پاسخ تذکاریه را تسلیم کردم)

«سفیرکبیر — خیلی متأسفم که دولت ایران مطالب اظهاریه مرا که عبارت از حسن مساعدت و توسعه روابط بازرگانی و حمل‌ونقل کالاهای ایران بوده، اهمیت نداده و از اخراج اتباع آلمان، که تمام عملیاتشان برای به‌هم‌زدن روابط حسنه بین ایران و شوروی است و بر علیه مصالح کشور ایران است، استنکاف نموده است. در این خصوص دولت ایران در مسکو هم اقدام کرده است. در مسکو به‌سفیرکبیر ایران صراحتاً گفته شده است که دولت شوروی به‌هیچ وجه حاضر نیست در تذکاریه خود تغییری بدهد. ما به‌خوبی می‌دانیم و اطلاع داریم که تمام این آلمانیها، مشغول به‌اعمالی خلاف مصالح ما هستند.

«این جانب در پاسخ اظهار داشتم که برای جناب سفیرکبیر در اینجا سوء تفاهمی رخ داده است. مسئله تذکاریه و پاسخ آن دو صورت دارد، و دو موضوع است. دولت

ایران هیچ وقت اجازه نمی‌دهد اتباع هر دولت خارجه که این قبیل اعمال از آنها سر بزند در ایران توقف نمایند، و هر وقت ثابت بشود که مشغول چنین اعمالی هستند، دولت ایران فوراً آنها را اخراج می‌کند و هیچ وقت استکاف از این اقدام هم نداشته است. ولی جنابعالی در تذکاریه خود موعد معین کرده‌اید که حکم اتمام حجت را پیدا کرده است و می‌خواهید دولت ایران نقض عهد کرده و از بی‌طرفی هم خارج شود. هر دو این مسائل یعنی پذیرفتن اولتیماتوم و نقض عهدکردن برای دولت ایران غیرقابل قبول است. البته اگر مدارکی در دست باشد، دولت ایران اجازه نمی‌دهد هیچ بیگانه‌ای سوءاستفاده از توقف خود کرده، برخلاف مقررات و نظامات رفتار کند و فوراً آنها را مجازات داده و از کشور خود خارج می‌سازد.

«سفیرکبیر — در این خصوص چه خود من با شما و جناب آقای نخست‌وزیر، و چه نیکلایف رایزن سفارت کبرا، با شما مذاکره کردیم. اسنادی هم ارائه کردیم و همکار انگلیسی من هم مدت مدیدی است در این خصوص با جناب آقای عامری این موضوع را مذاکره و دنبال می‌نماید. ولی ابداً نتیجه‌ای از اقدامات به‌دست نیامده است. «جواب دادم آنچه به‌خاطر دارم در این خصوص اخیراً با این جانب مذاکره و اسنادی که ارائه نموده‌اید عبارت بوده است از:

۱— صورت چند نفر آلمانی بدون اینکه ذکر شده باشد این اشخاص چه عملیاتی می‌کنند. آقای نیکلایف فقط از من تقاضا کردند که مقامات مربوطه عملیات این اشخاص را تحت نظر بگیرند.

۲— ترجمه به‌زبان روسی یک اعلامیه، که گویا عمال آلمانی در ایران منتشر کرده و اشخاص را برای همکاری با آلمان دعوت می‌نماید، بدون ذکر اینکه چه اشخاصی این اوراق را انتشار داده و عامل این کار کیست.

۳— رونوشت بدون امضایی به‌زبان آلمانی از نامه‌ای که یک نفر آلمانی موسوم به «تیلکه» به یک نفر از اعضاء سفارت آلمان نوشته و کتاب صرف و نحو روسی و فارسی خواسته است.

«این اوراق و اطلاعات را فقط سه‌چهار روز قبل از تسلیم تذکاریه به جناب آقای نخست‌وزیر، به این جانب دادید که فوراً به مقامات مربوطه برای اقدام داده شد. البته سه‌چهار روز کافی نبوده است که ما از عملیات خود نتیجه گرفته باشیم.

«سفیرکبیر — از مذاکراتی که چه خود من و چه رایزن کرده‌ایم، این طور حس می‌کنم که اظهارات دوستی نسبت به دولت شوروی تمام زبانی است و دولت ایران می‌خواهد داخل اقدامات نشده و وقت به مذاکرات بگذرد. در صورتی که ما اطمینان کامل به این دوستی داشتیم. زیرا موقعی که سلف من می‌خواست به روسیه برود، موقع شرفیابی برای اجازه مرخصی، اعلیحضرت همایونی او را مأمور فرمودند که به دولت شوروی بگوید اعلیحضرت همایونی دوست دولت شوروی است. این جمله و بیان برای ما کافی است و می‌خواهیم همین عبارت عملی شود، و در این موقع دولت ایران به ما نشان بدهد که واقعاً دوست ماست.

«جواب داده شد که دوستی یک‌طرفی نمی‌شود و باید از دو طرف باشد. آنچه را که می‌خواهید باید در اختیار ما باشد و با دلیل و منطق تطبیق کند، و منافی استقلال و بی‌طرفی ایران نباشد و به حیثیت ایران نیز لطمه وارد نیاورد.

«البته به خاطر دارید جنابعالی در موقعی که استوارنامه خود را تقدیم کردید و صحبت از عبور کالاهای خودتان از خاک ایران به طور ترانزیت به میان آمد تقاضا نمودید به شما مساعدت بشود. اعلیحضرت همایونی فرمودند از هرگونه مساعدت که منافی با عهدنامه‌های ایران و بی‌طرفی نباشد، مضایقه نخواهد شد، و همه قسم مساعدت به عمل خواهد آمد. شما عرض کردید که دولت شوروی جزئی تقاضایی که بتواند به بی‌طرفی ایران خدشه وارد آورد، نمی‌کند و نخواهد کرد.

«از خود جنابعالی سؤال می‌کنم که این تقاضای شما آیا ما را مجبور نمی‌کند نقض عهد کرده و از بی‌طرفی خارج شویم؟ این عمل شما باعث شده است که دولت ایران در مقابل دو امر واقع شود:

۱- اتمام حجتی را بپذیرد یا خیر؟

۲- از حال بی‌طرفی خارج شود یا نه؟

«در صورتی که خود شما رسماً اظهار کرده‌اید که دولت شوروی از بی‌طرفی ایران قدردانی می‌کند، و تقاضایی هم که منافی با بی‌طرفی ما باشد نخواهد کرد.

«سفیرکبیر — فورمولی را که شما انتخاب کرده‌اید برای این است که اصل

موضوع از بین برود. مقصود ما دادن اتمام حجت به ایران نیست، و مخل بی‌طرفی هم نمی‌خواهیم باشیم، بلکه می‌خواهیم آن اشخاصی که از بی‌طرفی ایران سوءاستفاده

می‌کنند و می‌خواهند ایران را داخل معرکه سازند، از ایران خارج شوند.
«جواب دادم اگر دولت ایران چنین تقاضایی از دولت شوروی می‌کرد دولت شوروی چه اقدامی به‌عمل می‌آورد.

«اظهار داشت که اگر به‌ما ثابت می‌شد چنین اشخاصی وجود دارند، فوراً آنها را دستگیر و خارج می‌کردیم.

«پاسخ دادم ما هم که همین طریق را می‌خواهیم اتخاذ کنیم و باید به‌ما ثابت شود که چنین اشخاصی وجود دارند و چنین عملیاتی را مرتکب می‌شوند تا فوراً آنها را دستگیر و خارج کنیم.

«سفیر کبیر - در این خصوص به‌اندازه کافی من و همکار انگلیسی من با دولت ایران مذاکره کرده‌ایم. دلایلی را هم اظهار کرده‌ایم. الان قسمت اعظم این اشخاص در شمال ایران، و در نقاط حساس می‌باشند. ما نمی‌توانیم سهل‌انگاری کنیم. متأسفم که باید همان‌طوری که در بالا اظهار کردم به‌دولت خود تلگراف کنم که دولت ایران از پذیرفتن تقاضای ما که نفع ایران هم در آن است استنکاف ورزیده است.

«جواب دادم من مفصلاً نقطه‌نظر دولت ایران را برای شما شرح دادم که قضیه، نقض عهدکردن و از بی‌طرفی خارج شدن است، حال بسته است به نظریاتی که در تلگراف خود ذکر خواهید کرد. همان‌طور که گفته شد البته اگر این موضوع با دلایل ثابت شود، آن‌وقت دولت ایران اقدامی را که لازم می‌داند به‌عمل خواهد آورد.

«سفیر کبیر - به‌مطالبی که در بالا گفتم چیزی ندارم اضافه کنم. متأسفانه پیشنهادی هم که تا حدی رضایت خاطر دولت شوروی را فراهم آورد از طرف شما نشده است که بتوانم تلگراف کنم و موجبات نزدیکی طرفین را در تلگراف خود فراهم سازم.»

حمید سیاح

پس از این گفتگوهای نسبتاً شدید که در بالا آمد در همان جلسه حمید سیاح مدیرکل وزارت امور خارجه تذکریه زیر را به‌سفیر کبیر شوروی تسلیم کرد:

«دولت شاهنشاهی از احساسات دولت اتحاد جماهیر شوروی مندرج در تذکریه ۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ (۱۹ ژوئیه ۱۹۴۱) در مورد دوستی و تمایلات مساعدت‌آمیز نسبت به ایران که به‌وسیله سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی در ملاقات روز شنبه ۲۸ تیرماه

۱۳۲۰ به نخست‌وزیر تسلیم شده و در طی آن توسعه روابط اقتصادی و تسهیلات در رسانیدن کالاهای مورد نیاز ایران، مطابق وعده‌های سابق تکرار و تأیید گردیده، مراتب امتنان و قدردانی خود را اظهار و اشعار می‌دارد که از جانب دولت شاهنشاهی نیز، چنانکه مکرر خاطر نشان شده، همواره علاقمندی کامل در حفظ و تحکیم مناسبات دوستی و حسن روابط با دولت اتحاد جماهیر شوروی معمول و ملحوظ بوده و خواهد بود. اما راجع به نگرانی که از حیث عده آلمانیهای مقیم ایران و عملیات آنها اظهار، و تصور شده است که وجود آنها ممکن است مانع از انجام امر حسن مناسبات میان دو کشور ایران و شوروی شود، لزوماً خاطر نشان می‌شود به‌طوری که شفاهاً نیز به تفصیل طی مذاکرات روزهای ۲۸ و ۲۹ تیرماه تشریح گردیده است، دولت ایران مطابق مقررات خود و بر وفق سیاست بی‌طرفی نسبت به رفتار کلیه افراد و ساکنین این کشور مراقبت و نظارت تام داشته و به هیچ کس اجازه تخلف نمی‌دهد و متخلفین از هر طبقه و هر کس که باشند مورد تعقیب و کیفر واقع می‌شوند. از این جهت برای دولت شوروی نباید جای نگرانی باشد.»

مقدمات هجوم به ایران

مع هذا با تمام اقداماتی که از طرف دولت جهت حفظ بی‌طرفی ایران به عمل می‌آمد متفقین به بهانه اینکه دلایل دولت ایران برای خودداری از اخراج آلمانیها کافی نیست، گاه و بیگاه به یک سلسله اقدامات تهدیدآمیز در مرزها و آبهای ایران مبادرت می‌کردند، که کاملاً متنافی با سیاست بی‌طرفی ایران بود. اسنادی که در زیر خواهد آمد نمایانگر اقداماتی است که متفقین در جهت پیشبرد مقاصد نهایی خود از طریق عملیات نظامی به عمل می‌آورده‌اند:

وزارت جنگ

از ستاد ارتش
به وزارت امور خارجه

«گزارش نیروی دریایی جنوب حاکی است که یک ناو انگلیسی که از ناوهای قدیمی هندوستان می‌باشد، ساعت ۲۰ روز ۲۲ ماه جاری جلو خسروآباد لنگر انداخته و با آنکه به او گفته شده که در آنجا توقف نکند، فرمانده آن پاسخ داده که چون این

لنگرگاه جزو آبهای عراق می‌باشد، دستور دارد در آنجا بماند.
«موقعی که مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
گذشت فرمودند:

«مراتب فوری بهوزارت خارجه نوشته شود که به‌آنها تذکر دهند توقف ناوهای
آنها در نزدیکی بنادر ما صحیح و خوش‌نما نیست و در نقاط دیگر شط که نزدیک
بندر ما نباشد بروند توقف کنند. بنابر این متمنی است قدغن فرمایید که در اجرای
فرمان مبارک شاهانه اقدامات لازمه معمول، نتیجه را اعلام دارند.»

کفیل ستاد ارتش
سرلشگر ضرغامی

وزارت جنگ

بتاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۰
شماره: ۱۱۲۶۱

از ستاد ارتش
بهوزارت امور خارجه

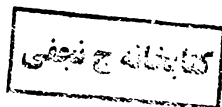
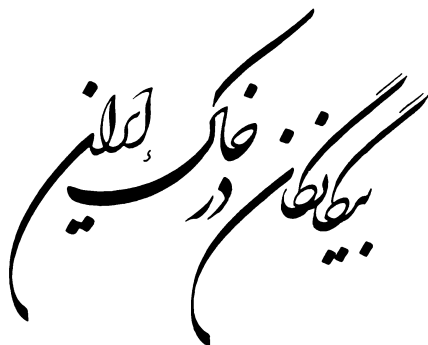
«گزارش لشگر ۶ خوزستان حاکی است که روز ۲۴ ماه جاری یک رزم‌ناو
انگلیسی که از دریا آمده، در جلوی نهر اشوشان، ۹ کیلومتری شمال غربی قُصبه لنگر
انداخته است.

موقعی که مراتب از شرف عرض پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گذشت
فرمودند «فوری مراتب بهوزارت امور خارجه نوشته شود که اقدام نمایند.» بنابراین
متمنی است قدغن فرمایید در اجرای فرمان مبارک شاهانه اقدامات لازم به‌عمل آمده،
نتیجه را اعلام دارند.»

کفیل ستاد ارتش
سرلشگر ضرغامی



سومین



تجاوز به حاکمیت ملی ایران

علیرغم کلیه مساعی ایران در جهت حفظ بی‌طرفی، اسنادی که بعداً انتشار یافت گویای این امر است که حمله قوای روس و انگلیس به خاک ایران از مدتها قبل طرح‌ریزی شده بود. این واقعه در سحرگاه سوم شهریورماه ۱۳۲۰ مطابق با ۲۵ اوت ۱۹۴۱ میلادی رخ داد. ساعت چهار بامداد سوم شهریور سفیر اتحاد جماهیر شوروی و وزیر مختار انگلیس در تهران به دیدار علی منصور نخست‌وزیر وقت رفتند و طی یادداشت‌های مشابهی به دولت ایران اعلام کردند که ارتش دو دولت از مرزهای ایران گذشته‌اند. ارتش شوروی از سه جهت و در سه ستون وارد خاک ایران شد. ستون اول از محور جلفا در جهت تبریز حرکت کرد. ستون دوم از راه آستارا به سوی پهلوی و رشت به پیشروی پرداخت. ستون سوم به ناحیه مرزی شمال شرقی خراسان هجوم برد. در این تهاجم مراکز مهمی مانند تبریز و مشهد و شهرهای ساحلی دریای خزر تحت اشغال ارتش شوروی درآمد و سرانجام روز ۳۱ اوت ارتشهای شوروی و انگلیس در قزوین به یکدیگر ملحق شدند. در این عملیات نیروهای دریایی و هوایی نیز شرکت داشت. روز ۲۵ اوت نیروی دریایی شوروی در دریای خزر بندر پهلوی را به گلوله بست. همچنین نیروی هوایی شوروی چندین شهر ایران مانند تبریز و بندر پهلوی و همدان و قزوین و مشهد و روز ۳۱ اوت حومه تهران را بمباران کرد.

قوای بریتانیا در قسمت آبادان عبارت بود از لشکر هشتم پیاده نظام هندی به فرماندهی ژنرال هاروی در منطقه خانقین تیپ نهم زرهی و یک هنگ ارايه جنگی هندی و چهارگردان انگلیسی و یک هنگ توپخانه انگلیسی که همگی تحت فرماندهی ژنرال اسلیم بودند. نیروی هوایی انگلیس پشتیبان این واحدهای جنگی بود. اولین هدف نیروهای مهاجم انگلیس اشغال مناطق نفت‌خیز و دومین هدف پیشروی در خاک ایران و به دست گرفتن خطوط ارتباطی ایران بود. ارتش انگلیس از دو جهت به سمت ایران پیشروی کرد. یک ستون از راه خانقین وارد ایران شد و از طریق کرمانشاه و همدان خود را به قزوین رساند. ستون دوم از خاک عراق به ناحیه جنوب غربی خوزستان هجوم آورد. عملیات دریایی انگلیس بیشتر در بندر شاهپور

صورت گرفت و هشت فروند کشتیهای متوقف در بندر به دست قوای انگلیس افتاد. نیروی هوایی انگلیس هم چند هدف نظامی را در اهواز بمباران کرد. متعاقب هجوم متفقین به خاک ایران دو تذکار به شرح زیر از طرف دولت شوروی و دولت انگلیس در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۲۰ به دولت ایران تسلیم شد:

ترجمه تذکار به دولت شوروی

تاریخ: ۳ شهریور ۱۳۲۰

وزارت امور خارجه

«کمیساریای ملی امور خارجه با نهایت توقیر از طرف دولت شوروی مراتب زیر را به استحضار دولت ایران می‌رساند:

«دولت شوروی نظر به احساسات مودت‌آمیز نسبت به ملت ایران و به پاس حاکمیت این کشور، همواره سیاستی مبتنی بر استحکام روابط دوستانه بین دولت اتحاد جماهیر شوروی و ایران تعقیب نموده و مساعی بسیاری در راه ترقی و پیشرفت کشور ایران به کار برده است.

«این سیاست دوستانه اتحاد شوروی درباره ایران در اسناد خیلی مهم از قبیل یادداشت‌های شوروی مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ راجع به اساس سیاست شوروی نسبت به ملت ایران، و همچنین در چندین عهدنامه و قرارداد منعقد شده میان اتحاد جماهیر شوروی و ایران نمایان می‌باشد. در پایه کلیه این معاهدات و قراردادهای بین اتحاد شوروی و ایران اصل تزلزل‌ناپذیر احترام به استقلال و تمامیت ایران قرار دارد.

«بر طبق این اصول دولت شوروی در یادداشت ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ خود اعلام داشت که کلیه قراردادهایی که به هر اندازه حقوق ملت ایران را در مورد یک زندگانی آزاد مستقل محدود سازد، از درجه اعتبار ساقط می‌داند.

«دولت شوروی کلیه پرداختهای دولت ایران را که نتیجه تعهدات دوره تزاری بوده ابطال و از هرگونه مداخلات در درآمدهای ایران خودداری نموده است. حق قضاوت کنسولی را که به موجب آن اتباع روس تابع دادگاههای ایران نبودند، به کلی لغو کرد، زیرا این کیفیت برای ایران جنبه ننگین داشت و با اصل حاکمیت دولت ایران منطبق نبود.

«دولت شوروی به موجب همین سند، تعهد کرد یک سلسله بنگاههایی که دولت روسیه سابق ایجاد کرده بود، به اختیار ملت ایران قرار دهد. پس از چندی نیز به همین ترتیب عمل کرد و خط تلگرافی مشهد، سیستان، تلگراف ناحیه استرآباد - راه انزلی - تهران و دو راهی که بوسیله روسها در ظرف سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۴ ساخته شده بود با تمام متعلقات آن، تأسیسات بندری انزلی، کارخانه برق و ابنیه و غیره، خط راه آهن جلفا - تبریز و رشته فرعی آن به سمت صوفیان با تمام متعلقات آن، از ابنیه و آلات و افزار، همچنین تأسیسات پستی روس و خطوط تلگرافی و تلفونی و غیره را به دولت ایران واگذار کرد. در همان موقع به موجب حکم دولت شوروی بانک استقراضی روس با تمام دارایی منقول و غیر منقول خود به ملت ایران واگذار شد.

«به موجب همین اسناد (۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹) دولت شوروی در کمال وضوح ثابت کرد که حاضر است بدون هیچ گونه غرض و نظری در ایجاد وسایل رفاه سیاسی و اقتصادی ایران کمک کند.

«مطابق معاهده ایران و شوروی مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۲۰ دولت شوروی کلیه معاهدات و قراردادهای منعقد شده میان دولت روسیه تزاری و دولت ایران را که منافعی حق حاکمیت ایران بود، نقض و از درجه اعتبار ساقط دانسته و از استفاده از جزایر آشوراده و سایر جزایر واقع در نزدیک کرانه شهرستان استرآباد صرف نظر کرده است.

«در همان حال دولت شوروی از کلیه حقوق خود نسبت به وجوهی که دولت تزاری به دولت ایران قرض داده بود، چشم پوشید. همچنین از حقوق خود نسبت به درآمدهای کشور، که وثیقه قرضهای مزبور بوده است صرف نظر کرده است. دولت شوروی ساختمانهای مندرجه در یادداشت ۱۹۱۹ خود را مجاناً در اختیار ملت ایران قرار داد. به علاوه خط راه آهن صوفیان - دریایچه ارومیه را با تمام وسایط نقلیه و دارایی آن و همچنین کلیه لنگرگاهها، انبارها، کشتی و قایق و وسایل نقلیه دیگر در دریایچه ارومیه را واگذار کرد. با تمام این کیفیات، در ظرف چندین سال تسهیلات اساسی در زمینه ترقی اقتصادی ایران، مخصوصاً به شهادت عهدنامه تجارتی بین دو کشور، (۳ ژوئیه ۱۹۲۴) اعطاء نمود. به موجب همین عهدنامه برای صدور و ورود کالاهای شوروی و ایران تسهیلاتی جهت ایران فراهم گردید.

«دیگر از شواهد برجسته رویه دوستانه و مساعدت کارانه اتحاد شوروی نسبت

به ایران، قرارداد تقسیم آب ۱۹۲۶ و قرارداد شیلات ۱۹۲۷ و قرارداد دفع آفات گیاهان ۱۹۳۵ و قرارداد مبارزه با ملخ ۱۹۳۵ و قرارداد بازرگانی ۱۹۴۰ و همچنین یک سلسله موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دیگر است.

«در نتیجه تسهیلاتی که از طرف دولت اتحاد شوروی فراهم شده، و نظر به موافقت‌نامه و قراردادهای نامبرده در بالا، ایران توانسته است پاره‌ای از شعب اقتصادی ملی خود را از قبیل، شیلات، زراعت پنبه و غیره به میزان زیادی توسعه دهد. «با این حال دولت شوروی و همچنین دولت ایران در هنگام بستن عهدنامه اساسی میان دو کشور مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۲۱، در کمال خوبی اشکالاتی را که در طریق تحکیم روابط دوستانه میان دو کشور موجود بود، تشخیص داده و پیش‌بینی کردند که خاک ایران ممکن است از طرف عناصر مخالف با اتحاد جماهیر شوروی مورد استفاده قرار گرفته و ایران را برای حمله به اتحاد شوروی مرکز عملیات خود قرار دهند. برای رفع این مخاطره در ماده شش معاهده ایران و شوروی چنین پیش‌بینی شده بود:

«... دولتين متعاهدين موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالک ثالثی بخواهند به وسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند، یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند، و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحاد جماهیر شوروی روسیه و یا مستخدمین آن را تهدید نماید، و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت شوروی روسیه خودش نتواند این خطر را رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را به عمل آورد. دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلاد رنگ قشون خود را از ایران خارج کند.»

«دولت شوروی بدین ترتیب و با رضایت کامل دولت ایران، دفاع منافع اتحاد جماهیر شوروی و ایران را، در صورت وجود خطر مذکور در عهدنامه ۱۹۲۱، بر عهده گرفته و در همان حال تعهد خود را دایر به خارج کردن قشون خود از خاک ایران به محض اینکه مرتفع شود تأیید می‌نماید.

«به‌طوری که اطلاع دارند در مدت بیست سالی که معاهده ۱۹۲۱ به‌قوت خود

باقی بود، دولت شوروی لازم ندیده است که برای دفاع منافع خود متوسل به ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ گردد. ولی در این اواخر، و مخصوصاً از آغاز تعرض خیانت کارانه آلمان هیتلری به دولت اتحاد جماهیر شوروی، فعالیت خصمانه دستجات فاشیست آلمانی که در سرزمین ایران توطئه می‌نمایند، جنبه تهدیدآمیزی به خود گرفته است. عمال آلمانی فاشیزم آلمان از قبیل فون راوانویچ، گاموتا، میر، ویلهلم سانوف، گوستاو بورا، هنریش کلینگر و تراپ و دیگران در زیر نقاب مستخدمین تجارتخانه‌های آلمانی مانند آ. ا. گ. فرشتال، هاربر، ارتل، شیشو، لن، اکنون در فعالیت خرابکاری خود به حد اعلی رسیده و دستجات تفرقه و آدم‌کشی (ترور) ایجاد کرده‌اند. از یک طرف آنها را برای اعزام به آذربایجان شوروی و قبل از همه به بادکوبه، ناحیه عمده نفت‌خیز شوروی، و به ترکمنستان شوروی حاضر کرده و از طرف دیگر برای تمهید یک کودتای نظامی در ایران آماده ساخته‌اند.

«رئیس شعبه جاسوسی آلمان در تهران گاموتای آلمانی با معاون خود میر، مستخدم کمپانی مرسدس، که اخیراً از عراق وارد شده‌اند، به این عملیات اشتغال دارند. دسته عمال آلمانی که به وسیله این اشخاص و زیر نظر سفارت آلمان در تهران تشکیل شده است مشغول ایجاد دستجات مسلح در یک سلسله از نقاط مرزی ایران هستند و قرار است این دستجات به بادکوبه و سایر نقاط منطقه مرزی شوروی، برای تنظیم آتش‌سوزیها و انفجارها در خاک اتحاد جماهیر شوروی اعزام گردند.

«عمال آلمانی در چندین نقطه ایران انبارهای اسلحه و مهمات در اختیار خود دارند. مخصوصاً در بخش شمالی ایران، در اطراف میانه، بیش از پنجاه تن مواد محترقه برای مقاصد خیانت کارانه خود جمع‌آوری کرده‌اند. به عنوان شکار در اطراف تهران به همدستان خود از اتباع آلمان، تعلیمات و تمرینات نظامی می‌دهند. پنجاه‌وشش تن عمال جاسوسی آلمان به نام مهندس و کارشناس وارد بنگاههای نظامی ایران شده‌اند. از میان این دسته کسانی که نقش عمده بازی می‌کنند عبارتند از: نماینده تجارتخانه آلمانی فریدریچ کروپ در ایران، آرتل جاسوس و مدیر نمایندگی تجارتخانه آلمانی زیمنس، فون راوانویچ که جاسوس آلمانی خیلی مشهوری است. معاون او کوکین، مستخدم دفتر ایران - دکیپرس در بندر پهلوی، - ولف آلمانی که ضمناً رئیس شعبه جاسوسی آلمان در شمال ایران و در کناره دریای خزر است. این عمال آلمانی در اقدامات جنایت کارانه خود در کمال وقاحت و به طرز خیلی خشن

کمترین رعایت احترام حق حاکمیت ایران را ننموده، سرزمین این کشور را تبدیل به میدان تهیه مقدمات برای حمله مسلح بر علیه اتحاد شوروی کرده‌اند.

«وضعیتی که در نتیجه کیفیات گفته شده در بالا، در ایران ایجاد شده است خطر فوق‌العاده را آشکار می‌سازد، و همین مسئله دولت شوروی را وادار می‌کند فوراً به کلیه اقداماتی که نه تنها حق دارد بلکه وظیفه دارد، به نام دفاع خود با انطباق کامل با ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ به عمل آورد، مبادرت ورزد. از آغاز حمله آلمان به دولت اتحاد جماهیر شوروی تا کنون، دولت شوروی در سه نوبت در تاریخهای ۲۶ ژوئن، ۱۹ ژوئیه و ۱۶ اوت سال جاری توجه دولت ایران را به فعالیت مفسدت‌آمیز و مخفیانه عمال آلمانی در ایران جلب کرده است. در ۲۶ ژوئن سال جاری دولت شوروی به اعلیحضرت شاهنشاه ایران اطلاع داد که دولت شوروی اطلاعات دقیق راجع به کودتایی که آلمانیها در ایران تهیه می‌بینند، دارد.

«در ۱۹ ژوئیه سال جاری دولت شوروی به اتفاق دولت بریتانیای کبیر مجدداً موضوع خاتمه‌دادن به فعالیت خصمانه آلمانیها را در نزد دولت ایران طرح کردند و اطلاع دادند اغتشاشاتی که موجب تهدید منافع خود ایران و منافع کشورهای همسایه می‌باشد، در کار تهیه‌شدن است. به همین جهت دولت شوروی و همچنین دولت بریتانیای کبیر در باب اخراج آلمانیها از ایران اصرار ورزیده و خاطرنشان کردند که اقامت آنها در این کشور با مصالح خود ایران و همچنین با مصالح اتحاد شوروی و بریتانیای کبیر وفق نمی‌دهد.

«بالاخره در ۱۶ اوت سال جاری دولت شوروی و دولت بریتانیای کبیر برای بار سوم در نزد دولت ایران لزوم اتخاذ تدابیر فوری را برای خاتمه‌دادن به فعالیت عمال آلمانی در ایران، که برخلاف منافع ایران و منافع اتحاد شوروی و بریتانیای کبیر می‌باشد، عرضه داشته و مجدداً اصرار ورزیدند که هرچه زودتر آلمانیها را از ایران اخراج کنند.

«بدین ترتیب دولت شوروی سه مرتبه دولت ایران را از خطری که منافع آن دولت و همچنین دولت اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر را تهدید می‌نمود، به منظور اتخاذ تدابیر لازم، آگاه ساخته است.

«دولت ایران متأسفانه از اتخاذ تدابیر برای خاتمه‌دادن به اغتشاشاتی که عمال آلمانی در خاک ایران طرح کرده‌اند امتناع نموده و بدین وسیله آنها را در اقدامات

جنایتکارانه خود تشویق کرده است. بنابراین دولت شوروی مجبور شده است اقدامات لازم به عمل آورده و فوراً حقی را که به موجب ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ احراز نموده است فعلیت دهد، یعنی قوای خود را موقتاً به منظور دفاع خود داخل خاک ایران کند. «اطمینان می‌دهد که این اقدامات به هیچ وجه بر علیه ملت ایران نیست و دولت شوروی هیچ گونه قصدی نسبت به تمامیت ارضی و استقلال کشور ایران ندارد. «تدابیر نظامی که دولت شوروی اتخاذ نموده منحصرأ متوجه خطری است که از فعالیت خصمانه آلمانیها در ایران ایجاد شده است، و همین که این خطر تهدیدکننده منافع ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی رفع شود، دولت شوروی طبق تعهدی که به موجب عهدنامه ایران و شوروی (۱۹۲۱) نموده است بلافاصله قوای خود را از خاک ایران خارج خواهد کرد.»

[کارتن پیمان سه‌جانبی ایران و اتحاد شوروی و انگلیس. سال ۱۳۲۰. نخست‌وزیری.]

شماره: ۱۲۲

تاریخ: ۳ شهریور ۱۳۲۰

تذکاریه دولت بریتانیا

«توجه اولیای دولت شاهنشاهی ایران کراماً به لزوم اقدام جهت اخراج هیأت آلمانیها از ایران جلب شده است. بودن متخصصین و مستشاران آلمانی در سرتاسر ایران که در کارخانجات و بنگاههای عمومی و راهها و راه‌آهن و در بسیاری از مشاغل مهمه دیگر استخدام شده‌اند، و عملیات و اقدامات آنها ممکن است تولید خطر شدیدی نماید، از نقطه نظر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حائز نهایت درجه وخامت بوده و کاملاً به منافع دولت مشارالیه لطمه وارد می‌سازد. بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اشعار داشته که مقتضی است عده این آلمانیها به حد کامل تقلیل یابد. این مذاکرات دوستانه که با دولت ایران به عمل آمد منتهی به یادداشتی گردید که در تاریخ ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) به دولت شاهنشاهی ابلاغ شد، و در آن بار دیگر تأکید گردید، اقداماتی به عمل آورند که هیأت آلمانیهای مقیم ایران بدون تأخیر بیش از این از ایران خارج شوند.

«یادداشت نامبرده مورخه ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) حاوی پیشنهادی بود دایر به رفع شدن احتیاجات مخصوص ایران از جهت اینکه چند نفر مستخدمین فنی آلمانی که

برای اداره کردن و پیشرفت طرحهای صنعتی ایران، که حائز اهمیت است، استخدام گردیده‌اند، موقتاً ابقاء شوند و همچنین اشعار شده بود که مقتضی است فهرست اسامی این اتباع آلمان را که مایل‌اند جهت کارهای ضروری در ایران بمانند بلا تأخیر به وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان داده شود. در یادداشت نامبرده، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اظهار داشته بود که حاضر است بدین نحو با دولت ایران مساعدت نماید که سعی کند متخصصین لایق انگلیسی یا بی‌طرف به‌جای مستخدمین آلمانی که خارج می‌شوند گماشته شوند. همچنین علاوه کرد که با کمال مسرت با دولت ایران تشریک مساعی خواهد کرد تا اشکالی را که موقتاً ممکن است در اثر خروج عده زیادی کارمند تعلیم‌یافته ایجاد شود تخفیف دهد.

۲- باعث تأسف است که دولت ایران هنوز مقتضی ندانسته است جواب رضایت‌بخشی به‌یادداشت مورخه ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) بدهد. از قرار معلوم دولت ایران به‌ایق این اتباع آلمان در ایران بیش از انجام تمایلات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان، در مسئله‌ای که در اثر اوضاع و حوادث جنگ کسب فوریت نموده و می‌نماید، اهمیت می‌دهد. دولت ایران باید مسئولیتی را که در اثر این تصمیم مستوجه او می‌شود عهده‌دار گردد.

۳- در این صورت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را مجبور می‌داند به اینکه اقدامات لازمه را برای حفظ منافع حیاتی خود به‌عمل آورد و خطری را که از عملیات محتمله آلمانیها در ایران ناشی می‌شود، برطرف سازد.

«دولت ایران می‌تواند مطمئن باشد که این اقدامات به‌هیچ‌وجه بر علیه ملت ایران نبوده و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هیچ‌گونه نقشه و منظوری بر علیه استقلال یا تمامیت ایران ندارد. هرگونه اقدامات نظامی که قوای انگلیس مجبور شود اتخاذ نماید، موقتی بوده و پس از رفع بحران حاضر ادامه نخواهد یافت، زیرا این اقدامات فقط و فقط متوجه دول محور می‌باشد.»

[کارتن پیمان سه‌جانبی ایران و اتحاد شوروی و انگلیس. سال ۱۳۲۰. نخست‌وزیری]

ساعت یک بعد از نیمه شب سوم شهریور ۱۳۲۰، مولوتف کمیسر امور خارجه شوروی، محمد ساعد سفیرکبیر دولت شاهنشاهی را به کاخ کرملین دعوت کرد.

مولوتف در این ملاقات هجوم قوای شوروی را به خاک ایران به اطلاع سفیر کبیر ایران در مسکو رسانید.

شرح این ملاقات و گفتگو برابر گزارشی که سفیر ایران به وزارت امور خارجه ارسال داشته، چنین است:

شماره: ۳۲۵

تاریخ: ۳ شهریور ۱۳۲۰

وزارت امور خارجه

«چنانکه تلگرافاً گزارش شد، ساعت یک بعداز نصف شب سوم شهریور از طرف آقای مولوتف به عمارت ییلاقی سفارت کبرا تلفن و این جانب را برای مذاکراتی به مسکو دعوت نمودند. با آنکه باران به شدت می بارید و به مناسبت مقررات جنگی تمام چراغها به کلی خاموش و می بایستی با اتومبیل بی چراغ حرکت نمود، به زحمت زیادی در تاریکی شب فوق العاده به سختی از میان عده بسی شماری کامیونهای نظامی که علی التوالی در حرکت بودند ساعت سه و ربع کم صبح به شهر مراجعت و همراه آقای اعتصامی مستشار سفارت کبرا به قصر کرملین، به عمارتی که سابقاً دادسرای استان مسکو بوده و حال محل کار آقای مولوتف و کمیسرهای دیگر است، رفتیم. پس از یک ربع انتظار آقای مولوتف مراجعت و از اینکه در این وقت بی موقع مرا از ییلاق به شهر آورده است معذرت خواست و اظهار داشت نظر به اینکه عده بسیار مهمی از عمال آلمانی به عناوین مختلفه در ایران بر علیه دولت شوروی و متحدش انگلستان مشغول دیسیسه و تحریکات می باشند، و دولت ایران به یادداشت های دوستانه انگلیس و شوروی وقعی نگذاشته، و چنانکه تقاضا شده بود، اقدامی در اخراج آنان از خاک ایران به عمل نیاورده، بلکه رویه خصمانه هم نسبت به ما و انگلیس ها اتخاذ نموده است، دولت شوروی طبق ماده شش قرارداد مودت ۱۹۲۱ به ارتش سرخ امر داده است که وارد خاک ایران شوند. و مخصوصاً خاطرنشان می نمایم که این اقدام دولت شوروی به هیچ وجه بر علیه ملت ایران نبوده و به محض اینکه عللی که این اقدام را ایجاب نموده اند از میان برداشته شود، ارتش شوروی فوراً ایران را تخلیه خواهد کرد. تمام قضایا ضمن یادداشتی که الآن به شما تسلیم می کنم درج است.

«جواب دادم اولاً به عنوان سفیر کبیر دولت شاهنشاهی و به نام دولت ایران و ثانیاً به عنوان یک فرد ایرانی، به نام ملت ایران بر علیه این اقدام دولت شوروی و نقض

مصونیت ایران جداً اعتراض می‌کنم. دوم علتی که برای این اقدام غیرمحقانه خود ایراد کردید، باعث تعجب است، زیرا چنانکه می‌دانید دولت شاهنشاهی از همان روز اول شروع این مذاکرات، خواش دولتی شوروی و انگلیس را حسن استقبال نموده و عده معتابیهی از آلمانیها را در همان روزهای اول از ایران اعزام داشت. اختلاف نظر در طرز طرح قضیه بود. زیرا طرز انشاء یادداشتهای مزبور برخلاف حقوق حاکمیت و استقلال ایران و صورت یک یادداشت غیرقابل قبولی را داشت و تقاضای دولت ایران این بود که طرز انشاء و نگارش آنها اصلاح گردد.

«و چنانکه در تهران و مسکو و لندن مکرراً وعده داده شده بود، مقامات مربوطه ایران در اعزام قسمت اعظم آلمانیهای مقیم ایران موافق بودند، به‌علاوه باید یک بار دیگر خاطرنشان کنم که عده آلمانیها در ایران خیلی محدود و بیش از هفتصد نفر نمی‌شد، و اینکه مقامات انگلیسی و شوروی عده آنها را چندین هزار نفر تخمین می‌زنند صحیح نیست. تمام خارجیان در ایران تحت کنترل مخصوص بوده، صدور روادید ورود آنان تابع مقررات بسیار سختی است. هیچ خارجی نمی‌تواند خاک ایران را محل دسیسه و عملیات سیاسی نماید.

«سوم نهایت تأسف است که ماده شش قرارداد مودت ۱۹۲۱ را دست‌آویز قشون‌کشی به ایران می‌نماید. البته می‌دانید این ماده موقعی نوشته شد که ارتش انگلیس ایران را تصرف نموده، به قفقازیه هم آمده بود. به اصطلاح این ماده بر علیه تجاوز قشون انگلیس به ایران در عهدنامه گنجانده شده و حقیقتاً موجب بسی حیرت است که دولت شوروی ماده‌ای را که به عنوان حمایت تمامیت و حاکمیت و استقلال ایران در عهدنامه گنجانده بود، امروز بر علیه تمامیت و حاکمیت و استقلال ایران به کار می‌برد. به‌علاوه در ماده شش ذکر شده «در صورتی که قشون دولت دیگری به ایران دست‌اندازی نماید،» که امروز به هیچ وجه چنین قضیه‌ای وجود ندارد. به همین جهت هیچ دلیلی این اقدام دولت شوروی را نمی‌تواند تبرئه نماید، لذا جداً خواهش می‌کنم فوراً اقدام لازم بفرمایید که از ورود قشون به ایران جلوگیری شود تا بتوانم تمام اقدامات لازمه را برای تأمین نظریات شما به عمل آورم.

«آقای مولوتف اظهار داشت عده آلمانیها در ایران طبق اطلاعاتی که داریم خیلی بیش از آن است که مقامات وابسته ایران قلمداد می‌نمایند. اینکه می‌گویید دولت ایران اقدام به اخراج آلمانیها نموده و عده‌ای هم خارج شده‌اند، نظر ما را تأمین نمی‌کند.

استدلال در مفهوم ماده شش هم صحیح نیست، زیرا علاوه بر اینکه قشون انگلیس هم وارد ایران می‌شود، با وجود عده زیادی آلمانی در ایران، ما در قشون‌کشی به ایران محق هستیم، و چون تصمیم قطعی گرفته شده است، متأسفانه نمی‌توانیم از ورود قشون به ایران جلوگیری کنیم. از شخص شما خواهشمندم اقدامات لازمه بفرمایید که این قضیه بطور مسالمت‌آمیزی انجام یابد.

«جواب دادم پاسخهای جنابعالی به هیچ وجه مقنع نبوده و باید با نهایت تأسف اظهار دارم بر علیه آنچه که تاکنون دولت شوروی همیشه اظهار می‌داشت که سیاست مستقلی را داراست، در این عمل حق‌شکنانه، دولت شوروی کاملاً تابع نظریات و سیاست دیگران شده است.

«آقای مولوتف با لحن مخصوصی اظهار داشت هرگز چنین چیزی نیست. ما همیشه سیاست مستقل مخصوص خود را داریم.
«جواب دادم متأسفانه در این رفتار، دولت شوروی کاملاً از سیاست دیگران متابعت نموده است.

«آقای مولوتف که منتظر این جواب صریح و دندان‌شکن نبود با عصبانیت اظهار داشت ما در تمام عملیات خود مستقل بوده و مطمئن باشید که ما آلمانیها را هم شکست خواهیم داد. بنده در مقابل این اظهار سکوت کردم. نامبرده که شاید انتظار داشت این جانب نظریه او را تأیید نمایم، با حرکت عصبانی مخصوصی سیگاری برداشته آتش زد و یک بار دیگر گفت بلی مطمئن باشید ما این دشمن را هم درهم خواهیم شکست. باز از طرف من جز سکوت چیزی نشنید، و ملاقات در ساعت سه‌ونیم بعداز نصف شب به پایان رسید.»

سفیر کبیر
محمد ساعد

پاسخ یادداشت ۲۵ اوت دولت شوروی به وسیله محمد ساعد، سفیر کبیر ایران در تاریخ ۶ شهریور به وزیر امور خارجه آن کشور تسلیم شد.

شماره: ۱۳۷

تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۲۰

وزارت امور خارجه

«امروز ۲۶ ماه اوت، ساعت هفت بعدازظهر جواب یادداشت آقای مولوتف را

به‌مضمون ذیل دادم:

«محترماً دریافت ی‌آدداشت دولت شوروی مورخه ۲۵ اوت امسال را اشعار می‌دارد. دولت و ملت ایران همیشه نسبت به‌دولت و ملت اتحاد جماهیر شوروی صمیمی‌ترین احساسات دوستانه را داشته‌اند. حسن همجواری و دوستی متقابل بین دو کشور همیشه در کارها و عملیات هر دو دولت منعکس بوده است. ایران همیشه قدر و قیمت سیاست برادرانه و صمیمی اتحاد جماهیر شوروی را در سخت‌ترین دقایق زندگی سیاسی ایران که به‌شکل پشتیبانی اخلاقی و مادی بروز نموده، دانسته و می‌داند. قضایای مذکور در یادداشت، در باب روابط دوستانه فی‌مابین، در محل و وقت خود کاملاً مطابق با حقیقت می‌باشد. بسط مناسبات دوستانه میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی همیشه بر اساس حسن‌فاهم و اعتماد متقابل مستقر بوده است. ماده ۶ عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی دلیل مبرهن اعتماد متقابل بین دولت و ملت ایران و شوروی بوده و این ماده در اصل تضمین مصونیت ارضی ایران می‌باشد. کیفیت منظوره در ماده ۶ عهدنامه بالصراحه ضمن ماده نامبرده تعیین گردیده است.

«در ۲۵ اوت جاری هیچ قشون دولت ثالثی قصد نداشته به‌زور دخالت مسلحانه، اقدامات تجاوزکارانه در خاک ایران به‌عمل آورد و یا خاک ایران را مبدل به‌مرکز حملات نظامی بر علیه دولت اتحاد جماهیر شوروی نماید. ایران که یک دولت بی‌طرف و دوست دولت شوروی بوده، همه‌گونه اقدامات به‌عمل آورده که از خطرات محتمله از وجود بعضی عناصر خارجی مقیم ایران جلوگیری نماید.

«پیشنهادهای دولت شوروی در تاریخ ۲۶ ژوئن و ۱۹ ژوئیه و ۱۶ اوت برای جلب‌توجه دولت ایران بوضعیات بوده و مقدمه اخطار رسمی ۲۵ اوت جاری محسوب می‌شود، با آنکه شکل این پیشنهادات با طرز عادی مناسبات سیاسی بین کشورهای مستقل موافقت ندارد، مع‌هذا نظر به‌مناسبات دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی، دولت شاهنشاهی اقدامات فوق‌العاده مؤثر و فوری که بدون شک به‌نتیجه مرضی‌الطرفین می‌رسید، به‌عمل آورد. از مطالعه دقیق تمام اقدامات معموله از طرف دولت ایران، من شخصاً به‌این نتیجه رسیدم که تا ۱۵ سپتامبر امسال آخرین طبقه اشخاصی که از نقطه‌نظر شوروی خطرناک تشخیص داده شده‌اند، می‌بایستی از مرزهای ایران خارج گردند، یعنی ۵۶ روز پس از وصول یادداشت اولی مورخه ۱۹ ژوئیه. شایان تأسف است که دولت شوروی منتظر نتایج اقدامات فوری و مؤثری که دولت ایران، با در

نظر گرفتن بی‌طرفی خود به عمل می‌آورد، نگردید. از طرف اتحاد جماهیر شوروی و همچنین دولت انگلیس راجع به محترم شمردن حقوق حاکمیت و تمامیت ارضی و مصونیت و استقلال و بی‌طرفی ایران اطمینان داده شده بود و دولت ایران نیز کاملاً به این اطمینانها اعتماد داشت.

«نظر به مراتب مذکور. به عنوان سفیرکبیر ایران از شما آقای کمیسر خارجه، خواهشمندم برای حل دوستانه قضیه، حرکت دستجات قشونی را در خاک ایران موقوف داشته و به احترام حق حاکمیت و بی‌طرفی ایران فرصت دهید که اقدامات دولت ایران برای اخراج اشخاص مذکور در یادداشت ۲۵ اوت، در مدت مذکور در بالا جریان معمول و طبیعی خود را طی کند. ضمناً با اعتقاد کامل به اطمینانهای دولت شوروی در باب اینکه قشون شوروی به محض رفع خطر، از خاک ایران خارج خواهند شد و نظر به اینکه خارجیهایی که برای دولت شوروی و انگلیس خطرناک تشخیص داده شده‌اند عنقریب از خاک ایران خارج خواهند شد، از شما خواهشمندم اقدامات لازم بنماید که قسمتهای قشون سرخ که داخل ایران شده‌اند به مرز شوروی برگردند و در حال حاضر از طرفیت با نیروی ایران، که مدافع مصونیت خاک خود می‌باشند، خودداری کنند.

«با تایید عدم موافقت با تفسیر غیر صحیح ماده ۶ عهدنامه مودت ۱۹۲۱ و اعتراض راجع به سوق موقتی قشون شوروی به خاک ایران، آقای کمیسر خارجه، به شما اطمینان می‌دهم در صورت احترام کامل به حقوق حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال و مصونیت مرزی ایران، دولت متبوعه من همه‌گونه اقدامات برای تشدید مناسبات دوستانه و اقتصادی بین ایران و دولت شوروی به عمل خواهد آورد.»

سفیرکبیر
محمد ساعد

طبق دستور تلگرافی دولت ایران، نماینده سیاسی دولت شاهنشاهی در لندن نیز اعتراض خود را از ورود ارتش انگلیس به خاک ایران به وزیر امور خارجه دولت انگلیس اعلام کرد و نتیجه را به شرح زیر به وزارت امور خارجه گزارش داد:

وزارت امور خارجه

«صبح روزی که قشون روس و انگلیس به خاک ایران تجاوز کردند، فوراً با وزیر امور خارجه ملاقات، و در زمینه این تلگراف با او مذاکره، و تقاضا کردم برای جلوگیری از واقعه غیرقابل جبران، تا دولت شاهنشاهی بتواند یادداشتی که نمایندگان طرفین تسلیم کرده‌اند مطالعه نمایند، به قشونشان دستور بدهند عودت نمایند، و یا اقلأً هر جا که هستند فوراً توقف کنند.»

«وزیر خارجه جواب داد چون وزیرمختارشان در تهران با اولیای دولت شاهنشاهی در این باب مشغول مذاکرات است، مشکل می‌شود که هم در تهران و هم در لندن در یک موقع مذاکره به عمل آید.»

محمدعلی مقدم

در روز سوم شهریور ۱۳۲۰، اعلیحضرت رضاشاه، ضمن تلگرافی که به فرانکلین روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، که در آن زمان هنوز وارد جنگ نشده و بی‌طرفی خود را حفظ کرده بود، مخابره کردند، از او خواستند که برای جلوگیری از تجاوز قوای شوروی و انگلیس به خاک کشور بی‌طرف ایران، وساطت نماید. متن تلگراف شاهنشاه ایران چنین است:

سوم شهریور ۱۳۲۰

حضرت فرانکلین. د. روزولت

رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا - واشنگتن

«البته از حوادث اخیر ایران که قوای انگلیس و روس بدون اخطار قبلی غفلتاً از مرزهای این کشور عبور و به تصرف نقاط و بمباران عده زیادی از شهرهای باز و بی‌دفاع ایران مبادرت ورزیده‌اند، خاطر آن حضرت آگاه گردیده است. عنوان سابق روس و انگلیس، نگرانی از وجود عده‌ای آلمانی در ایران بود که اطمینان داده شد به‌زودی از این کشور می‌روند. در این صورت هیچ جای نگرانی برای آنها باقی نمانده

و به هیچ وجه بر من معلوم نیست به چه علت به این اقدامات تجاوزکارانه متشبث شده و بدون ملاحظه شهرهای ما را بمباران می کنند.

«در این موقع لازم می دانم به استناد اعلامیه آن حضرت مبنی بر مساعدت و تقویت اصول عدالت بین المللی و حفظ حقوق آزادی ملل، از شما تقاضا نمایم که به این قضیه که برای ایران پیش آمده و یک کشور بی طرف و صلح جو را، که هیچ منظوری جز حفظ آسایش و اصلاح امور داخلی خود ندارد، دچار مصائب جنگ می سازد متوجه نموده، با اقدامات مؤثر نوع پرورانه خود در رفع این تجاوزات مساعی لازم مبذول فرمایند.

«با امتنان از توجهات خیرخواهانه آن حضرت احساسات صمیمانه خود را تقدیم می نمایم.»

رضا بهلوی

در جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی که بعد از ظهر روز سوم شهریور ۱۳۲۰ تشکیل شد، علی منصور، نخست وزیر، گزارشی از تجاوز ناگهانی قوای روس و انگلیس به خاک ایران به اطلاع نمایندگان مجلس شورای ملی رسانید. نخست وزیر خطاب به نمایندگان مجلس چنین اظهار داشت:

«مطالبی که حالا به اطلاع آقایان نمایندگان می رسد، فقط برای گزارش جریانات اخیر و وقایعی است که روی داده است. آقایان نمایندگان در این موضوع هرگونه اظهاراتی داشته باشند، تمنی می شود به جلسات بعد موکول نمایند.

«به طوری که از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا به فرمان ملوکانه مقرر گردید، دولت شاهنشاهی بی طرفی ایران را اعلام کرد و با تمام وسایل و قوای خود دقیقاً این نیت را پیروی و به موقع اجرا گذاشت، و با رویه صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر سرایت جنگ و همچنین صیانت حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند، به ویژه دول همسایه کوشید. به طوری که تا حال به هیچ وجه خطری در ایران از هیچ طرف به هیچ یک از آنها متوجه نگردیده است. با این حال دولت انگلیس، و بعد از اتفاق آن دولت با دولت شوروی، هر دو متفقاً اظهاراتی مبنی بر نگرانی از وجود یک عده آلمانی در ایران کرده و دو نوبت یعنی در تاریخ ۲۸ تیرماه و تاریخ ۲۵ مرداد به وسیله نمایندگان خود تذکاریه هایی تسلیم دولت ایران داشتند، که اخراج قسمت

عمده‌ای از آلمانیهای مقیم ایران را درخواست می‌کردند.

«در پاسخ این اظهارات، چه ضمن مذاکرات عدیده شفاهی و چه طی تذکاریه‌های مورخ ۷ مرداد و ۳۰ مرداد، کتباً اطمینانهای کافی در مراقبت دولت ایران نسبت به رفتار کلیه اتباع بیگانه و عدم امکان بروز مخاطره از عده معدودی آلمانی که در ایران مشغول کارهای معینی هستند، داده شد. حتی برای مزید اطمینان دو دولت اقدامات مقتضی برای کاهش عده معتنابهی از افراد آلمانی به‌عمل آمد و مکرر، چه در تهران و چه در مسکو و لندن، مراتب به‌مقامات مربوط دولت انگلستان و شوروی خاطرنشان گردید، و آنچه ممکن بود برای حصول اطمینان و روشن‌ساختن نظریه آنها کوشش به‌عمل آمد.

«متأسفانه با تمام این مجاهدات که دولت ایران به‌منظور حفظ امنیت و آسایش کشور و رفع نگرانی دو دولت همسایه خود کرد، در عوض حسن‌فاهم و تصفیة مسالمت‌آمیز قضیه، نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت ۴ صبح امروز به‌منزل این جانب آمده و هر کدام یادداشتی مبنی بر تکرار مطالب گذشته، که جواب آنها با اقدامات اطمینان‌بخش داده شده بود، تسلیم کردند. در این یادداشتها توسل خود را به‌نیروی نظامی اخطار کرده‌اند و مطابق گزارشهایی که رسیده، معلوم شد نیروی نظامی آنها در همان ساعت که نمایندگان مزبور در منزل این جانب مشغول مذاکره بودند، به‌مرزهای ایران تجاوز کرده‌اند، نیروی هوایی شوروی در آذربایجان به‌بمباران شهرهای باز و بی‌دفاع پرداخته و قوای زیادی نیز از جلفا به‌سمت تبریز اعزام شده‌اند.

«در خوزستان قوای انگلیس به‌بندر شاهپور و خرمشهر حمله برده و کشتیهای ما را غافلگیر نموده و صدمه زده‌اند. نیروی هوایی آن دولت به‌اهواز بمب ریخته و همچنین قوای انگلیس با وسایل موتوریزه فوق‌العاده زیاد از طرف قصر شیرین به‌سمت کرمانشاه در حرکت می‌باشند. قوای متجاوز که با نیروی شاهنشاهی مواجه شده‌اند، طبعاً تصادم و زدوخوردهایی هم رخ داده است. دولت برای روشن‌ساختن علت و منظور این تجاوزات به‌فوریت مذاکرات و اقدامات لازم به‌عمل آورده و منتظر نتیجه مذاکرات هستیم.

«همان‌طور که تقاضا شد، خواهشمند است در این جلسه غیر از استماع گزارش، صحبتی نشود. بعد به‌موقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم

خبر خواهیم داد.

«دولت لازم می‌داند به‌عموم افراد کشور توصیه و تأکید نماید که در این موقع باید کمال متانت و خونسردی را رعایت کرده و با نهایت آرامش رفتار نمایند.»

قوای روس و انگلیس پس از تجاوز به‌خاک ایران و بمباران شهرهای بی‌دفاع، شروع به‌پیشروی به‌داخل خاک کشور کردند.

دولت به‌منظور جلوگیری از عملیات نظامی بیشتر قوای مهاجم، ضمن تلگرافی به‌نمایندگان سیاسی خود در کشورهای انگلستان و شوروی و چین و آمریکا و ترکیه دستور داد تا با وزرای خارجه کشورهای مذکور تماس گرفته و اقداماتی برای جلوگیری از عملیات نظامی مهاجمین در ایران و کشتار مردم بی‌گناه به‌عمل آورند.

متن تلگرافات مزبور چنین است:

شماره: ۱۲۹

تاریخ: ۳ شهریور ۱۳۲۰

تلگراف به‌سفارت خانه‌های ایران در لندن و مسکو

«تعقیب تلگراف سابق، قوای متجاوز روس و انگلیس مشغول پیشروی هستند. مخصوصاً روسها تمام شهرهای آذربایجان تا بندرپهلوی و غازیان را، که همه باز و بی‌دفاع هستند، بدون هیچ‌جهت بمباران می‌کنند. این تجاوزات نظامی بدون هیچ‌گونه اخطار قبلی به‌عمل آمده و با هیچ‌یک از اصول بین‌المللی مطابقت ندارد.

«لازم است فوراً به‌وزارت خارجه مراجعه و علت این اقدامات را توضیح خواسته، تقاضا شود هرچه زودتر دستور جلوگیری از آنرا بدهند. نتیجه را فوری اطلاع دهید.»

جواد عامری

شماره: ۱۳۱

تاریخ: ۴ شهریور ۱۳۲۰

تلگراف به سفارت‌خانه‌های ایران در واشنگتن و آنکارا.

«تعقیب تلگراف ۳ شهریور ۱۳۲۰ لازم است به‌وزارت خارجه بگویید جنگ ترتیباتی دارد. رویه‌ای را که قوای روس و انگلیس برای پیشروی در خاک ایران و

بمباران شهرها اتخاذ کرده‌اند، تاکنون در هیچ جای دنیا دیده نشده و با هیچ مقرراتی تطبیق نمی‌کند. معلوم نیست چه عنوانی برای این عملیات قائل می‌شوند. اتباع آنها در داخل کشور با نهایت آزادی زیست می‌کنند، در صورتی که آنها بدون هیچ سبب و جهتی افرادیگانه ایران را مورد بمباران و هلاکت قرار می‌دهند. لازم است از وزیر امور خارجه تقاضا کنید هرچه زودتر در نزد دولتین روس و انگلیس اقدام مؤثر و فوری برای توقف عملیات نظامی به عمل آورند. نتیجه مذاکرات را هم فوری تلگراف کنید.»

جواد عامری

سفارت ایران در لندن در پاسخ چنین مخابره کرده است:

شماره: ۱۳۶

تاریخ: ۸ شهریور ۱۳۲۰

وزارت امور خارجه

«فوراً معاون وزارت امور خارجه را ملاقات و گفتم با اینکه از ابتدا قشون ایران حتی‌المقدور از جنگ خودداری نموده و دولت جدید هم رسماً در مجلس اعلان کرده که به قشون امر شده به کلی ترک مقاومت نماید، و مراتب هم رسماً به سفارت انگلیس در تهران نوشته شده، در این صورت خواهشمند است به قشون خودتان دستور دهید عملیات جنگی را متروک دارند.»

«جواب دادند که دیروز پیشنهادات خود را به دولت شاهنشاهی تسلیم و منتظر جواب هستیم. متأسفانه تا وصول جواب، نمی‌توانند به قشون امر دهند هر جا که هستند توقف نمایند.»

محمدعلی مقدم

دستور ترک مقاومت

در حالی که تلاشهای سیاسی برای جلوگیری از پیشرفت قشون مهاجمین در خاک ایران ادامه می‌یافت، اعلیحضرت رضا شاه چنین مصلحت دیدند که برای به ثمر رسیدن این کوششها بهتر است دولت جدیدی بر سر کار آید. از این رو علی منصور استعفا کرد و محمد علی فروغی مأمور تشکیل کابینه گردید.

اعلیحضرت رضاشاه همچنین برای جلوگیری از کشتار و خونریزی و حفظ کشور از آتش جنگ به ارتش شاهنشاهی دستور آتش بس دادند.

محمد علی فروغی، نخست‌وزیر در جلسه روز پنج‌شنبه ششم شهریور ماه ۱۳۲۰ مجلس شورای ملی، ضمن سخنانی، اعلام ترک مقاومت ارتش شاهنشاهی را اعلام داشت و چنین گفت:

«به استحضار خاطر نمایندگان محترم می‌رساند که دولت با نهایت جدیت در حفظ مناسبات حسنه با دول خارجه، مخصوصاً همسایگان، و تعقیب اصلاحاتی که منظور نظر اعلیحضرت همایونی و عموم ملت است خواهد کوشید. ضمناً خاطر آقایان محترم را مستحضر می‌دارد همان‌طور که به خوبی آگاهی دارند دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار صلح و مسالمت بوده و می‌باشند. برای اینکه این نیت تزلزل‌ناپذیر کاملاً برجهانیان مکشوف گردد، در این موقع که از جانب دو دولت شوروی و انگلستان اقدام به عملیاتی شده که ممکن است موجب اختلال صلح و سلامت گردد، دولت به پیروی از نیت صلح‌خواهانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه به‌قوای نظامی کشور دستور می‌دهد که از هرگونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند، تا موجبات خونریزی و اختلال امنیت مرتفع شود و آسایش حاصل گردد.»

به دنبال فرمان ترک مقاومت به ارتش شاهنشاهی، علی سهیلی، وزیر امور خارجه، سفیرکبیر دولت شوروی را احضار و مذاکراتی با وی به‌عمل آورد. وزیر امور خارجه نتیجه این مذاکرات را به‌شرح زیر برای اطلاع سفیر کبیر دولت شاهنشاهی در مسکو ارسال داشت:

تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۲۰

جناب آقای محمد ساعد

سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در شوروی

«امروز بلافاصله بعد از معرفی دولت به مجلس، سفیر کبیر شوروی را خواسته راجع به وقایع اخیر مفصل مذاکره و توجه مشارالیه را به‌بمباران شهرهای ایران و خونریزیهایی که سبب شده‌اند، جلب کردم. سفیر شوروی در جواب تاریخچه مذاکرات خودشان را با نخست‌وزیر سابق و اینکه دولت ایران نخواست به‌اهمیت قضایا پی‌برده و از اخراج آلمانیها، که وعده بیرون کردن آنها را داده بوده است، بیان و گله کرد که

چرا نخست وزیر سابق در بیانات خود در مجلس، شوروی را متجاوز قلمداد کرده، بدون اینکه به شرح قضایا و مذاکرات فیما بین پردازد.

«جواب گفتم بمبارانهای شما روی نظامیها و حتی شهرهای باز، از قبیل قزوین و شاهرود و سواحل بحر خزر را باید چه عنوان داد؟ امروز صبح سه هواپیمای شما به سلطنت آباد، نزدیک تهران بمب ریخته اند. اگر مطالبی دارید چرا صریحاً بیان نمی کنید؟ بیرون کردن آلمانیها را که وعده داده بودیم عمل هم می کنیم. از ایجاد نفرت در کشور ایران برای خودتان چه فایده ای خواهید برد؟ بالاخره پس از مذاکرات زیاد، نظریات خود را به شرح زیر خلاصه کردم:

«دولت ایران برای حفظ روابط، امروز دستور داد قوای نظامی ایران از مقاومت دست بردارند. آلمانیها را هم اخراج خواهیم کرد. راه بدهید تا بتوانیم آنها را از ترکیه عبور بدهیم. در مقابل تقاضا داریم شما هم فوراً دست از بمباران شهرها برداشته و پیشرفت قوای خود را متوقف و در برگرداندن آنها اقدام نمایید.

«سفیر کبیر شوروی اظهار امیدواری کرد که با دولت حاضر کار را تمام کند. وعده داد فوراً مراتب را به مسکو تلگراف و جواب مساعد در حل قضایا و جلوگیری از پیشرفت قوا بگیرد.

«جناب عالی هم قضیه را تعقیب فرمایید. نتیجه را تلگراف نمایید. با وزیر مختار انگلیس هم در همین زمینه مذاکره و مخصوصاً به وعده کریس به سفیر کبیر ترکیه در مسکو، اشاره کردم.»

وزیر امور خارجه
علی سهیلی

محمد ساعد سفیر دولت شاهنشاهی در شوروی در پاسخ وزیر امور خارجه، نتیجه اقدامات خود را در مسکو چنین گزارش داد:

ساعت ۸ بعد از ظهر ۱۰ شهریور ۱۳۲۰

وزارت امور خارجه

«پاسخ تلگراف ۹ شهریور ۱۳۲۰، کتباً و شفاهاً اقدام، جواب می دهند:
«اوامر قطعی و صریح به فرماندهان قشون اعزامی صادر شده و باز هم می شود

که از هر نوع عملیات جنگی و بمباران هوایی خودداری نمایند. در باب بمباران اطراف تهران نیز متذکر و اعتراض کردم، ولی چون بمباران واقع نشده بود، اعتراض را رد کردند. بعد جانشین کمیساریای خارجه پیشنهادات کتبی و شفاهی خود را به دولت ایران بیان کرد. گفتم شرایط سخت و سنگین تحت اشغال ماندن این مناطق، وضعیت سیاسی و اقتصادی ما را به کلی فلج خواهد کرد. اگر همکاری در تسهیل نقلیات و حمل مهمات می‌خواهید، لزومی نداشت قسمتهای مهم را اشغال و شرایط خود را تحمیل نمایید. گفت با اوضاع کنونی جنگ چاره‌ای دیگر نداریم. مطالعه طولانی و تعویق در انجام تقاضاهای ما، به غیر از معطلی، فایده دیگری نخواهد داشت. بهتر است دولت زودتر قبول کند و مسئله خاتمه یابد.

«شاید بهتر باشد برای تخفیف شرایط تقاضاها با لندن تماس گرفته شود و جلب مساعدت شود، مخصوصاً راجع به مسائلی که خود آنها نیز ذینفع هستند. در هر حال هرچه زودتر مسئله خاتمه یابد مشکلات ما را کمتر خواهد کرد. «از قرائن، تذکرات وزیر خارجه ترکیه به سفارت کبرای روس در آنکارا تأثیر زیادی نداشته که از این رویه خود نسبت به ایران تعدیلی قائل شوند.»

سفیر کبیر
محمد ساعد

اخراج آلمانیها از ایران

روز هجدهم شهریور ۱۳۲۰، علی سهیلی، وزیر امور خارجه، ضمن گزارشی به مجلس شورای ملی، خلاصه‌ای از رویدادهای بین ششم تا هجدهم شهریورماه را چنین به اطلاع نمایندگان رسانید:

«سخن بر سر قضایا و پیش آمدهای اخیر است که نظر به اهمیت آنها لازم است خاطر نمایندگان محترم و عموم ملت ایران از آن آگاه باشد: «آنچه تا روز پنجشنبه ششم این ماه واقع شده، به استحضار آقایان رسیده است و بخاطر دارند که روز پنجشنبه هیأت دولتی که همان روز به مجلس شورای ملی معرفی شد، ضمن برنامه خود اطلاع داد که دولت ایران نظر به نیت صلح‌خواهانه و مصلحت کشور تصمیم گرفته است، در مقابل قوای دولتن شوروی و انگلیس، به قوای خود امر

دهد که از مقاومت خودداری نمایند.
«نمایندگان محترم هم ضمن رأی اعتماد به دولت، این تصمیم را تصویب فرمودند.

«بنابراین همان روز شرح زیر به سفارت کبرای شوروی و سفارت انگلیس نوشته شد:

نامه به سفیر کبیر اتحاد شوروی و وزیر مختار انگلیس.

تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۲۰

«چنانکه خاطر آن جناب مستحضر است، دولت شاهنشاهی ایران با رعایت سیاست بی طرفی، پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانه خود را با تمام دول به ویژه با دولتهای همسایه خود محفوظ بدارد.

«در این موقع هم که نیروی جنگی دولت اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا وارد خاک ایران گردیده اند، دولت ایران برای ابراز کمال حسن نیت و حفظ مناسبات همجواری مبادرت به جنگ نکرده است. با این حال قوای آن دولت به عملیات جنگی و بمباران شهرها مبادرت کرد و نیروی پادگان ایران در شهرستانها هم طبعاً در مقابل حمله ای که به آنها شده بود، ناگزیر از خود دفاع و مقاومت نموده اند.

«اینک به استحضار خاطر عالی می‌رساند که دولت شاهنشاهی برای اثبات نیت صلح‌خواهانه خود دستور داد نیروی دولتی به کلی ترک مقاومت نموده از هر گونه اقدامی خودداری نمایند. انتظار دارد قوای آن دولت هم حرکت خود را متوقف ساخته، عملیات جنگی را متروک دارد. این تصمیم دولت به اطلاع نمایندگان سایر دول هم می‌رسد.»

«در روز هشتم شهریورماه نمایندگان دولین انگلیس و شوروی به ملاقات جناب آقای نخست‌وزیر و این جانب آمده یادداشت‌هایی تسلیم نمودند که متن آنها عیناً خوانده می‌شود:

«آقای وزیر، محترماً به طوری که قبلاً هم تذکر داده شده خاطر جنابعالی را مستحضر می‌سازیم:

۱ — دولین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی هیچ نقشه‌ای علیه استقلال یا تمامیت ارضی ایران ندارند و علت اینکه مجبور شده‌اند اقدامات نظامی به عمل

آورند، این بوده است که دولت ایران توجهی به پیشنهادات آنها نکرده است. لیکن این گونه اقدامات بر علیه خود ایران اتخاذ نگردیده بلکه فقط بر علیه تهدید اقدامات ممکنه آلمانیهایی بوده که در نقاط مهم تمام کشور ایران قرار گرفته بوده اند. چنانچه دولت ایران فعلاً حاضر به تشریک مساعی باشند، علت ندارد که عملیات خصمانه ادامه پیدا نماید.

۲- دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی خواستار بعضی ضمانتهایی می باشند که فعلاً دولت ایران در حقیقت مایل به انجام تقاضاهای عادلانه آنها هستند. تقاضاهای مزبور به قرار ذیل است:

الف- دولت ایران باید امر صادر نمایند که قشون ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال و شرق خطی از خانتقین، کرمانشاه، خرم آباد، مسجد سلیمان، هفتگل، گچساران و بندر دیلم عقب نشینی نمایند.

« در شمال قشون ایران باید از نقاط اشنو، حیدرآباد، میاندوآب، زنجان، قزوین، خرم آباد، بابل، زیرآب، سمنان، شاهرود و علی آباد (شاهی) عقب نشینی کنند. نقاط نامبرده بالا موقتاً به وسیله قشون انگلیس و شوروی اشغال خواهد شد. ب- دولت ایران بایستی در ظرف یک هفته کلیه اتباع آلمان به استثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی که در بنگاههای مخابرات و نظامی نباشند از ایران خارج کرده و صورت اسامی آلمانیهای مزبور را برای موافقت به نمایندگان سیاسی انگلیس و شوروی در تهران تسلیم نمایند.

ج- دولت ایران بایستی تعهد نمایند اتباع آلمانی دیگری به خاک ایران وارد نشوند. د- دولت ایران بایستی تعهد نماید که مانعی در راه حمل و نقل لوازمی، که شامل ادوات جنگی نیز خواهد شد، و از وسط خاک ایران بین نیروهای شوروی و انگلیس به عمل خواهد آمد قرار نداده، بلکه تعهد نماید وسایل تسهیل حمل و نقل این قبیل لوازم را که به وسیله راه آهن یا راه یا از طریق هوا حمل می شوند فراهم سازد.

۳- در مقابل دولتین انگلیس و شوروی موافقت می نمایند که:

الف- حقوق مربوط به نفت و غیره ایران را کمافی السابق بیردازند.

ب- وسایل تسهیل لوازم مورد احتیاج اقتصادی ایران را فراهم سازند.

ج - پیشروی زیادتیر نیروهای خود را متوقف ساخته و به محض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد قشون خود را از خاک ایران خارج نمایند.

۴ - علاوه بر این دولت ایران تعهد می‌کند که بی‌طرفی خود را ادامه داده و هیچ گونه عملی که برخلاف منافع دولتین انگلیس و شوروی باشد در این مبارزه، که بر اثر تجاوز آلمان بر آنها تحمیل گردیده است، ننماید.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تقدیم می‌نماید.»

وزیر مختار انگلیس
بولارد

یادداشت سفارت کبرای شوروی مورخ هشتم شهریور ۱۳۲۰

«دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت بریتانیای کبیر چنانکه در نامه مورخ ۲۵ اوت سال جاری خود اشعار داشته‌اند هیچ‌گونه مقاصدی که مخالف استقلال ایران و یا تمامیت ارضی آن باشد ندارند. آنها مجبور شدند به عملیات نظامی در خاک ایران مبادرت ورزند، چون دولت ایران به پیشنهادات آنها عطف توجه نکرد. با این حال این اقدامات به هیچ‌وجه متوجه خود ایران نیست. این اقدامات فقط متوجه تهدیداتی است که به امنیت دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و خود ایران به وسیله عملیات آلمانی‌هایی که مقامات برجسته‌ای را در تمام ایران اشغال نموده‌اند، وارد گردیده است. چنانکه در حال حاضر دولت ایران حاضر به همکاری باشد، هیچ سببی برای اینکه عملیات جنگی ادامه داشته باشد، وجود نخواهد داشت، ولی دولت شوروی و دولت بریتانیای کبیر در نظر دارند که از دولت ایران تضمیناتی راجع به اینکه دولت ایران اکنون حقیقتاً مایل است منافع حقه آنها را تأمین نماید بگیرند. تضمینات از این قرار است:

الف - دولت ایران باید قوای خود را در جنوب خطی که از مغرب به مشرق از نقاط زیر می‌گذرد عقب ببرد. قصبه اشنو در جنوب غربی دریاچه رضائیه، حیدرآباد و میاندوآب (در جنوب دریاچه رضائیه) زنجان، قزوین و خرم‌آباد در ساحل جنوبی دریای خزر، بابل، زیرآب، سمنان، شاهرود و در مشرق علی‌آباد (شاهی).

«نواحی واقع در شمال این خط باید موقتاً در تصرف نیروی شوروی باشد.

دولت ایران باید به نیروی خود امر بدهد که در شمال و مشرق خطی که از نقاط زیر می‌گذرد عقب بنشیند:

«خانقین، کرمانشاه، خرم‌آباد، مسجد سلیمان، هفت‌گل، گچساران، رامهرمز و بندر

دیلم. نواحی واقع در جنوب و مغرب این خط را موقتاً قشون انگلیس اشغال می‌نماید.

ب- دولت ایران باید در ظرف یک هفته تمام کلنی آلمانی را به‌استثنای هیئت سفارت آلمان و چند نفر تکنیسینهای متخصص که مشاغل آنها مربوط به وسایل ارتباطی و یا مؤسساتی که جنبه نظامی دارند، نباشد خارج نماید.

«سیاهه آلمانیهایی که در ایران خواهند ماند (و از آن جمله خواهد بود کارمندان سفارت آلمان) باید با موافقت سفارت شوروی و سفارت انگلیس در تهران تنظیم شود.

ج- دولت ایران باید تعهد نماید که آلمانیها را به‌خاک ایران راه ندهد.

د- دولت ایران باید تعهد نماید هیچگونه موانعی برای حمل‌ونقل کالاهایی که (از جمله مواد جنگی) به‌مقصد اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر حمل می‌شود، ایجاد ننماید و همچنین حمل کالاهای و موادی را که در راههای شوسه و راه‌آهن ایران و یا در خطوط هوایی حمل می‌شوند تسهیل نماید.

ه- به مؤسسات دولت اتحاد جماهیر شوروی برای توسعه کار نفت در کویر خوریان، مطابق قرارداد ایران و شوروی، و همچنین برای توسعه امور شیلات در سواحل جنوبی دریای خزر، مطابق قرارداد ایران و شوروی راجع به شیلات، بذل مساعدت نماید.

و- دولت ایران باید تعهد نماید که بی‌طرفی را حفظ نموده و بر ضرر منافع شوروی و انگلستان در مخاصمه‌ای که نتیجه تجاوزات آلمان می‌باشد به‌هیچ عنوان اقدامی ننماید.

«دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان از طرف خود در مطالب زیر موافقت می‌نمایند:

۱- با دولت ایران در انجام امور اقتصادی آن کمک و مساعدت نمایند.

۲- حرکت نیروی شوروی و انگلستان را در آینده مستوقف سازند و به‌محض اینکه وضعیت جنگی اجازه بدهد نیروی خود را از خاک ایران خارج بنمایند.

«دولت شوروی همچنین موافقت دارد:

ز- پرداخت حق‌الامتیاز شیلات سواحل جنوبی بحر خزر را بر وفق قرارداد ایران و شوروی مورخ اول اکتبر ۱۹۲۷ ادامه دهد.

«دولت بریتانیای کبیر موافقت دارد:

ح- پرداخت حقوقی را که از بابت اجاره بهای نقاط نفت‌خیز و غیره، به‌طوری که تاکنون معمول بوده، ادامه دهد.»

هیأت دولت بعد از مطالعات و مشاوره، نظر به اوضاع و موقعیت و مخاطره‌ای که به کشور روی آورده است، در دهم شهریورماه در جواب‌خواست تا دولتی شوروی و انگلیس بعضی تغییرات و اصلاحات در تقاضاهای خود بدهند. متن جواب‌هایی که به نمایندگان دولتی داده شده بشرح زیر است:

«آقای وزیر مختار، محترماً در پاسخ‌نامه مورخ ۸ شهریور ۱۳۲۰ (۲۰ اوت ۱۹۴۱) آن جناب اشعار می‌دارد:

«اینکه مرقوم شده است دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی هیچ قصدی بر علیه استقلال و تمامیت خاک ایران ندارند و عملیاتی که اخیراً واقع شده بر ضد ایران نیست، و در صورتی که دولت ایران حاضر برای همکاری باشد عملیات خصمانه ادامه نخواهد یافت، دولت ایران از این اظهار رسمی اتخاذ سند می‌نماید، و با اعتماد کامل انتظار دارد از اقدامات آن دو دولت چنانکه صریحاً وعده داده‌اند، هیچ‌نوع لطمه‌ای به استقلال کامل و تمامیت خاک ایران وارد نخواهد آمد.

«اینکه اظهار کرده‌اند که دولت ایران تضمین کند منافع حقه آنها را رعایت خواهد کرد، دولت شاهنشاهی ایران کاملاً اطمینان می‌دهد که نه در گذشته و نه در آینده هیچ قصد نداشته و ندارد که منافع آن دو دولت در ایران مختل شود یا اقدامی بر خلاف دوستی و مناسبات همجواری، که در بین بوده و هست، به عمل آید.

«اما در باب تقاضاهایی که در نامه مزبور از دولت ایران نموده‌اند:

۱- اینکه تقاضا کرده‌اند دولت ایران به قوای خود امر دهد که به طرف شمال و مشرق خطی که از نقاط خانقین، کرمانشاه، خرم‌آباد، مسجد سلیمان، هفت‌گل، گچساران، رامهرمز و بندر دیلم می‌گذرد عقب بکشد، و قوای دولت انگلستان در نواحی جنوبی و غربی این خط اقامت کند، و نیز دولت ایران قوای خود را به طرف جنوب خطی که از مغرب به مشرق از قصبه اشنو در جنوب غربی رضائیه و حیدرآباد و میاندوآب در جنوب دریاچه رضائیه و زنجان، قزوین و خرم‌آباد در جنوب دریای خزر، و بابل، زیرآب، سمنان، شاهرود و علی‌آباد (شاهی) در مشرق می‌گذرد، عقب بکشد، و قوای شوروی موقتاً در نواحی واقعه در شمال این خط اقامت نماید، اظهار می‌شود که دولت ایران اصولاً این پیشنهاد را برای مدتی که اوضاع جنگ کنونی ایجاب می‌کند می‌پذیرد.

«ضمناً چون یقین دارد که خود دولتین هم قصد ندارند نقاطی که در آنها قوای خود را موقتاً اقامت می‌دهند وسیع باشد، و نیز نظر به ملاحظاتی که شفاهاً گفته شد، تقاضا می‌کند در قسمت جنوب، حدود ناحیه منظور نظر طوری معین شود که شهرهای خرم‌آباد و دزفول در آن ناحیه واقع نشود، و در قسمت شمال هم شهرهای قزوین، سمنان و شاهرود از این خط خارج شود. در این موضوع لازم می‌داند نکات زیر را اشعار دارد:

«الف- دولت شاهنشاهی ایران تصور می‌کند دولت انگلستان موافقت دارد که قوای ایران شهر کرمانشاه را تخلیه نکند.

«ب- بنا بر اصلی که آن دو دولت در آغاز نامه خود تصریح کرده‌اند مسلم است که در نواحی که قوای دولت بریتانیای کبیر یا شوروی اقامت خواهند کرد متعلقات دولت و ملت ایران کاملاً محفوظ و اختیارات دولت ایران، برحسب استقلال تام خود راجع به وظایفی که نسبت به امور کشور برعهده دارد، کاملاً برقرار خواهد بود و از طرف قوای آن دو دولت به هیچ وجه عملیاتی که منافای با آن اختیارات باشد واقع نخواهد شد و ادارات دولتی و ملی ایران آزادانه به وظایف خود، مطابق مقررات کشور ایران، عمل خواهند کرد. قوای شهربانی و امنیه نیز مشمول همین اصل خواهند بود.

«ج- قوای دولت انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی هر جا اقامت دارند از حیث خواربار و لوازم زندگانی و مسکن و سایر حوایج بر دولت ایران تحمیل نخواهند شد و تهیه لوازم مزبور برعهده خودشان خواهد بود.

«در قسمتی که از داخله تهیه می‌نمایند باید مطابق مقررات کشور به‌طریقی باشد که مضیقه‌ای پیش نیاید.

«د- مأمورین دولتین انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی در نقاطی که قوای آنها اقامت دارند دستورهای لازم خواهند داد به‌اینکه، قوای مزبور و افراد آنها حتی الامکان تماس با اهالی نداشته باشند تا از وقوع احتمالی قضایای نامطلوب احتراز شود.

«۲- اینکه تقاضا کرده‌اند دولت ایران در ظرف یک‌هفته تمام آلمانی‌ها، را به‌استثنای کارمندان سفارت آلمان و بعضی متخصصین فنی که کار آنها مربوط به وسایل ارتباط یا اعمال نظامی نباشد، از ایران خارج نماید، اشعار می‌دارد دولت ایران موافقت

خود را با این تقاضا اعلام می‌کند و چون خروج آنها از راههایی باید بشود که قوای آن دو دولت در آنجا اقامت دارند، البته اقدام خواهند نمود که اتباع آلمانی که خارج می‌شوند بدون مزاحمت از آن نواحی عبور نمایند و از طرف قوا و مأمورین آن دو دولت تعرضی به آنها نشود.

۳- راجع به اینکه بعد از این دولت ایران اجازه ندهد اتباع آلمانی به خاک ایران وارد شوند، اشکالی نیست. بدیهی است این قید محدود به مدتی است که مخاصمه فعلی بین آن دو دولت و دولت آلمان ادامه دارد.

۴- اینکه تقاضا کرده‌اند دولت ایران به هیچ وجه اشکالی برای حمل اجناس و مهمات جنگی به مقصد بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی پیش نیاورد، و حمل آنها را به وسیله راههای شوسه و راه آهن یا راههای هوایی تسهیل نمایند، دولت شاهنشاهی موافقت خود را در این باب اشعار می‌دارد.

«البته تسهیلاتی که دولت ایران تعهد خواهد نمود، در حدود ممکن و موجودیت وسایل خواهد بود به طوری که مایه تضییقی برای دولت ایران و ایرانیان فراهم نشود. ۵- اینکه اظهار داشته‌اند که دولت ایران تعهد کند بی طرف مانده و اقدامی نکند که به منافع دولت انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی در این منازعه آنها با دولت آلمان خللی وارد آورد، لزوماً اشعار می‌دارد که راجع به بی طرفی به طوری که اطلاع دارند دولت ایران از آغاز جنگ اروپا به طیب خاطر بی طرفی خود را اعلام داشت و به هیچ وجه از شرایط این بی طرفی تخلف نکرده بود، و بعدها نیز در این تصمیم خود باقی خواهد بود، و نیز دولت ایران هیچ گاه راضی نبوده و نخواهد بود که به منافع حقه آن دو دولت در ایران خللی وارد آید.

«امیدوار است که اولیای آن دو دولت نیز در تفسیر این عبارت و تطبیق این معنی با موارد عمل، حسن تفاهم را از مدنظر دور ندارند تا از بروز هرگونه مشکلات اجتناب شود.

۶- به طوری که در نامه خود وعده داده‌اند که به دولت ایران در حوایج اقتصادی آن مساعدت نمایند، یقین است که در اجرای این مقصود خرید کالاهای صادراتی ایران را نیز منظور داشته و نیز اقدام لازم به عمل خواهند آورد که اجناس متعلق به ایران که اکنون در حدود متصرفات انگلستان و یا خاک دولت شوروی متوقف مانده، هرچه زودتر به ایران حمل شود و از آن جهت برای این کشور گشایش دست دهد.

۷- نسبت به وعده صریحی که آن دو دولت داده‌اند که پیشرفت قوای انگلیس و شوروی را متوقف سازند و به‌زودی که اوضاع جنگ کنونی اجازه دهد، آنها را از خاک ایران بیرون ببرند، دولت ایران از این فقره اتخاذ سند می‌نماید و اعتماد خود را نسبت به این اظهارات دو دولت اشعار می‌دارد.

۸- اینکه اظهار داشته‌اند حق‌الامتیاز نفت شرکت ایران و انگلیس مانند گذشته پرداخته خواهد شد، و دولت شوروی هم موافق قرارداد ایران و شوروی مورخ اول اکتبر ۱۹۲۷ حقوق دولت ایران را از بابت شیلات سواحل جنوبی بحر خزر کماکان خواهد پرداخت، موجب امتنان است.

۹- در خاتمه اشعار می‌دارد که چون ضمن عملیاتی که از روز سوم شهریور به‌بعد واقع شده، ممکن است اسلحه و مهمات و اشیائی از قوا و متعلقات ایران به‌دست قوای آن دو دولت افتاده باشد، نظر به عوالم دوستی که فی‌مابین این دولت با دولت بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی برقرار است، انتظار دارد که آنها را مسترد سازند، و نیز چون در ضمن عملیات قوای آن دو دولت خسارات مالی و خرابیها و اتلاف نفوس واقع شده است، امیدوار است از طرف آن دو دولت نیت دوستانه منصفانه درباره ترمیم آنها ابراز شود. خاصه که قسمتی از این قضایای ناگوار پس از آن روی داده است که دولت ایران به قوای خود امر ترک مقاومت نموده بود.»

عین همین یادداشت در همان تاریخ برای سفارت اتحاد جماهیر شوروی نیز فرستاده شد که فقط آن قسمتی که مربوط به نفت خورین است و در یادداشت به سفارت انگلیس متذکر نشده ذکر می‌گردد:

«... اما در باب نفت خورین، در عین اشعار موافقت با همکاری دو دولت ایران و شوروی از استفاده از این منبع ثروت، لازم است این نکته را متذکر گردد که در عهدنامه ایران و شوروی از امتیاز نفت خورین ذکر نشده است. اگر منظور قراردادهای دیگری است که بین دو دولت ایران و شوروی منعقد شده و با نفت کویر خورین مناسبت دارد، چنانکه شفاهاً مذاکره شد، هر قراری در این باب داده شده باشد، چون چندین سال متروک مانده و عملی نشده و ممکن است با مقتضیات حقیقی وفق ندهد، بنابراین اولیای دولت ایران حاضرند که با اولیای دولت شوروی برای عقد

قراردادی راجع به نفت کویر خوریان داخل مذاکره شده، استفاده هردو طرف را از این حیث تأمین نمایند...»

ضمناً باید عرض کنم یک روز بعد از اینکه دولتین یادداشت خود را تسلیم نمودند، یعنی در نهم شهریورماه از سفارت انگلیس یادداشت دیگری به این مضمون به وزارت خارجه واصل شد:

سفارت انگلیس - قلهک

شهریور ۱۳۲۰

«سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعارفات خود را به وزارت امور خارجه شاهنشاهی اظهار و محترماً اشعار می‌دارد که نظر به حوادث و جریانات سریع چندروز گذشته که در نتیجه کلیه طرقی که آلمانیها از آن می‌توانند از ایران خارج شوند بر روی آنها بسته شده، دولت پادشاه انگلستان مایل‌اند که آلمانیها به عوض اینکه توسط دولت شاهنشاهی ایران از این کشور اخراج شوند، به‌قوای انگلیس یا سویت تسلیم گردند.

«بنابراین جمله ۲ نامه‌ای که وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان محترماً در تاریخ ۳۰ اوت (۸ شهریور ۱۳۲۰) به جناب آقای نخست‌وزیر تسلیم نمودند. به قرار ذیل است:

«کلیه اتباع آلمانی به‌استثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی که در بنگاههای مخابرات یا نظامی نباشند به‌قوای انگلیس یا سویت تحویل و صورت آلمانیهای مزبور را که با موافقت سفارت انگلیس و سویت تنظیم می‌شود، به‌میسوینهای مزبور تسلیم کنند.»

«از آن روز تاکنون دولت ایران از لحاظ اینکه این تقاضای دولت انگلیس مبنی بر اینکه آلمانیها به‌جای اخراج شدن به‌قوای انگلیس و شوروی تسلیم گردند، خوش‌آیند نبوده، در جلسات متعدد و با دلایل زیادی که ذکر آنها در اینجا زاید است، سعی کرد نمایندگان دولتین از این موضوع صرف‌نظر نمایند ولی هنوز موفقیت در این کار حاصل نشده است. در ۱۴ شهریورماه نمایندگان دولتین به‌وزارت امور خارجه آمده به‌دلایلی که در یادداشت بعدی آنها مذکور است تقاضا نمودند سفارتهای آلمان و ایتالیا

و مجار و رومانی و همچنین اتباع دولتهای ایتالیا و مجار و رومانی ایران را ترک کنند.

«آنچه تاکنون واقع شده این است که بی‌کم‌و‌زیاد به‌استحضار می‌رساند و البته بعدها هم هرچه واقع شود به‌اطلاع آقایان خواهد رسید.

«آقایان نمایندگان محترم باید بدانند که دولت ایران همواره نسبت به‌کلیه کشورهای که با ما مناسبات داشته‌اند به‌نظر احترام نگریسته و همیشه اهتمام کرده است حقوق آنها را رعایت کند، و سعی نموده است مناسبات دوستانه برقرار و روابط عادی را ادامه دهد. این سیاست مخصوصاً نسبت به‌دول همجوار با نظر خاصی تعقیب شده است. ما همیشه سعی نموده‌ایم از این جنگ برکنار بمانیم و بی‌طرفی خود را حفظ کنیم.

«ما امیدواریم به‌زودی عللی که سبب این پیش‌آمد ناگوار شده مرتفع گردد با اطمینان به‌اینکه دولتین چه در نامه‌های خود و چه کراراً ضمن اظهارات شفاهی تأیید و تصریح کرده‌اند، بعد از خاتمه جنگ بلافاصله قوای آنها خاک ایران را ترک کنند.»

یادداشت سفارت انگلیس که نخست‌وزیر در جلسه مجلس شورای ملی به‌آن اشاره کرده و حاوی نکات مهمی در مسئله اخراج آلمانیها و ایتالیاییها و تعطیل سفارت‌خانه‌های آلمان، ایتالیا، رومانی و مجارستان در تهران است به‌شرح زیر در تاریخ ۱۵ شهریورماه ۱۳۲۰ تسلیم وزیر امور خارجه شد:

تاریخ: ۱۵ شهریور ۱۳۲۰

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه

«آقای وزیر، در پاسخ‌نامه جنابعالی شماره ۳۶۱۵ مورخه ۱۰ شهریورماه جاری (اول سپتامبر) محترماً مراتب ذیل را به‌استحضار آن جناب می‌رسانم:

۱- در عرض چند روز گذشته اوضاع محلی به‌نحوی تغییر یافته که در زمانی که دولت متبوعه دوستدار تعلیماتی را که در نامه این جانب مورخ ۳۰ اوت (۸ شهریور) بر آن مبتنی بود تنظیم نمودند، پیش‌بینی نگردیده بود. از لحاظ اینکه تصفیه امر جهت دولت ایران آسانتر گردد، قوای متفقین شهر تهران را اشغال نکردند. لکن سفارت‌خانه‌های دول محور این خودداری را فقط علامت ضعف پنداشته و از آزادی

که از این رهگذر برای آنها پیش آمده بود استفاده نموده به وسیلهٔ هجو و تنقید دولتمین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی و تخدیش اذهان عمومی توسط تبلیغات محلی و رادیوی آلمان و ایتالیا، موجبات زحمت و اشکال دولت ایران را فراهم ساخته‌اند.

«بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ناگزیر است به دولت ایران اطلاع دهد که سفارت آلمان به انضمام سفارتخانه‌های دیگر، که تحت اداره آلمانها می‌باشند، یعنی سفارتخانه‌های ایتالیا، مجارستان و رومانی در اسرع اوقات ممکنه برچیده شوند. این تقاضا امروز صبح شفاهاً به جنابعالی ابلاغ گردید. لکن مقتضی می‌دانم آنرا کتباً نیز اظهار داشته و خاطر آن جناب را متذکر شوم تا زمانی که چهار سفارتخانه‌های نامبرده بالا بسته نشده، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از دولت ایران تقاضا می‌نماید کلیه تسهیلات مربوط به پیک و رمز را موقوف نموده و نگذارند سفارتخانه‌های مزبور از دستگاههای بی‌سیم فرستنده خود استفاده کنند. علاوه براین در مورد اشخاصی که با سفارتخانه‌های مذکور ایاب و ذهاب می‌نمایند، و همچنین در باب عملیات و اقدامات اعضاء این سفارتخانه‌ها که مورد سوءظن می‌باشد تفتیش و مراقبت کامل به عمل آورند.

«۲- اکنون مشروحاً به جواب نامه فوق‌الذکر جنابعالی مبادرت می‌نمایم:

بند ۱

«الف- گرچه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر نیستند هیچ‌یک از شهرهای مقرر و مشروح را از نواحی اشغال شده که قبلاً به دولت ایران ابلاغ گردیده مجزا نمایند، اصولاً ایرادی ندارد به این‌که در محل، ترتیبی فیما بین مأمورین نظامی انگلیس و مأمورین وابسته ایران داده شود که طبق آن عده‌ای از افراد ارتش یا امنیهٔ ایران برای نظم و آرامش در دزفول، خرم‌آباد و کرمانشاهان بوده باشند. معذک در صورتی که احتیاجات نظامی انگلیس ایجاب نماید، ترتیب نامبرده ممکن است مورد تجدیدنظر واقع شود.

«ب- در نواحی اشغال‌شده لازم خواهد بود مأمورین اداری مشاغل و وظائف جاریه خود را با معاضدت کامل مأمورین نظامی انگلیس انجام دهند. مأمورین نظامی نامبرده به سهم خود سعی خواهند کرد تا حدی که با احتیاجات نظامی

انگلیس موافقت نماید، تمایلات حقانی اولیای امور ایران را انجام دهند.
 «ج- مأمورین نظامی انگلیس به هیچ وجه میل ندارند از حیث آذوقه و مسکن و سایر احتیاجات تحمیل بر دولت ایران بوده باشند. با معاضدت کامل مأمورین اداری ایران ترتیباتی داده خواهد شد که احتیاجات مأمورین نظامی انگلیس در این مورد به نحوی تأمین شود که مضیقه جهت این کشور تولید نگردد.
 «د- هرگونه اقدامات لازم به عمل خواهد آمد که از حدوث حوادث ناگوار فیما بین قوای اشغالی و ساکنین محل جلوگیری شود.

بند ۲

«الف- رویه‌ای را که در باب آلمانها اتخاذ نموده‌ایم و در نامه دوستدار مورخه ۳۰ اوت (۸ شهریور) ذکر شده در یادداشتی که روز بعد تسلیم نمودم تغییر یافته است.

«امروز صبح محترماً نظریات دولت پادشاه انگلستان را برای جنابعالی تشریح کردم و یادآور شدم که به استثنای اشخاصی که ممکن است مورد تصویب میسیونهای سیاسی انگلیس و سویت در تهران واقع شوند، هیئت آلمانها (غیر از سفارت آلمان که در فوق اشعار گردید) بایستی به مأمورین انگلیسی و یا به مأمورین سویت تحویل گردند.

بند ۳

«الف- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان موافقت دارند که تضییق مربوط به ورود آلمانها به ایران فقط محدود به طول مدت جنگ با آلمان بوده باشد.

بند ۴

«الف- تسهیلات راجع به ترانزیت کالاها و مهمات جنگی طبق احتیاجات نظامی خواهد بود. لکن دولت ایران می‌تواند اطمینان داشته باشد که اقداماتی برای اصلاح و تکمیل وسایل ارتباط و مخابرات که اکنون موجود است به عمل خواهد آمد، و نیز سعی خواهد شد جهت دولت و ملت ایران مضیقه تولید نشود.

بند ۵

«الف- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با لزوم ملحوظ داشتن حسن تفاهم ذاتالبین به منظور احتراز از هرگونه اشکالی موافقت دارند.

بند ۶

«الف- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با تقاضای دولت ایران دائر به اینکه معاضدت اقتصادی شامل خرید صادرات ایران بوده باشد، با نظر مساعد و همدردی ناظر بوده و آنچه را بتواند برای انجام این تقاضا به عمل خواهد آورد. «اما در باب تقاضاهای دیگری که ممکن است برای آزادکردن کالاهای متعلق به ایران؛ که الحال در خاک انگلیس می باشد به عمل آید، لازم خواهد بود به طور انفرادی، به مناسبت خصوصیات هر یک از کالاها، مورد مطالعه و رسیدگی واقع شود. لکن سعی خواهد شد این قبیل کالاها در هر جا که ممکن باشد آزاد گردد.

۳- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهد بود موضوع ارجاع اسلحه جات و مهمات جنگی را در موقع مناسب مورد مطالعه قرار دهند، و نیز حاضر خواهد بود در وقتی که قوای اشغالی انگلیس از ایران خارج شدند تقاضاهای عادلانه را که ممکن است دولت ایران بابت غرامت خسارات وارده به اتباع ایران طی مدت اشغال، عنوان نموده مورد رسیدگی و ملاحظه قرار دهد.

«موقع را مفتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می نمایم.»

وزیرمختار دولت انگلستان

بولارد

وزیر امور خارجه در پاسخ نامه سفیرکبیر دولت شوروی که مشابه نامه وزیرمختار دولت انگلستان بوده نامه ای به شرح زیر برای آن سفارت ارسال داشت:

تاریخ: ۱۷ شهریور ۱۳۲۰

آقای اسمیرنوف سفیرکبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی - تهران

«آقای سفیرکبیر، در پاسخ نامه مورخ ۱۵ شهریورماه جاری (۶ سپتامبر ۱۹۴۱)

شما و در تعقیب نامه مورخ ۱۰ شهریور جاری شماره ۳۶۱۴ این جانب راجع به حل

مسائلی که برخلاف انتظار، بر اثر ورود قوای دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان به خاک ایران پیش آمده و مطرح گردیده است، این جانب اختیار دارد مطالب زیر را که دلیل منتهای حسن نیت دولت شاهنشاهی ایران بر اصلاح ذات‌البین می‌باشد به‌استحضار آن جناب برساند:

۱- راجع به برچیدن سفارتخانه‌های آلمان، ایتالیا، رومانی و مجارستان و اقداماتی که در نامه آن جناب خواسته بودند، نسبت به آن سفارتخانه‌ها و اتباع آلمان به‌عمل آید، خاطر شما را مستحضر می‌دارد برای ابراز کمال حسن نیت و مساعدت نسبت به رفع نگرانی دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان، دولت شاهنشاهی ایران نظر به وضعیت فعلی ناگزیر موافقت کرده و اقدام فوری به‌عمل آورد که ترتیب انجام تقاضاهای آن دو دولت در این قسمت برای مرتفع ساختن هر سوءتفاهمی هرچه زودتر داده شود. ولی لازم می‌داند متذکر گردد که علاوه بر پیش‌بینی‌های گذشته، با اقداماتی که از طرف دولت در این چند روزه برای جلوگیری از هر گونه سوءتفاهمی به‌عمل آمده، تغییری در اوضاع محلی رخ نداده و مشکلاتی بر اثر اقدامات آلمانیها و ایتالیاییهای مقیم تهران برای دولت ایران ایجاد نشده است، تا جای آن باشد که موضوع عدم ورود قوای دولتی شوروی و انگلستان به‌تهران را، که هیچ‌گونه سبب و بهانه‌ای هم برای آنان نبوده و نیست، تذکر دهند.

۲- دولت شاهنشاهی ایران متأسف است که دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان نتوانسته‌اند مختصر تقاضای دولت ایران را حتی در خارج ساختن شهرهای سمنان، شاهرود، قزوین، خرم‌آباد و دزفول از خطی که در یادداشت اولی خود تعیین کرده بودند، بپذیرند. هر چند به‌نظر دولت ایران موجبی برای رد این تقاضا نبوده است.

۳- راجع به معاضدت متقابل ادارات کشوری - دولتی از جمله امنیه و شهربانی با قوای نظامی دولتی در نقاطی که محل توقف آنها می‌باشد، دولت ایران امیدوار است رویه حسن تفاهم بین آنها کاملاً استقرار یابد و مأمورین ایرانی هم مطابق مقررات کشور بدون مانع از عهده وظایف خود برآیند.

۴- راجع به جبران غرامت خسارات وارده که به‌استناد مقاومت قوای ایران در مقابل قوای شوروی اشعار داشته‌اند نمی‌تواند استرضای خاطر دولت ایران را از این

جهت فراهم نمایند، لازم می‌داند این نکته را تذکر بدهد که چون آغاز مخاصمه از طرف قوای ایران به عمل نیامده، ورود قوای شوروی هم بدون اطلاع قبلی بوده و مقاومت بدوی پادگانها هم برای دفاع خویش طبعاً صورت گرفته که دولت ایران به اقتضای حسن نیت خود در صلح‌طلبی و حفظ مناسبات دیرینه با آن دو دولت بلافاصله دستور ترک مقاومت داده است و قسمت مهم خسارات وارده هم پس از اعلان ترک مقاومت بوده، بنابراین دولت ایران حقاً انتظار دارد که موضوع غرامت مورد تجدیدنظر و توجه خاص دولت شوروی واقع شود.

«۵- با حسن مناسبات موجوده در ترتیباتی که اینک برقرار می‌گردد دولت شاهنشاهی برای نگاهداری اسلحه و مهماتی که از قوای ایران گرفته شده است موجبی نمی‌بیند. با این حال اگر دولت اتحاد جماهیر شوروی اصراری در این نگاهداری موقت داشته باشد اقتضا دارد فهرستی از اسلحه و مهمات مزبور با حضور نمایندگان طرفین تنظیم گردد تا بعد از جنگ یا در موقع مناسب دیگری پیش از پایان جنگ به دولت ایران مسترد گردد.

«بنابراین مراتب دولت شاهنشاهی یقین دارد اکنون که از هر جهت وسایل اطمینان خاطر دولت جماهیر شوروی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان فراهم گردیده است، امر فوری و مؤثر به قوای آن دو دولت صادر خواهند نمود که در حدود موافقت‌های حاصله عمل نمایند تا مأمورین دولت ایران در آن نقاط برای اعاده وضعیت عادی و انجام وظایف خود منظمأ اقدام نمایند - موقع را مقتضی شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»

وزیر امور خارجه
سهیلی

(عین این یادداشت برای وزیرمختار انگلیس نیز ارسال شده است.)

دولت شاهنشاهی ایران برای عزیمت آلمانیهای مقیم ایران به کشور خود دست به فعالیتهای سیاسی گسترده‌ای زد و اسناد زیر گویای این اقدامات است:

یادداشت

سفارت آلمان - تهران

«وزارت امور خارجه شاهنشاهی پس از تعارفات خود به استحضار سفارت آلمان مقیم تهران می‌رساند:

«به‌طوری که استحضار دارند قوای دولتی شوروی و انگلیس پس از عبور از مرزهای ایران اولین موضوعی را که به دولت ایران پیشنهاد کردند، خروج اتباع آلمان از خاک ایران بود. این قضیه را در نامه خود به تاریخ هشتم شهریور ۱۳۲۰ رسماً به دولت ایران اعلام داشتند. یک روز بعد از آن سفارت انگلیس نامه دیگری به وزارت امور خارجه شاهنشاهی فرستاد و صریحاً خواستند که اتباع آلمان به دولتی انگلیس و شوروی تسلیم گردند. چند روز بعد از آن مجدداً یادداشتی فرستادند که علاوه بر تسلیم اتباع آلمان تقاضا کردند که سفارتخانه‌های آلمان، ایتالیا، مجارستان و رومانی هم برچیده شود و کارکنان آنها خاک ایران را ترک نمایند.

«از روز وصول اولین یادداشت، دولت شاهنشاهی ایران، چه در تهران و چه در اروپا، به‌وسایلی که داشت دائماً اقدام نمود که دولتی از این پیشنهاد و تحمیل صرف‌نظر کرده، و همان‌طوری که ابتدا خواسته بودند، و دولت ایران موافقت نموده بود، راه بدهند که آلمانیها به کشور خویش برگردند. متأسفانه اقدامات دولت ایران به هیچ‌وجه به نتیجه نرسید و دولتی به اصرار خود افزودند.

«در تمام این موارد وزارت امور خارجه جناب آقای وزیرمختار آلمان را در جریان گذاشت تا اینکه روز گذشته صورتی تهیه و خواسته‌اند که دولت ایران فعلاً در حدود دویست نفر از اتباع آلمان را به اهواز و پنجاه نفر آنها را به قزوین اعزام دارد، و تقاضا کردند انجام این امر دیرتر از فردا شب نشود.

«وزیرمختار دولت انگلیس و سفیرکبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی ضمن مذاکرات، همه نوع اطمینان به دولت ایران داده‌اند که وسایل راحتی آلمانیها را فراهم خواهند کرد و اقداماتی نخواهند نمود که برخلاف ترتیباتی باشد که معمولاً در این قبیل موارد پیش می‌آید.»

شماره: ۳۷۷۵
تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۲۰

یادداشت

سفارت آلمان - تهران

«وزارت امور خارجه شاهنشاهی در جواب یادداشت شماره ۳۰۱۶/۴۱ و در تعقیب یادداشت خود به شماره ۲۷۵۵ محترماً اشعار می‌دارد:
«به‌طوری که در یادداشت خود اشاره فرموده‌اند و همان‌طور که مرقوم داشته‌اند دولتین انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی تقاضاهای زیر را از دولت ایران نموده‌اند:
۱- اتباع آلمان در ایران به دولتین انگلیس و شوروی تسلیم گردند.
۲- سفارت آلمان در تهران برجیده شود.
۳- کارکنان سفارت آلمان خاک ایران را ترک نمایند.

«دولت شاهنشاهی ایران به‌طوری که در یادداشت شماره ۳۷۵۵ و شماره ۳۷۷۳ خود تفصیلاً بیان کرده است از هیچ اقدامی که راجع به تسلیم نکردن اتباع آلمان به دولتین انگلیس و شوروی لازم بود کوتاهی نکرده و در تمام این مدت مشغول این کار بوده است. همان‌طور که ضمن مذاکرات حضوری به جناب آقای وزیرمختار ابلاغ گردید، متأسفانه چون اقدامات دولت ایران به نتیجه منتهی نگردید، دولت ایران از اجرای این پیشنهاد ناگزیر بوده است و مراتب امروز صبح هم توسط آقای مدیرکل وزارت امور خارجه به جناب آقای وزیرمختار اطلاع داده شده و صورت اسامی عده‌ای که باید تا فردا شب از تهران خارج و به اهواز و قزوین بروند از طرف ایشان حضوراً تسلیم گردیده است.»

شماره: ۳۸۰۳
تاریخ: ۲۲ شهریور ۱۳۲۰

یادداشت

سفارت آلمان - تهران

«وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران در تعقیب یادداشت شماره ۳۷۷۴ محترماً به استحضار سفارت آلمان در تهران می‌رساند:

«نمایندگان دولتین اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس اصرار دارند سفارت آلمان در تهران تا روز هفدهم سپتامبر برچیده شود، و کارکنان آن خاک ایران را ترک کنند. لهذا مراتب را اشعار میدارد تا استحضار داشته باشند.

«آنچه مربوط به اتباع دولت آلمان باشد، البته به وسیله سفارتخانه‌ای که حافظ منافع آنها معرفی شود، انجام خواهد شد. اولیای سفارت آلمان می‌توانند مطمئن باشند که دولت ایران به سهم خود از هیچ نوع کمک و مساعدت مضایقه نخواهد کرد.»

سفارت آلمان در پاسخ یادداشت‌های مذکور نامه‌هایی به شرح زیر به وزارت امور خارجه ارسال داشت:

شماره: ۴۰/۴۱

تاریخ: ۲۲ شهریور ۱۳۲۰

یادداشت

وزارت امور خارجه

«سفارت آلمان در پاسخ یادداشت شماره ۳۸۰۳ مورخ ۱۹۴۱/۹/۱۳ که ساعت ۲۰ واصل گردید محترماً مراتب ذیل را اشعار می‌دارد:

«تقاضای دولت شاهنشاهی ایران مبنی بر اینکه کلیه مردان آلمانی منجمه اشخاص سالخورده و مریض بایستی فردا ساعت ۹ سفارت آلمان را ترک نمایند، و در عرض فردا و پس فردا از تهران خارج شوند، از لحاظ فنی و قوای جسمانی غیر قابل اجرا است.

«اجرای تصمیمات لازم برای حیات دوستانه و شصت و نه نفر زن و یکصد و هفتاد و دو نفر بچه که باقی می‌مانند، پس از حرکت کلیه مردان، دیگر امکان ندارد بنابراین تقاضای دولت ایران به صورت دیگری تعبیر نمی‌گردد، مگر اینکه زنان و بچه‌های آلمانی را روحاً و جسماً محو و نابود نمایند.

«برای اینکه قبلاً هر ظنی نسبت به سوءنیت سفارت آلمان مرتفع گردد، سفارت تحت فشار وقایع حاضر است دستور دهد مردانی که مشمول خدمت نظام و بین ۱۸ و ۴۵ سالگی هستند، تا حدی که قابل انتقال باشند، سفارت را ترک نمایند. مهلتی که از طرف دولت شاهنشاهی ایران تا ساعت ۱۹ روز ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۱ تعیین گردیده، غیر قابل اجرا می‌باشد.

«مردان مشمول خدمت نظام روز ۱۵ سپتامبر ساعت ۹ صبح، به‌طوری که پیشنهاد شده، در اختیار خواهند بود. دولت شاهنشاهی ایران در برابر دولت آلمان مسئولیت دارد که سفارت آلمان را به‌فوریت به‌طور صریح مطلع سازد که کی و کجا هر یک از افراد آلمانی برای تسلیم به‌دشمن برده می‌شوند.»

تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۲۰

یادداشت

وزارت امور خارجه

«سفارت آلمان در پاسخ یادداشت شماره ۳۸۰۳ مورخ ۱۳ سپتامبر امسال محترماً به‌اطلاع وزارت امورخارجه شاهنشاهی ایران می‌رساند که اعضای سفارت حاضرند هرچه زودتر تهران را ترک نمایند مشروط بر اینکه:

۱- کلیه زن‌ها و بچه‌های کولونی آلمان مقیم ایران و همچنین اتباع آلمانی که از طرف دولت ایران به‌دول مخاصم تسلیم نمی‌شوند، قبلاً از ایران خارج شده یا اینکه با اعضای سفارت متفقاً مسافرت نمایند.

۲- برای مسافرت افراد کولونی و اعضای سفارت آلمان وسایل نقلیه لازم به‌موقع تهیه و به‌اختیار آنها واگذار گردد.

«سفارت آلمان این حق را برای خود محفوظ خواهد داشت که فردا صورتی از وسایط نقلیه مورد احتیاج تنظیم و تقدیم دارد. صورتی از اعضای سفارت آلمان به‌پیوست ارسال می‌شود.

۳- روادید لازم برای مسافرت به‌ترکیه از طرف وزارت امورخارجه شاهنشاهی ایران تهیه گردد. گذرنامه‌های اعضای سفارت و صورتی از افراد کولونی حاضر، هر موقعی که تقاضا شود تقدیم می‌گردد.

۴- در موقع خروج هیچ‌گونه اشکال گمرکی و مالیاتی و ارزی نسبت به‌اعضای سفارت آلمان و همچنین نسبت به‌افراد کولونی آلمان به‌عمل نیاید.

«سفارت آلمان منتظر اطلاع کتبی و فوری وزارت امورخارجه شاهنشاهی ایران، دایر بر اینکه مواد چهارگانه فوق مورد قبول واقع و تصمیمات لازمه اتخاذ گردیده است، می‌باشد.»

تاریخ: ۲۵ شهریور ۱۳۲۰

یادداشت

وزارت امور خارجه

«سفارت آلمان در پاسخ یادداشت شماره ۲۰،۳۷۵۵ شهریور، و در تعقیب یادداشت خود مورخ ۱۱ سپتامبر امسال، محترماً مراتب زیر را اشعار می‌دارد:

«دولت شاهنشاهی ایران خود را وادار دیده است اتباع آلمانی مقیم خاک ایران را اخراج نماید.

«یک قسمت بزرگ اتباع آلمانی از منطقه اشغال نشده ایران تاکنون خارج شده و مابقی می‌بایستی در مدت کوتاهی خارج شوند. این اقدامات دولت شاهنشاهی ایران به‌منزله الغای قرارداد مودت بین آلمان و ایران مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹، و همچنین قرارداد اقامت، بین دولت آلمان و دولت شاهنشاهی ایران بوده و دولت شاهنشاهی را نسبت به کلیه خساراتی که در اثر اخراج و یا تسلیم افراد اتباع آلمان، چه به‌شخص آنها و چه به اموال و حقوق و منافع آنها وارد آمده و در آتیه وارد خواهد آمد، مسئول می‌نماید. دولت آلمان این حق را برای خود محفوظ خواهد داشت که در موقع ضروری صورتی از کلیه دعاوی آنها تنظیم و ارسال دارد.»

وزیرمختار آلمان

اتل

همزمان با تماسها و مکاتبات وزارت امور خارجه با سفارت آلمان در تهران سفارت شاهنشاهی ایران در برلن نیز با وزارت خارجه آلمان درباره عزیمت آلمانیهای مقیم ایران به‌کشور خود گفتگو و مکاتبه داشته است:

تاریخ: ۱۸ شهریور ۱۳۲۰

تلگراف از برلن

وزارت امور خارجه — تهران

«جانشین وزیر خارجه آلمان را که امروز به‌برلن برگشته، ملاقات و با حضور رئیس اداره کل سیاسی آن وزارت‌خانه در زمینه تلگراف ۱۳۲۰/۶/۱۵ مشروحاً مذاکره شد.

«مقاومت دولت را از ابتدا در مقابل تقاضای اخراج اتباع آلمان و نتیجه حاصله از امتناع دولت ایران و اقدامات این چند روزه وزارت امور خارجه ایران را برای اعزام آلمانها، و اصرار دولتهای شوروی و انگلیس را در تسلیم آنها و مخصوصاً عواقب ناگواری را که ممکن است از رویه وزیرمختار آلمان و مقاومت آلمانها برای ما و خودشان حاصل شود، همه را به طور مؤثر توضیح داده و تقاضا نمودم فوراً دستور لازم به وزیرمختار خودشان بدهند.

«راجع به مقاومت دولت ایران در مقابل تقاضای اخراج آلمانها؛ جانشین وزیر خارجه اظهار داشت البته ما رویه دوستانه دولت ایران را کاملاً تقدیر می کنیم، ولی تقاضای دولتهای روس و انگلیس با حق حاکمیت خود ایران مغایرت داشت. «به علاوه موضوع آلمانها مشهود بهانه بود. گفتم در هر صورت دولت ایران تا دقیقه آخر حاضر نشد تقاضای اخراج آلمانها را بپذیرد و دچار این گرفتاری شد. راجع به اعزام آلمانها هر دو اظهار داشتند به وسایل مختلفه به دولت انگلیس تذکر داده ایم که حاضریم آلمانها را با انگلیسیهای فنلاند مبادله نماییم و خاطرنشان نموده ایم در صورت تبعید آلمانها به هند ما هم نسبت به اتباع آنها در ممالک اشغال شده و فنلاند معامله به مثل خواهیم کرد.

«راجع به اظهار وزیرمختار آلمان در باب قضیه مقاومت آلمانها گفتند چون اتباع ما مسلح نیستند، بنابر این قبلاً زاید دانستیم دستوری به وزیرمختار خودمان بدهیم. ما هم با اظهار شما راجع به عواقب نامطبوع این قضیه موافق و امروز دستور لازم به وزیرمختار خودمان می دهیم.

«رئیس اداره کل سیاسی اظهار داشت دیروز آقای وزیر امور خارجه ایران به وزراء مختار آلمان و ایتالیا اظهار داشتند دو دولت روس و انگلیس اخراج کارکنان دو سفارت را نیز تقاضا دارند. آیا حاضرند به میل خودشان ایران را ترک کنند؟ به وزیرمختار آلمان جواب داده شد در صورتی که دولت ایران برای این قضیه در فشار باشد، به جهت تخفیف مشکلات آن، حاضریم وزیرمختار را احضار کنیم، به شرط اینکه دولتهای روس و انگلیس اجازه دهند اتباع ما هم با او از ایران خارج شوند. در خاتمه اضافه کرد که به وسیله سفارت سویس در لندن، که حافظ منافع آلمان است و به وسیله دولت ترکیه مجدداً در باب مبادله آلمانها با انگلیسها مذاکره می کنند و با وضعیت تازه که به جهت خود وزیرمختار آلمان پیش آمده، تقاضا دارد دولت ایران هم راجع به اعزام

آلمانیها به اتفاق وزیرمختار باز مساعی جدی خود را به کار ببرند. به طور کلی از بیاناتشان آنچه استنباط می شود نمی خواهند وضعیت دولت ایران سخت تر شود.»
وزیرمختار شاهنشاهی در آلمان
نوری اسفندیاری

تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۲۰

تلگراف فوری

وزارت امور خارجه

«امروز معاون وزارت امور خارجه با حال بسیار پریشان بیان کرد که از قرار اطلاع حاصله روسها تقاضا کرده اند که عده ای از آلمانیها به آنها تسلیم شوند. از قراری که اظهار می داشت این خبر در محافل رسمی آلمان تأثیر فوق العاده شدید و نامطلوبی بخشیده است، و وقوع چنین قضیه ای در روابط آتیه ایران و آلمان تأثیرات مهمی خواهد داشت. مشارالیه می گفت ما ترجیح می دهیم سروکار اتباع ما با انگلیسها باشد، اما به هیچ صورتی حاضر نیستیم که هیچ یک از آنها به روسها تسلیم گردند. او همچنین خواهش کرد که دولت شاهنشاهی ایران زیر بار چنین توقعاتی نرفته و این تقاضا را به هیچ وجه نپذیرند.»

وزیرمختار شاهنشاهی در آلمان
نوری اسفندیاری

در پاسخ تلگراف فوری فوق وزیر امور خارجه ایران چنین جواب می دهد:

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۲۰

تلگراف

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن

«پاسخ تلگراف ۲۰ شهریور ۱۳۲۰ جواب بدهید دولت ایران از هیچ اقدام و توسلی فروگذاری نکرده، متأسفانه پیشرفت ندارد. وزیرمختار آلمان هم کاملاً در جریان بوده است. خود دولت آلمان هم نتوانست کاری بکند.»

وزیر امور خارجه
علی سهیلی

دولت و وزارت امور خارجه ایران، همان طوری که در این گونه مواقع معمول است، کوششهای بسیاری به کار بردند، تا بلکه موافقت دولتهای شوروی و انگلستان را جلب کنند تا اتباع غیر نظامی آلمان مستقیماً به کشور خود باز گردند. متأسفانه این فعالیتها به نتیجه نرسید و متفقین با این تقاضا موافقت نکردند. سند زیر که گزارش وزیر امور خارجه به هیأت وزیران می باشد گویای این نکته است:

تاریخ: ۲۲ شهریور ۱۳۲۰

گزارش

هیأت محترم دولت،

«از روزی که سفارت انگلیس به وزارت خارجه نوشت که اتباع آلمان باید تسلیم مأمورین شوروی و انگلیس شوند، یعنی از روز ۹ شهریور، در جلسات متعدد چه تنها با وزیر مختار انگلیس و چه با سفیر کبیر شوروی، مذاکرات زیادی به عمل آمد که شاید از این پیشنهاد دست بردارند و همان طور که روز هشتم شهریور تقاضا کرده بودند، راه بدهند که دولت ایران آنها را به کشور آلمان برساند. نمایندگان دولتین در ابتدا وعده هایی در این باب دادند. ولی بعد جواب آوردند که دولت آنها موافقت نکرده است. وقتی نامه مورخه ۱۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ را به وزارت خارجه فرستادند که در آن رسماً برچیده شدن سفارتخانه آلمان، ایتالیا، رومانی و مجارستان را هم خواسته بودند، معلوم شد که دیگر موافقت نخواهند کرد اتباع آلمان به کشور خود بروند. با این حال این جانب دست از اقدام برنداشته و آنچه ممکن بود، از استقلال و اشکالات دولت ایران در این کار، فروگذار نکردم. ولی معلوم شد نمایندگان دولتین به هیچ وجه از تقاضایی که دارند صرف نظر نخواهند کرد.

«دلایل نمایندگان دولتین، آنچه ظاهراً عنوان می کردند، به این قرار بود:

۱- آلمانها وقتی وارد دانمارک و نروژ شدند با اتباع انگلیسی و سفارتخانه های آنها همین عمل را کردند.

۲- بیم آن را دارند که اتباع آلمان در ایران زمینه ای بر علیه دولت انگلیس و حکومت شوروی و حتی حکومت ایران فراهم کنند.

۳- اتباع آلمان ممکن است اگر به خاک آلمان برگردند، روزی با چترهای هوایی در خاک ایران پایین آمده و مواضعی را در ایران اشغال کنند.

«از طرف دولت ایران جواب داده شد:

- ۱- آنچه را که به آلمانها در نروژ و دانمارک منتسب می‌کنند، آلمانها تکذیب می‌نمایند. به‌علاوه قوای آلمان در آنجا مستقیماً داخل این عملیات شده ولی دولت نروژ و یا دانمارک اقدامی نکرد. در اینجا شما دولت ایران را وارد این عمل کرده‌اید.
- ۲- تقاضای این اقدام از طرف دولتين شوروی و انگلستان، مخالف حق حاکمیت و استقلال ایران است که دولتين در نامه‌های خود صریحاً نوشته و یا در مذاکرات شفاهی کراراً بیان کرده‌اند.
- ۳- برای اطمینان و رفع نگرانی دولتين، ممکن است دولت ایران آن دسته از اتباع آلمانی، که وجودشان را مضر می‌دانند، در یکی از شهرهای جنوب تحت حفاظت و مراقبت خود نگاه داشته، و حتی ممکن است موافقت کنند که کنسول انگلیس هم هر چندی برای اطمینان‌خاطر به آنها سرکشی کند و بداند که در توقیف هستند.
- «با اینکه به‌نظر می‌آمد دلایل دولت ایران قانع‌کننده باشد، و پیشنهادی را که برای توقیف آنها در خاک ایران کرده عملی بدانند مع هذا دولتين زیربار نرفتند. در تماسها و مکاتبات وزارت امور خارجه با سفارت آلمان، وزیرمختار آن کشور توقیف اتباع آلمانی را به‌وسیله دولتين انگلستان و شوروی مخالف روح دوستی دو کشور دانسته و دلایل خود را به‌شرح زیر کتباً برای وزارت امور خارجه ارسال داشته است:
- ۱- سفارت آلمان قبول این عمل را از طرف دولت ایران برخلاف دوستی بین دو کشور دانسته، و آن را مخالف مقررات بین‌المللی تلقی می‌نماید.
- ۲- سفارت آلمان یک ماه قبل از وقوع این حوادث به‌دولت ایران مراجعه و گفته بوده است چون اوضاع را روشن نمی‌بیند، اجازه دهند اتباع آلمان ایران را ترک کنند.
- ۳- نسبت‌هایی را که انگلیسها می‌دهند که دولت آلمان در دانمارک و نروژ با اتباع انگلستان به‌این صورت عمل کرده، نادرست است.
- ۴- اتباع آلمان در ایران به‌هیچ‌وجه تشکیلاتی نداشته و قصد و نقشه‌ای هم نداشته‌اند که مخالف کشور ایران باشد، و یا بخواهند از این راه برضد دولت شوروی و انگلیس اقدامی نمایند.
- «جواب آقای وزیرمختار آلمان که به‌نمایندگان دولتين اظهار شد، مورد قبول آنها واقع نگردید.
- «در خاتمه به‌این نکته اشاره می‌شود:
- ۱- با وزیرمختار امریکا هم چند بار در این باب مذاکره شد و نامبرده به‌وزیرمختار

انگلیس مراجعه کرد ولی جواب یأس آورد.

۲- با وزیرمختار ژاپون مذاکره شد که به سفارتخانه‌های خودشان در لندن و ترکیه و برلن تلگراف کند که شاید آنها اقدامی بنمایند و راهی برای اتباع آلمان باز شود. با اینکه این تقاضا را خود وزیرمختار ژاپون کرد، و داوطلبانه حاضر شد در این باب اقدام نماید، معهذا جوابی از آنها نرسید.

۳- طبق اظهارات وزیرمختار آلمان، از طرف دولت آلمان هم به وسیله دولت سوئیس و ترکیه اقداماتی به عمل آمده و حتی انگلیسها را تهدید کرده بودند که اگر دست از این رویه برندارند، اتباع انگلیس را در فنلاند و جزایر کانال مانش، که فعلاً در دست دارند، توقیف خواهند کرد. ولی این اقدامات و تهدیدها هم به جایی نرسید.

۴- دولت ترکیه ابتدا حمایت آلمانها را قبول کرده بود، ولی به فاصله یک روز دست از حمایت خود برداشت از تلگرافی که از سفارت دولت شاهنشاهی در آنکارا رسید، معلوم شد دولت ترکیه رویه کناره‌جویی را در این امر اتخاذ کرده است.

۵- در جواب مراجعاتی که به وسیله سفارتخانه‌های ایران در مسکو و لندن شد، که اشکالات دولت ایران را نزد آن دولتها تشریح، و اقدام کنند، شاید موفقیتی حاصل گردد، نتیجه‌ای به دست نیامد. از سفیرکبیر ایران در مسکو جواب یأس رسید و وزیرمختار ایران در لندن اساساً جواب نداد.

«با جریانات فوق و یأسی که از هر طرف برای دولت ایران حاصل شد، و اینکه دولتمن کشور ایران را تهدید کرده‌اند، که اگر اتباع آلمان به آنها تسلیم نشوند قوای خودشان را، که تا قزوین و سمنان آمده است به تهران آورده و آنها را دستگیر خواهند کرد، و اینکه ایدن وزیر امور خارجه انگلیس نطقی ایراد کرده و این موضوع را کاملاً بیان داشته است، لهذا چاره‌ای برای دولت ایران نمی‌ماند، جز اینکه وسیله اعزام آنها را به اهواز و قزوین فراهم کند.

«مذاکرات این جانب با سفیرکبیر شوروی و وزیرمختار انگلیس راجع به این موضوع از روز نهم شهریور تا بیستم شهریور تقریباً هم‌روزه ادامه داشت.»

وزیر امور خارجه
علی سهیلی

وزارت امور خارجه این موضوع را ضمن تلگرافهایی به شرح زیر به اطلاع سفارت شاهنشاهی ایران در برلن رسانید:

تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۲۰

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن

«با کوششهای فراوانی که به عمل آمد، و یأس از اینکه خود دولت آلمان بتواند کاری انجام دهد که دولتین شوروی و انگلیس موافقت نمایند آلمانیها به کشور خود روانه گردند، و فشار سختی که دولتین به دولت ایران وارد می‌آورند، روز بیست و یکم شهریور هفتادویک نفر به اهواز و هفت نفر به قزوین حرکت داده شدند. دسته دیگر که شاید در حدود ۲۴۰ نفر باشند، فردا روانه خواهند شد. دولت ایران منتهای جدیت را کرد اما متأسفانه زیر فشار نظریات دولتین شوروی و انگلیس کاری از پیش نبرد. دولتین موافقت کرده‌اند، که زن‌ها و اطفال آلمانی به آلمان بروند و اصرار دارند که اعضاء سفارت هم تا روز بیست و ششم ایران را ترک کنند.»

وزیر امور خارجه

علی سهیلی

تاریخ: ۲۷ شهریور ۱۳۲۰

شماره: ۱۴۵

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن

«پاسخ تلگراف ۲۶ شهریور ۱۳۲۰ به طوری که در تلگراف ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ گفته شد اعضاء سفارت آلمان و کلیه زن‌ها و بچه‌ها دیروز از راه بازرگان تهران را ترک کردند. عده‌ای دیگر از مردها، که فعلاً در سفارت هستند، این دو روزه تکلیفشان معین خواهد شد. با بودن قوای دولتین انگلیس و شوروی در تهران، و فشار آنها عملیاتی که تا به حال نسبت به آلمان از طرف دولت ایران شده منتهای مساعدت بوده و دولت آلمان باید ممنون باشد.»

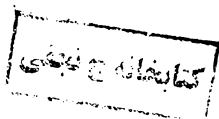
وزیر امور خارجه

علی سهیلی

اخراج اتباع سایر دول محور

پافشاری متفقین در اخراج اعضای سفارت آلمان از ایران، شامل متحدین آن کشور یعنی ایتالیا، رومانی و مجارستان و اتباع مقیم ایران این کشورها هم بود. بنابراین وزارت امور خارجه ضمن یادداشتی به سفارتخانه‌های ایتالیا، رومانی و مجارستان مراتب را به اطلاع آنان رسانید:

تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۲۰



یادداشت

سفارتخانه ایتالیا - تهران (سفارتخانه رومانی، تهران - سفارتخانه مجارستان، تهران)

«همان‌طور که حضوراً و در موقع خود به‌استحضار جناب وزیر مختار آلمان رسانده شد، دولتین اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان در تاریخ ۱۵ شهریور رسماً به دولت ایران اعلام داشته‌اند که سفارتخانه‌های آلمان، ایتالیا، مجارستان و رومانی باید برچیده شوند و کارکنان آنها خاک ایران را ترک کنند. بنابراین، مراتب را به استحضار آن سفارت رسانده و ضمناً متذکر می‌گردد چون کارکنان آن سفارت، از جریان حادثه عبور قوای نظامی دولتین انگلیس و شوروی به‌خاک ایران و شرایطی را که تحمیل کرده‌اند، استحضار دارند، در این موقع زاید می‌داند به‌شرح واقعه بپردازد. همین قدر اظهار تأسف دولتشاهی ایران را از این پیش‌آمد تجدید و ابلاغ می‌نماید.»

وزیر امور خارجه

علی سهیلی

سفیر کبیر ایتالیا در تهران در پاسخ مذاکرات حضوری و یادداشت وزارت امور خارجه نامه‌ای به‌شرح زیر به‌وزیر امور خارجه ایران ارسال کرد:

تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۲۰ (۱۱ سپتامبر ۱۹۴۱)

جناب آقای سهیلی

وزیر امور خارجه،

«محترماً در هفتم ماه جاری آن جناب دوستدار و جناب وزیر مختار آلمان را

برای ساعت هشت شب به وزارت امور خارجه برای ابلاغ تقاضای سفرای انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی از دولت ایران، مبنی بر اینکه سفارتخانه‌های آلمان، ایتالیا، مجارستان و رومانی باید از ایران بروند، احضار کرده بودند.

«جناب عالی در ضمن از ما درخواست نمودید که به‌دول متبوعه خود پیشنهاد نمایم که سفارتخانه‌های خود را ببندند، بدون اینکه این موضوع موجب قطع روابط سیاسی گردد. به‌طوری که سفارتخانه‌های شاهنشاهی در رم و برلن کماکان در جای خود باقی بمانند. در تعقیب مذاکرات فوق‌الذکر، از دولت متبوعه خود تقاضای دستور کردم. در نهم سپتامبر جاری افتخار ملاقات جناب عالی برای دوستدارمیسرگردید و جواب زیر را دادم: «به‌ملاحظه وضعیتی که جناب وزیر امور خارجه بیان نموده‌اید، دولت پادشاهی حاضر خواهد بود سفارت پادشاهی را از تهران احضار نماید، مشروط بر اینکه کلیه اتباع ایتالیا که در ایران هستند، همچنین عملجات و خدمه کشتیهای ایتالیایی که در خلیج فارس لنگر انداخته‌اند، مجاز شوند بدون اذیت و آزار و در همان موقع و با همان وسایلی که در اختیار دوستدار و مستخدمین تابعه گذارده خواهد شد از راه ترکیه ایران را ترک نمایند، هرگاه این شرایط قبول شود، حرکت سفارت پادشاهی متضمن قطع روابط سیاسی با ایران نبوده و بالتبقیه سفارت ایران در رم برقرار خواهد ماند. «به‌طوری که دولت شاهنشاهی می‌داند رفتار اتباع ایتالیا در ایران همواره بی‌غل و غش و صحیح، و روابط بین کشورهای ما همواره مودت‌آمیز بوده و هیچ‌گونه حادثه‌ای به‌روابط متقابل خللی وارد نیاورده است. به‌این موضوع، حتی از طرف دشمنان در این اواخر اعتراف شده است. بنابراین ادعای انگلیس و روس نسبت به‌ما فقط یک امر صاف و ساده و زورگوئی است.

«جناب عالی از این ابلاغ اتخاذ سند کرده و وعده دادید جوابی به دوستدار بدهید. در این بین روزنامه‌های محلی گزارش جلسه نهم ماه جاری مجلس شورای ملی و مبادله یادداشتهایی بین دولت شاهنشاهی ایران و نمایندگان دول انگلیس و شوروی را منتشر ساختند. قبل از ملاحظه یادداشت مورخ ۱۵ شهریور (۶ سپتامبر) وزیر مختار انگلیس، جناب عالی اظهار داشتید در چهاردهم شهریور ۱۳۲۰ نمایندگان دول انگلیس و شوروی به‌وزارت امور خارجه آمده و با مدارکی که در یادداشت ارسالی تصریح گردیده، تقاضا کردند که سفارت‌های آلمان و ایتالیا و مجارستان و رومانی از ایران حرکت نمایند.

«یادداشت نماینده انگلیس صریحاً می‌گوید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مجبور است به استحضار دولت ایران برساند که لازم است به فعالیت سفارت آلمان و همچنین سفارتخانه‌های دیگر که تحت اداره آلمانها هستند، یعنی سفارت ایتالیا، مجارستان و رومانی، سریعاً خاتمه داده شود. لازم است بدواً خاطر نشان سازم اظهار اینکه سفارت پادشاهی ایتالیا در تهران تابع یک دولت دیگری، غیر از دولت اعلیحضرت پادشاه ایتالیا است، به حدی پوچ است که قابل تکذیب هم نمی‌باشد. معذالک نظر به اینکه این اظهار به وسیله انتشار یادداشت فوق‌الذکر به اطلاع عموم رسیده است، از جنابعالی خیلی متشکر خواهم شد که در اولین موقع اعلام دارند که هیچ مدرکی برای دولت شاهنشاهی موجود نیست که اظهار فوق نماینده انگلیس را موجه سازد. این یک امر عدالت و انصاف است که دوستدار حق دارد از دولت شاهنشاهی انتظار داشته باشد.

«راجع به اتباع ایتالیا در ایران خیلی متشکر خواهم شد که جنابعالی لطفاً به دوستدار اشعار دارید که سکوت نماینده انگلیس در یادداشت پانزدهم شهریور خود، راجع به این موضوع هیچ تغییری در تقاضاهای شفاهی وی مبنی بر اینکه اتباع ایتالیا باید ایران را ترک نمایند، نمی‌دهد. جنابعالی به اهمیت این موضوع پی‌می‌برید که متجاوز از پانصد نفر ایتالیایی در ایران ساکن بوده و باید از کار و دارایی خود یک مرتبه دست کشیده و حرکت نمایند.

«از اینکه شهربانی ایران، بدون هیچ اخطار قبلی از طرف وزارت امور خارجه شاهنشاهی به سفارت ایتالیا، تدابیری بر علیه اتباع ایتالیا اتخاذ کرده و آنها را وادار می‌نماید که در اراضی سفارت پادشاهی پناهنده شده، دیگر از آنجا خارج نشوند، بیشتر وضعیت آنها را مشکل ساخته و در صورتی که مجبور به حرکت از ایران باشند فوق‌العاده دچار زحمت خواهند شد. از طرف دیگر پاره‌ای از ادارات ایرانی حضور بعضی از اتباع ایتالیایی را که مستخدم آنها هستند، خواسته‌اند. این موضوع با حکم شهربانی که ایتالیاییها تماماً در سفارتخانه خود متمرکز شده و از آنجا خارج نشوند، کاملاً متناقض است.

«دوستدار از حکم شهربانی ایران که برخلاف روابط عادی موجود بین ایتالیا و ایران بوده و در مقابل عهدنامه مودت منعقد در ۱۹۲۹ بین ایران و ایتالیا، غیر قابل قبول می‌باشد خصوصاً اگر خدمات شایان ایتالیاییهای ساکن ایران، که از ساختمانهای

بزرگ عام‌المنفعه در این کشور مشهود است، در نظر گرفته شود درشگفتم.

«دوستدار نسبت به‌این رویه شهربانی دربارهٔ اتباع سلیم‌النفس ایتالیا که تهدید به حرکت ناگهانی از ایران می‌شوند، در صورتی که مستحق آن نمی‌باشند، اعتراض می‌کنم. جناب عالی البته لزوم اطلاع سریع دوستدار را از حرکت اتباع ایتالیا که در ایران ساکن هستند تصدیق می‌فرمایند، و در صورت یقین بودن این موضوع، البته دستور لازم صادر خواهند فرمود که اتباع نامبرده آزاد گذارده شوند تا بتوانند کارهای خود را تصفیه نمایند. این موضوع امکان‌پذیر نیست مگر اینکه شهربانی حکم خود را مبنی بر متوقف نمودن آنها در سفارت ایتالیا بلااجرا گذارد.

«از جنابعالی متوقعم که این موضوع را در نظر بگیرید که وسایل یک مسافرت طولانی و مشکل، با اوضاع کنونی، چقدر باید دقیقاً تهیه شود و اطلاع دوستدار از مراتب زیر چقدر لازم است:

- ۱- تقریباً چه روزی باید ما از ایران حرکت نماییم؟
- ۲- چه خطی برای مسافرت اعضای سفارت پادشاهی و عنداللزوم برای اتباع ایتالیا بهتر به نظر می‌رسد؟
- ۳- اطمینان صریح از طرف نمایندگان انگلیس و شوروی داده شود، که همه‌گونه تدابیر در اراضی اشغالی نیروهای آنها اتخاذ می‌گردد تا مسافرت اعضای سفارت، و عنداللزوم اتباع ایتالیا، بدون اینکه صدمه‌ای به جان و مال آنها وارد آید، صورت خواهد گرفت.
- ۴- اطمینان از اینکه اتباع ایتالیا که مجبور به حرکت از ایران می‌شوند، قبل از دوستدار و یا با دوستدار حرکت خواهند کرد. والا به‌طوری که احتراماً خاطر عالی را مستحضر ساختم برطبق دستورات دولت متبوع خود نمی‌توانم از تهران حرکت نمایم.

«از اینکه به‌روابط حسنه که همواره بین ایتالیا و ایران موجود بوده، یک چنین صدمه شدیدی وارد می‌آید، بدون اینکه از طرف دولت متبوع دوستدار و سفارت ایتالیا رفتاری شده باشد، که این اقدام نمایندگان انگلیس و شوروی را در قطع روابط سیاسی بین کشورهای ما موجه سازد، تأسف کامل خود را به‌جناب عالی ابراز می‌دارم.»

با تقدیم احترامات فائقه سفیر دولت پادشاهی ایتالیا در ایران

تیروچی

پاسخ وزارت امور خارجه:

تاریخ: ۲۲ شهریور ۱۳۲۰
شماره: ۳۸۰۳

جناب آقای تیروچی

سفیر دولت پادشاهی ایتالیا در ایران،

«روز ۲۱ شهریورماه سفیرکبیر شوروی و وزیر مختار انگلیس به وزارت امور خارجه آمده اظهار داشتند باید سفارتخانه‌های آلمان، ایتالیا، مجار و رومانی در مدت معین تهران را ترک کنند.

«جواب گفته شد با آن سفارتخانه‌ها مذاکره شده می‌گویند قبلاً اتباع خودمان را باید روانه نماییم، بعد خودمان برویم.

«گفتند این اظهارات از طرف آن سفارتخانه‌ها بهانه‌جویی است. می‌خواهند به این ترتیب اقامت خودشان را در ایران ادامه دهند. ما منتها بتوانیم از این تاریخ تا یک هفته دیگر مهلت دهیم و بیشتر از آن امکان‌پذیر نیست.

«در خاتمه اظهار کردند چون دولت بلغارستان هم تغییر رویه داده، تقاضا داریم سفارت بلغارستان هم از ایران خارج شود و کنسولگری فنلاند هم بسته شود.»

وزیر امور خارجه
علی سهیلی

یادداشت سفارت ایتالیا:

تاریخ: ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۱
شماره: ۱۲۶۳

وزارت امور خارجه ایران،

«سفارت پادشاهی ایتالیا با کمال احترام وصول یادداشت مورخ ۱۳ سپتامبر جاری شماره ۳۸۰۳ وزارت امور خارجه را که به موجب آن اطلاع داده شده است باید در هفدهم سپتامبر جاری از تهران حرکت نماید، اطلاع می‌دهد.

«در ضمن اتخاذ سند از این ابلاغ، سفارت پادشاهی با کمال توقیر عطف به

نامه‌ای که به‌جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه در تاریخ یازدهم سپتامبر جاری نوشته شده است نموده و تأییداً اشعار می‌دارد که دولت پادشاهی حاضر است سفارت خود را از تهران احضار نماید، مشروط بر اینکه کلیه اتباع ایتالیا که در ایران هستند، همچنین کلیه مستخدمین و عملجات سفاین ایتالیا که در خلیج فارس لنگر انداخته‌اند بدون اذیت و آزار در همان وقت و با همان وسایلی که برای این مقصود در اختیار سفارت و کارمندان تابعه از راه ترکیه گذارده می‌شود، مجاز به حرکت از ایران باشند. با در نظر گرفتن تاریخ معین جهت حرکت از تهران، از همین حالا سفارت پادشاهی از وزارت امور خارجه شاهنشاهی متشکر خواهد بود لطفاً قبل از فوت وقت و به‌فوریت وسایل حمل و نقل لازم را تهیه فرمایند تا آنهایی از اتباع، که با سفارت پادشاهی حرکت خواهند کرد و فهرست اسامی آنها داده خواهد شد، بتوانند در تاریخ معین حرکت نمایند والا سفارت پادشاهی ایتالیا مجبور خواهد بود حرکت خود را تا وقتی که حرکت اتباع ایتالیا از ایران امکان‌پذیر نشده است، به تأخیر اندازد.

«در انتظار جواب عاجل و محبت‌آمیز، سفارت پادشاهی ایتالیا بهترین تشکرات خود را قبلاً تقدیم می‌دارد.»

با تقدیم احترامات
نیروچی

بیست و ششم شهریور

نیروهای متفقین در تهران

دولتهای انگلستان و شوروی با اینکه تعهد کرده بودند نیروهای خود را وارد تهران نکنند، و از حدی که طبق موافقت با دولت ایران معین شده بود، تجاوز ننمایند، با این حال قوای نظامی خود را به سوی پایتخت حرکت داده و تهران را تصرف کردند. ورود نیروهای شوروی و انگلستان به تهران، دولت را برآن داشت که نسبت به این عمل شدیداً به شرح زیر اعتراض نماید:

تاریخ: ۲۴ شهریور ۱۳۲۰

جناب آقای سر ریدر بولارد

وزیر مختار دولت انگلستان در ایران،

«محترماً به استحضار خاطر شریف می‌رساند پس از آنکه قوای دولتی انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به عنوان اخراج آلمانهای مقیم ایران از مرز کشور شاهنشاهی گذشته و متعاقب آن در شهرهای ایران پیشروی کردند، کار منجر به ارسال نامه از طرف آن سفارت شد که در آن از لحاظ ضروریات جنگی، نقاطی برای اشغال موقت قوای دولتی تعیین شده بود.

«دولت ایران برای اینکه دولتی اطمینان حاصل کنند در این وقایعی که امروزه در جهان روی داده نظر سوئی به همسایگان خود ندارد و داخل هیچ نوع دسته‌بندی نیست، و اقداماتی در نظر نداشته و ندارد که منافای دوستی و حسن هم‌جواری باشد، تن به قبول این پیشنهاد داد مخصوصاً بعد از آنکه کتباً و شفاهاً از طرف دولتی اطمینان داده شد که قوای دولتی دیگر پیشرفتی نخواهند کرد، و حتی در مدت موقتی که در

ایران خواهند بود به امور داخلی و اداری ایران در نقاط اشغال شده مداخله نخواهند داشت، موافقت خود را اعلام کرد.

«به طوری که استحضار دارند هنوز از این ترتیب مدت کمی نگذشته بود که بدون هیچ اطلاع قبلی و یا دلیل و جهتی قوای دولتی پایتخت ایران را اشغال کردند. دولت ایران برای اینکه در این موقع هم اثبات حسن نیت خود را نموده باشد سکوت اختیار کرد. زیرا تصور می نمود به زودی شهر تهران از قوای دولتی تخلیه خواهد شد. به علاوه قوایی که به خاک ایران آمده اند، قوای تأمینیه ایران را خلع سلاح کردند، به طوری که امنیت از کشور سلب شد.

«با وجود اخطارهای متعددی که از طرف ما به عمل آمد، و وعده هایی که از طرف آن جناب داده شد ترتیب اثری به مذاکرات ما داده نشد و متأسفانه تاکنون که ۲۸ روز از مبادله مراسلات فیما بین می گذرد و پس از بیست روز اشغال شهر تهران، نه موجبات اعاده امنیت در کشور فراهم شده و نه شهر تهران تخلیه گردیده است بلکه روز بروز محاصره آن قوی تر می گردد. به علاوه عبور و مرور افراد نظامیان انگلیس و شوروی در معابر و حتی در ساعات دیروقت و رفتار بعضی از آنها موجب نگرانی و شکایت ساکنین پایتخت شده است.

«دوستدار یقین دارد آن جناب تصدیق خواهند فرمود با این ترتیب که پیش آمده و امنیت کشور سلب و شهر تهران مملو از قوای خارجی شده است، برای هیأت دولت که امروز کارهای مهمی در پیش دارد و اصلاحات اساسی را باید انجام دهد، و از طرف دیگر در مقابل اعتراضات مردم قرار گرفته که چرا شهر تهران از قوای دولتی تخلیه نمی گردد و موجبات سلب امنیت چیست، پیشرفت کار آسان نیست.

«چون اطمینان دارد آن جناب البته تا حال از حسن نیت حکومت فعلی مطلع شده اید و خوب می دانند تاجه اندازه دولت ایران علاقمند به حسن روابط و ایجاد مناسبات حسنه و همکاری است، و از هر جهت این معنی را ثابت کرده است، تصور می کند موقع آن رسیده باشد که دولت متبوعه دوستدار توقع آن را داشته باشد که از طرف دولتی هم وسایل پیشرفت کار از هر جهت تسهیل گردد.

«بنابراین خواهشمند است به طوری که کراراً در موقع مذاکرات شفاهی تقاضا شده، اقدام جدی به عمل آورند که قوای دولتی شهر تهران و اطراف آنرا تخلیه کنند و خارج شوند تا موجبات حفظ امنیت فراهم گردد و نگرانی عمومی برطرف و دولت

بتواند کارهایی را که در دست است با موفقیت انجام دهد. موقع را مفتتم شمرد
احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»

وزیر امور خارجه
علی سهیلی

دولت ایران برای جلوگیری از ورود متفقین به تهران، به وسیله سفارتخانه‌های خود در
مسکو و لندن نیز دست به اقدام زد.
اسناد زیر حاکی از این اقدامات است:

تلگراف به سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در مسکو و لندن
تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۲۰

«با اینکه دولتم برحسب نامه‌های رسمی که به دولت ایران نوشته و دولت ایران
هم پذیرفت که حد معینی برای قسمتهای اشغالی معین شود و قول داده بودند به تهران
نیایند، مع هذا به بهانه اینکه آلمانیها در حرکت مسامحه می‌کنند، قوای خود را به تهران
آورده و تهران را محاصره کرده‌اند، و بعضی عملیاتی هم می‌کنند که هیچ معلوم نیست
چه نقشه و قصدی دارند. لازم است فوری با وزارت خارجه مذاکره و به این عمل
اعتراض و جداً بخواهید تهران را تخلیه و بر اساس نامه‌های متبادله عمل نمایند. با
این وضع که پیش گرفته‌اند، نگرانی فوق‌العاده ایجاد کرده‌اند. حتی برای دولت قدرت
نمانده است که تهران را اداره نماید، چه رسد به اینکه شهرها را، که به کلی انتظامات از
آن برچیده شده و اشرار به غارت پرداخته‌اند، سرپرستی کند. از آلمانیها آنچه در تهران
و سفارت بودند همه طبق صورت روانه شدند. عده‌ای هم در ولایات هستند که
تحت الحفظ به تهران خواسته شده‌اند، و فرستاده می‌شوند. ایتالیاییها هم روانه شدند.
دولت ایران در این باب منتهای حسن نیت خود را به کار برده و به هیچ وجه قصوری
نکرده است و هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند موجب اشغال پایتخت کشوری بشود که جز
دوستی راه دیگری را نمی‌پیماید.
نتیجه اقدامات را تلگراف نماید.»

وزیر امور خارجه
علی سهیلی

پیرو دستور وزارت امور خارجه ایران نماینده سیاسی دولت شاهنشاهی در لندن با مدیر کل وزارت امور خارجه انگلستان ملاقات نموده گزارش زیر از این ملاقات تهیه و به وزارت امور خارجه ارسال شده است:

وزارت امور خارجه،

«پاسخ تلگراف ۱۳۲۰/۶/۲۸، دیروز مدیرکل وزارتخارجه را ملاقات و گفتم حالا که دولت ایران تمام تقاضاهای شما را با نهایت حسن نیت انجام داده، به موقع است شما هم مطابق مکاتبات و وعده‌ای که داده‌اید رفتار نمایید که با این ترتیب دولت ایران بتواند موفق به برقراری نظم و انتظام، که شما خودتان به آن علاقمند هستید، در کشور شود، زیرا تصدیق می‌کنید با حضور قشون بیگانه در پایتخت، دولت نمی‌تواند در ولایات قدرتی داشته باشد.

«مشارالیه جواب داد به طوری که سابقاً هم وزیر خارجه به شما اظهار داشته‌اند این اقدام موقتی و از نقطه نظر احتیاجات نظامی است، و آن دقیقه‌ای که این احتیاجات مرتفع شود ما ایران را فوراً تخلیه می‌کنیم.

«جواب دادم بودن قشون بیگانه در پایتخت اثرات خیلی سوء دارد.

«قرار شد بعد از چند روز دیگر در این باب به بنده جواب بدهد. بهتر می‌دانم حالا که کلیه مسایل مربوط به ایران را با روسیه مشورت می‌کنند، و با فرض اینکه نظر مساعد در تخلیه تهران داشته باشند، قبلاً موافقت روسها را باید جلب کنند. مخصوصاً از قرار استنباط بنده و اخبار جراید اینجا، روسها در اشغال تهران اصرار داشته‌اند. چنانچه روز ورود قشون روس به تهران، در اغلب جراید اینجا نوشتند که ورود قشون روس به تهران برای مقامات نظامی انگلیس غیرمترقب بوده، چون چنین تصمیمی را قبلاً نگرفته بودند.

«همان روز بنده فوراً به وزارتخارجه رفته و همین شخص را ملاقات کرده

پرسیدم:

«آیا مندرجات روزنامه‌ها صحت دارد که قشون روس وارد تهران شده‌اند؟

«در جواب مردد بود و گفت اگر این خبر صحت داشته باشد ما هم قشون خود را به تهران خواهیم فرستاد. البته بهتر می‌دانید که اقدامات دولتی در ایران یکی برای ارسال لوازم جنگ به روسیه است و دیگر اینکه اگر آلمانیها تصمیم داشته باشند از راه

ایران به هندوستان بروند، در ایران حتی المقدور از آنها جلوگیری و حمله به هندوستان را به تعویق اندازند. چنانچه کلیه این اقدامات برای نیل به این مقصود است. در هر حال امیدوارم به الطاف عالی در پیشرفت مقاصد دولت حتی الامکان موفقیت حاصل نمایم.»

مقدم

تلگراف از وزارت امور خارجه به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو
تاریخ: ۱۴ مهر ۱۳۲۰

«پیرو تلگراف ۱۴۱۸ در نتیجه ورود قشون شوروی به شهرستانهای شمال کشور و تهران و خلع سلاح امنیه و پلیس، امنیت عمومی متزلزل شده است. از یک طرف در نقاط اشغال شده، حتی در تهران و اطراف آن سربازان شوروی از طرف دیگر به واسطه این پیشامدها اسلحه به دست عده ای اشرار فراری افتاده در راهها و دهات به شرارت و راهزنی مشغول شده اند. امنیه و پلیس به واسطه نداشتن اسلحه قادر به جلوگیری و دفع اشرار نیستند و احکام بلا اجرا می ماند. اگر چندی به این منوال بگذرد، بیم آن می رود که نایره اغتشاش و فساد به جایی برسد که رفع آن به آسانی ممکن نشود و به ضرر طرفین تمام گردد. لازم است در این موقع باریک که ضروریات و مسائل مهمه، امنیت و آسایش را ایجاب می کند، این وضعیت ناگوار و غیرمنتظره را نزد مقامات مربوطه تشریح فرموده و بخواهید:

«اولاً دستور دهند قوای شوروی تهران را تخلیه کند تا دولت بتواند اقداماتی را که از لحاظ اصلاحات و غیره در نظر دارد به عمل آورد، و جواب اعتراضات مردم و نمایندگان مجلس را بدهد.

«ثانیاً دستور جدی به فرماندهان قوای شوروی در جلوگیری افراد قشون و نظام و نسق آنها صادر نمایند و کاملاً آنها را تحت مراقبت و بازخواست درآورند.

«البته در موقع مذاکرات راجع به تعديت قشون و گرفتن اموال مردم طوری مذاکره خواهند فرمود که تأثیر بدی نکند که بیشتر جری شوند.

«اینکه در تلگراف شماره ۳۵ اشاره فرموده بودید که کمیسیاریای خارجه گفته از ورود قشون شوروی به تهران، اولیای دولت اظهار خوشوقتی نموده اند در اینجا چنین اظهار مسرتی نشده و دلیلی هم برای اظهار خوشوقتی نبوده است. این عمل روسها و

انگلیسها طوری دولت را دچار زحمت و اشکال کرده که تصور نمی‌رود دولت بتواند کاری انجام دهد.

نتیجه را تلگراف فرماید.»

وزیر امور خارجه

علی سهیلی

با تمام این اعتراضات و کوششها و تذکرات دولت، متفقین به هیچ وجه حاضر نشدند کوچکترین تغییری در اقداماتی که کرده بودند، یعنی اشغال پایتخت، بدهند و هم‌چنان تا آخر جنگ در تهران ماندند.

کناره‌گیری اعلیحضرت رضاشاه از سلطنت

اشغال پایتخت از سوی قوای بیگانه و از هم‌پاشیده شدن شیرازه امور اعلیحضرت رضاشاه را بر آن داشت که به منظور حفظ تمامیت ارضی و احتراز از نابودی استقلال و نظام حکومتی ایران از سلطنت کناره‌گیری کرده و تخت سلطنت را به جانشین قانونی خود تفویض نمایند.

پس از کناره‌گیری اعلیحضرت رضاشاه از سلطنت، محمدعلی فروغی نخست‌وزیر، در جلسه علنی روز بیست و پنج شهریور مجلس شورای ملی حضور یافت و ضمن اعلام استعفای اعلیحضرت رضاشاه چنین اظهار داشت:

(۱) شاهنشاه آریامهر در کتاب «اندیشه‌های یک شهریار» چگونگی و علت استعفای پدر بزرگوارشان را از سلطنت چنین بیان فرموده‌اند:

«... پدرم در این شرایط تصمیم گرفت از تهران خارج شود، چه نمی‌توانست ننگ حضور در پایتختی را که به دست بیگانگان می‌افتاد برخود هموار کند. پدرم تصمیم گرفت خود را فدای ایران و ایرانیان کند. او می‌خواست فرزندش و سپس خاندان پهلوی در خدمت مردم باقی بمانند. او می‌دانست که من تازه قدم به دنیای سیاست می‌گذارم و متفقین به امکان همکاری بین من و دیگر قدرتها بدگمان نبودند. به نظر من پدرم عظمت شخصیتش را، با ترک تهران و احتراز از تحقیر نشان داد.

«اواز گزارشهایی که مرتباً می‌گرفت، دریافت که مهاجمین تا وحدت، تمامیت ارضی، استقلال و نظام حکومتی ایران را نابود نکنند، دست‌بردار نیستند. پس ترجیح داد کنار برود و باعث نشود که مملکت به خاطر حضور او آسیب ببیند.

«آری، پدرم ایران را ترک کرد، زیرا دو قدرت بزرگ کشورش را تسخیر کرده بودند و این فرمانروای میهن‌پرست، مغرور، حامی مردم، مردمی که دوستش داشتند و محترمش می‌شمردند، نمی‌توانست نقش یک رئیس اسمی را بپذیرد و از افسران انگلیسی و روسی دستور بگیرد. در این اوضاع و احوال به جای اینکه انتحار کند، به تبعید رفت. زیرا که خودکشی او یک واکنش زنجیری ایجاد می‌کرد و به ولیعهدش هم می‌رسید.

«به حال پدرم پس از آخرین دیدار اشکبارش با من، در بیست و پنج شهریور سال ۱۳۰۰ شاهنشاهی تهران را برای همیشه ترک گفت و از طریق بندرعباس با یک کشتی انگلیسی به تبعید رفت....»

«یکی از مهمترین قضایا و اموری که واقع شده است باید به عرض مجلس شورای ملی برسانم، و متأسفم که با این کسالت مزاج و اینکه نفس ندارم و قضیه هم طوری به سرعت انجام گرفته است، هیچ مجالی نداشته‌ام که فکری بکنم یا بیاناتی که در اینجا می‌کنم مرتب باشد. از این جهت معذرت می‌خواهم، و اگر ملاحظه فرمودند که قدری بیاناتم نامرتب است معذورم دارید.»

«قضیه این است که اعلیحضرت رضاشاه به موجباتی که حالا خواهم خواند اراده کردند از سلطنت کناره کنند، و امر سلطنت را به جانشین قانونی خودشان تفویض فرمایند.»

«ایشان استعفانامه‌ای نوشتند و والا حضرت همایون ولایتعهد زمام امور را به دست گرفتند.»

«استعفانامه ایشان از این قرار است:

«نظر به اینکه من همه قوای خود را در این چندساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام، حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که یک قسوه و بینه جوانتری به کارهای کشور، که مراقبت دائم لازم دارد، بپردازد و اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد.»

«بنابراین سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کار کناره نمودم»

«از امروز که روز بیست و پنجم شهریورماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشکری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت به من می‌کردند، نسبت به ایشان منظور دارند.»

تهران - کاخ مرمر

به تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۲۰

«به طوری که عرض کردم به حمدالله اعلیحضرت سابق جانشین جوان و لایق و محبوبی دارند که بر طبق قانون اساسی می‌توانند فوراً زمام سلطنت ایران را به دست بگیرند و به دست گرفتند. معظم‌له بنده را مأمور و مفتخر فرمودند که با همکارانی که سابقاً معین شده بودند در جریان امور کشور به وظایف خودمان بپردازیم. ولی در این

موقع که ایشان زمام امور را به دست گرفتند و نباشد که ما کناره گیری اعلیحضرت سابق و زمامداری اعلیحضرت لاحق را به ملت اعلام کنیم، امر فرمودند که به اطلاع عامه و مجلس شورای ملی برسانیم که ایشان در امر مملکت و مملکت داری نظریات خاصی دارند، که چون مجال نداشتیم تهیه کنیم و بروی کاغذ بیاوریم، نمی توانم به تفصیل عرض کنم. لذا به اجمال عرض می کنم و آن این است که «ملت بدانند که من کاملاً یک پادشاه قانونی هستم و تصمیم قطعی من بر این است که قانون اساسی دولت و مملکت و ملت ایران را کاملاً رعایت کنم و محفوظ بدارم و جریان قوانینی را هم که مجلس شورای ملی وضع کرده است، یا وضع خواهد کرد، تأمین کنم. اگر در گذشته نسبت به مردم جمعاً یا فرداً تعدیاتی شده باشد، از هر ناحیه ای که آن تعدیات واقع شده باشد، از صدر تا ذیل مطمئن باشند که اقدام خواهیم کرد از برای اینکه آن تعدیات مرتفع و حتی الامکان جبران بشود.»

«امیدوارم این سلطنت نو بر ملت ایران مبارک باشد و آرزوهایی که ملت ایران نسبت به خودش دارد، و آرزوهایی که ملت و میهن پرستان ایران نسبت به این دولت و ملت و مملکت دارند، در سایه توجهات شاهنشاه جوان جدید صورت وقوع پیدا کند. «عجالتاً عرض کردم چون امکان نداشت که به تفصیل بیان کنم و توضیح مفصل بدهم به این مختصر اکتفا می کنم، برای اینکه هرچه زودتر مجلس شورای ملی و ملت ایران از وقوع این واقعه مهم خبردار شوند، تقاضا می کنم که موافقت فرمایید فردا مجلس را باز تشکیل بدهند که اعلیحضرت همایونی تشریف بیاورند و به وظایف قانونی خودشان در این باب عمل کنند.»

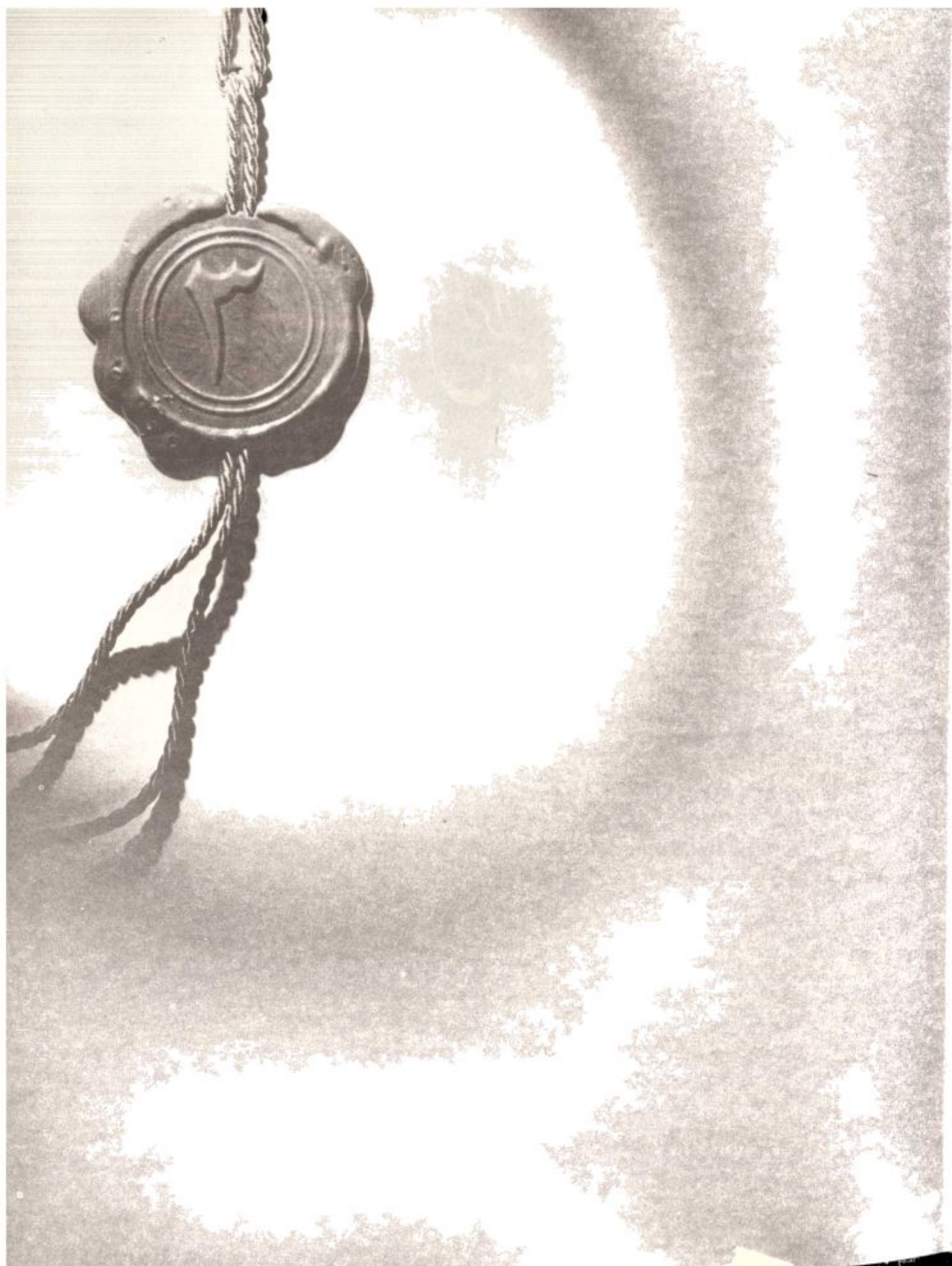
آغاز سلطنت شاهنشاه آریامهر

ساعت ۱۶ و ۴۵ دقیقه روز چهارشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۳۲۰ (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۱ میلادی) اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی با تشریفات رسمی در جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی ۱ حضور یافتند و طبق اصل ۳۹ متمم قانون اساسی متن سوگندنامه را قرائت و امضا فرمودند. شاهنشاه در آغاز نخستین سخنرانی خود در مجلس شورای ملی چنین اظهار داشتند: «اکنون که مقتضیات داخلی کشور ایجاب نموده است که من وظایف خطیر ۱- دوره دوازدهم تقنینیه که در نهم آبان ۱۳۲۰ خاتمه یافت.

سلطنت را عهده‌دار شوم، و در چنین موقع سنگینی مهم امور کشور را مطابق قانون اساسی تحمل نمایم، لازم می‌دانم با توجه وافی به اصول مشروطیت و تفکیک قوا، لزوم همکاری دائم و کامل را بین دولت و مجلس شورای ملی خاطر نشان نموده، برای تأمین مصالح عالی کشور متذکر شوم، که هم من و دولت و هم مجلس شورای ملی و عموم افراد ملت هریک باید مراقبت تمام نسبت به انجام وظایف خود داشته باشیم و هیچ‌گاه و به هیچ‌وجه از رعایت کامل قوانین فروگذار نکنیم....»

شاهنشاه جوان ایران از نخستین روز سلطنت با هزاران دشواری مواجه شدند. نابسامانی‌هایی که اشغال ایران به وسیله نیروهای بیگانه در امور اقتصادی و مالی کشور پدید آورده بود، دخالت مستقیم مقامات بیگانه در امور مملکت، از هم‌پاشیدگی سازمان نیروهای انتظامی و سلب آزادی عمل از ارتش کشور در نواحی اشغال شده، تأمین احتیاجات مالی متفقین به ریال، کاهش روزافزون صادرات کشور به علت بسته شدن راههای بازرگانی بین‌المللی، از مسائلی بود که اندیشه شاهنشاه جوان را به خود مشغول می‌داشت. از همه مهمتر، مسئله حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، روشن ساختن وضع ایران در قبال متفقین و تعیین و تثبیت روابط و مناسبات این کشور با دولت‌های انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی و نیز حل مسائل مورد علاقه طرفین از قبیل استفاده متفقین از راهها و وسایل حمل و نقل ایران و مبادلات ارزی بین ایران و آن دو دولت بود.

کتابخانه ج نجفی



تضمین استقلال ایران

ایکین در حرکت متفقین

پیمان اتحاد ایران و متفقین

رای صائب شاهنشاه جوان و راهنمایهای معظم له به دولت وقت موجب شد که پس از ماهها مذاکره بین دولت ایران و متفقین، سرانجام زمینه عقد یک پیمان اتحاد فراهم آید. در اینجا لازم به نظر می رسد شمه ای از وقایعی که قبل از انعقاد پیمان به وقوع پیوست و از نظر تاریخی اهمیت شایان دارد گفته شود. اصولاً پیشنهادات متفقین به اندازه ای سخت و تحمل ناپذیر بود که دولت و مجلس شورای ملی و نمایندگان کشور شاهنشاهی را بر آن داشت که ضمن مطالعاتی که در اطراف مواد پیمان می کردند به بعضی از مواد پیشنهادی دولتین انگلیس و شوروی اعتراض کرده و در تجدیدنظر آنها پافشاری نمایند.

اسناد زیر مؤید این مطلب است:

نامه علی سهیلی، وزیر امور خارجه به حسن تقی زاده وزیر مختار ایران در لندن.

شماره: ۱۹۵۰

تاریخ: ۳ دی ۱۳۲۰

«مطالبی که ذیلأ ملاحظه می فرمایند، از لحاظ اهمیت، شایسته است با مقامات مؤثر انگلستان مذاکره فرمایید. چون ایدن وزیر امور خارجه در مسکو است، وادار بفرمایید مطالب را تلگرافی به او هم اطلاع بدهند. شاید تا در آنجا است، نتیجه گرفته شود.»

«اولاً عملیات روسها در صفحات شمال و نقاط اشغالی طوری است که اگر به این رویه ادامه یابد، بیم آن می رود که مردم آن صفحات به تصمیمات دولت مرکزی واقعی نگذارند. چون ما می دانیم روسها را انگلیسها به ایران دعوت کرده اند و می دانیم

این رویه روسها برخلاف مصلحت می‌باشد، انتظار داریم خود آنها راه چاره پیدا کرده و جلوگیری نمایند. به طور کلی اگر کار به این منوال بگذرد شمال ایران از دست می‌رود ما حاضر شدیم، عهدنامه اتحاد را به مجلس شورای ملی ببریم و آن را منعقد سازیم. ولی اگر این قضایا اصلاح نشود، نه تنها دولت در زحمت خواهد افتاد، اصولاً عهدنامه بی‌نتیجه و تأثیری در افکار عامه نخواهد داشت، و تبلیغات مخالف کار خود را صورت خواهد داد. آنچه ما می‌خواهیم:

۱- روسها به کلی دست از این مداخلات بردارند. اختیار داشته باشیم هر اندازه امنیه و پلیس لازم باشد در شهرهای شمالی بگذاریم و اصولاً شاید مرجع باشد حالا که عهدنامه را می‌بندیم، و هرنوع تأمین و تضمین به اجرای آن می‌دهیم، اساساً خاک ایران را ترک کنند و ما را از زحمت خلاص نمایند.

۲- اموال مردم را دیگر نبرند خسارت وارده به تجار ایرانی را جبران کنند. از مداخله در امور گمرکی و غیره دست بردارند. اگر مالی آوردند مطابق مقررات حقوق دولتی را بپردازند.

۳- اگر زمینه مساعدی پیدا کردید، اقدام نماید شاید انگلیسها راضی شوند که دولت امریکا هم به این عهدنامه ملحق شود تا ضامن دیگری برای اجرای آن در دست داشته باشیم، جز این قسمت آخری، نسبت به سایر قسمتها با انگلیسها و روسها جداگانه در اینجا هم صحبت خواهد شد. چون وزیر مختار انگلیس هم به مسکو رفته، از شارژ دافر انگلیس تقاضا کردیم مراتب را به لندن و وزیر مختار انگلیس در مسکو تلگراف کند. دیروز عهدنامه را به مجلس بردیم و منتشر شد. امروز انگلیسها شکایت می‌کنند که چرا عهدنامه منتشر شده چون حالا آلمانها تبلیغات سوء خواهند کرد. حال آنکه می‌دانید مخفی نگاهداشتن عهدنامه بعد از بردن به مجلس نه ممکن بود نه مصلحت. راست است که قانون اساسی دولت را مجاز به انعقاد عهدنامه سری می‌نماید، لیکن بعد از آنکه در پارلمان انگلیس و در مجلس ایران مطلب افشا شد، دیگر عهدنامه سری نمی‌شد. به علاوه لازم بود مردم متن عهدنامه را ببینند تا اراجیفی که آلمانها منتشر می‌کردند - که انگلیس می‌خواهد جوانان ایران را به جنگ بفرستد و به کشتن بدهد - تکذیب و خاطرها آرام شود. چنانکه تا یک اندازه شد. و نیز شکایت می‌کنند که چرا این همه تأخیر می‌شود. متوقع هستند در ظرف شش روز کار در مجلس تمام شود. جنابعالی می‌دانید که لوایح قانونی در مجلس ما چه تشریفاتی

دارد. فرضاً می‌توانستیم فوراً عهدنامه را به تصویب برسانیم، چه تعریفی داشت جز اینکه همه بگویند یک عهدنامه بدی را به‌زور و به‌فشار از مجلس گذرانیدند. نمی‌دانم حضرات واقعاً این چیزها را نمی‌فهمند یا تـجاهل می‌کنند و مصلحتاً می‌گویند. هرکدام باشد خیلی غریب است. باید حقیقت را به‌آنها فهمانید. منتظر نتیجه اقدامات جنابعالی هستم.»

وزیر خارجه

علی سهیلی

مجلس شورای ملی در اطراف لایحه پیمان اتحاد مدتها بحث کرد و نظرات اصلاحی خود را داد. ولی متفقین با کمال سرسختی در قبولاندن پیشنهادات خود اصرار می‌ورزیدند. به سند زیر توجه شود:

شماره: ۲۱۶۹

تاریخ: ۲۹ دی ۱۳۲۰ «۱۹ ژانویه ۱۹۴۲»

از وزارت امور خارجه به سفارت شاهنشاهی در لندن
«تلگرافات آقای رئیس‌الوزراء با مفتاح ریاست وزراء که نزد آقای مقدم است، مخابره شد. حالا عین آن ذیلاً درج می‌شود:
«مفتاح را از مقدم بگیرید. ممکن است مورد احتیاج واقع شود. از مضمون مراسله ایدن که در تلگراف ۲۳۶ به وزارت خارجه داده بودید مستحضر شدم. با مذاکراتی که حضوراً و تفصیلاً با وزیر مختار انگلیس کرده بودم، نظریات خود را نسبت به پیشنهادات اصلاحی که از طرف مجلس شورای ملی شده بود بیان نمودم. مخصوصاً بعد از آنکه سفیرکبیر شوروی سه روز قبل قبولی دولت خود را نسبت به آن پیشنهادات اظهار داشت، انتظار داشتم که دولت انگلیس هم با اطلاعاتی که از اوضاع ایران دارند و اشکالاتی که برای دولت از هرجهت هست نظر مخالفی ابراز نکنند. متأسفانه امروز وزیر مختار انگلیس به وزیر امور خارجه گفته که دولت انگلیس پیشنهادهای مجلس را قبول نکرده است. چون این جانب آنچه لازم بود در انجام کار قرارداد، صادقانه اقدام نموده‌ام و از لحاظ مصلحت کشور، هر نوع تهدید و توهین مخالفین را بر خود و اعضای دولت هموار کردم، دیگر انتظار نداشتم در این وهله آخر نسبت به پیشنهادهایی که به هیچ وجه به اساس مطلب خلل وارد نمی‌آورد و برای حیثیت

دولت و اقدام مجلس شورای ملی و موقعیت انگلیس در ایران قبول آنها بسیار مفید می‌شد... چون حقیقتاً هم برای من موجب خجلت است و هم برای انگلیس در نزد افکار مضر است که به مجلس شورای ملی بگویم هیچ‌یک از پیشنهادات آنها قبول نشده و عهدنامه را فقط به تحمیل می‌خواهند بقبولانند.

«از طرف دیگر با این رویه که پیش گرفته‌اند، هیچ معلوم نیست که در آتیه حتی با بستن پیمان اتحاد چه نوع با ما معامله خواهند کرد و اطمینان به قول و پیمان نیست و از طرف دیگر روش روسها در نقاطی که اشغال کرده‌اند مخصوصاً در آذربایجان و تبلیغات آنها و عملیاتی که می‌کنند و مداخلاتی که در امور می‌کنند و بیم آن می‌رود که یک قسمت از کشور ما از دست برود، هیچ معلوم نیست کار مملکت را به کجا منتهی نماید. این است که خواهشمند است از قول این جانب به‌طور مقتضی مراتب را به‌ایدن بگویند و مخصوصاً متذکر شوید که اکنون اگر این روش را داشته باشند، و حتی برای اصلاحات پیشنهادی نخواهند قدمی بردارند و نسبت به آینده رفع نگرانی خاطر نکنند، برای این دولت دیگر اعتبار باقی نخواهد ماند و کاری از او پیشرفت نخواهد کرد. در اینجا هم در همین زمینه با نمایندگان روس و انگلیس مذاکره خواهد شد.»

وزیر خارجه
علی سهیلی

فروغی، نخست‌وزیر، نیز به‌نوبه خود تلگرافی به‌شرح زیر برای آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلیس فرستاد، که به‌وسیله سید حسن تقی‌زاده، سفیر کبیر ایران، به‌او تسلیم شد:

تاریخ: ۱۱ دی‌ماه ۱۳۲۰ «۲۱ ژانویه ۱۹۴۲»

جناب آقای سیدحسن تقی‌زاده
وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران - لندن

«خواهشمند است متن تلگراف زیر را به‌اطلاع وزیر امور خارجه انگلستان برسانید:
«من قبلاً نظرات خود را در مورد اصلاحات پیشنهادی مجلس شورای ملی به‌وزیر مختار بریتانیا در اینجا تشریح نموده‌ام و بعد از آنکه سفیر شوروی با ما تماس گرفت (در حدود ۱۰ ژانویه) و موافقت دولت خویش را اعلام کرد، انتظار داشتم

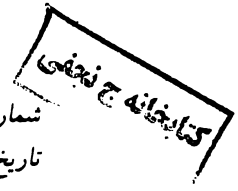
دولت بریتانیا با تمام اطلاعات لازم که دربارهٔ وضع ایران دارد و مشکلاتی که دولت ایران در زمینه‌های مختلف با آنها روبروست، در مورد عدم موافقت با این موضوع پافشاری نخواهد نمود.

«متأسفانه وزیر خارجه بریتانیا امروز وزیر خارجه ایران را از نظر رد دولت خود مبنی بر عدم موافقت در اصلاحات مجلس شورای ملی آگاه کرده است. به‌طوری که من قبلاً صمیمیت خود را در انجام مساعی ممکن برای به‌ثمر رسیدن عقد پیمان و در جهت حصول منافع دو کشور و سایر دوستان معلوم ساخته‌ام، و با وجود تحمل مخالفت‌های ناخوشایند، انتظار نداشتم که دولت بریتانیا در آخرین مرحله عدم موافقت خود را با اصلاحات چندی که به‌هیچ‌وجه تأثیری در پیش‌نویس قرارداد ندارد، ابراز کند. در حالی که به‌نظر من با این موافقت وضع بریتانیا در ایران بهتر می‌شود، به‌علاوه برای حیثیت دولت ایران نیز در نزد ملت و مجلس شورای ملی بسیار مفید فایده خواهد بود. موضوعی که برای من فوق‌العاده مشکل و ناراحت‌کننده است این است که به‌مجلس شورای ملی رفته و اعلام نمایم که هیچ‌یک از اصلاحات پیشنهادی شما پذیرفته نشده است و عهدنامه را فقط با تحمیل می‌خواهند بقبولانند و مجلس شورای ملی حق هیچ‌گونه اظهارنظری را ندارد. ضمناً باید به اطلاع برسانم که دولت کنونی ایران واقعاً و خالصانه قصد همکاری را دارد، ولی اگر دولت بریتانیا در نظر فعلی خود پافشاری نماید و نخواهد موارد اصلاحی را بپذیرد نمی‌دانم عاقبت کار به‌کجا خواهد انجامید، به‌خصوص در این موقع با بروز حوادث نگران‌کننده در مناطق شمالی و مداخلهٔ مستقیم و غیرمستقیم روسها، مطمئناً هیچ حیثیتی برای دولت کنونی باقی نخواهد ماند و به‌انجام هرگونه اعمال قدرت قادر نخواهد بود.»

نخست وزیر

محمدعلی فروغی

سرانجام پس از مکاتبات و مذاکرات بسیار و اصلاحات متعدد مجلس شورای ملی متن پیمان را تصویب کرد. مراتب به‌وسیلهٔ علی سهیلی وزیر امور خارجه به‌نمایندگیهای دولت شاهنشاهی اطلاع داده شد:



شماره: ۲۱۲

تاریخ: ۸ بهمن ۱۳۲۰ شمسی «۲۸ ژانویه ۱۹۴۲ میلادی»

تلگراف رمز از تهران

«شور دوم پیمان اتحاد امروز به اکثریت نود و سه رأی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. امیدوارم روز نهم بهمن به امضاء برسد.»

علی سهیلی

در پی این تلگراف، تلگراف دیگری نیز از علی سهیلی به شرح زیر به نمایندگیهای شاهنشاهی مخابره شد:

شماره: ۲۱۳۱

تاریخ: ۹ بهمن ۱۳۲۰ شمسی «۲۹ ژانویه ۱۹۴۰ میلادی»

تلگراف رمز از وزارت خارجه ایران

موضوع: عهدنامه بین ایران و انگلیس و شوروی

«امروز، نهم بهمن، پیمان اتحاد بین ایران و دولتین انگلیس و شوروی در کاخ وزارت امور خارجه امضا شد.»

علی سهیلی

متن پیمان اتحاد سه دولت ایران و بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی که ساعت ۱۸ و ۱۵ دقیقه روز پنجشنبه نهم بهمن ماه ۱۳۲۰ (۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ میلادی) در کاخ وزارت امور خارجه امضاء شده و سپس به تصویب و توشیح شاهنشاه رسید، از این قرار است:

«اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یک طرف و اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس و ماوراء بحار و امپراطور هندوستان و هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف دیگر، نظر به اصل منشور آتلانتیک که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و نخست وزیر دولت

انگلستان در چهاردهم ماه اوت ۱۹۴۱ بر آن توافق کرده و به جهان اعلام نموده‌اند. و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز در بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۴۱ اصل مزبور را تأیید نموده، دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران هم توافق کامل خود را با آن اصل ابراز می‌نماید و مایلند که با ملل دیگر جهان به‌طور یکسان از آن بهره‌مند شوند. و چون آرزومند می‌باشند که رشته دوستی و حسن تفاهم فیما بین استوار شود - و نظریه اینکه این مقاصد به وسیله عقد اتحاد بهتر حاصل می‌شود، توافق نمودند که برای این منظور پیمانی منعقد سازند و نمایندگان مختار خود را از این قرار تعیین نمودند: «اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران: جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی.

«اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس و ماوراء بحار و امپراطور هندوستان به نام مملکت متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی: جناب آقای سرریدر ویلیام بولارد وزیر مختار و نماینده فوق‌العاده اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ایران. «هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی: جناب آقای اسمیرنوف سفیر کبیر فوق‌العاده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران. «نمایندگان مزبور اختیارنامه‌های خود را ارائه نمودند که صحیح و معتبر بوده و بر طبق مقررات ذیل موافقت کردند:

فصل اول - اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس و ماوراء بحار و امپراطور هندوستان و هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (که از این پس آنها را دول متحده خواهیم نامید) مشترکاً و هریک منفرداً تعهد می‌کنند که تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم بدارند.

فصل دوم - مابین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یک طرف و دول متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته می‌شود.

فصل سوم: ۱ - دول متحده مشترکاً و هریک منفرداً متعهد می‌شوند که به‌جمع وسایلی که در اختیار دارند از ایران در مقابل هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند.

۲- اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران متعهد می‌شوند که:

الف- به جمیع وسایلی که در دست دارند و به هر وجه ممکن شود با دول متحده همکاری کنند تا تعهد فوق انجام یابد. لیکن معاضدت قوای ایرانی محدود به حفظ امنیت داخلی در خاک ایران خواهد بود.

ب- برای عبور لشکریان یا مهمات از یک دولت متحد به دولت متحد دیگر یا برای مقاصد مشابه دیگر به دول متحده حق غیرمحدود می‌دهند که آنها جمیع وسایل ارتباطی را در خاک ایران به کار ببرند و نگاهداری کنند و حفظ نمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید، به هر نحوی که مقتضی بدانند در دست بگیرند. راه آهن و راهها و رودخانه‌ها و میدانهای هواپیمایی و بنادر و لوله‌های نفت و تأسیسات تلفنی و تلگرافی و بیسیم مشمول این فقره می‌باشد.

ج- هر نوع مساعدت و تسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظور نگاهداری و بهبود وسایل ارتباطی مذکور در فقره (ب) مصالح و کارگر فراهم شود.

د- به اتفاق دول متحده هرگونه عملیات سانسوری که نسبت به وسایل ارتباطی مذکور در فقره (ب) لازم بدانند برقرار کنند و نگاه بدارند.

۳- واضح و مسلم است که در اجرای فقرات (ب) (ج) (د) از بند دوم این فصل، دول متحده حوائج ضروری ایران را کاملاً منظور نظر خواهند داشت.

فصل چهارم- ۱- دول متحده می‌توانند در خاک ایران قوای زمینی و هوایی و دریایی به‌عده‌ای که لازم بدانند نگاه بدارند و تا جایی که مقتضیات استراتژیک اجازه بدهد، نقاطی که این قوا در آنجا نگاه داشته خواهند شد، با موافقت دولت ایران تعیین خواهد شد. جمیع مسائل مربوط به روابط بین قوای دول متحده و ادارات دولت ایران حتی‌الامکان با همکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد. به‌نحوی که مأمونیت قوای مزبور محفوظ باشد. مسلم است که حضور این قوا در خاک ایران اشغال نظامی نخواهد بود و مزاحمت آنها با ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگانی اقتصادی کشور و رفت‌وآمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران در حد اقل امکان خواهد بود. و نسبت به ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگانی اقتصادی کشور و رفت‌وآمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران هر قدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهند نمود.

۲- هرچه زودتر ممکن شود، بعد از اعتبار یافتن این پیمان یک یا چند قرارداد

راجع به تعهدات مالی که دول متحده به سبب مقررات این فصل و فقره (ب) (ج) (د) از بند دوم فصل سوم برعهده خواهند داشت، در اموری از قبیل: خریدهای محلی و اجارهٔ ابنیه و تأسیسات صنعتی و به کارگرفتن کارگران و مخارج حمل و نقل و امثال آن، فیما بین منعقد خواهد شد.

«قرارداد مخصوصی منعقد خواهد شد مابین دول متحده و دولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد، بعد از جنگ ابنیه و اصلاحات دیگری که دول متحده در خاک ایران انجام داده باشند به چه شرایط به دولت شاهنشاهی ایران واگذار می شود. در قراردادهای مزبور مصونیهایی هم که قوای دول متحده در ایران از آن برخوردار خواهند بود، مقرر خواهد گردید.

فصل پنجم— پس از آنکه کلیهٔ مخاصمه مابین دول متحده با دولت آلمان و شرکای آن به موجب یک یا چند قرارداد متارکه جنگ متوقف شد، دول متحده در مدتی که زیاده از شش ماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد و اگر پیمان صلح مابین آنها بسته شد، ولو اینکه قبل از شش ماه بعد از متارکه باشد، بلافاصله قوای خود را بیرون خواهند برد. مقصود از شرکای دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده با یکی از دول متحده بنای مخاصمه گذاشته یا بگذارد.

فصل ششم: ۱— دول متحده متعهد می شوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که به تمامیت خاک و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد و پیمانهای نبندند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد، و متعهد می شوند که در هر امری که مستقیماً با منافع ایران مرتبط باشد با دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند.

۲— اعلیحضرت همایون شاهنشاه متعهد می شوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که با اتحاد منافی باشد، یا پیمانهای منعقد نکنند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد.

فصل هفتم— دول متحده مشترکاً متعهد می شوند که بهترین مساعی خود را به کار ببرند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند.

پس از آنکه این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن به این تعهد،

مابین دولت ایران و دول متحده مذاکرات شروع خواهد شد.
فصل هشتم - مقررات این پیمان مابین اعلیحضرت همایون شاهنشاه و هر یک از دو طرف معظم متعاقد دیگر مانند تعهدات دو طرفی یکسان الزام آور است.
فصل نهم - این پیمان پس از امضا معتبر است و تا تاریخی که برای بیرون بردن قوای دول متحد از خاک ایران، بر طبق فصل پنجم مقرر شده به اعتبار باقی خواهد بود.
بنابراین نمایندگان مختار مذکور در فوق، این پیمان را امضاء و مهر کرده اند.
«در تهران به سه نسخه فارسی و انگلیسی و روسی تحریر شد و هر سه نسخه یکسان معتبر خواهد بود.

علی سهیلی
ر. دپلیو. بولارد
ا. اسمیرنوف

پس از امضاء و مبادله نسخه های پیمان اتحاد، نامه های رسمی مشابهی در تأیید و تفسیر بعضی از مواد پیمان به شرح زیر بین سفیر شوروی و وزیر مختار انگلیس و وزارت امور خارجه ایران مبادله و به عنوان ضمائم به اصل نسخه ها منضم گردید:

ضمیمه اول^۱

تاریخ: ۹ بهمن ۱۳۲۰ (۲۹ ژانویه ۱۹۴۲)

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران
آقای وزیر،

«با عطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخرأ از جانب دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به جناب عالی اطمینان می دهیم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی می کند که آن مقررات به هر کنفرانس صلحی، خواه یک کنفرانس خواه کنفرانسهای متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد شود، همچنین به کنفرانسهای بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و بنابراین مستعهد می شوند که در کنفرانسهای مزبور هیچ امری را که به تمامیت خاک ایران و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننمایند، و نیز در کنفرانسهای مزبور وارد هیچ مذاکره ای نشوند که به منافع مستقیم ایران مرتبط باشد، مگر اینکه با دولت ایران مشاوره کنند.

۱ - کنفرانس تهران اعلامیه سه دولت راجع به ایران. آذر ۱۳۲۲ - دسامبر ۱۹۴۳ نشریه وزارت امور خارجه.

«علاوه بر این، دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نهایت کوشش را به کار خواهند برد که ایران در مذاکرات صلحی که مستقیماً به منافع او مرتبط باشد، با دول دیگر به طور تساوی نمایندگی داشته باشد.»
«موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»

ا. اسمیرنوف

ضمیمه اول

تاریخ: ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای علی سهیلی
وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران - تهران
آقای وزیر،

«با عطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد، مفتخراً از جانب دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به جنابعالی اطمینان می‌دهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی می‌کند که آن مقررات بهر کنفرانس صلحی، خواه یک کنفرانس خواه کنفرانسهای متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد شود، و همچنین به کنفرانسهای بین‌المللی دیگر تعلق خواهد گرفت. بنابراین متعهد می‌شوند که در کنفرانسهای مزبور هیچ امری را که به تمامیت خاک ایران و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننمایند، و نیز در کنفرانسهای مزبور وارد هیچ مذاکره‌ای نشوند که به منافع مستقیم ایران مرتبط باشد، مگر اینکه با دولت ایران مشاوره کنند.»

«علاوه بر این دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نهایت کوشش را به کار خواهند برد که ایران در مذاکرات صلحی که مستقیماً به منافع او مرتبط باشد با دول دیگر به طور تساوی نمایندگی داشته باشد.»
«موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»

ر. دبلیو. بولارد

ضمیمه دوم

شماره: ۴۹۵۲

تاریخ: ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای سر ریدر بولارد
وزیرمختار و نماینده فوق العاده اعلی حضرت پادشاه انگلستان — تهران

آقای وزیرمختار،

«با عطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد، مفتخراً از جانب دولت ایران به جنابعالی اطمینان می‌دهم که دولت ایران بنابر بند مزبور خلاف تعهدات خود می‌داند که چنانچه این دو دولت با دولت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند، دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی نگاه ندارد. «موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»

علی سهیلی

ضمیمه دوم

شماره: ۴۹۵۲

تاریخ: ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای آندره آندریویچ اسمیرنوف
سفیرکبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی — تهران
آقای سفیرکبیر،

«با عطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد، مفتخراً از جانب دولت ایران به جنابعالی اطمینان می‌دهم که دولت ایران بنا بر بند مزبور خلاف تعهدات خود می‌داند که چنانچه این دو دولت هر دو با دولت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند، دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی نگاه ندارد. «موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»

علی سهیلی

ضمیمه سوم

تاریخ: ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲

آقای وزیر،

«افتخار دارم از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به جنابعالی اطمینانهای زیر را ابلاغ نمایم:

۱- راجع به فقره (۲) فصل سوم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شده است، دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی او را در هیچ جنگ و یا عملیات نظامی برضد یک یا چند دولت خارج تقاضا نخواهند نمود.

۲- راجع به فقره (۲) فصل ۴ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند، و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد، عهده‌دار شود.

۳- مسلم است در صورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل از انعقاد صلح از درجه اعتبار ساقط شود ضمیمه «یک» باز به قوت خود باقی خواهد ماند.
«موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»

ا. اسمیرنوف

ضمیمه سوم

تاریخ: ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران - تهران

آقای وزیر،

«افتخار دارم از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به جنابعالی اطمینانهای زیر را ابلاغ نمایم:

۱- راجع به فقره (۲) فصل سوم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شده است، دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی او را در هیچ جنگ و یا عملیات نظامی

برضد یک یا چند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود.

۲- راجع به فقره (۲) فصل ۴ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد، که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند، و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد، عهده دار شود.

۳- مسلم است در صورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل از انعقاد صلح از درجه اعتبار ساقط شود ضمیمه «یک» باز به قوت خود باقی خواهد ماند.
«موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می نماید.»

ر. دبلیو - بولارد

دو روز پس از مبادله نامه های فوق الذکر از طرف محمدعلی فروغی نخست وزیر ایران و سران دول متحده به مناسبت عقد پیمان، نامه های تبریکی به این شرح مبادله شد:

جناب آقای استالین رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - مسکو
«اجازه می خواهم مراتب تقدیر کامل و احساسات قلبی خود را به مناسبت امضای پیمان اتحاد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس به جنابعالی اظهار دارم. یقین دارم که این پیمان موجب تشدید مناسبات دوستی و حسن تفاهم بین دو کشور ما خواهد شد و ایران و اتحاد جماهیر شوروی از مزایای همکاری که بر اساس احترام منافع متقابل استوار است، بهره مند خواهند گردید.»

نخست وزیر ایران
محمدعلی فروغی

جناب آقای فروغی نخست وزیر ایران - تهران

«جناب آقای نخست وزیر، به مناسبت امضای پیمان اتحاد بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و بریتانیای کبیر و ایران به جنابعالی، و به وسیله آن جناب به دولت ایران، صمیمانه شادباش می گویم. قویاً اطمینان دارم که مناسبات اتحاد نوین بین کشورهای ما دوستی بین مردم ایران و مردم اتحاد جماهیر شوروی را تحکیم می نماید و به نفع کشورهای ما با موفقیت توسعه خواهد یافت.»

رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
ی. استالین

جناب آقای وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلستان — لندن

«به‌مناسبت امضای پیمان اتحاد بین بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایران بدین وسیله تیریکات خود را ابراز و امیدوارم که این پیمان منافع متقابل را در بر داشته و موجب تشدید مناسبات دوستانه و حسن‌تفاهم بین دو کشور خواهد بود. ضمناً اجازه می‌خواهم که مراتب تقدیر کامل و احساسات قلبی خود را به‌مناسبت تشریک مساعی آن جناب در حفظ منافع ایران تقدیم دارم.»

نخست وزیر
محمدعلی فروغی

جناب آقای محمدعلی فروغی نخست‌وزیر ایران — تهران

«از تلگراف شادباش جنابعالی به‌مناسبت امضای پیمان اتحاد، نهایت متشکرم. این نخستین مرتبه‌ای است که ایران و بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی گرد هم آمده و برای منظور مشترک و منافع متقابل، هم عهد گشته‌اند. مساعی جمیله‌ای که جنابعالی در ایجاد حسن‌تفاهم به‌کار برده‌اید فال نیکی است برای آینده.»

وینستون چرچیل

عقد پیمان اتحاد ایران و دول متحده را بدون تردید باید یکی از موفقیت‌های بزرگ سیاسی ایران در آن روزهای بحرانی دانست. مسلماً هوشمندی و درایت و دوراندیشی شاهنشاه ایران و رهبری و ارشاد معظم‌له به‌دولت وقت، در تدوین پیمان، ضامن حفظ منافع و مصالح ایران بود. در این راه تلاش و کوشش فراوان به‌کار رفت و رنج بسیار بر شاهنشاه جوان ایران و دولت وارد آمد. اما نکات مهمی که در نتیجه دوراندیشی و بصیرت شاهنشاه جوان ایران و فعالیت دولت وقت در پیمان اتحاد به‌نفع آینده ایران گنجانیده شده بود، مندرجات فصل پنجم و بسند اول از فصل ششم پیمان است. ایران با وقوف کامل بر این امر که ورود و توقف نیروهای متفقین در ایران و استفاده کامل آن دول از تمام مقدرات ایران مصائب و محرومیت‌های بسی‌شماری را برای کشور و ملت ایران در بر خواهد داشت، حاضر شد که این محرومیت‌ها و مشکلات فراوان اقتصادی و سیاسی را تحمل کند، تا در دوران جنگ و پایان آن، استقلال و حاکمیت و منافع ملی خود را مصون بدارد. این قسمت از تعهدات دو دولت شوروی و انگلیس که در پیمان اتحاد با وضوح و صراحت بیشتری گنجانده شده بود در آن روزهای بحرانی موجب تسکین افکار عمومی ملت ایران گردید.

منشور آتلانتیک

در پیمان اتحاد ایران با دول شوروی و انگلستان که تفصیل آن گذشت، دولت شاهنشاهی ایران رسماً موافقت خود را با اصول هشت‌گانه منشور آتلانتیک اعلام کرد. نظر به اهمیت منشور آتلانتیک که سیاست جهانی متفقین را در موقع جنگ و بعد از آن مشخص کرد شرح کوتاهی از چگونگی صدور آن، و همچنین متن منشور را متذکر می‌شویم.

روز ۱۴ اوت ۱۹۴۱ (۲۲ مرداد ۱۳۲۰) کلمات اتلی، معاون نخست‌وزیر انگلستان اعلامیه‌ای منتشر کرد و ضمن آن اعلام داشت که رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا و نخست‌وزیر انگلستان در اقیانوس اطلس یکدیگر را ملاقات کرده و راجع به موضوع ارسال مهمات به موجب قانون وام و اجاره به کشورهای که در مقابل مهاجمین در جنگند (به‌ویژه کشور اتحاد جماهیر شوروی) مذاکره کردند. در این مذاکرات جزئیات خط مشی دو کشور برای دفاع خود، و همچنین رویه‌ای که باید نسبت به ملل دیگر در موقع جنگ و بعد از آن اتخاذ نمایند، تعیین گردید.

ملاقات روزولت و چرچیل در کشتی پرینس‌اف ولز متعلق به انگلستان و در نبرد ناواگوستر متعلق به ایالات متحده آمریکا انجام گرفت متن اعلامیه‌ای که پس از این ملاقات به نام منشور آتلانتیک انتشار یافت، چنین است:

«رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا و آقای چرچیل نخست‌وزیر انگلستان از طرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان یکدیگر را ملاقات کرده و چنین صلاح دانستند که پاره‌ای اصول مربوط به سیاست ملی کشور خود را که بین دو دولت مشترک بوده و طبق آن امید دارند برای تمام دنیا آینده بهتری را تأمین نماید، انتشار دهند.

۱- هیچ‌یک از دو کشور طالب هیچ‌گونه تملک ارضی یا تملک دیگری نمی‌باشند.

۲- هر دو کشور مخالف هر گونه تغییرات مرزی می‌باشند که با موافقت آزاد ملل مربوطه انجام شود.

۳- هر دو کشور حق هر ملت را در انتخاب حکومتی که مایل است، محترم می‌شمارند و امیدوارند که حقوق حاکمیت و استقلال به هر ملتی، که حقوق مزبور از آنها گرفته شده است، داده شود.

۴- با توجه به تعهداتی که هر دو کشور دارند، سعی خواهند کرد که برای هر ملتی به طور تساوی، کوچک یا بزرگ، فاتح یا مغلوب، دخول در تجارت دنیا تسهیل و هرگونه مواد اولیه که برای پیشرفت اقتصادی آنها لازم باشد به‌دست آورند.

۵- هر دو کشور مایلند نهایت کوشش را به عمل آورند تا همه ملل در قسمت اقتصادی به منظور تحصیل شرایط بهتری برای کار و پیشرفت اقتصادی و امنیت در شئون اجتماعی با یکدیگر همکاری کامل نمایند.

۶- پس از برانداختن کامل ظلم و جور نازی، هر دو کشور امیدوارند صلحی که بتواند وسایل زندگی و امنیت داخلی تمام ملل را تأمین نماید برقرار شود، و آنها را اطمینان دهد که هرکس در هر کشور می تواند فارغ از ترس و احتیاج زندگی نماید.

۷- چنین صلحی باید به هرکس اجازه دهد که آزادانه در اقیانوسها و دریاها سیر نماید.

۸- دو کشور تصور می کنند که تمام ملل دنیا، خواه به علل مادی و خواه به علل معنوی، باید از اعمال زور دست بردارند. در آینده اگر ملتی تسلیحات زمینی و هوایی و دریائی خود را برای هجوم به مرزهای دیگر نگهدارد، هیچ گونه صلحی نمی تواند برقرار بماند. بنابراین دو کشور تصور می کنند که تا ترتیب دائمی برای امنیت عمومی داده نشده، خلع سلاح مللی که ممکن است نیروی مسلح خود را برای تهاجم به کار برند ضروری است. دو کشور مساعی خود را به کار خواهند برد تا ملل صلح جو را از زیر بار تسلیحات، آزاد بنمایند.»

نیروهای امریکا در ایران

ایالات متحده امریکا که در آغاز جنگ جهانی دوم سیاست بی طرفی در جنگ را اختیار کرده بود، پس از آنکه دامنه عملیات جنگی محور در اقیانوس آرام و آبهای غربی و مدیترانه و شمال افریقا و سپس تا آبهای نزدیک کرانه های امریکا گسترده شد، از راه اجرای قانون وام و اجاره به یاری انگلیس و شوروی شتافت.

در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۴۱ نیروی هوائی ژاپن به طور ناگهانی به بندر پسرل هاربور که مهمترین پایگاه دریائی و هوائی ایالات متحده در اقیانوس کبیر بود یورش برد، و قسمت اعظم ناوگان رزمی و همچنین یک قسمت از هواپیماهای جنگی امریکائی مستقر در این بندر را نابود ساخت.

تأثیر روانی ناشی از این واقعه به روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده امکان داد تا این کشور را در صف متفقین وارد جنگ سازد.

به این ترتیب روز ۱۶ آذر ۱۳۲۰ مطابق به ۷ دسامبر ۱۹۴۱ ایالات متحده علیه دول محور

وارد جنگ شد. اندکی بعد نخستین واحد از نیروی دریائی آن کشور به منظور همکاری با بریتانیا در حمل و نقل مهمات و خواربار از راه ایران به شوروی، و حفظ امنیت خلیج فارس و ارتباط دریایی خلیج با خاور دور و جنوب شرقی آسیا به آبهای ایران در خلیج فارس وارد شد. دولت ایران بلافاصله مراتب اعتراض خود و تعیین تکلیف و لزوم الحاق ایالات متحده به پیمان سه گانه را به وسیلهٔ سفیر شاهنشاهی در واشنگتن به اطلاع آن دولت رسانید. و همچنین ضمن یادداشتی به سفارت آمریکا در تهران به ورود نیروهای آمریکا به ایران اعتراض کرد. متن یادداشت اعتراض دولت ایران به ورود نیروهای آمریکا به ایران و پیشنهاد الحاق آن کشور به پیمان اتحاد سه گانه که به سفارت آمریکا در تهران ارسال شد چنین است:

شماره: ۲۸۵۴

تاریخ: ۱۶ دی ۱۳۲۱

سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران - تهران

«وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت ایالات متحده آمریکا، محترماً به استحضار می‌رساند که مطابق اطلاعات واصله، در این اواخر چندین هزار نفر از نیروهای ایالات متحده با کلیه تجهیزات و لوازم وارد کشور شاهنشاهی شده‌اند، در صورتی که نسبت به ورود نیروی ایالات متحده هیچ گونه مذاکره با مقامات وابسته شاهنشاهی در تهران و یا سفارت شاهنشاهی در واشنگتن به عمل نیامده است. چون این اقدام با روح صمیمیت و همکاری که خوشبختانه همیشه فیما بین دولت شاهنشاهی و ایالات متحده وجود داشته و دارد تطبیق ننموده و با تمامیت خاک ایران و استقلال دولت شاهنشاهی وفق نمی‌دهد، وزارت امور خارجه شاهنشاهی محق است تصور نماید که باین عمل ایالات متحده آمریکا قصد الحاق به پیمان سه گانه منعقد بین دولت شاهنشاهی و دولتین انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی، مورخ نهم بهمن ماه ۱۳۲۰، را دارند. بنابراین از سفارت ایالات متحده آمریکا شمالی خواهشمند است به اطلاع مقامات عالیله دولت جمهوری برسانند که دولت شاهنشاهی برای روشن ساختن روابط فیما بین حاضر است پیمان اتحاد سه گانه منعقد در نهم بهمن ۱۳۲۰ را، با شرکت دولت ایالات متحده آمریکا مبدل به پیمان چهارگانه نماید.»

وزیر مختار ایران در آمریکا پس از گفتگو با مقامات وزارت خارجه آن کشور گزارشی به شرح زیر برای وزارت امور خارجه ارسال داشت:

وزارت امور خارجه،

«راجع به حضور قوای مسلح امریکا در ایران که ضمن تلگراف شماره ۱۵۴۰ نظر بنده را خواسته‌اند، مراتب زیر را معروض می‌دارد:

«پس از اینکه تلگراف شماره ۱۴۶۸ راجع به موضوع تصدی امریکایی‌ها در راه‌آهن و حضور قوای آنها در خاک ایران رسید، با وزارت امور خارجه مذاکره نمودم. مدلول دستوری را که به سفارت خودشان در تهران داده بودند، به بنده اطلاع دادند. اخیراً هم برای اینکه بهتر از موضوع روشن شوم و بدانم جزئیات تلگراف وزیر مختار خودشان چه بوده که منتهی به این دستور شده، مجدداً با وزارت امور خارجه امریکا مذاکره مفصل به عمل آوردم. می‌گویند دولت امریکا با هیچ‌یک از کشورهای دیگری که قوای نظامی امریکا در آنجا حضور دارند، مانند مصر، عراق، هندوستان، استرالیا، نیوزلاند و غیره قراردادی برای این مسئله منعقد نکرده‌اند. بنده اظهار داشتم که وضع سیاسی کشورهای نامبرده با ایران متفاوت است. آنها وضع مخصوصی نسبت به انگلستان دارند و البته دولت انگلستان که با شما متحد می‌باشد ترتیب حضور قوای امریکا را در آنجا داده است. گفتند وضع ایران امروز، هر چند موقت است، از نظر حضور قوای نظامی انگلیس و غیره چندان تفاوتی با کشورهای نامبرده ندارد، زیرا دولت ایران هم قراردادی با انگلستان منعقد ساخته که حضور قوای انگلیس را در آنجا مجاز دانسته و دفاع ایران را به عهده قوای نظامی انگلیس گذارده است.

«بنده اظهار داشتم به طوری که اطلاع دارم با کشور ایسلاند قراردادی برای حضور قوای نظامی امریکا در آنجا منعقد نموده‌اید. قرارداد را آوردند و مطالعه شد. مواد آن عبارت از این است که دولت امریکا موافقت می‌کند که به امور داخلی و حکومتی ایسلاند دخالتی نداشته و دفاع آن کشور را به عهده بگیرد و پس از جنگ، یا هر موقع دیگری که مناسب باشد، خاک ایسلاند را تخلیه نماید.

«مقامات وزارت امور خارجه اظهار داشتند تصور نمی‌کنیم فعلاً و آن‌هم در مورد ایران، چنین قراردادی لزوم داشته باشد. زیرا موقعی که با ایسلاند قرارداد بسته شد دولت امریکا داخل در جنگ نبود، و برای ورود قشون امریکا در آنجا، در مقابل کشورهای

دیگرو همچنین در مقابل مجلس و افکار عمومی امریکا، لازم بود که قراردادی منعقد شود و صورت قانونی داشته باشد. ولی امروز قشون امریکا در غالب نقاط دنیا حضور دارد. به علاوه هنوز دولت امریکا قشونی به معنی حقیقی خود در ایران ندارد. زیرا عده ای که در آنجا هستند بیشتر برای کارهای فنی و رساندن لوازم جنگی به میدانهای جنگ می باشند. هنوز لشگری برای جنگ در آنجا فراهم نشده و دفاع خاک ایران هم به عهده قشون امریکا نیست. «البته این مذاکرات با وزارت امور خارجه فقط به طور خصوصی و به عنوان تبادل نظر بود. یعنی بنده دستوری نداشتم که به طور قطع پیشنهاد و درخواست انعقاد قراردادی را بنمایم. آنها هم مطلب را با مقاماتی که باید در این گونه مسائل اظهار نظر نمایند طرح نکرده اند و این صحبت ها فقط برای روشن شدن ذهن و نظریات کلی طرفین بوده است.

«پس از شرح مذاکرات بالا باید عرض کنم که هنوز نمی دانم نظر دولت شاهنشاهی راجع به این موضوع چیست و از انعقاد چنین قراردادی چه استفاده ای را در نظر دارند. البته انعقاد این قرارداد، حضور قوای مسلح امریکا را در ایران مشروع و مجاز می کند، ولی نمی دانم تا چه حد استفاده از آن خواهیم کرد. آیا در نظر داریم شرایطی در مقابل به آنها تحمیل کنیم یا فقط موافقت خودمان را در این باب به آنها اطلاع دهیم؟ اگر تنها قسمت اخیر باشد، برای ما چه فایده خواهد داشت؟ به علاوه آیا مصلحت است که به حضور قوای مسلح امریکا در ایران، فقط عنوان تصدی راه آهن ایران بدهیم یا خیر؟

«در هر حال فرمانده قوای امریکا در ایران اصرار دارد که قراردادی راجع به طرز محاکمه و رسیدگی به دعاوی جنائی و جزائی افراد قشون امریکا در ایران منعقد گردد. در صورتی که دولت شاهنشاهی انعقاد قراردادی را در باب حضور قوای امریکا در ایران لازم بدانند ممکن است در موقعی که طرح قرارداد راجع به محاکمه نظامیان امریکا را به ما پیشنهاد می کنند، اظهار کنیم. این مسئله فرع بر آن است که اول حضور قوای امریکا در ایران رسماً از طرف دولت ایران شناخته شود، تا بتوانیم قراردادی راجع به طرز محاکمه آنها منعقد نماییم.

«مراتب بالا شرحی است که فعلاً به نظر می رسد. البته هر نظر و دستور دیگری باشد اعلام خواهند فرمود.»

وزیر مختار شاهنشاهی در امریکا
محمد شایسته

پاسخ وزارت خارجه به سفارت ایران در واشنگتن و مکاتبات درباره انعقاد قرارداد با ایالات متحده امریکا:

تلگراف رمز.

سفارت شاهنشاهی ایران - واشنگتن

«عطف به گزارش نمرة ۲۱۵۷ منظور این است که حضور نیروی امریکا در ایران به هر عنوانی که باشد، باید برطبق قراردادی صورت گیرد. این مطلب ممکن بود با الحاق دولت امریکا به پیمان سه گانه عملی شود. حالا که اجرای این منظور مطابق تلگرافات آن سفارت مشکل است، سعی نمایم طرح موافقت نامه زودتر تهیه و نکات اصلی که تذکر داده شده است در آن قید، و هر چه زودتر پیشنهاد شود.»

وزیر امور خارجه

محمد ساعد

تلگراف رمز

تاریخ: ۱۱ بهمن ۱۳۲۱

سفارت شاهنشاهی ایران - واشنگتن

«بهرتر است نوشته شود امریکا استقلال و تمامیت ایران را محترم شمرده و تضمین می نماید. قید تخلیه نیروی مقیم ایران، شش ماه بعد از متارکه جنگ، در طرح قرارداد نیز لازم خواهد بود.»

وزیر امور خارجه

محمد ساعد

تلگراف رمز

شماره: ۳۱۱۹۶

سفارت شاهنشاهی ایران - واشنگتن.

«آقای شایسته، تقاضای دولت ایران راجع به شرکت کردن امریکا در پیمان سه گانه دور از منطق نیست، زیرا عده ای از قشون امریکا تا حال وارد ایران شده و ممکن است بعداً هم وارد شود. دولتین انگلیس و شوروی طبق پیمان متعهد شده اند شش ماه پس از خاتمة جنگ قشون خود را از ایران خارج کنند. به علاوه چون قرارداد ایران با متفقین براساس منشور آتلانتیک، و مبتکر این فکر دولت امریکا بوده، دولت ایران علاقه دارد دولت امریکا استقلال ایران را با ملحق شدن به پیمان سه گانه رسماً

تضمین نماید. بنابراین لازم است مذاکرات را در این زمینه با مقامات مربوطه جداً تعقیب نمایند. در مرکز هم با سفارت امریکا مذاکره و از طرف سفارت مزبور هم مراتب به دولت امریکا تلگراف خواهد شد.»

نخست وزیر - احمد قوام
وزیر امور خارجه - محمد ساعد

تلگراف رمز

سفارت شاهنشاهی ایران در واشنگتن

«پیرو نمره ۱۵۸۳ چون ورود نیروی امریکا ادامه دارد و هیچ نوع قراردادی در این باب با آنها نداریم، بالنتیجه تعهد تخلیه نیروی خود را شش ماه پس از ختم جنگ، به طوری که متفقین پیمان سه گانه ملزم به آن هستند، ننموده اند. لازم است در دنبال اقدامات خود نسبت به الحاق دولت امریکا به پیمان سه گانه متذکر شوید که طبق منشور آتلانتیک ملزم به محترم شمردن حق حاکمیت و استقلال ما می باشند - هر چه زودتر نتیجه اقدامات را تلگراف نمایید.»

وزیر امور خارجه
محمد ساعد

دولت ایران متعاقب اقدامات خود در این زمینه یادداشت دیگری به شرح زیر برای سفارت امریکا در تهران ارسال داشت.

شماره: ۱۲۴۴
تاریخ: ۲۹ مرداد ۱۳۲۱

سفارت ایالات متحده امریکا در ایران - تهران
آقای وزیر مختار،

«راجع به اقامت نظامیان امریکایی در ایران کراراً با جنابعالی مذاکره کرده ام که ورود آنها به ایران برخلاف اصول و مقررات بین المللی و رضایت قبلی دولت ایران و مناسبات دوستی بین دو کشور به عمل آمده و این عمل دولت امریکا مورد اعتراض دولت متبوعه دوستدار است نمایندگان مجلس شورای ملی هم کراراً دولت را مورد سؤال قرار داده اند.

«برای اینکه ورود نظامیان امریکایی به ایران بر روی مقررات بین‌المللی استوار و تشریفات قانونی آن به عمل آید، باید هرچه زودتر قراردادی که تنظیم شده به امضای نمایندگان دولتن برسد که رفع هرگونه شبهه و اعتراضی بشود.

«هرچند جنابعالی حسن‌نیت دولت متبوعه خودتان را مستذکر و لزوم امضای قرارداد را چندبار وعده داده‌اید و طرح آن هم مدتی است به دولت امریکا داده شده، مع هذا متأسفم که اظهار بدارم تا حال نتیجه‌ای حاصل نشده و دولت در مقابل اظهارات و اعتراضات حقّه نمایندگان مجلس شورای ملی و مردم بلاتکلیف مانده است.

«از آنجایی که امضای عهدنامه مورد موافقت دولت ایران و دولت امریکا است به نظر من مانعی نمی‌رسد که زودتر عهدنامه به امضا برسد، و الا تصدیق خواهند فرمود برای دولت ایران مشکل خواهد بود که بتواند در مقابل سوالات مردم جوابی بدهد، و از این عمل و رفتار اولیای دولت امریکا که علمدار آزادی است، مدافعه کند. با تجدید احترامات فائقه.»

نخست‌وزیر

علی سهیلی

«رونوشت بالا به وزارت امور خارجه فرستاده می‌شود که موضوع را دنبال و زودتر نتیجه کار را اطلاع دهند.»

نخست‌وزیر

علی سهیلی

سفارت شاهنشاهی ایران در واشنگتن در اجرای دستورات دولت پیرامون انعقاد قرارداد با ایالات متحده امریکا پاسخ زیر را مخابره می‌نماید:

شماره: ۱۸۲۹

تاریخ: ۳ بهمن ۱۳۲۱

وزارت امور خارجه،

«به محض وصول تلگراف نمره ۱۵۸۳ با وزارت خارجه وارد مذاکره شدم. می‌گویند با نظر دولت ایران در اینکه باید صورتی به این کار داده شود، موافق هستند. لکن امریکا با هیچ دولتی عهدنامه اتحاد منعقد نمی‌کند. جنگ با انگلیسها پیمان اتحاد

نداشته به علاوه اگر بخواهد امریکا به پیمان سه گانه ملحق شود، باید مسئله به مجلس سنا مراجعه گردد، و صرف نظر از تشریفات طولانی به دلیلی که اظهار شد، موافقت سنا غیرممکن به نظر می رسد. لذا مشغول تهیه طرحی برای موافقت نامه بین ایران و امریکا در این موضوع هستند. تصور نمی کنند تا دو هفته دیگر طرح حاضر شود.»

وزیر مختار شاهنشاهی در امریکا

محمد شایسته

وزیر امور خارجه ایران، اقدام دولت شاهنشاهی را در اعتراض به ورود نیروهای امریکایی به خاک ایران و همچنین فعالیتهایی که برای عقد موافقت نامه بین دولتین ایران و ایالات متحده امریکا به عمل آمده، چنین به مجلس شورای ملی گزارش داد:

«پس از آنکه اطلاع حاصل شد که نیروی امریکا وارد ایران می گردد، فوراً یادداشتی به سفارت امریکا در تهران ارسال و اظهار شد چون نسبت به ورود نیروی ممالک متحده به ایران هیچ گونه مذاکره ای با مقامات و دولت شاهنشاهی در تهران و یا سفارت شاهنشاهی در واشنگتن به عمل نیامده، و این اقدام با روح صمیمیت و همکاری که خوشبختانه همیشه فیما بین دولت ایران و دولت امریکا وجود داشته و دارد تطبیق ننموده و با تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال دولت وفق نمی دهد، دولت شاهنشاهی محق است تصور نماید که با این عمل ایالات متحده امریکای شمالی قصد الحاق به پیمان سه گانه را دارند. از سفارت امریکا خواهش شد مراتب را به استحضار دولت متبوع خود برسانند که دولت شاهنشاهی برای روشن ساختن روابط فیما بین حاضر است پیمان اتحاد سه گانه منعقد در نهم بهمن ۱۳۲۰ را با شرکت دول متحده امریکا مبدل به پیمان چهارگانه نماید.

«متن یادداشت در همان روز تلگرافی به سفارت شاهنشاهی در واشنگتن ارسال و خواسته شد در این زمینه با مقامات وابسته امریکا مذاکره و اقدام لازم بنماید. بعداً نیز تذکر داده شد که شرکت کردن امریکا در پیمان سه گانه دور از منطق نیست. زیرا قرارداد ایران با متفقین بر اساس منشور آتلانتیک می باشد و مبتکر این فکر نیز دولت امریکا بوده است. دولت شاهنشاهی علاقمند است دولت امریکا با الحاق خود به پیمان سه گانه، ورود نیروی خود را به ایران مبتنی بر قراردادی نموده و همان تعهداتی را که متحدین ما در این پیمان، نسبت به تمامیت خاک ایران و حفظ استقلال و خاک آن

نمودند، تضمین نمایند.

«از سفارت شاهنشاهی در واشنگتن پاسخی رسید دایر بر اینکه دولت امریکا اصولاً با نظر دولت شاهنشاهی در اینکه باید صورتی به این کار داده شود، موافق هستند، لیکن اظهار می‌دارند چون دولت امریکا با هیچ‌یک از کشورهای دیگری که قوای نظامی امریکا در آنجا حضور دارند، قراردادی منعقد ننموده و به‌علاوه اگر بخواهند به پیمان سه‌گانه ملحق شوند باید نظرها در مجلس سنای امریکا مطرح گردد، صرف‌نظر از تشریفات طولانی، به‌دلیلی که اظهار شده موافقت سنا بعید به‌نظر می‌رسد، لذا در صدد تهیه طرحی برای موافقت‌نامه بین دولت ایران و امریکا در این امر می‌باشند و امید دارند به‌زودی این طرح حاضر و موافقت‌نامه منعقد گردد.

«نسبت به مطالبی که بایستی در طرح نامبرده گنجانده شود، سفارت شاهنشاهی در واشنگتن آگاه شده است و فعلاً مشغول تهیه موافقت‌نامه می‌باشند، که امیدوارم به‌زودی تقدیم مجلس شورای ملی بنمایم...»

طرح قرارداد ایران و امریکا

سرانجام طرح قرارداد تنظیم گردید. متن طرح همراه با نامه‌ای به‌عنوان وزیر خارجه ایران، از طرف لوئی دریغوس، وزیرمختار ایالات متحده امریکا در ایران به‌وزارت امورخارجه ارسال شد. متن‌نامه وزیرمختار امریکا در ایران، و طرح قرارداد تنظیم شده، چنین است:

شماره: ۶۳۴

تاریخ: ۲ اکتبر ۱۹۴۳ - تهران

جناب آقای محمد ساعد
وزیر امور خارجه ایران،

«با نهایت احترام یک نسخه طرح تجدیدنظرشده قراردادی که در نظر است بین دولتين امریکا و ایران راجع به حضور نیروی امریکا در ایران منعقد شود، امروز از واشنگتن واصل گردیده است. آن جناب ملاحظه می‌فرمایند که این طرح تجدیدنظرشده شامل بعضی پیشنهادهای متقابل دولت ایران و فاقد برخی از آنها می‌باشد.

«این جانب اطمینان دارم که آن جناب پس از مطالعه دقیق این طرح تصدیق

خواهند فرمود که علی‌الظاهر حد میانی مطبوعی بین طرح پیشنهادی امریکا و پیشنهادهای متقابل ایران می‌باشد.

«آن جناب ملاحظه خواهند فرمود که دولت امریکا از لحاظ اینکه ایران به‌منشور آتلانتیک ملحق شده، مقدمه قرارداد را تماماً عوض کرده است. متمنی است لطفاً هرچه زودتر نظریات خود را راجع به این طرح اعلام فرمایند.»

احترامات فائقه را تقدیم می‌دارم.
لوئی دریفوس

طرح تجدیدنظرشده قرارداد ایران با ایالات متحده امریکا

مقدمه

«نظر به اینکه دولت کشورهای متحده امریکا و دولت شاهنشاهی ایران الحاق خود را به اصول مندرجه در اعلامیه مشترک مورخه ۱۴ اوت ۱۹۴۱ صادره از طرف رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا و نخست‌وزیر بریتانیای کبیر و ایرلاند شمالی، معروف به منشور آتلانتیک، اعلام داشته‌اند.

نظر به اینکه هر کدام به اعلامیه مورخه یکم ژانویه ۱۹۴۲ ملحق و بدین جهت ملزم شده‌اند تمام منابع ثروت خود را اعم از نظامی و اقتصادی بر علیه آن دولی که اعضاء پیمان سه‌گانه با آنها داخل جنگ می‌باشند به کار اندازند و نظر به اینکه حضور نیروهای امریکا در ایران برای تعقیب موفقیت‌آمیز جنگ ضروری به نظر می‌رسد. امضاء کنندگان زیر لوئی. جی. دریفوس وزیر مختار و نماینده فوق‌العاده ایالات متحده امریکا در تهران و محمد ساعد وزیر امور خارجه ایران به نمایندگی دول متبوعه خود به طریق زیر موافقت نمودند:

ماده یک

«ایالات متحده امریکا متعهد می‌شود که در آتیه مانند گذشته تمامیت ارضی و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم شمارد.

ماده دو

«واحدھا و افراد نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا و عاملین صنفی و غیره که

برای نیروهای مسلح عملیاتی انجام می‌دهند، و برای عملیاتی که به‌موجب تعلیمات نیروهای مسلح انجام می‌یابد، استخدامشان ضرورت حاصل کند، و افراد غیرنظامی که ایالات متحده آمریکا و یا عاملین آن استخدام می‌نماید، به‌انضمام کلیه ملزومات و ساز و برگ و تدارکات لازمه برای عملیات آنها که دخول یا عبور یا توقف و یا به‌کار بردن آنها برای تعقیب جنگ مقتضی شمرده شود، می‌توانند در هر زمان و در هر جا که باشد آزادانه داخل ایران شده و یا به‌عملیات پرداخته، و یا از ایران عبور نموده، و یا در ایران نگاهداشته شوند. بدیهی است که حضور نیروها و عاملین و مستخدمین نامبرده تصرف نظامی به‌شمار نمی‌آید و تزامم آنها نسبت به‌ادارات دولتی و نیروهای تأمینیه و حیات اقتصادی ایران و آمد و شدهای عادی اهالی و اجرای قوانین ایران به‌حداقل امکان خواهد بود.

ماده سه

« تمام اشیاء و ساز و برگها و ملزومات و مواد و لوازمی که افراد نیروهای مسلح امریکا یا عاملین یا مستخدمین نامبرده وارد و یا نصب می‌کنند (به‌انضمام کالاهایی که برای مرکز مبادله‌ی پستی یا اداره‌ی مباشرت امریکا وارد می‌شود) اعم از اینکه متعلق به‌دولت ایالات متحده آمریکا و یا عاملین و یا مستخدمین نامبرده باشد، از پرداخت هرگونه مالیات مستقیم یا غیرمستقیم یا مخارج بندر یا مالیات گمرکی و هر قسم عوارض دیگر، که دولت شاهنشاهی ایران و یا مأمورین تابعه آن دریافت می‌دارند، معاف خواهد بود. مشروط بر اینکه اشیاء و ساز و برگها و ملزومات و مواد و لوازم نامبرده برای مقاصد جنگی یا برای مصرف و یا برای استفاده افراد نظامی یا عاملین و یا مستخدمین نامبرده باشد، و مشروط بر اینکه اشیائی که ایرانیان خارج از عضویت نیروهای مسلح امریکا برای مصرف شخصی خریداری و یا وارد می‌کنند شامل این معافیت نشود.

« هیچ‌گونه وجهی به‌طور یک‌جا یا مالیات یا انواع مالیاتهای غیرمستقیم دیگر از طرف دولت شاهنشاهی ایران و یا مأمورین تابعه آن بر درآمدی که هریک از افراد نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و یا عاملین و یا مستخدمین نامبرده که از این به‌بعد در نتیجه خدمت تحصیل می‌کنند و یا دریافت می‌دارند وضع و دریافت نخواهد شد و هیچ‌گونه وجهی به‌طور یک‌جا یا مالیات یا انواع مالیاتهای غیرمستقیم دیگر،

موضوعه از طرف دولت شاهنشاهی و یا مأمورین تابعه آن، بردآمدت تحصیل شده و یا دریافتی اشخاصی که، با حائز بودن عضویت نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا و یا عاملین و یا مستخدمین نامبرده وارد ایران شده، و یا از این به بعد وارد خواهند شد، تعلق نخواهد گرفت. مشروط بر آنکه مالیات بردآمدی که ایرانیان خارج از عضویت نیروهای کشورهای متحده امریکا از این به بعد تحصیل و یا دریافت می‌دارند، شامل این معافیت نشود. هیچ‌یک از اعضاء نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا و یا عاملین نامبرده مکلف نخواهد بود که به موجب قانون اعطاء پاداش به کارگران و یا قانونی نظیر آن مساعدت مالی از کسی بگیرد و یا شخصاً بپردازد، دولت کشورهای متحده امریکا می‌تواند تسهیلات پستی و انبارهای مباشرت و مراکز مبادلات پستی برای استفاده نیروهای مسلح و عاملین و مستخدمین نامبرده تأسیس و نگهداری و اداره نماید.

ماده چهار

« در هر ناحیه که به موجب مقررات این قرارداد واحدهای نیروهای مسلح امریکا یا عاملین یا مستخدمین نامبرده سکنی داشته باشند، مأمورین مربوطه دولت امریکا هرگونه اقدامات لازم برای بهبود اوضاع صحی و حفظ صحت مستخدمین به عمل خواهند آورد. مأمورین امریکا در اجرای این اقدامات از همکاری کامل دولت شاهنشاهی ایران و مأمورین محلی آن بهره‌مند خواهند شد، و ممکن است کلیه اختیاراتی را که مأمورین مربوطه ایران در اجرا و اعمال نظامات بهداری شخصی و محلی دارند، و شامل حق دخول در املاک شخصی هم می‌باشد، دارا باشند. هرگاه اقداماتی که به موجب مقررات این ماده به عمل می‌آید، به حقوق صاحبان املاک ضرری وارد سازد، دولت ایالات متحده امریکا متعهد می‌شوند به مالکین مورد بحث غرامت عادلانه بدهند.

ماده پنج

« دولت شاهنشاهی ایران در صورت تقاضای ایالات متحده امریکا حق استعمال و نگهداری و بهبود و تکمیل و حفظ و نظارت خطوط ارتباطیه داخلی ایران را شامل راهها و راه آهن، جاده‌ها، رودخانه‌ها، میدانهای طیارات، بنادر، لوله‌های نفت و تأسیسات تلفن و تلگراف و رادیو که سودمند تلقی شود کلاً و یا جزئاً به دولت امریکا واگذار خواهد نمود. همچنین دولت شاهنشاهی ایران موافقت می‌کند که در استقرار و اجرای اقدامات

مربوط به نظارت سانسوری خطوط ارتباطیه، که نیروهای ایالات متحده آمریکا استعمال یا نگاهداری یا حفاظت و یا نظارت آنها را مقتضی بدانند، با نیروهای نامبرده همکاری نماید. نیروی مسلح امریکا در مورد اجرای مقررات این ماده حوائج ضروری دولت شاهنشاهی و ملت ایران را کاملاً رعایت خواهند کرد. هرگاه حفظ حقوق دولت شاهنشاهی ایران در راه آهن، جاده ها و سایر خطوط ارتباطیه مورد بحث ضرورت حاصل کند مأمورین صلاحیتدار ایران و مأمورین نیروهای مسلح امریکا در ایران به وسیله مذاکرات مستقیم ترتیبات لازم را خواهند داد.

ماده شش

« هر مالی که برای استفاده نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا یا عاملین و یا مستخدمین نامبرده وارد ایران می شود، هر زمان صدور مجدد آن به صلاح و صرفه ایالات متحده آمریکا باشد، ممکن است بدون پرداخت هر نوع مالیات مستقیم و یا غیرمستقیم یا مالیات بندری و یا گمرکی و یا سایر عوارضی که دولت شاهنشاهی ایران یا مأمورین تابعه آن دریافت می دارند، از ایران دوباره صادر شود. مشروط بر آنکه این حق صدور و معافیت از پرداخت عوارض شامل موادی نشود که ایرانیان خارج از عضویت نیروهای مسلح کشورهای متحده امریکا شخصاً برای مصارف خصوصی وارد کرده اند. « هرگاه نقل و انتقال هریک از تأسیساتی که به وسیله و یا به خرج ایالات متحده امریکا یا عاملین آن در ایران برپا شده و یا برپا شود عملی و یا مقتضی نباشد، ترتیب انتقال و طرز استفاده از آنها بعد از جنگ کنونی به وسیله عقد یک یا چند قرارداد که دولت ایالات متحده امریکا و دولت شاهنشاهی ایران در آن شرکت خواهند داشت، داده خواهد شد.

« در این قرارداد یا قراردادهای مقرر برای تعیین مالک آتیه و طرز به کار انداختن یک یا تأسیسات متعدد و برای پرداختها و یا سایر منافعی که باید عاید ایالات متحده امریکا بشود وضع خواهد گردید. منظور اصلی از عقد چنین قرارداد یا قراردادهایی آن است که اصول مندرجه در اعلامیه مشترکه ۱۴ اوت ۱۹۴۱ که موسوم به منشور آتلانتیک می باشد و به ویژه ماده چهارم آن که راجع به دسترسی متساوی عموم کشورها به مواد خام جهان است، به قسمی که در آن زمان بیش از هر طریق دیگر مؤثر به نظر رسد، به موقع اجرا گذاشته شود. این گونه قرارداد یا قراردادهای اگر پیش از پایان

مخاصمات بین ایالات متحده آمریکا و دشمنانش در جنگ کنونی منعقد نشود، در ظرف مدت پس از آن انعقاد خواهد یافت.

ماده هفت

« برای حل و تصفیه مسائل فرعی که ممکن است در نتیجه حضور نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا یا عاملین و یا مستخدمین نامبرده در خاک ایران پیش بیاید، در صورت لزوم، یک یا چند قرارداد جداگانه منعقد خواهد شد.

ماده هشت

« هر اقدامی که به موجب قرارداد حاضر، با مزایای اعطا شده و یا تعهدات ناشیه از پیمان اتحاد بین ایران و بریتانیای کبیر و ایرلاند شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ در تهران به امضا رسیده است اصطکاک حاصل کند، فقط بعد از مشورت با زمامداران صلاحیتدار ایران و انگلیس و شوروی و موافقت آنان به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

ماده نه

« نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا تا شش ماه پس از پایان کلیه مخاصمات بین ایالات متحده آمریکا و آلمان و همدستانش از خاک ایران احضار خواهند شد. معذک هرگاه قبل از آن که شش ماه از خاتمه جنگ بگذرد عهدنامه صلحی بین آنها انعقاد یابد، دولت ایالات متحده آمریکا متعهد می شود نیروهای خود را به اسرع اوقات ممکنه احضار نماید. مقصود از عبارت «همدستان» آلمان هر دولتی است که یا حالا با هریک از ملل متفق به مخاصمه اشتغال داشته و یا در آتیه با هریک از آنها داخل جنگ شود. « قرارداد کنونی با احضار نیروهای مسلح آمریکا به پایان خواهد رسید، مگر ماده شش آن که تاریخ احضار نیروهای مسلح آمریکا نسبت به آن رعایت نشده و مادام که مقررات آن کاملاً اجرا نشده است، به اعتبار خود باقی خواهد ماند.

ماده ده

« این قرارداد از تاریخ امضا معتبر خواهد بود.»

این طرح که از جانب وزیر امور خارجه ایالات متحده به سفارت شاهنشاهی در واشنگتن ارسال شد منجر به عقد قرارداد نگردید زیرا دولت ایران به بعضی از مواد و مطالب مندرج در آن اعتراض داشت. سند زیر موارد اعتراض را روشن می‌سازد:

شماره: ۳۱۴۳

تاریخ: ۱۷ آذر ۱۳۲۲

سفارت شاهنشاهی ایران - واشنگتن

«چنانکه اطلاع دارید پس از اینکه وزارت امور خارجه پیشنهاد متقابل خود را نسبت به قرارداد حضور نیروی امریکا در ایران داد، سفارت امریکا به واشنگتن مراجعه و بعد از چندی طرح جدیدی دادند که نه تنها اصلاحات پیشنهادی ما را منظور نداشتند، بلکه در بعضی قسمت‌ها شاید از طرح اول هم مشکل‌تر شده باشد. «به این واسطه پس از اینکه موضوع در هیأت دولت مطرح شد، با قبول آن موافقت نگردید. زیرا چند نکته در این طرح وجود دارد که قبول آن در آینده اشکالاتی ایجاد خواهد کرد.

«من جمله موضوع مالکیت است که در بند سه ماده شش قرارداد پیشنهادی ذکر شده است. مطابق این ماده در نقاطی که نیروی نظامی امریکا ساختمان‌هایی نموده و تأسیساتی کرده دولت شاهنشاهی متعهد است پس از جنگ قراری نسبت به مالکیت آن بدهد. مثلاً اگر در بعضی از بنادر اسکله بسازند (چنانکه در خیلی از جاها ساخته‌اند) می‌توانند به استناد همین ماده و با وجود اینکه آن ساختمانها به تقاضای ایران نبوده ادعایی در آن بندر بنمایند. لازم به توضیح نیست که تصدیق این معنی چه مشکلاتی را در آینده ایجاد خواهد کرد.

«قسمت دیگر مربوط به اشاره‌ای است که در همان ماده شش به فصل چهارم منشور آتلانتیک می‌نماید، و چنانکه می‌دانید فصل مزبور مربوط به بازرگانی آزاد و دسترسی به مواد خام است. اگر چه معلوم نیست چه ضرورتی چنین اشاره‌ای را ایجاد کرده، ولی مسلم است که اگر در این قرارداد به آن اشاره شود، امریکا خواهد توانست به اتکاء آن حقوقی برای خود در استفاده از مواد خام ایران که شامل معادن و غیره می‌شود قائل شود.

«باره‌ای اصلاحات جزئی دیگری هم هست که ذیلاً توضیح داده می‌شود:

«چون با این مشکلات مصادف شدیم، نتوانستیم با کمال میلی که داشتیم قبل از حرکت آقای دریفوس، وزیر مختار امریکا، قرارداد را امضا کنیم. اما نظریات خود را به ایشان گفتیم قرار شد با مشارکت جنابعالی، با مقامات مربوطه در مدت توقف در واشنگتن مذاکره کنند، بلکه منظور دولت شاهنشاهی تأمین گردد.

«در اینجا لازم است نکته‌ای را که به خود آقای وزیر مختار امریکا هم گفته‌ایم، یادآور شویم تا در نظر داشته باشید که عنداللزوم گوشزد نمایید، و آن این است که ما به هیچ وجه در حسن نیت امریکا تردیدی نداریم و می‌دانیم که در آینده توقعات بی‌جایی از ما نخواهند داشت، ولی اگر بنا شود چنین تعهداتی تلو قرارداد بنماییم، هم در مجلس شورای ملی مورد ایراد و اعتراض خواهد شد، و هم این نگرانی را در برخورد داشت که سایرین به آن متوسل شده و بخواهند همان حقوق را برای خود مطالبه کنند.

«با این مقدمات باید یکی از دو طریق زیر را انتخاب کرد:

«اول — که اسهل طرق است قراردادی نظیر پیمان سه‌گانه منعقد سازیم. منتها بعضی از مواد آن را که یکی مربوط به تعهد دفاع از خاک ایران در مقابل تجاوز آلمان یا هر دولت دیگری است حذف کنیم، و بعضی از مسائل دیگر را هم که با ورود ایران در جنگ، دیگر حاجتی به ذکر آن نیست برداریم و یک ماده نظیر ماده ۸ طرح پیشنهادی به آن علاوه کنیم.

«برای اینکه در این باب مطلب روشن باشد، طرحی تهیه شده که به ضمیمه ارسال می‌گردد.

«دوم — در صورتی که اصرار داشته باشند قراردادی که بسته می‌شود مطابق طرح پیشنهادی خودشان باشد لازم خواهد بود اصلاحات زیر در آن به عمل آید:

۱ — در ماده سه، آنجا که نوشته شد «مشروط بر اینکه این معافیت از مالیاتها بردرآمدی که از این به بعد واصل یا عاید می‌شود شامل اتباع ایران نگردد» به جمله زیر تبدیل شود:

«بدیهی است که این معافیت از مالیاتها شامل اتباع ایرانی که در خدمت و یا منتسب به نیروی امریکا یا عاملین آنها باشند نخواهد گردید»

«باز در همان ماده جمله «هیچ یک از اعضاء نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا

و یا عاملین نامبرده مکلف نخواهد بود که به موجب قانون اعطاء پاداش به کارگران و یا قانونی نظیر آن مساعدت مالی از کسی بگیرد و یا بپردازد» چون ظاهراً امری است که مربوط به خود امریکامی باشد و ارتباطی با قوانین و مقررات ایران ندارد، باید حذف گردد.

۲ - در ماده پنج آخر «در صورت لزوم ترتیبی برای حفظ حقوق..... در ایران داده خواهد شد» به عین عبارتی که در بند سه فصل سوم از پیمان سه گانه قید شده تبدیل گردد، و آن این است «واضح و مسلم است که در اجرای مقررات این ماده ایالات متحده امریکا حوائج ضروری ایران را کاملاً منظور خواهد داشت»

۳ - در ماده شش که اشکال اساسی در آنجا است و در ابتدای این نامه توضیح داده شد جملات زیر حذف شود:

الف - در آخر بند اول جمله (مشروط بر اینکه این حق صدور مجدد و معافیت از عوارض شامل مواردی نشود که اتباع ایران شخصاً برای مصارف شخصی خود وارد کرده باشند) که توضیح واضح است حذف شود.

ب - تمام بند سوم ماده شش که با «در این قرارداد یا قراردادها..... شروع و به..... به موقع اجرا گذاشته شود» خاتمه می پذیرد حذف گردد و چنانکه در بالا توضیح داده شد اساس ایراد ما همین بند است.

۴ - به جای ماده ۹ عین فصل پنجم پیمان سه گانه گذاشته شود.

ضمایم ارسالی عبارت است از:

(۱) طرح پیمان سه گانه که مبنای قرارداد خواهد بود.

(۲) ترجمه طرح پیشنهادی دولت امریکا.

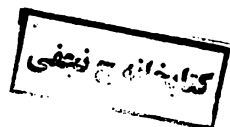
(۳) طرح اصلاحی دولت ایران.»

وزیر امور خارجه

چون این طرحها هیچ یک منجر به عقد قرارداد نگردید از تذکر طرحهای متقابل طرفین خودداری می شود.

ارتش امریکا در ایران که به نام «فرماندهی خلیج فارس» معروف بود، تقریباً از سی هزار نفر افسر و سرباز تشکیل می شد. این قشون که به منظور تسریع در ارسال حمل مهمات و ملزومات جنگی به روسیه شوروی وارد ایران شد جنبه جنگی نداشت. وظایف قوای امریکا عبارت بود از ساختمان و تجدید تشکیلات بندر و سواحل خلیج فارس و راه سازی و تعمیر جاده های اصلی و

مهم، ساختن فرودگاه برای پرواز هواپیماها، و اداره خطوط راه آهن سرتاسری ایران. در مورد اداره خطوط راه آهن سرتاسری ایران بین روسها و امریکاییها توافق نظری حاصل و مقرر شد که امریکاییها اداره راه آهن از تهران تا خلیج فارس را به عهده بگیرند. روسها هم قسمت شمالی را که از تهران تا بندر شاه واقع در ساحل بحر خزر امتداد داشت اداره کنند. نقش ارتش امریکا در ایران اصولاً و اساساً فنی بود، و نه سیاسی. در نظر کسانی که از خارج ناظر جریان اوضاع بودند روابط نظامی امریکا و شوروی دوستانه و صمیمانه به نظر می رسید.



ایکلیس و محمد حسنیه

اعلامیه ملل متحد

در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ میلادی برابر با ۱۱ دی ماه ۱۳۲۱ نمایندگان مختار بیست و شش کشور جهان پیمان اتحادی علیه دولتهای محور امضا کردند. این پیمان بعداً به نام «اعلامیه ملل متحد» معروف گردید.

مفاد پیمان اتحاد بیست و شش کشور این بود که کلیه منابع اقتصادی و نظامی خود را علیه دول محور به کار برند و ضمن همکاری بایکدیگر از ترک مخاصمه و صلح جداگانه با دشمنان مشترک، یعنی دول محور، خودداری نمایند.

در اعلامیه ای که به دنبال پیمان اتحاد بیست و شش کشور صادر گردید تصریح شده بود که ملل دیگری که بهر نحو در مبارزه علیه نازیسم به متفقین کمک کرده و یا بعداً کمک کنند، می توانند به اعلامیه مزبور ملحق شوند.

در اینجا بی مناسبت نیست متن اعلامیه ملل متحده و کشورهایی را که بدان ملحق شده اند متذکر شویم.

دولت ایران در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ (۸ سپتامبر ۱۹۴۳) الحاق خود را به آن اعلام و وزیر مختار ایران در امریکا نیز در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۲۲ (۱۳ سپتامبر ۱۹۴۳) نسخه اصلی آن را از طرف دولت شاهنشاهی امضا کرد. دول امضاءکننده اعلامیه ملل متحد عبارت بودند از: ایالات متحده امریکا، بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، اتحاد جماهیر شوروی، چین، استرالیا، بلژیک، کانادا، کستاریکا، کوبا، چکوسلواکی، جمهوری دومینیکن، سالوادور، یونان، گواتمالا، هائیتی، هندوراس، هندوستان، لوکزامبورگ، هلند، زلاند جدید، نیکاراگوآ، نروژ، پاناما، لهستان، افریقای جنوبی، یوگوسلاوی.

مدلول اعلامیه ملل متحد از این قرار است:

«نظر به اینکه دول امضاءکننده به برنامه مشترک اصول و مقاصد مندرج در اعلامیه رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا و نخست وزیر بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی مورخ

۱۴ اوت ۱۹۴۱، معروف به منشور آتلانتیک، ملحق شده‌اند، و نظر به اینکه یقین دارند دفاع از جان و آزادی و استقلال و حریت مذهبی و همچنین صیانت حقوق بشر و اجرای عدالت در کشورهای خود و کشورهای دیگر مستلزم این است که بر دشمنان خود کاملاً مظفر و پیروز گردند، و نظر به اینکه هم‌اکنون مشترکاً به مبارزه بر علیه قوایی که در صدد است دنیا را تحت سلطه و انقیاد خود درآورد مشغول هستند، علیهذا اعلام می‌دارند:

۱- هریک از دول امضاءکننده متعهد می‌شود کلیه منابع اقتصادی و نظامی خود را بر علیه آن عضو یا اعضای دول پیمان سه‌گانه محور و متحدینشان که با آنها در حال جنگ است به کار برد.

۲- هریک از دول امضاءکننده متعهد می‌شود با سایر دول امضاءکننده همکاری کرده به ترک مخاصمه و صلح جداگانه با دشمنان مشترک مبادرت نمایند.

«ملل دیگری هم که اکنون در این مبارزه بر علیه دول محور کمک مادی یا مساعدتهای دیگری می‌نمایند، یا ممکن است بعداً به این اقدام مبادرت نمایند، می‌توانند به این اعلامیه ملحق شوند.

در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ در واشنگتن تحریر شد.»

امضاء نمایندگان دول نامبرده در بالا

دولت ایران که از شهریور ۱۳۲۰ با صمیمیت و فداکاری به یاری متفقین برخاسته و نقش مؤثری در پیشرفت مقاصد نظامی و سیاسی دول متفق ایفاء کرده و از این‌رو جزو اولین کشورهایی که استحقاق عضویت ملل متحد را داشتند محسوب می‌گردید، در صدد برآمد به این اعلامیه ملحق شود. اما قبل از الحاق لازم دید مطالعاتی در این باب انجام شود و پس از اطلاع از چگونگی امر و منافعی که ممکن است از این راه عایدش گردد اقدام نماید.

اسناد زیر نشانه‌ای از مطالعات دولت ایران درباره الحاق به اعلامیه ملل متحد می‌باشد.

تلگراف رمز

شماره: ۴۱۶

تاریخ: ۱۲ خرداد ۱۳۲۲

سفارت شاهنشاهی ایران - انگلستان

جناب آقای وزیر مختار ایران در لندن،

«خواهشمند است فوراً بررسی و صراحتاً معلوم نمایید الحاق دولت ایران

به اعلامیه ملل متحد ملازمه با متخاصم بودن را دارد یا خیر؟ دولت ایران می‌تواند از بند آخر اعلامیه استفاده کرده به استناد کمکهای مادی و معنوی که برای پیروزی متفقین می‌نماید و تأثیرات آن به مراتب عمیقتر از آگهی جنگ کشورهای امریکای جنوبی است، بدون اینکه آگهی جنگ کند، و یا از ما تقاضای کمک نظامی بشود، الحاق خودش را به ملل متحد اعلام بدارد؟ همچنین در صورت تصمیم دولت به الحاق، منافعی که از تاریخ عمل ممکن است برای دولت ایران در حال و آینده تحصیل شود اشعار دارید.»

وزیر امور خارجه

محمد ساعد

سیدحسین تقی‌زاده وزیر مختار ایران در لندن در پاسخ، نظر خود را چنین اعلام داشت:

تلگراف رمز

شماره: ۸۴۰

تاریخ: ۱۲ خرداد ۱۳۲۲

وزارت امور خارجه - تهران

«مشغول تحقیقات لازم هستم. هرچه زودتر ممکن باشد، نتیجه را عرض می‌کنم عجلتاً آنچه از اطلاع شخصی می‌توانم عرض کنم این است که تصور می‌کنم الحاق به اعلامیه متلازم با اعلان جنگ باشد و گمان منفعتی در آن نمی‌رود. خود اعلان جنگ هم حتی بدون الزام کمک نظامی کار سهل و معقولی نیست و محتاج توجیه مقبولی در تاریخ آینده می‌باشد. معذک آنچه مقدور است، با کمال اعتدال و بی‌طرفی مطلق تحقیق و عرض می‌شود. تصمیم قطعی با اولیای دولت خواهد بود. فقط می‌خواهم عرض کنم که در چنین موضوعی مناسب است تعجیل نشود.

«خواهشمند است درین باب به تلگرافات شماره ۴۳۹ و ۳۵۵ این جانب به ریاست وزراء مراجعه فرمایند. در یک تلگرافی به تاریخ ۱۳ دی‌ماه ۱۳۲۱ خود بنده هم که الحاق را متلازم با اعلان جنگ نمی‌دانستم، چنین فکری را ممکن و محتمل الفایده شمرده بودم لکن بعد معلوم شد که آن ترتیب خرج حضرات نمی‌رود.»

وزیر مختار ایران در لندن

حسن تقی‌زاده

در تعقیب این تلگراف گزارش دیگری از سفارت دولت شاهنشاهی در لندن به وزارت امور خارجه ارسال شد که متن آن بقرار زیر است:

تلگراف رمز

شماره: ۹۱

تاریخ: ۱۹ خرداد ۱۳۲۲ «۱۰ ژوئن ۱۹۴۳».

وزارت امور خارجه - تهران

«تعقیب ۸۴ در آن موضوع در خود متن اعلامیه دقت مجددی به عمل آمد و آنچه از مندرجات آن به طور خیلی صریح و مسلم دیده می شود، آن است که متعاهدین اول که ۲۶ مملکت بوده تعهد جنگ و استعمال کلیه دارایی نظامی و اقتصادی خود را بر ضد دشمنان متفقین کرده اند که قطعاً داخل جنگ بوده اند لکن برای دولی که بعد می توانند به آن اعلامیه ملحق شوند، عبارت به آن صراحت نیست، ولی معاونت مادی و رساندن مدد و مشارکت در جهاد بر ضد قوای هیتلری شرط اصلی شمرده شده است. ظاهراً در مقصود اصلی شکی نباشد. ولی چون ظاهر عبارت تا حدی قابل تأویل است، در باب تفسیر حقیقی، تحقیقاتی در سفارت کبرای امریکا به عمل آمد. آنها اینطور اظهار عقیده کردند که اگر چه عبارت صراحت کامل ندارد، لکن دخول در جنگ را شرط الحاق تصور می کنند. چون بدون ایجاد شائبه ذهنی در مخاطب، سؤال رسمی از مقامات انگلیسی و امریکایی به طور واضح ممکن نیست، و برای گرفتن جواب صریح و شافی باید اصل مطلب و منظور را که مربوط به خیال دولت ایران است، واضح گفت، اندکی تردید کردم. به خاطر رسید که اگر واقعاً جواب قطعی، صریح، روشن و وافی خواسته شود آیا بهتر نیست که چون مرکز این کار در واشنگتن است، چهار فقره سؤال به طور صریح و خالی از هر گونه ابهام به مضمون زیر توسط نماینده ایران در آنجا از دولت امریکا به عمل آمده و در صورت امکان جواب کتبی تحصیل شود.

«اولاً - آیا دخول در عداد ملل متحد با تساوی حقوق کامل در حال و استقبال موقوف به اعلان جنگ به دول مخالف می باشد یا نه؟

«ثانیاً - در صورتی که اعلان جنگ شرط این کار نباشد، آیا اقل شرایط آن از هر حیث به شرط تساوی حقوق چیست؟

«ثالثاً - در صورتی که عمده آن گذاشتن وسایل و منابع لازمه مملکت عضو در

اختیار دول متحد می‌باشد این وسایل و منابع کدام است و منظور از گذاشتن آنها در اختیار آن دول و طریقه آن چیست؟ و یا به عبارت صحیح‌تر، مفاد حقیقی معاونت مادی و مدد که در متن اعلامیه ذکر شده چیست؟ و آیا استفاده دول متحد از وسایل و منابع مملکت داخل در عضویت مجانی یا با عوض خواهد بود؟ و یا دخول در عداد ملل متحد مستلزم تحمیلات مالی بر عضو جدید خواهد بود؟

«رابعاً— با مساعدتهای فعلی مملکت ایران و وسایلی که در اختیار مستفقین گذاشته، از قبیل وسایل مناقلات و فرودگاهها و مریضخانه‌ها و فلان، الحق کافی برای حصول شرایط عضویت نیست؟ اگر نیست چه چیزهای دیگر برای وصول به حداقل شرایط ضرورت قطعی دارد؟

«آنوقت ممکن است صریحاً به آنها اظهار شود که اگر جواب سؤال اول منفی باشد، و اگر استفاده از منابع و وسایل مجانی نباشد، و عضویت مستلزم تحمیلات مالی نبوده یا اقلأً بیشتر از آنچه حالا ایران متحمل است، مانند استعمال مجانی راه‌آهن و فرودگاه و غیره نباشد، و اگر جواب سؤال چهارم مثبت باشد و یا اقلأً شرایط اضافی ضروری و حداقل سهل و قابل تحمل باشد، دولت ایران قصد دخول در عداد ملل متحد را دارد. البته با تساوی کامل در حقوق و منافع و نیز تجهیزات تحقیق شود منافع قطعی عضویت برای آتیه عضو چیست؟ آیا ملل متحد و مخصوصاً امریکا در تأمین حقوق استقلال کامل به تمام معنی برای مملکت عضو سعی خواهند نمود؟

«پس از روشن شدن قطعی این نکات و مطالعه جواب خالی از ابهام این سوالات، آنوقت اولیای دولت تصمیم لازم اتخاذ فرمایند. لازم است عرض شود که از قراری که از بعضی شنیده شد، دخول عراق به جنگ مستلزم تحمیلات کلی برای آن مملکت شده است. از قبیل دادن بلاعوض بسیاری از چیزها. ولی به صحت مطالب اطمینان کامل ندارم.

«خواهشمند است به تلگراف شماره ۲۳۰ مورخه دهم دی‌ماه سال ۱۳۲۰ این سفارت نیز مخصوصاً مراجعه فرمایند. محض ادای کامل وظیفه باید عرض کنم که با وضعی که دیده می‌شود و مواعید توخالی و کشدار و مبهم حضرات همیشه در مقابل اخذ تعهدات صریح کمرشکن از ما، دخول در جنگ، ولو بدون شرکت نظامی موجب فایده‌ای به نظر نمی‌رسد. ولی اگر وقتی احتمال فایده مهمی که ارزش کامل داشته و با زیانهای قطعی آن مقابله کند در آن صورت باز بدون حصول بعضی شرایط که فعلاً

تحصیل آنها ظاهراً به‌غایت بعید و مشکل است، اقدام در آن موافق احتیاط به‌نظر نمی‌رسد. از جمله آن شرایط یکی داشتن اتحادی با ترکیه، پس از آن انتظار موقع اختیار آن دولت به‌دخول در جزو ملل متحده است، دیگری تحصیل تضمین صریحی است از امریکا برای استقلال کامل ایران به‌معنی کامل کلمه و صددرصد نه‌به‌معنای جدیدالاختراع آن.

«در هر حال بیشتر نظر داشتن به‌رویه ترکیه ارجح است. عرض این مطالب به‌این تفصیل شاید توضیح واضح‌تر است و چون یقین است اولیای دولت و خود جناب آقای وزیر کاملاً به‌این نکات توجه و احاطه دارند و به‌علاوه قطعاً اطراف دیگر کار را هم که از اینجا نمی‌توان دید، می‌بینند، ممکن است این اظهارات بی‌لزم باشد. لکن در این وقت که راههای دیگر مخابرات مشروح بسته است، امیدوارم این جانب را در بیان آنچه به‌خاطر می‌رسد معذور خواهند شمرد.»

وزیر مختار ایران در لندن

حسن تقی‌زاده

در خلال این مدت وزیر امور خارجه پس از مطالعات کافی و مذاکره با نمایندگان متفقین تمایل دولت را به‌الحاق به‌اعلامیه ملل متحد اظهار داشت و مراتب را به‌وزیر مختار ایران در لندن این‌طور اطلاع داد.

تلگراف رمز

شماره: ۶۳۳

تاریخ: ۱۰ تیر ۱۳۲۲ «۷ ژوئیه ۱۹۴۳»

جناب آقای وزیر مختار ایران - لندن،

«روز سیزدهم تیر با حضور جناب نخست‌وزیر، نمایندگان انگلیس و روس و امریکا به‌وزارت امور خارجه خواسته شدند.

«اظهار داشتیم دولت ایران مایل است با اقدام جدی علاقه خود را به‌همکاری با متفقین و پیشرفت منظور مشترک اثبات نماید. این اقدام را الحاق به‌اعلامیه دول متحد تشخیص داده است. برای تأمین و اجرای مقصود لازم است قبلاً افکار عمومی و مخصوصاً مجلس شورای ملی را حاضر نماید. در این باب هنوز با نمایندگان تماس

حاصل نشده است. برای اینکه اگر آنها زیاده بر اطلاعاتی که داریم سؤالات از دولت بکنند و توضیحات بخواهند از پاسخ عاجز هستیم.

«مثلاً اگر بپرسند الحاق به اعلامیه چه تعهدات جدیدی برای ایران ایجاد می‌کند و چه تضمینات و مزایایی علاوه بر آنچه که پیمان داده است می‌دهد، نمی‌دانیم چه پاسخ بگوییم. به این واسطه بهتر دیدیم که بدو مطلب را با شما عنوان کنیم. ضمناً لازم است چون احتمال می‌دهیم که شماها هم نتوانید پاسخ قطعی به ما بدهید، خواهش داریم به دولتهای خود مراجعه نموده و ما را زودتر مطلع سازید.

«به‌طور خلاصه می‌خواهیم بدانیم که در صورت الحاق چه تعهدات تازه، چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ مالی، بر عهده ما خواهد بود، و در مقابل چه مزایایی برای ما در حال و آینده قابل استفاده قائل خواهید شد. مثلاً در کنفرانس صلح، با همان حقوق که سایرین دارند، به عضویت پذیرفته می‌شویم و به‌طور مساوی حق شرکت در کلیه مذاکرات را داریم؟

«پس از مذاکرات مختصر وعده دادند مراتب را به دولتهای خود تلگراف کرده نتیجه را اطلاع بدهند.

«چون وصول این تلگراف مصادف با رسیدن تلگراف آنها خواهد شد، خوب است جنابعالی هم در دنبال مذاکرات و اقدامات در این باب با وزارت امور خارجه انگلیس در تماس باشید و ببینید چه پاسخ می‌دهند.

«در اینجا هم گفتیم هر چند می‌دانم همکاری که ما عملاً می‌کنیم خیلی از مشارکت موهوم بسیاری از بیست‌وشش دولت، از قبیل دول امریکای جنوبی، در پیروزی متفقین مؤثرتر است، ولی برای اینکه تصور نرود که از جرگه متفقین خود را دور دانسته و از آگهی علنی مخاصمه خودداری داریم، می‌خواهیم سرنوشت ایران را صریحاً با شما یکی کنیم و اطلاعات و توضیحاتی را هم که می‌خواهیم بیشتر برای این است که هنگام عنوان مطلب در مجلس شورای ملی پاسخهای قانع‌کننده داشته باشیم.

«در این زمینه هرچه بیشتر اقدام نمایید که پاسخ آنها روشنتر و به‌حال ما مفیدتر باشد، البته بهتر است.

«مذاکره نسبت به تضمین استقلال و تمامیت ایران زاید است، زیرا در پیمان اتحاد تأمین شده است. نکته مهم یکی این است که از ما قوای نظامی نخواهند، دیگر اگر بشود مواعید صریحی نسبت به آینده و مخصوصاً کنفرانس صلح بدهند. ضمناً متذکر

می‌شویم که مسلم است عهدنامه اتحاد منعقدہ بین ایران و متحدین بدون کم‌وکاست و کاملاً از طرفین اجرا خواهد شد.»

وزیر امور خارجه
محمد ساعد

پس از این مذاکرات به تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۴۳ نامه‌هایی که مضمون آن یکی بود از طرف سفارتخانه‌های امریکا، انگلیس و شوروی برای دولت ایران ارسال شد. مفاد آن از این قرار است:

۱- هرگاه ایران با یک یا بیشتر از دول محور وارد مرحله جنگ گردد، با این اقدام می‌تواند به اعلامیه ملل متحد ملحق شود.

۲- ایران صرفاً با الحاق به اعلامیه، تعهدات نظامی یا اقتصادی اضافی به عهده نخواهد گرفت. لیکن امید می‌رود که از آن پس جدیترین اقدامات ممکنه را در داخل حدود ایران برای همکاری مادی به عمل آورد و به مبارزه و تلاشی که برای پیروزی بر هیتلریسم می‌شود کمک نماید.

۳- مزایایی که در الحاق نصیب ایران می‌گردد، واضح است همان مزایایی خواهد بود که از شرکت رسمی و کامل با سی‌و‌دو دولت متحد در این جنگ ناشی خواهد گردید.

۴- همین که ایران به اعلامیه ملحق گردد در شرکت کنفرانسهای مناسب مربوط به صلح همان حقوقی را خواهد داشت، که سایر ملل متحد دارا می‌باشند.»

وزارت امور خارجه مراتب را طی تلگرافی به اطلاع وزیر مختار ایران در لندن رسانید.

تلگراف رمز

شماره: ۹۱۳

تاریخ: ۱۸ شهریور ۱۳۲۲ «۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳»

وزیر مختار ایران- لندن،

«تعقیب ۶۳۳، جمعه ۱۱ شهریور وزرای مختار انگلیس و امریکا و کاردار روس پاسخ دولتهای خودشان را در خصوص تمایل دولت ایران به الحاق به اعلامیه ملل متحد به این

جانب دادند هر سه پاسخ دارای مضمون واحدی به شرح زیر هستند:
یکم - هر گاه دولت ایران با هر یک از دول محور وارد جنگ شود، ایران شایسته الحاق خواهد بود.

«دوم - معنی الحاق فی نفسه این نخواهد بود که ایران تعهدات جدید اقتصادی و نظامی قبول نماید. امیدوار است دولت ایران پس از آن جدیترین اقدامات ممکن را برای کمک و مساعدت مادی در جنگ و فیروزی بر علیه هیتلریسم به عمل آورد.
«سوم - مزایایی که از الحاق عاید ایران می شود، مزایایی است که به طور وضوح در شرکت رسمی و کامل در این جنگ شامل ملت متفق خواهد شد.

«چهارم - همینکه ایران به اعلامیه مزبور ملحق شود، در شرکت کردن در کنفرانسهای مربوط به صلح، ایران با سایر ملل متفق مساوی خواهد بود.
«در ضمن صحبت با وزیر مختار انگلیس، اظهار داشت منظور از کنفرانسهای مربوطه، این است که دولت ایران فقط در کنفرانسهایی که مسائل مربوط به ایران مورد مذاکره واقع می شود، حق شرکت دارد، که این منظور ما را تأمین نمی کند. دولت ایران می خواهد در کلیه کنفرانسهای صلح شرکت نماید. حتی در کنفرانس مذاکره در مسائل مربوط به بلژیک و هلند و غیره، نیز خود را ذیحق می داند که شرکت کرده و صاحب رأی باشد. وزیر مختار انگلیس پاسخ صریح نداد و اظهار داشت رئوس مسائل مهم مربوط به صلح بین ۱۴ دولت بزرگ مذاکره می شود، و در این موضوع به خصوص که سؤال می کنید وارد نیستیم. ولی کاردار شوروی نسبت به کلیه مسائل توضیحاتی می داد و بالاخره گفت که منظور کلیه کنفرانسهایی است که راجع به برقراری صلح منعقد می گردد، و در این باب شکی ندارم.»

وزیر امور خارجه
محمد ساعد

اعلام جنگ ایران به آلمان

پس از اینکه دولت ایران مطمئن شد که بدون اعلان جنگ به آلمان نمی تواند به اعلامیه ملل متحد ملحق شود، و ضمناً صلاح خود را در این اقدام دید، از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه تقاضا کرد با اعلان جنگ به آلمان و الحاق به اعلامیه ملل متحد موافقت فرمایند.

پیرو این درخواست در ساعت ۹/۲ بامداد روز پنج‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ (۹ سپتامبر ۱۹۴۳) فرمان ملوکانه به‌شرح زیر صادر گردید:

با تأییدات خداوند متعال

ما

محمد رضا پهلوی

شاهنشاه ایران

«بنا به پیشنهاد دولت و بر طبق اصل پنجاه و یکم قانون اساسی از تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ حالت جنگ را بین کشور خودمان و آلمان مقرر می‌داریم.»

در ساعت ده روز هفدهم شهریور ماه ۱۳۲۲ آقای علی سهیلی، نخست‌وزیر همراه دیگر وزیران کابینه در مجلس شورای ملی حاضر شد و ضمن سخنانی اظهار داشت: «به‌طوری که خاطر نمایندگان محترم مستحضر است دولت شاهنشاهی از آغاز جنگ کنونی بی‌طرفی خود را به‌دول متخاصم اعلام و در حفظ شرایط آن مراقبت لازم را معمول داشت. ولی در نتیجه پیش‌آمدهایی که منتهی به وقایع شهریور ۱۳۲۰ گردید، پیمانی بین دولت ایران از یک طرف و دولتن انگلیس و شوروی از طرف دیگر منعقد شد. از آن پس قرارداد، مبنای سیاست خارجی ایران نسبت به متخاصمین قرار گرفت و رویه دولت شاهنشاهی در مقابل دول محور روشن و اعلام شد.

«انتظار می‌رفت دول محور با در نظر گرفتن وضع خاص ایران و تعهداتی که این کشور در مقابل متفقین دارد، مبادرت به اقدامات و عملیاتی ننمایند تا بالنتیجه موجب انحراف دولت ایران از تعقیب رویه‌ای که در پیمان سه‌گانه اتخاذ نموده، گردد. لیکن وقایعی که اخیراً بروز کرده، و شواهد و مدارکی که در دست است، منجمله تحریک جمعی از عشایر بر علیه دولت که منجر به وقایع اسفباری گردید، و همچنین اعزام افراد مخصوصی به وسیله هواپیماها به منظور تخریب راه‌آهن و قطع وسایط ارتباطیه و تشکیل سازمانهای جاسوسی و سایر اقداماتی که خاطر نمایندگان محترم از چگونگی آنها آگاه می‌باشد، آشکار ساخت که عمال آلمانی برخلاف انتظار دست به فعالیت‌های وخیمی در ایران زده و سعی کرده‌اند با ایجاد اختلاف و تفرقه بین مردم این کشور آتش فتنه و انقلاب داخلی را بر پا ساخته و موجبات سلب آسایش عامه و اختلال

امنیت مملکت را فراهم کنند.

«دولت ایران این قبیل عملیات نامشروع دولت آلمان را در داخله ایران خصمانه تلقی کرده و تحریکات و دسایسی را که به منظور ایجاد فتنه و آشوب در سراسر کشور به عمل آمده است، مخاطره آمیز تشخیص داده و برای حفظ مصالح عالیه کشور خود، حقاً موظف می باشد اقداماتی در خاتمه دادن به این وضعیت و اوضاع ناگوار که مورد انزجار قاطبه ملت ایران است، به عمل آورد. بنابراین دولت با مذاقه در جمیع جهات امر و تشخیص منافع مملکت در حال و استقبال، خود را ناگزیر دید به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حالت مخاصمه را بین ایران و آلمان اعلام دارد، و در همین حال الحاق خود را به اعلامیه مشترک ملل متفق مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلام می دارد.»

ساعت ده و نیم همان روز نمایندگان دولتهای امضاکننده پیمان سعدآباد (ترکیه، عراق، افغانستان)، طبق دعوتی که قبلاً به عمل آمده بود، در کاخ وزارت امور خارجه حاضر شده و همایون جاه، معاون آن وزارتخانه ضمن بیاناتی به شرح زیر وجود حالت مخاصمه بین ایران و آلمان و مفاد فرمان همایونی را به استحضار آنان رسانید:

«به طوری که استحضار دارند دولت شاهنشاهی در آغاز جنگ حالت بی طرفی اختیار کرد و در حفظ شرایط آن هم مراقبت لازم را بجا آورد. بعد در اثر پیشامدهای شهریور ۱۳۲۰، پیمان سه گانه بین دولت ایران و دولتهای انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی منعقد گردید که دولت شاهنشاهی نسبت به اجرای قرارداد مزبور تعهداتی را متقبل، و لازم دید صمیمانه تعهدات خود را به موقع اجرا گذارد. از طرف دیگر وقایع اخیر و شواهدی که به دست آمده معلوم کرد که عمال آلمان دست به فعالیتها و عملیاتی زده اند که با ایجاد اختلاف و تفرقه بین مردم، ممکن است فتنه و انقلاب داخلی در کشور برپا و باعث اختلال امنیت در مملکت بشوند. لهذا دولت ایران این تحریکات و دسایس را مخاطره آمیز تشخیص داد و این قبیل عملیات آلمان را در داخله ایران خصمانه دانسته و از لحاظ مصالح عالیه کشور، برای خاتمه دادن به این اوضاع ناگوار خود را ناگزیر به اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم دید.

«امروز جناب آقای نخست وزیر در مجلس شورای ملی اعلامیه ای قرائت خواهند کرد و فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را دایر به وجود حالت جنگ بین کشور ایران و آلمان اعلام خواهند داشت.

«این جانب وعده می دهم هر چه زودتر، و همین که فرمان اعلیحضرت همایون

شاهنشاه و اعلامیه آقای نخست‌وزیر در مجلس قرائت و رسمیت یافت، رونوشتی از آن برای آقایان ارسال دارم تا از دلایل دولت شاهنشاهی ایران، علاوه بر آنچه گفته شد، نسبت به مبادرت به این عمل به تفصیل استحضار حاصل فرمایند. منظور از این مزاحمت و دعوت آقایان نمایندگان دول دوست و همسایه هم این بود که چون علاوه بر علائق دوستی و همسایگی که دولت شاهنشاهی را به دولتهای شما آقایان نمایندگان نزدیک می‌دارد، پیمان سعدآباد هم این دوستی و نزدیکی را تشدید و ما را بیشتر به هم مربوط ساخته، مقتضی به نظر آمد قبل از اعلام و اجرای رویه خاصی که دولت ایران نسبت به یک کشور خارجی اتخاذ کرده و می‌خواهد جنگ را بین کشور شاهنشاهی و آلمان اعلام دارد، شما آقایان را مستحضر سازد تا مراتب را به دولتهای خود اعلام دارید. در اینجا لازم است اضافه گردد که در هر حال ارتباط دوستی و نزدیکی و علائق همسایگی دولت شاهنشاهی با دولتهای شما آقایان به وضع سابق بلکه محکمتر باقی و برقرار بوده، و ارتباط و نزدیکی خاصی هم که ما به موجب پیمان سعدآباد با هم پیدا کرده‌ایم، خلل‌ناپذیر و روز به روز و بیش از پیش به وضع متین و مستحکم تأیید و تشدید خواهد گردید. چون آقای وزیر امور خارجه قرار است در این ساعت در مجلس شورای ملی حاضر باشند، لهذا با اظهار تأسف، خودشان این جانب را مأمور نمودند مترجم احساسات ایشان واقع شده، مراتب اظهار شده را به اطلاع آقایان نمایندگان کشورهای امضاءکننده پیمان سعدآباد برسانم.»

آقای جمال حسنوتا رأی سفیرکبیر دولت ترکیه اظهار خوشوقتی کرد که دولت شاهنشاهی قبلاً نسبت به رویه‌ای که اتخاذ خواهد نمود، نمایندگان کشورهای پیمان سعدآباد را مستحضر داشت و تأیید کرد که از طرف دولت جمهوری ترکیه هم البته نسبت به علائق دوستی و نزدیکی بر اساس پیمان سعدآباد بیش از پیش در تشدید روابط دوستی و نزدیکی اهتمام لازم بجا خواهد آمد. آقای مهدی، وزیر مختار دولت پادشاهی عراق و آقای جمعه‌خان نایب اول و کاردار سفارت کبرای دولت افغانستان هم اظهارت مشابهی کردند و قرار شد رونوشت فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه و اعلامیه آقای نخست‌وزیر برای آقایان فرستاده شود که بتوانند مراتب را مشروحاً به دولتهای خودشان تلگراف نمایند.

ساعت یک بعد از ظهر همان روز وزیر امور خارجه هیأت نمایندگان دول متفق را که قبلاً برای همین ساعت به عمارت وزارت امور خارجه دعوت شده بودند، پذیرفته مطالب زیر را اظهار داشت:

«نظر به علائق دوستی و روابط نزدیکی که خوشبختانه بین دولت ایران و دول متفق برقرار بوده، از دیر زمان دولت شاهنشاهی لزوم همکاری بیشتری را با دول متفق احساس نموده بود، و در این راه هم تا کنون اقدامات زیادی بجا آورده است. چنانکه مساعی ایران در پیشرفت مقاصد متفقین مشهود، و محتاج به شرح و تفصیل نخواهد بود. با این حال در این موقع که فعالیت عمال آلمان در ایران در تزايد به نظر آمده که علاوه بر ایجاد فتنه و اختلاق در کشور ایران، ممکن بود در مساعی عظیم جنگی دول متفق در ایران نیز خلل وارد سازد، دولت شاهنشاهی ایران برای خاتمه دادن به این وضعیت و برای تشریک مساعی بیشتر با دول متفق خود، برای حفظ منافع مشترک، تصمیم اتخاذ نمود که حالت جنگ را با آلمان اعلام و الحاق خود را به پیمان دول متفق مورخه اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلام دارد.»

وزیر امور خارجه در زمینه اعلامیه نخست‌وزیر وضعیات را مفصلاً شرح داد و اظهار امیدواری کرد که از این تاریخ عوالم دوستی و یگانگی و همکاری با متفقین بر اساس و پایه محکمتری برقرار شده از جانب طرفین نسبت به مساعدتهای مادی و معنوی به‌همدیگر بیش از پیش استقبال شود.

ساعت چهار بعد از ظهر همان روز وزیر امور خارجه کاردار سفارت سوئد و کاردار سفارت سوئیس را پذیرفته، از آنها درخواست کرد وضعیت دولت شاهنشاهی را نسبت به حالت جنگ با آلمان به دولتهای خود اطلاع دهند و مراتب را نیز رسماً به دولت آلمان اعلام نمایند. وزارت امور خارجه همچنین رونوشت فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و رونوشت اعلامیه نخست‌وزیر را برای نمایندگان دول امضاءکننده پیمان سعدآباد و نمایندگان دولت سوئد در تهران که حافظ منافع آلمان در ایران و دولت سوئیس که حافظ منافع ایران در آلمان بودند فرستاد.

الحاق ایران به اعلامیه ملل متحد

پس از اعلان جنگ ایران به آلمان و الحاق ایران به اعلامیه ملل متحد، تلگراف زیر از طرف وزیر امور خارجه، به سفارت شاهنشاهی ایران در واشنگتن مخابره گردید:

تلگراف

تاریخ: ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ «۹ سپتامبر ۱۹۴۳»

سفارت شاهنشاهی ایران در واشنگتن،

«امروز ۱۷ شهریور حالت مخاصمه بین ایران و آلمان اعلام و دولت شاهنشاهی الحاق خود را به اعلامیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اظهار نمود. مراتب تلگرافاً به وزارت خارجه امریکا، انگلیس، شوروی و چین اطلاع داده شد. «مقتضی است سند الحاق را به نام دولت شاهنشاهی امضا کرده، تاریخ، روز و ساعت امضا را فوراً تلگراف کنید.»

وزیر امور خارجه

محمد ساعد

در جواب تلگراف بالا، وزیر مختار ایران در واشنگتن تلگرافهایی به این مضمون ارسال داشت:

تلگراف

تاریخ: ۱۸ شهریور ۱۳۲۲ «۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳»

وزارت امور خارجه،

«ساعت پنج بعد از ظهر روز جمعه ۱۸ شهریور تصمیم دولت را راجع به الحاق به اعلامیه ملل متحد، کتباً به دولت امریکا اطلاع داد و ضمن نامه‌ای اظهار داشت که چون ملت و دولت ایران صمیمانه به اصول منشور آتلانتیک معتقد هستند، تا کنون با تمام وسایلی که در دست آنها بوده برای پیشرفت جنگ به متفقین کمک کرده‌اند. در همان موقع پاسخ دولت امریکا به بنده تسلیم گردید. وزیر خارجه در نامه خود اظهار نموده که این اقدام دولت ایران قدم تازه‌ای برای مشارکت و همکاری با ملل آزادیخواه می‌باشد و دخول ایران را در ردیف ملل متحد تهنیت گفتند.

متن دو نامه را به روزنامه‌ها دادند.»

وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران

محمد شایسته

تاریخ: ۲۲ شهریور ۱۳۲۲ « ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۳ »

وزارت امور خارجه

«ساعت ۱۲ر۵ روز ۲۲ شهریور در عمارت وزارت امور خارجه امریکا با حضور آقای وزیر امور خارجه و مدیر مربوطه و با تشریفات معموله متن اعلامیه ملل متحد را به نام ایران امضاء نمودم. در این موقع آقای وزیر امور خارجه ضمن نطق مختصری دخول ایران را در ردیف ملل متحد تهنیت گفته و بنده نیز در پاسخ اظهار داشتیم همانطور که جنابعالی در نامه خودتان اظهار داشته اید، این اقدام دولت شاهنشاهی دلیل دیگری بر تصمیم ایران در همکاری و مشارکت برای موفقیت بر علیه دول مهاجم می باشد.»

وزیر مختار دولت شاهنشاهی در امریکا

محمد شایسته

متعاقب انجام تشریفات رسمی اعلیحضرت همایون شاهنشاه ضمن تلگرافهایی به سران کشورهای متحد، الحاق ایران را به اعلامیه ملل متفق اعلام فرمودند. متن تلگراف اعلیحضرت همایون شاهنشاه و پاسخی که پادشاهان، رؤسای جمهور و سران ملل متفق به تلگراف شاهانه دادند، چنین است:

تاریخ: ۱۸ شهریور ۱۳۲۲ « ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳ »

اعلیحضرت جرج ششم پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان - لندن
«به مناسبت الحاق ایران به اعلامیه ملل متفق موقع را غنیمت شمرده درود صمیمانه خویش را به آن اعلیحضرت ابراز داشته و ایشان را مطمئن می گردانم که همه مساعی من در راه ادامه و توسعه همکاری مؤثری که تا کنون برای پیروزی منظور مشترک ما و شکست نهایی آلمان از طرف ایران به عمل آمده، مصروف خواهد گردید.»
محمد رضا بهلوی

تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۲۲ « ۱۵ سپتامبر ۱۹۴۳ »

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران - تهران
«درود مودت آمیز اعلیحضرت همایون شاهنشاه به مناسبت الحاق ایران به اعلامیه ملل متحد موجب نهایت مسرت اینجانب گردید.

« اظهارات اعلیحضرت مبنی بر ادامه و تشدید معاضدت و همکاری در نبرد بر علیه دشمن مشترک ما، مایه خشنودی و اطمینان خاطر است. من هم مانند آن اعلیحضرت با اشتیاق زیاد منتظر آن روزی هستم که مساعی مشترک ملل آزادی طلب منتج به پیروزی نهایی گردد.»

جرج ششم پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان

تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۲۲ «۱۲ سپتامبر ۱۹۴۳»

جناب آقای میخائیل ایوانویچ کالنین
رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی — مسکو
«اکنون که کشور ایران به اعلامیه ملل متحد ملحق گردیده، موقع را بی اندازه مناسب و مطبوع می دانم که درود صمیمانه خویش را به آن جناب ابراز داشته و ایشان را مطمئن گردانم که عزم راسخ دارم به همکاری صمیمانه و مؤثری که تاکنون از طرف ایران نسبت به منظور مشترک متفقین به عمل آمده، همچنین به پیروزی اتحاد جماهیر شوروی و شکست نهایی آلمان ادامه داده و بر آن بیفزاییم.»

محمدرضا پهلوی

تاریخ: ۳ مهر ۱۳۲۲ «۲۶ سپتامبر ۱۹۴۳»

اعلیحضرت محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران — تهران
«از درود محبت آمیز آن اعلیحضرت تشکر نموده، خوشوقتم از اینکه به نوبه خود می توانم الحاق ایران را به اعلامیه ملل متحد تهنیت بگویم.
موقع را مغتنم می شمارم که بهترین آرزوی خود را به شخص اعلیحضرت و ملت و دولت ایران ابراز دارم.»

م. کالنین

تاریخ: ۱۸ شهریور ۱۳۲۲ «۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳»

جناب آقای فرانکلین روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا — واشنگتن
«کمال مسرت را دارم به آن جناب تهنیت گفته و اطمینان دهم که با الحاق

به اعلامیه ملل متفق کشور من قصد دارد به اشتراک مساعی مؤثر و صمیمانه خود که تا به حال جهت رسیدن به هدف مشترک متفقین و شکست نهایی آلمان مبذول داشته، ادامه داده و بر آن بیفزاید.»

محمدرضا پهلوی

تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۲۲ «۱۲ سپتامبر ۱۹۴۳»

اعلیحضرت همایون محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران - تهران
«از تلگرافی که آن اعلیحضرت به مناسبت تسلیم ارتش ایتالیا مخابره فرموده‌اید صمیمانه تشکر می‌کنم. اطمینانی که در تلگراف ابراز شده است دایره بر اینکه با الحاق به اعلامیه ملل متفق، کشور شاهنشاهی به قوت همکاری خود در راه نیل به مقصود مشترک خواهد افزود، موجب مسرت فوق‌العاده مردم ایالات متحد که به منظور شکست قطعی هیتلرسم کلیه منابع خود را به میان گذاشته‌اند گردید.»

فرانکلین د. روزولت

۱۸ شهریور ۱۳۲۲ «۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳»

جناب آقای چیانگ کای‌شک فرمانده کل قوای چین - چونگ کینگ
«در این موقع که کشور ایران به اعلامیه ملل متحد پیوسته، لازم می‌دانم به آن جناب درود فرستاده و ایشان را مطمئن گردانم که ایران در راه منظور مشترک متفقین و شکست نهایی آلمان پیش از پیش کمک نموده و با جدیت تمام همکاری مؤثر خواهد نمود.»

محمدرضا پهلوی

تاریخ: ۲۵ شهریور ۱۳۲۲ «۱۷ سپتامبر ۱۹۴۳»

اعلیحضرت محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران - تهران
«من با شغف زیادی تلگراف مورخ دهم سپتامبر آن اعلیحضرت را که در آن

الحاق دولت شاهنشاهی را به اعلامیه ملل متفق مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اشعار فرموده بودند، دریافت داشتیم.

«موقع را مفتنم شمرده عقیده باطنی خود را به استحضار آن اعلیحضرت می‌رسانم که همکاری مابین دو کشور ما، چه هنگام جنگ بر علیه متجاوز و چه در موقع برقراری یک صلح عادلانه و طولانی، به‌زودی موفقیت‌های بزرگی را نصیب ما خواهد نمود.»

چپانک‌کای شک

این تلگراف نیز از طرف وزیر امور خارجه ایران به‌عنوان وزرای امور خارجه امریکا، انگلستان، شوروی و چین مخابره شد:

تاریخ: ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ «۹ سپتامبر ۱۹۴۳»

«در این موقع که دولت شاهنشاهی نظر به اقدامات و عملیات خصمانه‌ای که از طرف عمال آلمان به‌منظور تولید فتنه و اغتشاش در مملکت صورت گرفته و از لحاظ تأمین امنیت و صیانت تمامیت و استقلال کشور، که در نتیجه همین جریانات مورد مخاطره واقع شده، خود را حقاً مجبور دید وجود حالت مخاصمه را بین ایران و آلمان اعلام دارد، خوشوقتم به‌اطلاع جنابعالی برسانم که دولت متبوعه دوستدار با اجازه مجلس شورای ملی الحاق خود را به اعلامیه ملل متفق مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلام داشته است.

«ملت ایران خوشوقت است که بدین وسیله می‌تواند در راه نیل به‌منظورات و مقاصدی که در منشور آتلانتیک مطرح است، و اساس آن آزادی ملل و تأمین صلح دائم در جهان می‌باشد، با معاضدت و همکاری و تشریک مساعی کامل با متفقین خود برای حفظ مدنیت جهان و سعادت نوع بشر که کمال مطلوب قاطبه ایرانیان است، قدمهای مؤثرتری بر دارد.»

وزیر امور خارجه
محمد ساعد

در پاسخ وزیر امور خارجه ایران وزیران خارجه کشورهای متفق نیز چنین جواب دادند:

تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۲۲ «۱۲ سپتامبر ۱۹۴۳»

جناب آقای محمد ساعد وزیر امور خارجه ایران - تهران
«دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با مسرت تصمیم دولت شاهنشاهی را
به اعلان حالت جنگ بین ایران و آلمان و الحاق به اعلامیه ملل متفق دریافت داشته‌اند.
«میل دارم مسرت شخصی خود را ابراز دارم از اینکه ایران تاکنون دوش
به دوش متفقین قرار گرفته و بدین ترتیب شرکت و همکاری طولانی خود را تأیید کرده
است. با این اعلام، ایران با آن دشمنانی که سعی داشته‌اند استقلال او را از پای در
آورده و نفاق داخلی را در میان مردم ایران ایجاد کنند، داخل مبارزه شده است و
اکنون بیش از پیش ظاهر خواهد شد که کلیه امیدواریهای آن دولت برای سعادت آتیه
توأم با پیروزی ملل متفق خواهد بود.
تا پیروزی قطعی با یکدیگر همقدم خواهیم بود.»

وزیر خارجه انگلستان
ایدن

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۲۲ «۱۳ سپتامبر ۱۹۴۳»

جناب آقای محمد ساعد
وزیر امور خارجه ایران - تهران
«تلگراف جنابعالی مورخ نهم سپتامبر ۱۹۴۳ راجع به اعلان جنگ بین ایران و
آلمان و الحاق به اعلامیه ملل متفق واصل گردید.
«جنابعالی اظهار می‌فرمایید که ملت و دولت ایران مسرورند که می‌توانند به این
ترتیب کمک نمایند که مرام و منظور منشور آتلانتیک که مبنی بر آزادی مردم و حفظ
یک صلح با دوام است حاصل شود، تا اینکه مدنیت عالم از دستبرد مضمون مانده و
سعادت بشر تأمین گردد.
«من به شما اطمینان می‌دهم که دولت ایالات متحده امریکا خیلی مسرور می‌باشد
از اینکه ایران رسماً با ملل متفق که برای آزادی و حفظ یک صلح دائمی عادلانه
جنگ می‌کنند، همراه گردیده است.
«با مسرت به استحضار جنابعالی می‌رساند که ترتیباتی داده شده است که وزیر

جناب آقای محمد ساعد

مختار شما به مناسبت الحاق ایران به اعلامیه ملل متحد فردا اعلامیه را امضا نمایند.»
وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا
کردل هول

تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۲۲ «۱۵ سپتامبر ۱۹۴۳»

جناب آقای محمد ساعد
وزیر امور خارجه ایران - تهران
«با کمال مسرت تلگراف مورخ نهم سپتامبر آن جناب را مشعر بر اینکه دولت ایران به آلمان اعلان جنگ داده، و به اعلامیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ ملحق شده است، دریافت کردم.
«دولت و ملت چین از اطلاع این تصمیم دولت ایران که روابط حسنه دو کشور را، چه در مبارزه مشترک بر علیه متجاوز و چه در برقراری یک دنیای بهتری بر اساس صلح و عدالت ممتد، بیش از پیش تشیید خواهد کرد، کمال مسرت را حاصل کردند.»

وزیر امور خارجه چین
دوکنوچن کما

تاریخ: ۳۱ شهریور ۱۳۲۲ «۲۳ سپتامبر ۱۹۴۳»

جناب آقای محمد ساعد
وزیر امور خارجه ایران - تهران
«از تلگراف شما راجع به اینکه دولت ایران تصمیم گرفت که به آلمان هیتلری اعلان جنگ بدهد و در باب الحاق ایران به اعلامیه ملل متحد تشکر می نمایم. برای ملت ایران موفقیت و سعادت و ترقی را خواستارم.»
کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی
و. مولوتف

کنفرانس مسکو

نقش مهم و مؤثر ایران در پیشرفت مقاصد مشترک شوروی و انگلیس و امریکا در اواخر سال ۱۹۴۳ به صورت بارزی نمودار گردید. آلمانیها در جبهه روسیه شوروی از پیشروی باز ماندند. حتی در غالب نواحی آن جبهه حالت دفاعی نیروهای شوروی به حالت تعرضی مبدل گردید. قدرت جنگی ایتالیای فاشیست در ژوئیه ۱۹۴۳ در هم شکسته شد. دولت موسولینی سقوط کرد، و حکومت جدید آن کشور به ریاست ژنرال بادوگلیو به آلمان اعلان جنگ داد و در کنار متفقین قرار گرفت.

سران دول متفق به منظور بررسی نتایج حاصله از کوششهای مشترک جنگی و هماهنگ کردن تلاشهای آینده تشکیل یک کنفرانس عالی را ضروری دانستند و بنا به میل استالین، نخست وزیر شوروی، تهران را برای تشکیل این کنفرانس انتخاب کردند. پیش از تشکیل کنفرانس تهران، ابتدا کنفرانسی با شرکت وزیران امور خارجه سه دولت شوروی و انگلیس و امریکا از ۱۹ تا ۳۱ اکتبر ۱۹۴۳ (۲۷ مهر تا ۹ آبان ۱۳۲۲) در مسکو تشکیل شد. قبل از تشکیل کنفرانس وزرای خارجه سه دولت بزرگ در مسکو، وزیرمختار ایران در لندن و وزیرمختار شاهنشاهی در واشنگتن دو گزارش به شرح زیر برای وزارت امور خارجه ارسال داشتند:

تلگراف از لندن

شماره: ۱۳۸۹

تاریخ: ۱۹ مهر ۱۳۲۲

وزارت امور خارجه،

«گزارشهای هفتگی مرتباً عرض شده است، فقط در این اواخر از طرفی به واسطه نبودن خبر مهم زیاد، و از طرف دیگر به واسطه اشتغال فراوان به کارهای اضافی، که اگر نتیجه مطلوبه از آنها حاصل شود شاید جبران تأخیر گزارشهای جاری را بکند، اندک تعویق در عرض تنظیم راپرت پیش آمد. بعد از این باز مرتباً هر هفته، کمافی السابق، تلگراف می کنم. این اوقات در احوالات جاری جنگ چیز قابل عرضی نیست، جز موضوع اختلافات بین انگلستان و امریکا با روس. ولی اختلاف نظرهای اساسی بین خود امریکا و انگلیس نیست. شایعات متوالی درباره دلتنگی زیاد روس و احتمال صلح جداگانه او با آلمان وجود دارد که این آخری را نمی توان زیاد مورد

اعتماد قرار داد. لیکن مهمترین وقایع از لحاظ ایران همان کنفرانس مسکو است که تمام افکار متوجه آن است، تاروهای اخیر توافق در انعقاد آن مورد شک بود. چه نظر و منظور امریکا و روس به مقداری از یکدیگر دور است که امید زیادی به حصول توافق نمی‌رفت. هنوز هم غالب مردم بدین هستند و امید قوی به حل مشکلات و توافق تام ندارند. بعضی از مسائل مربوط به ایران هم قطعاً مورد بحث خواهد شد. این جانب علاوه بر مذاکراتی که قبلاً با وزیر خارجه و دیروز با معاون دائمی وزارت خارجه کرده بودم، دیشب یک نامه مختصر خصوصی به معاون وزارت خارجه انگلیس نوشته و تعجیل و تأکید در مساعدت از مسائل موضوع بحث کردم.

«دیروز سفیر کبیر امریکا را هم به همراهی آقای هژیر ملاقات نمودم و صحبت زیاد شد. مخصوصاً نظر مشارالیه نسبت به بعضی مسائل شنیده شده، از آن جمله موضوع قرارداد حمل و نقل که قطعاً نظر امریکا را بهانه تأخیر امضاء قرار داده بودند، و عهدنامه ایران و امریکا. وعده داد که تحقیقاتی نموده به این جانب خبر بدهد.

«البته از امید ما به مساعدت امریکا در موارد اساسی هم حرف زدیم مشارالیه می‌گفت تمام این کارها موقتی است و باید همه دول خارجه ایران را تخلیه کرده و بروند. نمی‌دانم با سفیر کبیر جدید امریکا که از راه تهران عازم مسکو شد، آنجا ملاقاتی به عمل آمد یا نه؟ بعضیها خاتمه جنگ اروپا را دور نمی‌دانند. حتی گاهی هم بعضیها صحبت از شش ماه می‌کنند. ولی نمی‌توان به این پیش‌بینیها زیاد امیدوار بود. اگر چه غیر ممکن هم نیست.

«اخیراً به همراهی این جانب، آقای هژیر از رئیس‌الوزراء انگلیس ملاقاتی به عمل آورد. او هم با تأکید کامل از خیرخواهی و حسن نیت خود نسبت به ایران حرف زده اطمینان قطعی به حسن عاقبت ایران و نبودن هیچ‌گونه خیال تجاوز به حقوق آن می‌داد. شرحی راجع به اخلاص خود نسبت به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گفت و از آقای هژیر خواش کرد عیناً به پیشگاه همایونی عرض کنند. عریضه‌ای هم که به حضور همایونی عرض کرده بود، سر بسته داد، که ایشان در عودت برسانند. موادی از آن را برای ملاحظه ما داد. لابد مواد یا عین آن به نظر جناب رئیس‌الوزراء و آقای وزیر خارجه خواهد رسید. عریضه آقای چرچیل پاسخ دستخط ملوکانه به عنوان او بود. می‌گفت که دستخط مزبور موجب افتخار ابدی او خواهد بود و در خانواده او به این عنوان حفظ خواهد شد. شرح کامل بیانات او را آقای هژیر ضمن تلگراف مفصل،

به خاکپای مبارک عرض کرده‌اند. لابد به نظر شریف هم رسیده است.

«راجع به کارهای آقای هژیر خود ایشان راپرت مطالب را خدمت جناب آقای رئیس‌الوزراء تلگرافاً عرض کرده‌اند. البته ملاحظه فرمودند کلیه اقدامات با اطلاع و همراهی این جانب به عمل آمده است. تلگرافات را هم ملاحظه نموده‌ام لیکن چون هنوز نتیجه‌ای از اقدامات به دست نیامده راپرت کامل و نهایی موکول به خاتمه آن خواهد بود. گمان می‌رود محتاج به قدری وقت و انتظار باشد. به نظر این جانب علاوه بر اقدامات این جانب در باب کنفرانس مسکو، مناسب است دولت ایران هم رسماً از دول روس و انگلیس و امریکا توضیح بخواهد، که اگر مطالب راجع به ایران در میان است، به مقتضای روح عهدنامه، با خود ایران قبلاً در آن بابها مذاکره و مشاوره کنند، و در غیاب ما صحبت ما را بی‌خبر از خودمان نکنند، و با ما مثل کشور متحد، نه مثل مستعمره معامله نمایند. شاید مناسب باشد در تهران هم اظهارات رسمی، کتباً یا شفاهاً، بکنید.

«از اتحاد عرب نیز این روزها خیلی سخن در میان است و دوندگی‌هایی می‌شود که لابد از قاهره، بغداد، بیروت و جده اخبار لازم به تهران رسیده است.»

حسن تقی‌زاده

تلگراف از واشنگتن

تاریخ: ۲۱ مهر ۱۳۲۲

وزارت امور خارجه،

«در باب خبر دیروز نیویورک تایمز مبنی بر اینکه روسها موافقت کردند در کنفرانس مسکو راجع به ایران مذاکره شود، از وزارت امور خارجه امریکا پرسش نمودم که آیا دولت شوروی در این باب به واشنگتن، اطلاع داده‌اند یا نه؟ گفتند تا کنون چنین اطلاعی نرسیده است. ممکن است به وزیر خارجه امریکا که در راه هستند، اطلاع بدهند، لیکن از لندن به اینجا خبر داده‌اند که در نظر دارند در مسکو راجع به ایران صحبت کنند.

«زمینه مذاکرات هم همان خروج از ایران، بلافاصله بعد از جنگ خواهد بود.

این قسمت در تلگراف ۳۳۰ گزارش شده است. نویسنده مقاله که مخبر نیویورک تایمز در لندن است اضافه می‌کند «موضوع ایران از تمام مسائل مورد بحث کنفرانس آسانتر و بی‌دردس‌تر خواهد بود» بعد به مسافرت آقای هژیر به لندن اشاره می‌کند و می‌گوید «ایشان نه فقط برای گرفتن لوازم راه‌آهن، بلکه برای استرداد حقوق حاکمیت ایران

آمده است، زیرا حتی مأمورین دولت ایران برای رفتن به پاره‌ای نقاط ایران باید از روسها اجازه بگیرند.» بعد می‌گوید «انگلیسها راجع به کشورهای بالتیک سکوت اختیار نموده‌اند ولی کار لهستان به این صریحی نیست به هر حال از موضوع ایران گذشته از مسائل مربوط به آینده فنلاند، آلمان، فرانسه و ایتالیا به قدر کفایت در دسر برای کنفرانس فراهم خواهد شد.»

وزیرمختار شاهنشاهی در امریکا

محمد شایسته

به دنبال این گزارشات دولت شاهنشاهی ایران برای آنکه در مذاکرات وزرای خارجه سه دولت بزرگ در مسکو، حتی از ایران ضایع نگردد، و همچنین بتواند مطالب و نظرات خود را به نمایندگان دولتهای متفق، پس از خاتمه جنگ و به هنگام تشکیل کنفرانس صلح گوشزد نماید، دست به فعالیتهای سیاسی زد.

وزیر امور خارجه ایران با وزرای خارجه امریکا و انگلستان، که در سر راه خود به مسکو در تهران توقف داشتند، مذاکراتی به عمل آورد و نتیجه آن را برای اطلاع سفرا و وزرای مختار ایران در مسکو، لندن، واشنگتن و آنکارا ارسال داشت:

شماره: ۳۲۱۱

تاریخ: ۲۶ مهر ۱۳۳۲

سفارت کبرای شاهنشاهی - مسکو

«هنگام ورود آقایان ایدن وزیر امور خارجه انگلیس و کاردل هول وزیر امور خارجه امریکا به تهران، در میدان طیاره بوده و خیر مقدم گفتم. چون وزیر امور خارجه اتازونی عصر یکشنبه ۲۴ مهر ۱۳۳۲، و دیر وارد شد، در شام ۲۴ مهر که در وزارت خارجه به افتخار وزیر خارجه انگلیس داده شده بود، نتوانست حاضر شود. ولی هر دو میهمان ما به حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شدند.

«آقای نخست‌وزیر در سر میز شام نطقی ایراد کرد و اظهار داشت:

«منتهای خوشوقتی برای ما و ملت ایران است که در راه نیل به مقصود عالی یعنی استقرار آزادی و عدل و داد در تمام دنیا، که اساس منشور آتلانتیک نیز بر آن استوار است، با دول معظم انگلیس و امریکا و دولت شوروی همکاری می‌کنیم. وضعیت جغرافیایی ایران موجب گردیده است که این کشور راه ارتباط دو دولت معظم بریتانیای کبیر و امریکا از یک طرف، با دولت عظیم اتحاد جماهیر شوروی از طرف

دیگر باشد، و باعث گردیده است که کشورهای بزرگ دوست و هم عهد برای نیل به مقصود و کمک یکدیگر و طرح نقشه‌هایی که صلح عالم و آزادی ملل را تأمین می‌کند، تشریک مساعی کرده و به یکدیگر نزدیک شوند.

«آقای ایدن پس از تشکر از میزبانان خود اظهار داشت:

«در انگلستان تمام مردم خود را ممنون مساعدتهای گرانبهای ایران در حصول به مقصود مشترک و مرهون خدمات آن در طول قرون متمادی به پیشرفت صنایع زیبا و قوه فکریه و ادبیات می‌دانند. معلوم می‌شود هیتلر اشعار سعدی را نخوانده است، والا به گرفتاری فعلی دچار نمی‌شد. زیرا باید دانسته باشد که:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

بلکه بر عکس آلمانیها تصمیم داشتند با مساعدت معدودی ایتالیایی و سایر همدستان خود که آن طرف دریا ساکن هستند، اصل «هرون فلک» را به موقع اجرا بگذارند. مقصود انگلستان و روسیه و امریکا و سایر ملل متحد آن است که جنگ کنونی به پیروزی خاتمه یافته و دنیایی موافق روح این شعر سعدی پدیدار شود. در پایان گرمترین آرزوهای خود را برای حصول سعادت و شادکامی و اقتدار و نیک‌بختی ایران، که انگلستان حتی القوه در حدود استعداد خود به آن کمک خواهد کرد، اشعار می‌دارم.»

در مذاکرات خصوصی که بین آقای نخست‌وزیر و این جانب و آقایان ایدن و کردل هول صورت گرفت وضعیت ایران تشریح شد و گوشزد گردید حال که قشون آلمان در روسیه شکست خورده و عقب‌نشینی می‌کند، و هزاران فرسخ از ما دور است و خطری از جانب آلمان برای ایران نیست، و دولت ایران هم با نهایت صمیمیت همکاری نموده و با جدیت زیادی کارکنان و طرفداران محور را از دخالت در امور اجتماعی و حکومتی و غیره قطع نموده، و از هرگونه عملیات آنها که ممکن بوده ضرر و زیانی به متفقین ما بزند، جلوگیری به عمل آورده است، و کاملاً با چشم باز مراقبت دارد که عمال آنها نتوانند اختلالی در امور حمل و نقل محمولات برای دولت شوروی و راه آهن ایجاد نمایند، و به دولت آلمان اعلان جنگ داده است، تصور می‌کند موقع آن رسیده باشد که متفقین قوای خود را در ایران تقلیل داده و به تدریج کشور را تخلیه کنند و فقط متخصصین و افسران رابط را باقی بگذارند که با همکاری قوای ایران

منظور متفقین تأمین شود، و ایران جانشین آنها شده و با حفظ راهها و مراکز مهم کشور کمک واقعی به متفقین خود بنماید و امنیت داخلی ایران را به خود ایران واگذار کنند. زیرا عملاً هم دیده شده که هرگونه عدم امنیت و اختلالی در کشور ایران پیش آمده، قوای ایرانی بهتر توانسته است فتنه و آشوب را خاموش کند. آقای نخست‌وزیر و این جانب مایلیم موضوع را مورد توجه قرار داده و با موافقت اتحاد جماهیر شوروی در تأمین منظور اهتمام نمائیم.

«با آقای مائیسکی که قبل از ورود وزرای خارجه انگلیس و امریکا در تهران بود، این‌جانب صحبت کردم اظهار داشتیم دولت ایران همواره ساعی بوده حسن روابط همجواری خود را با دولت و ملت اتحاد جماهیر شوروی، که دولت دوست همجوار ایران است، حفظ و تشدید نماید. اینک با اعلان جنگ به دولت آلمان این علاقه خود را به دوستی دولت شوروی و متفقین به ثبوت رسانیده است. با استظهار به اعتماد متقابل که بین دولتین ایجاد شده، و علایم و آثار همکاری فی‌مابین تزئید این اعتماد را ظاهر می‌سازد، انتظار داریم دولت شوروی که از بیست سال قبل به این طرف علاقه خود را به آزادی و ترقی و تعالی ملت ایران در استقلال و تمامیت ارضی آن به کرات ابراز داشته و اثبات نموده است، در این موقع که کنفرانسی در مسکو از نمایندگان متفقین تشکیل می‌شود، چنانچه موضوعی درباره ایران مطرح گردد، رعایت منافع عالی ایران را از نظر دور ندارد. چون در کنفرانس مسکو موضوع ایران مذاکره خواهد شد دولت ایران به کمک و همراهی دولت شوروی امیدوار است.

«آقای مائیسکی اظهار داشت:

«اگرچه این کنفرانس مقدمه کنفرانس دیگری است و به منظور تهیه زمینه مطالبی است که در کنفرانسهای آینده برای حل قضایایی که در جریان این جنگ و بعد از خاتمه آن رخ می‌دهد، تشکیل می‌شود و به عمل می‌آید، مع هذا دولت شوروی علائق دوستی و حسن همجواری خود را با ایران در قضایایی که راجع به ایران مورد بحث واقع شود در نظر خواهد داشت و مساعدتهایی که به دولت شوروی از طرف ایران از حیث استفاده از راههای ایران و غیره به عمل آمده، فراموش نخواهد کرد. شکی نیست دوستی دولت شوروی با ایران مستلزم این نوع مساعدتهاست.»

کنفرانس مسکو مهمترین ملاقاتی است که در طول، این جنگ تشکیل می‌شود زیرا در مسائل مختلفه دنیا نسبت به حال و بعد از جنگ بحث، و معلوم خواهد شد که آیا انگلیس و امریکا می‌توانند با روسیه کنار بیایند یا نه؟ موضوع ایران هم مذاکره می‌شود.

«آقای ایدن به آقای تقی‌زاده گفته است که کارهای ایران را در دستور مذاکرات مسکو گذاشته‌اند و از تهران مستشار سیاسی و مستشار مالی سفارت انگلیس با آقای ایدن به مسکو حرکت کرده‌اند. در هیأت امریکایی نیز آقای جرنکان به عنوان متخصص امور ایران می‌باشد. بنابراین باید کاملاً مراقب جریان مذاکرات کنفرانس بوده، و به هر وسیله که هست از رؤس مسائلی که در کنفرانس مطرح می‌شود، و خصوصاً آنچه مربوط به ایران است، مسبوق و مطلع شویم.

«اطلاع از مذاکراتی که راجع به این مسائل می‌شود، و راه‌حلی که می‌خواهند پیدا کنند، برای ما مفید است و مخصوصاً قسمتی که مربوط به ایران می‌باشد کاملاً ضروری است. دولت انتظار دارد که در این موقع جنابعالی کاملاً مواظب مذاکرات کنفرانس بوده، و به هر نحوی باشد، بتوانید از جریان مذاکرات آن آگاه شوید، و آنچه می‌شنوید و چیزهایی که در محافل مطلع شهرت دارد و مقالاتی که در جراید می‌نویسند به وزارت خارجه گزارش دهید. با اشغال کشور از طرف قوای انگلیس و روس و امریکا وضعیت مملکت تأسف‌آور است این وضعیت تأثرآور در شمال بیش از جنوب دیده می‌شود. دولت آزادی عمل در شمال ندارد.

. ایرانیها در مسافرت به شمال کشور با اشکالاتی مواجه می‌شوند، مأمورین شوروی در راه مطالبه شناسنامه و غیره می‌کنند. حمل آذوقه از یک استان به یک استان دیگر، و از یک شهر به شهر دیگر در شمال، باید با اجازه روسها باشد. همینکه آذوقه و محمولات به قزوین می‌رسد، و می‌خواهند به تهران بیاورند فوراً بوسیله روسها از آن جلوگیری می‌شود. قوای نظامی و ژاندارمری برای استقرار امنیت و سرکوبی اشرار آزادی عمل ندارند. در موقع مراجعه به مأمورین شوروی به اندازه‌ای امروز و فردا می‌کنند، که اشرار فرصت تجدید قوا پیدا می‌کنند.

. برای برقراری امنیت و تکمیل وحدت ملی و بسط و نفوذ حکومت مرکزی باید کاری کنیم که قوای خارجی، که اقامت آنها در ایران دیگر هیچ موجبی ندارد هرچه زودتر خاک ما را تخلیه کنند.

شاید عنوان کنند که تخلیه خاک ایران به موجب فصل ۵ پیمان اتحاد باید شش ماه پس از قرارداد متارکه جنگ با آلمان صورت بگیرد. در صورت چنین اظهاری، باید تذکر داد که این نظریه در موقعی اتخاذ گردیده که تصور نمی‌رفت ایران در صف متفقین قرار گرفته و اعلان جنگ به آلمان بدهد. چه خود این اقدام، از طرف ایران، مؤید اعتماد متقابل بین ایران و دول هم‌پیمان است و تا این اندازه بایستی تأثیر داشته باشد که اکنون چون خطر تحریکات آلمانها از این کشور مرتفع گردیده، دیگر قوای متفقین بی‌جهت در ایران متوقف نباشند و در جبهه‌های دیگر از آنان استفاده به عمل آید. جنابعالی باید به نحو مقتضی با مقامات مربوطه شوروی مذاکر و موافقت آنها را عملاً در انجام این منظور دولت شاهنشاهی، که تخلیه خاک ایران است، تحصیل و نتیجه مذاکرات را اطلاع دهید.»

وزیر امور خارجه
محمد ساعد

«رونوشت شرح بالا برای اطلاع آقای حسن تقی‌زاده وزیر مختار ایران در انگلستان و آقای محمد شایسته وزیر مختار ایران در امریکا و آقای سبهدی وزیر مختار ایران در آنکارا ارسال می‌شود که در قسمت مربوط به تخلیه خاک ایران از قوای انگلیس و امریکا اقدام نمایند، و هرگونه اطلاعی که راجع به کنفرانس مسکو تحصیل می‌کنند به وزارت امور خارجه گزارش دهند.»

وزیر امور خارجه
محمد ساعد

کنفرانس مسکو، از تاریخ ۱۹ تا ۳۱ اکتبر ۱۹۴۳ با شرکت وزیران امور خارجه امریکا، انگلیس و شوروی در مسکو تشکیل گردید. در این کنفرانس علاوه بر کردل‌هول، آیدن و مولوتف افراد زیر نیز شرکت داشته و کنفرانس جمعاً دوازده جلسه به گفتگو نشست:

از طرف امریکا: اوریل هاریمان سفیرکبیر امریکا - ژنرال دین از طرف ارتش امریکا گرین هارکورت و جیمزدونت کارشناس.

از طرف انگلستان: سر ارجیبالد کلارک کر سفیرکبیر انگلیس در مسکو، ویلیام استرانک و ژنرال سرهاستینگرایمی و کارشناسان دیگر.

از طرف اتحاد جماهیر شوروی: مارشال وروشیلوف، ویشینسکی معاون کمیساریای امور خارجه و لیتونیف و سرگیف معاون کمیساریای بازرگانی خارجه و ماژر ژنرال گریزلف

عضو ستاد ارتش شوروی و ساکسن کارمند عالیرتبه کمیسیاریای امور خارجه و کارشناس ویژه.

دستور مذاکرات کنفرانس شامل مسائلی بود که سه دولت می‌باید پیرامون آن بحث کرده و اتخاذ تصمیم نمایند. برخی از این مسائل مستلزم اتخاذ تصمیمهای قطعی بود که در کنفرانس گرفته شد.

درباره برخی دیگر از مسائل، پس از خاتمه مباحثه تصمیمهای کلی اتخاذ گردید و برای مطالعه بیشتر به کمیسیونهای مخصوص ارجاع گردید. پاره‌ای از مسائل نیز قرار شد که از راه گفتگوهای دیپلماتی حل و فصل شود. در پایان این کنفرانس، تصمیمات اتخاذ شده به این شرح انتشار یافت:

۱- اقدام مشترک سه دولت به منظور ادامه جنگ بر علیه دشمنان آنها برای استقرار و نگاهداری صلح و آرامش جهان همچنان ادامه خواهد یافت.

۲- آنهایی که اکنون بر علیه دشمن مشترک داخل در جنگ هستند راجع به کلیه مسائل مربوط به تسلیم و خلع سلاح دشمن با هم کار خواهند کرد.

۳- برای جلوگیری از نقض شرایطی که بر دشمن تحمیل خواهد شد، اقدامات لازم خواهند کرد.

۴- لازم است به محض اینکه میسر گردید یک سازمان بین‌المللی متکی بر اصل حاکمیت کلیه کشورهای شیفته آزادی ایجاد گردد و درهای این سازمان به روی کلیه کشورهای بزرگ و کوچک به منظور حفظ صلح و آرامش بین‌المللی همواره باز باشد.

۵- به منظور نگاهداری صلح و آرامش در موقع استقرار نظم و ایجاد یک سازمان بین‌المللی برای تأمین آرامش عمومی، باهم و در مورد لزوم با سایر اعضای کشورهای متفق برای مبادرت به یک اقدام مشترک از طرف جامعه ملل متفق مشورت خواهند نمود.

۶- پس از پایان جنگ نیروی خود را در خاک کشورهای دیگر به کار نخواهند برد مگر برای انجام منظورهایی که در این اعلامیه قید شده آنها پس از مشورت با یکدیگر.

۷- برای وصول به یک سازش کلی و عملی در خصوص موضوع تسلیحات بعد از جنگ، باهم و با سایر اعضای ملل متحد گفتگو و همکاری خواهند کرد.

کنفرانس تهران

کنفرانس مسکو، که برای نخستین بار در دوران جنگ جهانی دوم با شرکت وزیران امور خارجه و کارشناسان سه دولت بزرگ تشکیل گردید، زمینه را برای ملاقات و گفتگوی سران سه کشور بزرگ متفق در تهران هموار ساخت.

اما پیش از کنفرانس تهران، رؤسای سه کشور آمریکا، انگلستان و چین در قاهره گرد هم آمدند و مدت پنج روز به بررسی اوضاع جنگ در خاور دور و دیگر مسائل جهانی پرداختند. این کنفرانس به طور سری تشکیل گردید و اخبار مربوط به آن تا چند روز پس از آنکه سران سه دولت قاهره را ترک گفتند، انتشار نیافت.

پس از پایان کنفرانس قاهره روزولت و چرچیل برای شرکت در کنفرانس تهران به سوی ایران پرواز کردند. هواپیمای سران دو کشور آمریکا و انگلستان ساعت سه بعدازظهر روز شنبه پنجم آذر ۱۳۲۲ (۲۶ نوامبر ۱۹۴۳) در فرودگاه تهران به زمین نشست. یک روز پیش از آن، یعنی روز جمعه چهارم آذر ۱۳۲۲ مارشال استالین نخست‌وزیر شوروی به تهران آمده بود.

با ورود روزولت و چرچیل، بلافاصله کنفرانس سران سه دولت تشکیل شد و به بررسی اوضاع جنگ و جستجوی راههای تازه برای سرکوبی فوری و سریع آلمان نازی پرداخت. جلسات کنفرانس به طور سری تشکیل می‌شد و موضوعات مورد بحث سران تا پایان کنفرانس در مطبوعات منعکس نگردید.

روز نهم آذر محمد ساعد وزیر امور خارجه ایران تذکاربه متحدهاللعنی برای مولوتف کمیسر امور خارجه شوروی، ایدن وزیر امور خارجه انگلیس و دریفوس وزیر مختار آمریکا (که به جای کردل هول وزیر امور خارجه آن کشور در کنفرانس تهران شرکت کرده بود) فرستاد. در این تذکاربه مساعی و کوششهای ایران در راه پیروزی متفقین و مصائب و مشکلاتی را که ایران بر اثر جنگ و همکاری با متفقین با آنها روبرو شده بود، یادآوری و آرزوی قلبی ملت ایران را برای پیروزی قطعی و نهائی ملل متفق ابراز کرد. در تذکاربه وزارت امور خارجه ایران به سه نکته زیر اشاره شده بود:

۱- متفقین زحمات و خساراتی را که از اوضاع جنگ به ایران وارد آمده کاملاً در نظر بگیرند.

۲- تعهدات کتبی و اطمینانهای شفاهی که از طرف متفقین نسبت به تمامیت و استقلال کامل ایران داده شده بود، از راه کمک و مساعدت مادی و معنوی در تمام رشته‌های سیاسی و اقتصادی تقویت شود.

۳- متفقین طبق تعهدات خود در تحویل رشته‌های حیاتی امور مملکت ایران، که در دست آنان است، و واگذاری امنیت کشور به‌قوای نظامی ایران اهتمام خاص معمول دارند.

وزیر امور خارجه ایران در پایان تذکاریه، انتظار دولت و ملت ایران را از سران دول بزرگ متفق به‌شرح زیر تشریح کرده بود:

«دولت و ملت ایران انتظار دارند در این موقع که پیشوایان معظم سه دولت بزرگ در ایران اقامت دارند، برای تأیید مراتب بالا اعلامیه‌ای صادر و به‌این وسیله حسن نیتی را که کراً کتباً و شفاهاً نسبت به‌ایران ابراز داشته‌اند، بار دیگر تصریح نمایند.»

کنفرانس سه دولت در تهران چهار روز ادامه یافت. در مدت جریان کنفرانس بسین اعلیحضرت همایون شاهنشاه و روزولت و استالین و چرچیل ملاقاتهایی به‌عمل آمد. آقای علی سهیلی نخست‌وزیر، و محمد ساعد وزیر امور خارجه نیز با مولوتف و ایدن و ژنرال هورلی، نماینده مخصوص رئیس جمهوری امریکا، ملاقات و گفتگو کردند. بر اثر این دیدوبازدیدها روابط و مناسبات ایران با سه کشور بزرگ متفق بر پایه‌های محکم و استوارتری قرار گرفت، و انتشار نتایج این ملاقاتهای سیاسی موجب خرسندی مردم ایران گردید. این مسرت، پس از انتشار اعلامیه سه دولت بزرگ درباره‌ ایران به‌حد کمال رسید. ملت ایران امیدوار شد که پس از جنگ متفقین بنا بر تعهدات خود و مفاد اعلامیه تهران خاک ایران را ترک خواهند گفت و تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت ملی کشور را محترم خواهند شمرد. متن اعلامیه سران سه دولت درباره‌ ایران (مورخ اول دسامبر ۱۹۴۳ میلادی برابر با نهم آذرماه ۱۳۲۲) به‌شرح زیر است:

«رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا، نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و نخست‌وزیر ممالک متحده انگلستان پس از مشورت بین خود و با نخست‌وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت را راجع به‌مناسبات خود با ایران اعلام دارند.

«دولت‌های ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان کمک‌هایی را که ایران در تعقیب جنگ بر علیه دشمن مشترک، و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسایل

حمل و نقل مهمات از ممالک ماوراء بحار به اتحاد جماهیر شوروی به عمل آورده، تصدیق دارند.

«سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده، و موافقت دارند با در نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی بر آنها تحمیل می‌کند، و کمی وسایل حمل و نقل در دنیا و همچنین کمی مواد خام و سایر حوائج کشوری، کمکهای اقتصادی خود را تا حد امکان به دولت ایران ادامه بدهند.

«راجع به دوره بعد از جنگ، دول ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان با دولت ایران موافقت دارند که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات، ایران با آن مواجه باشد، از طرف کنفرانسها یا مجامع بین‌المللی که برای مطالعه مسائل اقتصادی بین‌المللی تشکیل یا ایجاد شود، با مسائل اقتصادی سایر ملل متحد مورد توجه کامل قرار گیرد.

«دولتهای ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک مشترک المنافع بریتانیا در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت ایران اتفاق نظر دارند و به مشارکت ایران با سایر ملل صلحدوست در برقراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ، بر طبق اصول منشور آتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است، استظهار دارند.»

فرانکلین. د. روزولت

وینستون چرچیل

ژ. و. استالین

سران دول متفق پس از چهار روز مذاکره، روز دهم آذرماه تهران را به قصد کشورهای خود ترک گفتند و مقارن آن، اعلامیه کنفرانس تهران انتشار یافت. در اعلامیه گفته شده بود:

«ما رئیس جمهوری امریکا و نخست‌وزیر انگلیس و نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی در این چهار روز اخیر در پایتخت ایران، متفق خودمان، گرد آمده و سیاست مشترک خود را تنظیم و تأیید نمودیم. ما تصمیم گرفتیم که ملتهای ما در دوره جنگ و سپس در دوران صلح به اتفاق و همراهی یکدیگر کار کنند. راجع به مسائل جنگ، افسران ستاد ما در مذاکرات شرکت نموده و به منظور انهدام نیروهای آلمانی نقشه‌های

لازم را طرح و تنظیم کردیم. در خصوص کیفیت و موقع اجرای عملیات از جهات خاور و باختر و جنوب موافقت نظر کامل حاصل گردید. این حسن تفاهم مشترک تضمین می‌کند که پیروزی از آن ما خواهد بود.

«راجع به صلح هم ما اطمینان داریم که در پرتو اتفاق ما، یک صلح پایدار برقرار خواهد گردید. راجع به استقرار یک صلحی که ناشی از حسن نیت توده ملل جهان بوده، و تا چندین نسل خطر و بیم جنگ را مرتفع دارد، ما کاملاً به مسئولیت قطعی خود و تمام ملت‌های متفق معترف و واقف می‌باشیم. ما مسائل آینده را با کمک رایزنان سیاسی خود تحت مطالعه درآوردیم. ما از کلیه کشورهای بزرگ و کوچک که اهالی آنها نیز مانند اهالی کشورهای ما قلباً و روحاً تصمیم گرفته‌اند ظلم و ستمگری و بردگی و آزار و اذیت را از صحنه جهان برچینند، متوقع همکاری و مشارکت عملی بوده و خواهیم بود و ابراز موافقت و الحاق آنها را به حلقه ملت‌های دموکرات جهان با کمال مسرت استقبال خواهیم کرد.

«در خصوص اضمحلال و نابودی ارتش‌های زمینی و زیر دریاییها و صنایع جنگی هوایی آلمان هیچ دولتی در روی زمین قادر به جلوگیری از تصمیم ما نخواهد بود. حملات ما بیرحمانه و روزافزون خواهد بود. ما با کمال اعتماد منتظر روزی هستیم که در پرتو این انجمن‌های دوستانه کلیه ملت‌های جهان بتوانند به آزادی زندگانی کرده و دستخوش ظلم و ستم واقع نگردند و در آمال و آرزوهای خود کامیاب شوند.

«ما با تصمیم و امید به تهران وارد شده، و اینک در حالی که حقیقتاً در روح و قصد رفیق یکدیگریم، اینجا را ترک می‌گوییم.»

روزولت - چرچیل - استالین
تاریخ اول دسامبر ۱۹۴۳

روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا هنگام حرکت از تهران به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، چنین نوشت:

«نمی‌توانم تشریح کنم تا چه اندازه این همه ابراز دوستی حقیقی از طرف اعلیحضرت مایه مسرت قلبی من شده است. عزیزتم از ایران آمیخته به تأسف خواهد بود که چرا نتوانستم بیش از این با اعلیحضرت آشنائی پیدا کنم و کشور و ملت شما را از نزدیک نیز ببینم. سالهاست که مردم آمریکا از نیات و احساسات دوستی ملت

ایران آگاه می‌باشند. مهمان‌نوازی اعلیحضرت همایونی، به‌نام ایرانیان، این احساسات را برای سالهای متعددی در خاطر ملت امریکا زنده و جاوید نگاه خواهد داشت. ایران در قلوب امریکاییها همیشه محبوبیت داشته و امروز که در جنگ کنونی مقام برادری احرارز نموده‌ایم، این محبوبیت تشدید و تحکیم گردیده است. ما از سهمی که ایران در این کارزار مشترک دارد، مستحضر می‌باشیم و امیدواریم که پس از برقراری صلح، روح همکاری کنونی بدون عائق و مانع در عملیات ایام صلح نیز بین دو ملت ادامه داشته باشد.

«موقع را غنیمت شمرده تشکرات خود را از ابراز مودت و مهمان‌نوازیهایی که از طرف آن اعلیحضرت نصیب من شده است اظهار و بزرگترین سعادت را برای آن اعلیحضرت و اهالی سرزمین باستانی ایران مسئلت دارم. «خیلی امیدوارم که مسافرتی به‌واشنگتن فرموده و از این محبت ما را مسرور فرماید.»

رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا
فرانکلین. د. روزولت

وینستون چرچیل، نخست‌وزیر انگلستان نیز ضمن نامه تشکرآمیز خود چنین معروض داشت:

«همیشه خاطره روزهای درخشانی را که در کشور اعلیحضرت همایون شاهنشاه به‌سر برده‌ام در نظر داشته، و رجاء واثق دارم که این روزهای درخشان در شکست سریع دشمن مشترک خودمان و طلوع دوره صلح و سعادت گیتی عامل مؤثری خواهد بود.»

چرچیل در پایان نیز اظهار امیدواری کرده بود که اعلامیه سه‌کشور در خصوص تمامیت ارضی و مصالح و منافع ایران موجب رضایت‌خاطر اعلیحضرت همایونی شاهنشاه و ملت ایران بوده باشد.

مارشال استالین نخست‌وزیر شوروی، هنگام ترک خاک ایران تلگرافی به‌این شرح به‌عنوان آقای علی سهیلی نخست‌وزیر ایران مخابره کرد:

جناب آقای سهیلی رئیس هیأت وزیران ایران،
«هنگامی که خاک ایران متحد و دوست را که در آنجا پیشوایان دولتهای

سه‌گانه کارهای کنفرانسی خود را با موفقیت به پایان رسانیده‌اند ترک می‌کنم، جناب آقای نخست‌وزیر مایلم سپاسگزاری خود را از مهمان‌نوازی که نسبت به من و همراهانم در پایتخت شما به عمل آمده است، ابراز دارم. خواهمشدم همین مراتب را به استحضار اعلیحضرت همایون شاهنشاه برسانید.

«بهترین آرزوها، نیکبختی و سعادت را برای ملت ایران خواستارم.»

۲ دسامبر ۱۹۴۳

ای. استالین

تلگراف مولوتف کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی به وزیر امور خارجه ایران.

جناب آقای محمد ساعد وزیر امور خارجه ایران،

«آقای وزیر، از جنابعالی خواهشمندم مراتب سپاسگزاری مرا از مهمان‌نوازی گرمی که در ایران نسبت به نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی، شرکت‌کنندگان در کنفرانس پیشوایان دولتهای سه‌گانه، به عمل آمده است قبول فرمایید.

«یقین دارم که حضور نمایندگان دولت شوروی در تهران و ملاقاتهای شخصی آنان با شاهنشاه ایران و هیأت دولت ایران برای توسعه و تحکیم رشته دوستی و همکاری بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در مبارزه بر علیه دشمن مشترک یعنی آلمان هیتلری به منظور نیکبختی ملت‌های ما، کمک خواهد نمود.»

۲ دسامبر ۱۹۴۳

و. مولوتف

پس از بازگشت سران سهدولت به کشورهای خود، و انتشار اعلامیه کنفرانس تهران، علی‌سپیلی، نخست‌وزیر، در جلسه‌ای که روز یکشنبه ۱۳ آذر ۱۳۲۲ با حضور هیأت وزیران، نمایندگان مجلس شورای ملی، سران ارتش و شخصیت‌های مملکتی در وزارت امور خارجه تشکیل گردید، چگونگی تشکیل کنفرانس و مذاکرات مقامات ایرانی با سران سهدولت را که منجر به صدور اعلامیه سران سهدولت بزرگ درباره ایران گردید، شرح داد.

نخست‌وزیر ایران گفت:

«به‌طوری که همه آقایان استحضار دارند بعد از کنفرانس مسکو مذاکراتی در تمام محافل سیاسی در اطراف تشکیل یک کنفرانس عالی با شرکت رؤسای سهدولت

متفق در یکی از نقاط دنیا جریان داشت. ولی محل کنفرانس غیر معلوم بود، و شاید تا ختم کنفرانس هم همین‌طور محل این اجلاس پنهان باقی ماند.

«اکنون که کنفرانس تمام شده و همه اشخاص عالی‌مقامی که در آن شرکت داشته‌اند، به کشورهای خود بازگشت نموده‌اند، این جانب در کمال خوشوقتی رسماً اظهار می‌دارم که کنفرانس عالی سران سه‌دولت در تهران تشکیل شد. تهران پایتخت شاهنشاهی، این مزیت و امتیاز را حاصل کرد که رؤسای کشورهای بزرگ دوست و متحدان در اینجا، مرکز این حکومت، اساس و پایه‌های محکم آزادی و آسایش ملل را طرح‌ریزی نمایند. «شرح مختصر از ترتیب تشکیل و جریان این کنفرانس، در آن جد که می‌توانم به اطلاع آقایان برسانم، از این قرار بود.

«روز ۲۹ آبان ۱۳۲۲ آقای کاردار شوروی به ملاقات این جانب آمد و موضوع تشکیل کنفرانس تهران سه دولت را در تهران اطلاع داد. این جانب مسرت و خوشوقتی دولت ایران را از این حسن نظر که نسبت به کشور شاهنشاهی ابراز نموده‌اند، اظهار داشتم.

«روز چهارم آذرماه سفارت کبرای شوروی خبر ورود مارشال استالین و مولوتف کمیسر خارجه و همراهان را اطلاع داد، و نامه‌ای به شرح زیر تسلیم آقای ساعد وزیر امور خارجه کردند:

آقای وزیر،

«افتخار دارم به اطلاع شما برسانم که امروز، ۲۶ نوامبر، مارشال اتحاد شوروی ژوزف ویساریونویچ استالین رئیس کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر سوسیالیستی و آقای ویارچسلاو میخائیلویچ مولوتف کمیسر ملی امور خارجه بانمایندگان اعزامی شوروی وارد تهران شدند. «بنابه دستور و. م. مولوتف کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی افتخار دارم به نام مارشال اتحاد شوروی ژوزف ویساریونویچ استالین و شخص ایشان نیات حسنه مارشال را به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران تقدیم و مراتب را به آقای نخست وزیر و شخص شما ابلاغ نمایم.

«موقع را مغتنم شمرده خواهم نمودم احترامات فائقه را نسبت به خودتان قبول فرمایند.»

سفیر کبیر شوروی در ایران

ا. اسمیرنوف

«همان روز اطلاع رسید که آقای روزولت رئیس جمهوری دول متحده آمریکا و آقای چرچیل نخست وزیر انگلستان هم روز پنجم آذر وارد خواهند شد. و روز پنجم هم وارد شدند.

«روز هشتم آذر ماه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با آقای روزولت رئیس جمهوری آمریکا مذاکراتی به عمل آوردند. این جانب و آقای وزیر دربار شاهنشاهی و وزیر امور خارجه و وزیر مختار آمریکا در تهران نیز افتخار حضور داشتیم. این مذاکرات کاملاً در محیط دوستانه انجام یافت.

«در همان روز مذاکراتی هم با آقای چرچیل و با حضور وزیر مختار انگلیس راجع به ایران به عمل آمد که حسن تفاهم کامل حاصل بود.

«روز نهم آذرماه مارشال استالین به اتفاق آقایان مولوتف و ماکسیموف کاردار سفارت کبرای شوروی به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه شرفیاب شدند. در این شرفیابی مذاکرات دوستانه و صمیمانه بین طرفین به عمل آمد و حسن مناسبات و روابط و داد بین دو کشور تأیید شد.

«ساعت دوازده روز نهم آذر این جانب و وزیر امور خارجه به ملاقات آقای مارشال استالین رفتیم. در این جلسه آقایان مولوتف و ماکسیموف نیز حضور داشتند. این جانب مجدداً پیام دوستانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه را به مارشال استالین ابلاغ کردم، و راجع به امور مربوط به ایران تبادل نظرهایی در زمینه حسن مناسبات دو کشور صورت گرفت.

«در ملاقات‌های دیگری هم که آقای مولوتف از این جانب و وزیر امور خارجه به عمل آوردند، و همچنین ملاقاتهایی که آقایان ایدن از این جانب نمودند، در باب روابط و مناسبات ایران و متفقین در زمان حال و بعد از جنگ مذاکرات لازم صورت گرفت و نمایندگان آن دو دولت حسن نیت خود را نسبت به امور مربوط به ایران کاملاً آشکار ساختند.

«در تعقیب تمام این ملاقاتها و مذاکرات و همچنین تذکارتی وزیر امور خارجه ایران که همراه با نامه دوستانه‌ای به عنوان وزرای امور خارجه شوروی و انگلیس و وزیر مختار آمریکا در تهران (چون وزیر امور خارجه آمریکا در تهران نبودند) فرستاده شد، اعلامیه‌ای به امضای رؤسای سه کشور متفق ما صادر شد که در آن نظریات ایران با حسن قبول تلقی، و همکاریهای ارزنده ایران و کمکهای آتی دول مزبور به ایران و

استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران تصدیق گردید.
«صبح روز دهم آذرماه رؤسای کشورهای متفق و همراهان با هواپیما به مقصد کشورهای خود عزیمت کردند.

«دولت ایران خوشوقت است که محل تشکیل این کنفرانس تاریخی، کشور ماو در تهران بوده است، و نهایت مسرت را دارد که توافق نظر سه دولت بزرگ و منویات آنان به منظور نیل به پیروزی و برقراری صلح جهانی در اینجا حاصل گردیده است. و باز خوشوقت است که منافع عالی ایران را متفقین ما همواره منظور نظر داشته و مساعدتها و زحمات ما مورد تصدیق رؤسای معظم سه دولت بزرگ قرار گرفته است.
«دولت، آتیه‌ای خوش را برای سعادت ملت ایران نوید می‌دهد و امیدواری کامل دارد که این ملت از زحمات خود نتایج ذیقیمت و رضایت‌بخش بگیرد.

«اگر مجلس شورای ملی مفتوح بود، جا داشت این مطالب و اظهارات مسرت‌انگیز به مجلس شورای ملی گزارش شود. اما چون مجلس هنوز افتتاح نشده به آقایان زحمت داده شد که از جریان امر مستحضر گردند. بدیهی است که به این وسیله مراتب به اطلاع عموم مردم هم خواهد رسید.»

نخست‌وزیر علاوه بر تشکیل این جلسه که هدف آن آگاهی ملت ایران از این حادثه تاریخی بود، برای ابراز مسرت دولت ایران از مهمانان خود، چهار روز بعد از بازگشت سران سه دولت، شب‌نشینی مجللی در کاخ وزارت امور خارجه ترتیب داد.
در این ضیافت هیأت دولت، نمایندگان سیاسی خارجه در تهران، نمایندگان مجلس، افسران ارشد و رجال شرکت داشتند. در سر میز شام آقای نخست‌وزیر سخنانی خطاب به سر ریدر بولارد وزیرمختار انگلیس، در یفوس وزیرمختار امریکا و ماکسیموف کاردار سفارت اتحاد جماهیر شوروی در ایران ایراد کرد و اظهار داشت:

«در ضیافت امشب که به افتخار تشکیل کنفرانس سران سه دولت و به یاد اجتماع پیشوایان عالی‌مقام کشورهای دوست و متحد در تهران داده شده است، با بیانات دیروز که البته همه استحضار دارند و جرائد هم به اطلاع عامه رسانیده‌اند، شاید دیگر ایراد نطقی ضروری نبود. ولی با اهمیت خاصی که این موضوع دارد، این‌طور به نظر آمد که حیف است موقع را از دست داده، سعی نکنیم هرچه بیشتر از این واقعه نیک و مهم تاریخی که نصیب تهران شده اثر و آثاری باقی نگذاریم. چه این قبیل گفتارها، در این مواقع و برای این قبیل حوادث عظیم تاریخی که از امروز تا صدها سال دیگر ما و

فرزندان ما پشت‌درپشت، و تمامی بشر علاقمند هستند از جزئیات آن آگاه شوند، یک اثر تاریخی است. اغلب متن این سخنرانیها اگر بعدها به‌دست آید، باعث راهنمایی و هدایت مورخین می‌شود. حتی چه بسا اوقات که آنها را از خیلی گمراهیها هم نجات می‌دهد.

«جناب آقای سر ریدر بولارد وزیرمختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان،

«جناب آقای دریفوس وزیرمختار ایالات متحده آمریکا،

«جناب آقای ماکسیموف کاردار سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی،

«خطاب من بیشتر به‌شما آقایان، به‌نماینده‌گی از کشورهای بزرگ خودتان است. حق این بود تهران، پایتخت ایران، به‌افتخار ورود و اقامت پیشوایان عالی‌مقام کشورهای شما و تشکیل این کنفرانس بزرگ ضیافتها و مجالس شادمانی برپا کرده، تظاهرات عمومی و ملی، در دوستی و همکاری و احترام افکار عالی‌ای که رؤسای سه کشور عظیم و هم‌متعهد نسبت به‌ایران‌باستان و این ملت ابراز داشته‌اند، برپا می‌کرد. و انجام آن را هم ساکنین این شهر در نظر داشتند. ولی چنان که خود می‌دانید به‌مصلحت کار و برای حسن پیشرفت مقاصد مشترکی که داریم، از اولین دقیقه این بشارت تا موقع ورود و در تمام مدت اقامت و حتی برای هنگام عزیمت، پیوسته تصمیم ما و شما به‌مستورماندن موضوع بود، که بهتر و خوبتر و با فراغت خاطر به‌رسیدگی و حل مسائل مورد نظر برسند. این بود که دیگر موقع و مجالی به‌دست نیامد تجلیل مقام از مهمانهای عزیزشده و مجالس بزرگ برای ضیافت به‌افتخار آنها و تشکیل این کنفرانس ترتیب داده شود. این است که امشب ما در اینجا به‌شادمانی از موفقیت‌های عظیم کشورهای متحد خود، و به‌شکرانه بازگشت اولیای عالی‌مقام کشورهای سه‌گانه که به‌خوشی و خرمی به‌کشورهای خود بازگشته‌اند، و برای سعادت و پیشرفت ملل متحد و مقاصد مشترکی که داریم، به‌اراده اعلیحضرت همایون شاهنشاه مجلس سرور و ضیافت برپا کرده‌ایم و از اینجا احساسات صمیمانه خود را برای سلامت سه پیشوای عظیم‌الشأن که هفته گذشته در تهران بودند بدرقه می‌کنیم، و موفقیت آنها را در مقاصد مشترکی که داریم خواستار هستیم.

«روابط معنوی و سیاسی و دوستی و نزدیکی ملت و دولت ایران با کشورهای اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و ممالک متحده آمریکا از قدیم و علاقمندی به‌ادامه آن و قدر و منزلتی که ملت‌های ما و شما برای تمدن و ادبیات و فرهنگ یکدیگر حقاً و

بجا و به موقع قائل هستیم، صفحات تاریخ و کتب علمی و ادبی دنیا را پر کرده، و زحمات و جدیتهای نویسندگان و مستشرقین هم اهمیت و عظمت آن را به خوبی در نظر جهانیان آشکار ساخته است. اما عهد و پیمانهای امروز ما و شما و نزدیکیهایی که ما را با دولت‌های شما و متحدین دیگر خودمان مربوط و در راه مقاصد مشترک برای سعادت و رفاه و آزادی بشر رهسپار یک منظور ساخته خیلی مهم و عظیم می‌باشد. «حالا دیگر تاریخ معاصر ما با شما مخلوط شده و همه با هم در موفقیتها و افتخاراتی که حاصل کرده و خواهیم کرد سهیم و شریک می‌باشیم. عزم راسخ و تغییرناپذیر همه ما پیروزی و موفقیت در پیشرفت مقاصد عالیه است، که به صلاح بشر و برای خلاصی از گرفتاریها و اشکالات ملل در راه ترقی و تعالی خواهد بود. بدیهی است که در پایان این جنگ عظیم و در نتیجه این فداکاریها و محرومیتها و سختیها، همه دول و ملل باید به هم کمک و مساعدت کرده، اشکالات اقتصادی دنیا را مرتفع و وسایل آسایش عمومی را فراهم نمایند. «امیدوار هستیم به یاری قادر متعال و در اثر مساعی همگانی هرچه زودتر با پیروزی، به منظور مقدس و مشترکی که داریم برسیم.»

بعد از نخست‌وزیر ایران سر ریدر بولارد و دریفوس و ماکسیموف هر یک به ترتیب بیاناتی ایراد کردند:

سر ریدر بولارد وزیرمختار انگلیس در تهران اظهار داشت: «جناب آقای نخست‌وزیر اینجانب خود را موظف می‌دانم در پاسخ بیانات فصیح جنابعالی و برای تشکر از برپایی این ضیافت به مناسبت انتشار اعلامیه مربوط به ایران که چند روز قبل در تهران امضا شد، مطالبی اظهار دارم. «در بدو امر میل دارم از مهمان‌نوازیهای گرم دولت شاهنشاهی ایران که از خصایص دیرین ایرانیان است و نسبت به نمایندگان کنفرانس ابراز گردید، اظهار تشکر کنم. به جنابعالی اطمینان می‌دهم که آقای چرچیل و آقای ایدن از دعوتهای صمیمانه‌ای که از ایشان به عمل آمده بی‌اندازه ممنون بودند و نهایت تأسف را داشتند به جهاتی که خود جنابعالی هم به آن اشاره فرمودید، نتوانسته‌اند از این دعوتهای استفاده کنند. مثلاً باعث نهایت خوشوقتی می‌شد که در چنین شب‌نشینی مجللی شرکت داشته و در

شادمانی ایرانیان به مناسبت انعقاد این کنفرانس تاریخی، در این کشور باستانی، سهم باشند.

«از اعلامیه‌ای که جنابعالی دیروز منتشر فرمودید کاملاً آشکار است که ایران نیز در این کنفرانس، فراموش نشده بود. من خود را خوشوقت می‌دانم که در پیش‌آمد سه‌واقمه مهمی که در دو سال اخیر نشانه پیشرفتهای ایران بوده است شخصاً حاضر بوده‌ام.

این سه واقعه از این قرار است:

«اول پیمان سه‌گانه ژانویه ۱۹۴۲. دوم اعلان جنگ ایران به آلمان در ماه اوت ۱۹۴۳ که به موجب آن ایران در صف ملل متفق قرار گرفت. سوم این اعلامیه که به موجب آن ایران در همکاری اقتصادی که امیدواریم بعد از جنگ برقرار شود شرکت خواهد کرد.

«در نتیجه امضای اعلامیه مربوط به ایران به وسیله دولت معظم ایالات متحده آمریکا، امضاکنندگان سه‌گانه پیمان دو سال قبل پشتیبانی نیرومندی به دست آوردند و سایر ملل متفق با این گروه همراه می‌باشند. امیدوارم که همکاری که در اعلامیه پیش‌بینی شده است آنقدر بسط پیدا کند که نه تنها ملل متفق بلکه تمام کشورها و ملل روی زمین را شامل گردد.»

بعد از سخنان وزیر مختار انگلیس، دریفوس وزیر مختار آمریکا بیاناتی به این شرح ایراد

کرد:

جناب آقای نخست‌وزیر، خانمها و آقایان محترم،

«بی‌نهایت خوشوقتم که در مجلس جشنی که امشب به مناسبت انتشار اعلامیه دول

سه‌گانه راجع به ایران تشکیل یافته است، شرکت دارم.

«یک‌ماه قبل در چنین موقعی در مراکش، و عازم مسافرت به آمریکا بودم. ولی

به‌دلایلی که امروز روشن گردیده است فرا خوانده شدم. باعث مسرت و خوشوقتی من

است که در موقع امضاء چنین اعلامیه مهمی در ایران حضور داشتم. این دفعه اول

است که کشور من با دول متفق بزرگ خویش در ابراز دوستی نسبت به ملت ایران در یک

اعلامیه برجسته شرکت داشته است. تقریباً دو هفته قبل باردیگر ایران مرکز ثقل

سیاست دنیا قرار گرفت و وقایع تاریخی با سرعت خیره‌کننده‌ای جریان یافت.

«در این چهار راه تاریخ، خاور و باختر با هم تلاقی نمودند تا آنکه اساس صلح و آزادی جهان را طرحریزی نمایند. باید تصدیق کنیم که ایران جاویدان در این جنگ مقدس که بر علیه جنگ و برای تأمین صلح است سهم بزرگی داشته است. کشور زیبای شما با گذشته پرافتخاری که داشته و خدماتی که به فرهنگ جهان و فضیلت بشر نموده مجدداً مقامی را که شایسته آن است به دست آورده است. در سرزمین مهمان‌نواز و دلربای شما بود که پیشوایان بزرگ ما خوشبختانه موفق شدند افکار و نیت خود را متحد ساخته و مقاصد عالی خود را، که افتخار حفظ و دفاع آن را دارند، تا پیروزی نهایی پیش برند.

«احساسات صمیمی و تمنیات قلبی خود را برای جنابعالی و سلامتی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اظهار می‌دارد.»

پس از وزیر مختار امریکا، ماکسیموف کاردار سفارت کبرای شوروی چنین اظهار داشت: «بسیار سعادتمندم که در این ضیافت مجلل که از طرف جناب آقای سهیلی نخست‌وزیر و اعضاء هیأت دولت ایران به مناسبت انجمن پیشوایان سه کشور متفق در تهران برپا شده شرکت نمایم.

«رؤسای سه کشور معظم متفق کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر به منظور مشترک مبارزه بر علیه فاشیسم منفور آلمان در تهران پایتخت کشور دوست و متفق گرد آمدند تا مسائل راجع به اداره جنگ بر علیه آلمان فاشیست و همچنین مسائل سیاسی دیگری را مورد بحث قرار دهند.

«این واقعه تاریخی یک دفعه دیگر نیات ملل شیفته آزادی و سرشار از یک تصمیم جدی برای مبارزه به جهت شرافت و آزادی و استقلال و برای سعادت تمام ملل جهان و بر علیه فاشیسم که وحشیگری و رقت و ویرانی را برای عالم بشریت به ارمغان می‌آورد، به ثبوت می‌رساند.

«اینکه کنفرانس پیشوایان سه کشور معظم دموکرات در پایتخت ایران دوست و متفق، که مدت دو سال در مبارزه بر علیه بیدادگری هیتلر با متفقین کمک نموده، در تهران تشکیل یافت نشانه بارز دوستی و قدردانی متفقین نسبت به ملت باستانی ایران می‌باشد.

«آقای نخست‌وزیر اجازه بدهید از تحیات دوستانه شما تشکر نمایم و به نوبه خود

برای زمامداران دولت ایران سلامتی و موفقیت در تحقق منظوره‌های مشترک آرزو نمایم. اجازه فرمایید که موفقیت و سعادت و کامیابی ملت دوست ایران را که در مبارزه برای آزادی و نیک‌بختی عالم بشریت سهیم می‌باشد و همچنین توسعه بعدی روابط سیاسی و اقتصادی کشورهای خود را آرزو نمایم.»

تشکیل کنفرانس تهران و اجتماع پیشوایان سه دولت بزرگ در تهران یکی از وقایع برجسته سیاسی است که در تاریخ جنگ جهانی دوم کمتر نظیر داشته است. اهمیت این کنفرانس هم از جهت اهدافی که تشکیل آن را ایجاب کرده بود و هم از نظر موفقیت‌هایی که در پیشرفت اهداف مزبور نصیب پیشوایان دول سه‌گانه گردید، بسیار شایان توجه بود.

«تصمیم‌هایی که در این کنفرانس گرفته شد نه تنها از نظر منظور مشترک دول متفق یعنی برانداختن ریشه تجاوز و استقرار آزادی ملل دارای اهمیت بود، بلکه برای کشور ایران نیز از نظر اعلامیه خاصی که درباره آن صادر گردید یک موفقیت سیاسی بزرگ محسوب می‌شد.»

اجتماع سه پیشوای بزرگ در تهران و صدور اعلامیه راجع به ایران در کلیه طبقات ملت ایران اثر فوق‌العاده خوبی بخشید و تمام روزنامه‌های کشور در پایتخت و در استانها و شهرستانها تصمیمات رهبران سه‌دولت متحد را که با موافقت اولیای دولت شاهنشاهی اتخاذ شده بود، مورد بحث قرار دادند و مقالاتی در این خصوص منتشر ساختند.

در کشورهای دوست و متفق هم دستگاه‌های ارتباط جمعی و روزنامه‌ها و مطبوعات کنفرانس تهران را با حسن استقبال تلقی کرده، مردم را به خاتمه جنگ و استقرار صلح و آرامش امیدوار کردند.



ایک سہ ماہی

بجمله قصه بر مکتب شاهنشاهی

طرح دشواریهای ایران

همان‌طور که قبلاً اشاره شد یک قسمت از مهمات و ساز و برگی که به‌روسیه ارسال می‌شد می‌بایست به‌وسیله کامیون و از طریق جاده‌های اتومبیل‌رو و به‌خصوص راه‌آهن سراسری ایران حمل شود. قراردادی هم بین امریکاییها و انگلیسها منعقد گردید که مقرر می‌داشت حفظ امنیت در منطقه جنوب به‌عهده انگلیسها باشد و امریکاییها فقط به‌آموز فنی اشتغال ورزند. تا پاییز ۱۹۴۴ بیش از ۴۲۸۰۴۴۰ تن سازوبرگ جنگی و اسلحه و مهمات و اجناس دیگر امریکا از طریق ایران به‌روسیه شوروی حمل شد. در این مدت ظرفیت خط‌آهن سرتاسری ایران پنج‌برابر شد. قریب یک‌صد و پنجاه‌هزار وسیله نقلیه و در حدود سه‌هزار و پانصد هواپیما و منجمه یک‌هزار و چهارصد بمبافکن از طریق ایران تحویل ارتش سرخ گردید. اسناد زیر نمونه‌ای از تلاشهای ایران در راه پیروزی متفقین است. با مطالعه این اسناد خواننده درمی‌یابد که ملت ایران با بسیج کلیه راههای مواصلاتی و وسایط حمل‌ونقل برای ارسال سازوبرگ جنگی به‌شوروی و نیز نیاز نیروهای خارجی مقیم کشور به‌خواربار، متحمل چه مصائبی گشته است.

تلگراف رمز شماره ۵۸۸ از نخست‌وزیری

به‌تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۲۱

سفارت شاهنشاهی ایران — لندن

«وزیر مختار ایران لندن ۷۳ خواهشمند است مفاد این تلگراف را به‌اطلاع مؤثرترین شخصی که سیاست خارجی انگلستان را در دست دارد برسانید: «دولت شاهنشاهی ایران از اقداماتی که دولت انگلیس تا به‌حال در همراهی با

ایران کرده تشکر دارد. منتهی اگر در تأمین تقاضاهای حق خود پافشاری می‌کند نباید اولیاء امور انگلستان این عمل را حمل بر عدم قدردانی نمایند.

«تقاضای دولت شاهنشاهی ایران که اینقدر گزاف به نظر می‌رسد، اگر درست توجه کنند، در مرحله اول آذوقه است که وضع ناگوار آن مکرر در مرکز به اطلاع مأمورین مربوطه انگلیس رسیده و در مرحله دوم وسایل نقلیه است که آن‌هم به واسطه ارتباط کاملی که با تأمین آذوقه دارد مورد تقاضای مکرر دولت ایران بوده است.

«البته وقایع شهرپور و ورود قوای متفقین و ماندن آنها در ایران در این قسمت تأثیر کلی داشته، زیرا قوای متفقین که تعداد حقیقی آنها بر ما مجهول ولی هیچ وقت کمتر از پنجاه هزار نبوده‌اند، از آذوقه ایران اعاشه نموده و گذشته از آن تعداد زیادی لهستانی که عده آنها نیز در حدود سی الی چهل هزار نفر می‌شود در ایران بسر می‌برند که این نیز تحمیلی بر آذوقه کشور است. به علاوه مقدار زیادی آذوقه ایران چه به‌طور مستقیم از طرف آقایان خریداری و صادر می‌شود و چه به واسطه وضعیت فعلی و عدم امکان نظارت در سرحدات به‌طور قاچاق خارج می‌شود. تعیین میزان اجناس که صادر می‌کنند به علت اینکه در گمرکات از دادن اظهارنامه خودداری می‌کنند مقدور نیست. ولی با قحطی که سراسر ایران را فرا گرفته است و بر شدت آن روز بروز افزوده می‌شود، حاکی از مقدار زیادی جنس و آذوقه است که دائماً از ایران خارج می‌شود.

«بالاخره در حدود هفتاد هزار عمه که باید حقاً در دهات کار کنند، برای عملیات راهسازی متفقین مشغول کار هستند و صرف نظر از اینکه این عده در تولید کشور کمکی نخواهند کرد آذوقه آنها نیز تحمیل بر دیگران خواهد بود. بنابراین ملاحظه می‌فرمایید تحمیلات آقایان متفقین چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر آذوقه کشور محرز و مؤثر می‌باشد.

«نسبت به وسایط نقلیه هم به‌طوری که مکرر تذکر داده شده و در حدود یک هزار و پانصد کامیون از موجودی کشور در خدمت «U.K.C.C.» است که این مقدار نسبت به موجودی وسایط نقلیه ایران و احتیاجات حمل و نقل غله و غیره فوق العاده زیاد است. شرکت مزبور به این هم اکتفا نکرده و مدعی است باید سهمیه لاستیک و لوازم یدکی که امریکا به ایران داده است و می‌دهد تماماً به واسطه او توزیع شود.

«راه آهن سراسری ایران و راه آهن تبریز هم تحت نظارت متفقین و تمام حمل و نقل آنها را عهده دار است. البته به این ترتیب تصدیق می‌فرمایید خواستن کمک

در تأمین احتیاجات حمل و نقل ایران از حیث وسایل نقلیه تقاضای بلاعوض نیست. در مقابل این استفاده‌هایی که متفقین از کلیه منابع مختلف این کشور کرده و می‌کنند، دولت انگلیس از شهریور به این طرف مقدار ۵۵۴۸۴ تن گندم و ۳۴۱۵۰ تن شکر و ۱۳۰۹۵ عدل قماش و ۵۰۷ تن چای به ایران داده است. در قسمت وسائط نقلیه با اینکه چندین ماه است از طرف «U.K.C.C.» وعده شده است با نظارتی که در حمل و نقل دریایی دارند، برای انجام و تهیه سفارشات لاستیک و لوازم یدکی کامیون که مدتهاست با وجود گشایش اعتبارات آنها معطل مانده است اقلای کمی خواهند کرد، نه فقط کمی نکرده‌اند بلکه طبق مدارک موجود، مقداری از سفارشات ما را هم خودشان استفاده کرده‌اند. حال آنکه دولت و ملت ایران انتظار دارند متفقین تعهداتی را که در پیمان سه‌گانه در کمک به وضع اقتصادی کشور ما دارند اجرا کنند.

«بنابراین اگر دولت شاهنشاهی ایران تحت تأثیر این مسائل اصرار در تقاضای حقه خود نماید، می‌توان او را متهم به عدم قدرشناسی نمود؟ آیا دولت شاهنشاهی ایران نباید در سهم خود متأسف باشد که کمک متفقین در مقابل تحمیلاتی که به کشور ایران عملاً شده است ناچیز می‌باشد. اظهار آقایان به این که در امر خرید غله تا به حال به دفع الوقت گذرانده، پرداخت از طرف دولت کم است یا مأمورین مواظبت و مراقبت در جمع‌آوری نمی‌کنند اساساً به هیچ وجه حقیقت ندارد، زیرا از حیث افزایش بها تا به حال در ظرف یک سال بیش از صد و پنجاه درصد به تفاوت در نقاط مختلفه کشور به بهای گندم افزوده شده است. منتهی چون عمال متفقین به خرید اجناس انحصاری و غیر انحصاری اقدام می‌کنند، البته بهای کلیه اجناس رو به ترقی گذاشته و اشخاص هم روی این جریان‌ها دیگر جنس خود را در انتظار فروش به قیمت‌های گزاف، به دولت نخواهند فروخت. به این شکل اشکالات جمع‌آوری هم معادل دخالت خود آنهاست، منتهی این هم یکی از دلائلی است که برای فرار از انجام تعهدات خودشان در کمک به اقتصادیات هر دفعه اظهار می‌کنند.

«به طور اختصار دولت ایران در تقاضای خودش راه مبالغه و اغراق را هیچ وقت نپیموده و هیچ گونه تقاضای غیر مشروعی هم نداشته و ندارد. به علاوه اشکالات حمل و نقل و از طرف دیگر احتیاجات متفقین را از نظر دور نداشته و آنچه تا به حال تقاضا نموده با توجه به وضع بین‌المللی و حداقل احتیاج بوده است. دولت و ملت ایران انتظار دارند متفقین با در نظر گرفتن وضع اقتصادی ایران که وخامت آن عمده‌اش مربوط

به عملیات خودشان است و همچنین با در نظر گرفتن هر تعهدی که در این قسمت طبق پیمان کرده‌اند، اقدام فوری در انجام تقاضاهای ایران نمایند. والا چنانچه کمک به موقعی نشود وضع ایران دچار اختلال و صدمه آن محققاً عاید خودشان خواهد شد.

«دو چیز فوق‌العاده مهم که محتاج به اقدام فوری است رساندن سی‌هزار تن گندم و ده‌هزار حلقه لاستیک در ظرف سه‌ماه می‌باشد به شرط اینکه بلافاصله شروع و با اولین وسیله حمل و تحویل شود. البته احتیاجات سه‌ماه بعد به اطلاع جنابعالی خواهد رسید.

«در خاتمه خواشمند است مراتب بالا را به‌طوری که صلاح می‌دانید به اطلاع مقامات مسئول انگلستان رسانده، مخصوصاً توجه آنها را به لزوم کمک فوری در امر آذوقه و وسایط نقلیه جلب نمایید و اطمینان بدهید که این تقاضای دولت ایران با توجه به تمام اشکالات موجود فعلی می‌باشد و گراف نیست و آقایان را به‌وخامتی که عدم کمک آنها در وضع اقتصادی و عمومی ایران ایجاد خواهد کرد، متوجه ساخته و تذکر بدهید که اصرار دولت متکی به این دلایل است. قریباً صورت جامعی از اجناسی که تا به حال متفقین داده و استفاده‌هایی که در مقابل از منابع طبیعی و صنعتی ایران کرده‌اند برای استحضار جنابعالی ارسال خواهد شد.»

وزیر امور خارجه
محمد ساعد

نخست‌وزیر
علی سهیلی

شماره: ۴۱۷

تاریخ: ۷ اردیبهشت ۱۳۲۲

جناب آقای حسین علاء
وزیر دربار شاهنشاهی،

«روز پنج‌شنبه اول اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۲ ژنرال هورلی که به‌نماینده‌گی رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا به شرق نزدیک، و اکنون به ایران آمده است تا اوضاع و احوال این کشورها را به‌رأی‌العین مشاهده کرده و گزارش بدهد، به ملاقات بنده به وزارت امور خارجه آمد و مذاکرات زیر بین ایشان و بنده صورت گرفت که به عرض می‌رساند:

«ژنرال هورلی اظهار می‌داشت رئیس‌جمهوری آمریکا ایشان را مأمور کرده است

که احترامات معزی‌الیه را به‌این جانب اظهار بدارد و خودش هم اجازه می‌خواهد تشکرات خود را از ملاطفت و مساعدتهایی که دربارهٔ مستشاران و مأمورین امریکایی مرعی شده است به‌پیام جناب رئیس‌جمهوری علاوه نماید.

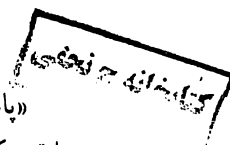
«پاسخ دادم اولاً از پیام مودت‌آمیز جناب رئیس‌جمهوری ایالات‌متحدهٔ امریکا کمال امتنان و مسرت حاصل است و خواهش دارم تشکرات مرا به‌معزی‌الیه تقدیم دارید. ثانیاً ملت ایران یک احساسات بسیار دوستانه و گرمی نسبت به‌امریکیان دارد، و همیشه آنها را علمدار آزادی می‌داند. مسرت دارم که شخصی مانند شما را مأمور کرده‌اند تحقیقاتی دربارهٔ اوضاع آشفتهٔ کشور ایران بنمایند.

«ژنرال اظهار داشت می‌خواستم قبل از آنکه با مأمورین و مستشاران امریکایی وارد گفتگو و تحقیقات شوم به‌ملاقات بنده نائل شده و یک مذاکرات مقدماتی نموده باشم و بعد از آنکه تحقیقات خود را به‌پایان رسانیدم، مجدداً اجازهٔ ملاقات خواسته و مذاکرات مفصلتری خواهم کرد.

«گفتم مدت‌ها بود که استخدام مستشاران امریکایی را برای ایران مفید تشخیص داده و زمانی که در مسکو سفیرکبیر بودم با امیرالاستانلی در این باب گفتگو و صحبت کردم و این نقشه را در مدنظر داشتم. وقتی که به‌تهران آمدم و در کابینه شرکت کردم خوشبختانه دولت ایران را هم با نظر خود کاملاً موافق دیدم. مخصوصاً جناب آقای سهیلی در کابینهٔ سابق خودشان برای استخدام مستشاران امریکایی قدمهای عملی برداشته بودند، دولت بعد هم اقدامات ایشان را تعقیب و حالا نخست‌وزیر با اجرای نقشه خود موفقیت کامل کردند و مطالبی دارم که با شما باید مذاکره کنم. آنها را یادداشت کرده‌ام که پس از آنکه تحقیقات شما به‌پایان رسید و دوباره ملاقات حاصل شد، مورد بحث و مذاکره قرار داده شود. بدیهی است اظهارات من همیشه ابژکتیو بوده و نظر سوژکتیو نخواهم داشت.

«ژنرال اظهار خرسندی کرد و قرار شد پس از بازجویی‌هایی که در نظر دارد به‌عمل آورد، برای مذاکرات ثانوی مفصلتری مجدداً وقت ملاقات بخواهد.

«در موضوع غله ژنرال اظهار داشت نهایت متأسف و شرمسار است از اینکه ایران و ایرانیان را در این حال تأسف‌آور می‌بیند و متأسف است که گذارده‌اند ایران به‌این وضع تأثرآمیز بیفتد و در اثر جنگ این‌طور عسرت و مضیقه برای ملت ایران پیش آید.



«پاسخ دادم به طوری که ژنرال ملاحظه می نمایند ایران از هیچ گونه فداکاری مضایقه نکرده، راه آهن و کلیه ارتباطات خود را به اختیار متفقین گذارده است که بتوانند مهمات خود را به روسیه برسانند. در واقع ایران یک عامل مؤثر فیروزی ملل متحد می باشد. علیهذا طبیعی است که امیدواری به کمک و مساعدت های متفقین مخصوصاً امریکا دارد، مگر گشایشی در امور حاصل و اسباب رفاهیت اهالی کشور فراهم گردد. و علاوه کردم که ما به پیروزی متفقین اطمینان کامل داریم و از این رو هرچه داشتیم به اختیار آنها گذارده ایم و حقاً انتظار داریم که بعد از خاتمه جنگ و مظفریت دول متفق، ایران در مدنظر متفقین بوده و ابتلائی که در راه فیروزی آنها دیده است فراموش نشود.

«ملت ایران یک ملت تاریخی است که در طی تاریخ ممتد خود رنجهای دیده و این دوره یکی از ادوار پرمشقت آن می باشد. بدیهی است که این ملت قدیمی و ملت جوان امریکا می توانند برای مصالح و منافع یکدیگر باهم همراه و هم قدم شوند.

«ژنرال اظهار داشت ما میل داریم کلیه ملل مخصوصاً ملل کوچک در رفاهیت زندگی کرده و از همان نعمتهایی که ما از آنها بهره مند هستیم، آنها نیز برخوردار باشند و طبیعی است که مشتقات و ابتلائیات ایران فراموش نمی شود.

«در موقع خداحافظی گفتم دیگر با این موی سفید من و شما، از ما گذشته است که زبان یکدیگر را بیاموزیم تا بی واسطه گفتگو کنیم لیکن در فارسی مثلی هست که می گویند یکدل بودن بهتر از یک زبان بودن است.

«ژنرال اظهار داشت کاملاً این مثال درباره ما صدق می کند.»

وزیر امور خارجه
محمد ساعد

دفتر محرمانه
شماره: ۱۹۱۱
تاریخ: ۱۰ مرداد ۱۳۲۲

جناب آقای تقی زاده، وزیر مختار شاهنشاهی — لندن
«در نامه شماره (۱۸۲۹) مورخ ۱۳۲۲/۵/۴ اجمالاً به این مطلب اشاره شد که متفقین چندان خود را پابند مواد مصرحه در پیمان سه گانه ندانسته و به رعایت و اجرای

تعهدات ناشی از آن توجهی که لازم است ندارند. البته با مراجعه به نامه بالا و در نظر گرفتن مواد پیمان چگونگی امر روشن می‌گردد. ولی برای آنکه توضیح بیشتری در این قسمت داده و مواردی که مورد نظر است توجیه شده باشد مراتب زیر را به اطلاع می‌رساند:

۱- بند ۳ از فصل سوم پیمان سه‌گانه به شرح زیر است:
«واضح و مسلم است که در اجرای (ب. ج. د) از بند دوم این فصل، دول متحد حوائج ضروری ایران را کاملاً منظور نظر خواهند داشت.»

«با آنکه این بند صریح و روشن و جای هیچ‌گونه تعبیر و تفسیری را باقی نگذاشته ولی به‌طوری که تلگرافاً به استحضار رسیده آنچه مخصوصاً مربوط به فقره ب می‌باشد و در نامه بالا اجمالاً زیر شماره (۳) بحث گردیده از طرف متفقین رعایت نشده، چنانکه هنوز مکاتبات راجع به حمل کالاهایی که در جنوب مانده ادامه دارد و به نتیجه اساسی که عبارت از تنظیم برنامه معین و مرتبی باشد نرسیده است. وزارت راه در گزارش اخیر خود چنین می‌نویسد:

«تعیین سهمیه حمل کالای مورد مصرف داخله کشور با سرویس مخصوص نظامی راه‌آهن انگلیس می‌باشد و تا کنون مقامات شوروی و امریکا که در راه‌آهن مداخله دارند، از اظهار نظر در این کار خودداری کرده و در هر مورد که به ایشان مراجعه شده به مقامات انگلیسی احاله داده‌اند. علت عمده تعویق در بارگیری واگنهایی که واگذار می‌کنند نبودن ترتیب و برنامه معینی برای واگذاری واگون به‌نواحی است، مثلاً اراک مدت سه هفته است شکایت می‌کند و تاکنون واگون نگرفته، در نتیجه از قبول کالا خودداری کرده است. در صورتی که ممکن است در طی دو روز بدون اطلاع قبلی یک یا دو واگون واگذار نمایند. البته چون ناحیه مزبور به واسطه عدم اطمینان از واگذاری واگون کالای کافی برای بارگیری حاضر ندارد، سبب تعویق حرکت واگون و بالتیجه عدم استفاده کامل از ظرفیت واگون واگذاری می‌گردد.

«همچنین در درود معلوم نیست ترتیب واگذاری واگون چیست و سهمیه ایستگاه مزبور روزی چند واگون است؟ حتی در اهواز و خرمشهر هم که قبلاً موافقت شده بود روزی ۲۰۰ تن واگذار شود، فعلاً بیش از روزی ۳۴ تن داده نمی‌شود و بالاخره موضوع

حمل کالا از اراک به جنوب است که اصولاً تحت هیچ قاعده و ترتیب نیست و کاملاً بدون برنامه و به میل و اراده مأمورین انگلیسی در محل می باشد (چند سطر ناخواناست) کالاهای مورد مصرف و ضروری هم برنامه ای که فعالیت های مأمورین شاهنشاهی را روشن نماید وجود ندارد و بدین ترتیب مدتها کالاهای ضروری در جنوب مانده و به تهران نمی رسد.

۲- بند اول از فصل چهارم پیمان صراحت بر این معنی دارد که: «تا جایی که مقتضیات استراتژیک اجازه بدهد، نقاطی که این قوا آنجا نگاهداشته خواهد شد با موافقت دولت ایران تعیین خواهد شد.»

«این قسمت به هیچ وجه تا به حال از طرف متفقین رعایت نشده و حتی در یک مورد هم دیده نشده است (ناخوانا)..... و حال آنکه نیروی متفقین در (ناخوانا)..... سوق الجیشی ندارد پراکنده می باشد چنانکه در تهران پایتخت کشور که به هیچ وجه نمی بایستی طبق موافقت نامه های قبلی، نیروهای متفقین اقامت نمایند مملو از نیروی آنهاست.

«و همچنین آنجایی که در بند یکم فصل چهارم گفته می شود: «جمع مسائل مربوط به روابط بین قوای دول متحده و ادارات ایران حتی الامکان با همکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد به نحوی که مأموریت قوای مزبور محفوظ باشد.»

«و در جای دیگر که تأیید می شود: «مزاحمت آنها با ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگانی اقتصادی کشور و رفت و آمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران در حداقل امکان خواهد بود.»

«باید توضیح داده شود که در بسیاری از موارد نیروی متفقین مثلاً بدون مراجعه به مقامات وابسته شاهنشاهی به خانه مردم می روند، اشخاصی را دستگیر و توقیف می کنند. مخصوصاً در راه شمال با چوب جاده را مسدود و مانع عبور و مرور می شوند.

در هر یک از این موارد یادداشت‌هایی صادر شده ولی بلا نتیجه مانده است.

۳- بند دوم از فصل چهارم ناظر است بر اینکه:

«هرچه زودتر ممکن شود بعد از اعتبار یافتن این پیمان یک یا چند قرارداد راجع به تعهدات مالی که دول متحده به سبب مقررات این فصل و فقره (ب. ج. د) از بند دوم فصل سوم بر عهده خواهند داشت در اموری از قبیل خریدهای محلی و اجازه ابنیه..... الخ منعقد خواهد شد.»

«نمونه کامل عدم رعایت این بند طرحی است که متجاوز از یک سال است از طرف وزارت راه تنظیم و تسلیم نمایندگان متفقین شده، کتباً و تلگرافاً نیز سفارت شاهنشاهی آگاه شده‌اند و هنوز به جایی منتهی نشده است. نسبت به سایر موارد هم قراردادی منعقد نگردیده و تکلیف نامعلوم است.

۴- فصل ۷ پیمان

«بحران اقتصادی و مالی کشور که در نتیجه جنگ حاضر پیش آمده موضوعی نیست که جنابعالی به آن آگاهی نداشته باشید و طی نامه‌های متعدد جزئیات امر به اطلاع سفارت شاهنشاهی رسیده و از عدم توجهی که متفقین نسبت به آن تا به حال نموده‌اند نیز استحضار کامل دارند، چنانکه دو طرح موافقت‌نامه که به استناد این ماده تنظیم و تسلیم نمایندگان متفقین شده است و رونوشتی از آن نیز جهت سفارت شاهنشاهی ارسال شده، هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده است و به طوری که از جواب سفارت انگلیس در این باب مشاهده می‌شود، طرح‌های نامبرده را از لحاظ اینکه اساس مذاکره واقع شود کاملاً نامناسب تشخیص داده و معتقدند نکات عمده آن ضمن موافقت‌نامه‌های بعدی ذکر و حل شده است. شاهد مثال را قرارداد مالی و موافقت‌نامه خواربار می‌آورند که اگر هر کدام با دقت مطالعه شود، واضح و روشن می‌گردد که نه تنها باری از دوش ما بر نداشته‌اند، بلکه از بسیاری جهات مخصوصاً آنچه مربوط به موافقت‌نامه خواربار است با شئون و حیثیات مملکتی تطبیق نمی‌کند و بر اشکالات ما افزوده‌اند.»

وزیر امور خارجه

وضع قلم‌تصاویر در اخبار

به موازات مکاتبات مزبور عبدالحسین هژیر وزیر وقت راه به لندن اعزام شده و به طور غیر رسمی مأموریت یافت طی مذاکره با مقامات سیاسی دولت انگلیس نگرانیها و معضلات سیاسی و اقتصادی ایران را برای اعضاء آن دولت تشریح نماید.

تلگراف هژیر مبنی بر اقدامات مقدماتی درباره این مأموریت به شرح زیر است:

تلگراف رمز

تاریخ ۱۴ مهر

جناب آقای سهیلی، نخست‌وزیر - تهران

«مستر چرچیل نخست‌وزیر انگلستان امروز با حضور جناب آقای وزیر مختار مرا پذیرفته و بیانات محبت‌آمیزی کردند که همه مشعر بود به توجه قلبی معظم‌له (ناخوانا) گذشته ایران و قدرشناسی متفقین از زحمات و مساعدتهای ایران در کار جنگ فعلی و اطمینان قطعی معظم‌له به (ناخوانا) حقوق و استقلال ایران هنگام اعاده صلح. ضمناً وعده دادند که با مستر ایدن وزیر امور خارجه انگلستان که تصمیم در باب تقاضاهای فعلی دولت ایران اختصاص به مشارالیه دارد، حسن موافقت اساسی خودشان را اظهار دارند. چون مخصوصاً اظهار میل کرده بودند که بیانات معظم‌له را شخصاً به پیشگاه مبارک ملوکانه تقدیم دارم، عریضه تلگرافی معروض افتاده است که البته خاطر جنابعالی از آن مسبوق خواهد شد.»

عبدالحسین هژیر

گزارش سید حسن تقی‌زاده وزیر مختار ایران در لندن درباره مذاکرات عبدالحسین هژیر با مقامات دولت انگلیس از این قرار است:

جناب آقای سهیلی رئیس‌الوزراء - تهران

«وقتی که آقای هژیر به اینجا رسیدند، در ملاقاتهایی که با مقامات دولتی انگلیس به عمل آمد، ایشان پس از آنکه اظهار داشتند مسافرتشان غیر رسمی بوده، و توضیح دادند که عمده منظور مسافرتشان روشن کردن خاطر من و دادن اطلاعات کامل به این جانب و مبادله نظر بوده، علاوه نمودند که ضمناً منظور هم این بوده که اگر اولیای دولت انگلیس مایل باشند و اقبال نمایند، از این فرصت استفاده شده به عنوان تماس شخصی - که حالا بین وزرای دول دوست و رجال مسئول آنها با همدیگر معمول شده - اشکالات فعلی و آینده دولت را ممکن است به حضرات تشریح نمایند، و چون ایشان از مرکز می آیند و احاطه و بصیرت کامل به امور دارند، حاضرند مسائل را دقیقاً توضیح بدهند و مقاصد دولت را بیان نمایند، بلکه سعی شود عقاید و خیالات رجال انگلیس هم در باب این مسائل بر ما کاملاً معلوم شده و ضمناً راه حلی برای آنها متفقاً جسته شود.

«چون حضرات این منظور را استقبال کردند و پیشنهاد نمودند که بهتر است خلاصه آنچه باید مورد مطالعه و مذاکره شود به تحریر بیاید، آقای هژیر شرحی بسیار کامل و مبسوط و وافق و مستند به دلایل قاطع و اعداد و ارقام تهیه نمودند و به انگلیسی ترجمه شد و در ۱۷ سپتامبر به وزیر امور خارجه که آن موقع از امریکا برگشته بود، فرستاده شد.

«اگر چه برای تنظیم این یادداشت مشروح و ترجمه و ماشین آن خود دو هفته یا بیشتر وقت لازم شد، لکن چون وزیر خارجه غایب بود و در هر حال بایستی انتظار عودت او را داشته باشیم، وقتی تلف نشد.

«وزیر امور خارجه وعده کرد لایحه را به دقت بخواند و البته خواند. همچنین ادارات مربوطه آن را به تأمل و تحقیق وافق چندی مورد دقت و مطالعه قرار دادند، لکن در دادن جواب و اقدام به مذاکره مطالب، تأخیر ممتد شد. گفتند برای تکمیل تحقیقات خود به وزیر مقیم در قاهره و همچنین به تهران مراجعه و سؤالاتی کرده اند و منتظر

وصول جواب آنها هستند. در این بین حرکت وزیر خارجه به مسکو پیش آمد و مشارالیه مراسله‌ای قبل از حرکت نوشت، که شرح آن را تلگرافاً به وزارت خارجه عرض کرده‌ام، اظهار تأسف از این تأخیر اضطراری نموده و وعده داد در عودت از مسکو جواب وافی بدهد. امیدوار بود در مسکو با نمایندگان امریکا و روسیه هم در باب بعضی مسائل مربوطه مذاکراتی بکند، لذا چاره جز صبر نبود. در این بین جناب آقای هژیر به واسطه علت مزمن که داشتند به اطباء مراجعه نموده و آنها پس از مشاورات و معاینات زیاد حکم قطعی به لزوم عمل جراحی و در آوردن آپاندیس دادند و لذا ایشان پنج روز قبل به مریضخانه رفتند و ۲۳ مهر عمل شد و الحمدالله به خوبی گذشت لکن ایشان اقلّاً دو سه هفته باید در آنجا بخواهند و بعد از بیرون آمدن از مریضخانه هم قطعاً ضعیف خواهند بود و شاید اقلّاً دو هفته دیگر هم استراحت و تقویت لازم داشته باشند تا قادر به مسافرت گردند. از تلگرافی که دو روز قبل خطاب به جناب آقای هژیر مخابره فرموده بودید و فردای روز عمل رسید و چون اطباء اجازه ملاقات نمی‌دادند و فقط امروز ممکن شد به ایشان رسانیده شود معلوم شد تسریع در حرکت معزی‌الیه فرموده‌اید. ایشان محض انجام فرمایش عالی حاضر شده‌اند در اولین موقع حرکت

۱ - متن نامه انتونی‌ایدن وزیر امور خارجه انگلیس به وزیر مختار ایران در لندن از این قرار داست:

۱۱ اکتبر ۱۹۴۳

شماره: ۵۹۸۶۸۲۳۴ ای

جناب آقای سید حسن تقی‌زاده
وزیر عزیز،

«امیدوار بودم که برایم امکان داشت قبل از عزیمت خود به نامه آن جناب به شماره ۹۲۸۷۱۹ مورخ ۱۷ سپتامبر که در آن یادداشت جناب آقای هژیر درباره اوضاع ایران را ضمیمه نموده بودید جواب داده باشم. اما قبل از اظهار نظر خود درباره ملاحظات و پیشنهادهای آقای هژیر بهتر دیدم که لازم است، همانطوری که سر ریدر بولارد نیز بر این عقیده هستند، با وزیر کشور در قاهره مشورت نمایم. متأسفانه در این موقع امکان نیست که جوابهای او به‌زودی به‌دست این جانب برسد و بتوانم قبل از عزیمت خود جواب مورد نظر شما را بدهم.

«درباز گشت از مسکو، جایی که امکان دارد فرصت آن را داشته باشم که درباره مسائل مربوط به ایران با نمایندگان دولتهای شوروی و ایالات متحده آمریکا، مذاکره نمایم، جواب مشروح خود را خواهم داد.

«در ضمن از آقای موریس پترسون خواهم خواست که در غیاب من با آقای هژیر در مورد مسائلی که مورد نظرشان است مذاکره نمایند.»

ارادتمند شما
آنتونی‌ایدن

نمایند لکن بنده بنا بر وظیفه عرض مصالح کار لازم دانستم عرض کنم که اگر باید مقاصد و منظورات دولت به نحو کامل انجام یابد، بلاشک ختم این مذاکره که از طرف ایشان شروع و به اتفاق این جانب تعقیب شده با حضور خود ایشان مناسبتر و سهلتر است و شاید شایسته نباشد در وسط کار خود اظهارکننده پس خوانده شود و البته تأثیر خوبی نمی‌کند. چون مطالب عموماً طرح شده، بسیار مطلوب است که نتیجه، اعم از نفی و اثبات و امیدبخش یا یأس‌انگیز زودتر معلوم شود و لب مطالب به دست آید و خود ایشان حامل مطالب بشوند، و محتاج به مخابره چند هزار کلمه تلگراف برای بیان ناقص مطلب نباشیم.

«به علاوه توضیح مطلب به حضرات سهل نخواهد بود که چه شد کسی که مطلبی را عنوان کرد، ناقص گذاشته پیش از دریافت جواب و ختم مذاکرات بگشتاً برگشت. بنابراین با آنکه از احتیاجی که به وجود آقای هژیر در تهران حاصل است و اینکه او مورد اعتماد خاص خودتان است مطلع، می‌خواهم خواهش کنم که در صورت امکان اجازه فرمایند ایشان تا انجام این مذاکره و ختم مطلب که گمان نمی‌کنم خیلی طول بکشد، بمانند و به مجرد حصول نتیجه حرکت کنند البته مذاکرات و ملاقاتهای ایشان بی‌ثمر نبوده و در هر حال متضمن فواید بوده است. مأمور فرمودن ایشان به این مسافرت یکی از خیالات عالیه جنابعالی بوده و بنده بالخصوص از این بابت بی‌اندازه متشکرم. «در اصل مطلب البته لازم است عرض شود که به حصول نتیجه مثبت و مطلوب نمی‌توان یقین داشت ولی وضوح منویات ولو نتیجه یأس داشته باشد یکی از دو راه است.»

حسن تقی‌زاده

جزوه‌دان ۷ پرونده ۱۹ سفارت شاهنشاهی ایران - لندن

مفاد نامه عبدالحسین هژیر به وزیر امور خارجه انگلیس به شرح زیر می‌باشد:

«از اوت ۱۹۴۱ که سیاست بی‌طرفی ایران در جنگ کنونی خاتمه یافت و شالوده همکاری صمیمانه ایران با متفقین ریخته شد، دولت ایران هرچه در قوه داشت با کمال جدیت به کار برد، تا تعهداتی را که در برابر متفقین به عهده گرفته است به وجه اتم اجرا کند. (به ضمیمه ۱ صفحه ۲۲۳ مراجعه شود) و مبانی و مظاهر این دوستی و

همکاری را روز به روز تحکیم و تقویت نماید و به‌حدی در این راه کوشید که در بعضی موارد از آنچه هم که قبلاً تعهد کرده بود به‌مراتب پیش‌تر رفت تا به‌متفقین عملاً ثابت شود که دولت ایران صادقانه مایل به‌استحکام و توسعه‌ی حسن مناسبات و معاوضت ذات‌البین است. (به‌ضمیمه‌ی ۲ صفحه‌ی ۲۲۴ مراجعه شود) لکن در ضمن اجرای این سیاست که اساس آن از بدو امر تطبیق مصالح ایران با منافع متفقین بود و دولت ایران در اتخاذ و اجرای آن همیشه به‌حسن مساعدت و حسن نیت متفقین و بالخاصه دولت انگلستان نسبت به ایران کاملاً امیدواری و قلباً اعتماد داشت — و البته این امیدواری و اعتماد اکنون نیز به‌قرار سابق باقی است — رفته‌رفته وضعی در ایران به‌وجود آمد که کار دولت را هر روز از روز پیش سخت‌تر کرد.

«به‌نظر دولت ایران مشکلات مزبور بیشتر از اینجا برخاست که مقررات پیمان ژانویه‌ی ۱۹۴۲ چنانکه انتظار می‌رفت به‌موقع اجرا در نیامد (به‌ضمیمه‌ی ۳ صفحه‌ی ۲۲۵ مراجعه شود) تا به‌آنجا که رویهم‌رفته وضع ایران را از اوت ۱۹۴۱ به‌بعد در دو جمله‌ی ذیل می‌توان خلاصه کرد:

«ابتلای روزافزون مملکت و مردم به‌انواع مصائب و مشکلات و عدم توفیق دولت در تلاشی که همواره به‌جهت تأمین آسایش ملت و قدرت حکومت کرده است. این ابتلا و عدم توفیق گذشته از وخامتی که برای حال و مآل ایران در بر دارد و از این جهت موضوع مطالعه و کمال دقت دولت ایران شده است، به‌عقیده‌ی دولت ایران ناچار تاکنون نسبت به‌دوره‌ی جنگ از لحاظ سیاست همکاری که به‌موجب پیمان ژانویه‌ی ۱۹۴۲ فی‌مابین برقرار شده و نسبت به‌دوره‌ی بعد از جنگ از لحاظ مناسبات دائمی همسایگی مورد توجه دول متحده نیز قرار گرفته است.

«منشأ ابتلاء و عدم توفیق سابق‌الذکر در آنچه مربوط به‌وضع داخلی ایران بشود موضوع بحث جداگانه خواهد بود. در اینجا بالفعل منظور این است که مقدمتاً اوضاع فعلی ایران از لحاظ تأثیری که مناسبات دو سال اخیر دول متحده با ایران در آن بخشیده است کاملاً تشریح شود و پس از آن چاره‌ای که برای اصلاح آن به‌نظر می‌رسد توضیح گردد. بنابراین مجموعه‌ای که اوضاع فعلی ایران را در هر رشته جداگانه تحت رسیدگی قرار داده و موجبات اصلی و کیفیات فعلی هر یک را جزء به‌جزء تشریح نموده است ضمیمه می‌شود (به‌ضمیمه‌ی ۴ صفحه‌ی ۲۳۳ مراجعه شود). «آنچه را که مفصلاً در ضمیمه‌ی ۴ آمده است می‌توان به‌این ترتیب خلاصه کرد که

در نتیجه وقایع اوت ۱۹۴۱ رشته‌هایی که تا آن تاریخ امور ملی و دولتی ایران را به هم متصل می‌کرد و راه می‌برد، غالباً قطع شد و به هم ریخت و یک سیاست عمومی که کلیه امور مملکت را با هم تطبیق بدهد و اداره نماید، ثابت نماند و جز سیاست همکاری با متفقین در مقاصد و کارهای آنها، سایر مسائل اساسی مملکت کمتر مجال توسعه و تثبیت پیدا کرد. حال آنکه دولت ایران می‌بایستی علاوه بر همکاری صمیمی با متفقین، سایر ارکان سیاست مملکت را نیز مشخص کند و مقتضیات همه آنها را در نظر گرفته با هم وفق بدهد و طوری عمل کند که مملکت هم از همکاری صمیمی متفقین بهره‌مند شود و هم به نوبه خود کمک مؤثرتری، هر قدر که بتواند، به متفقین بکند.

«اما متأسفانه این کار تاکنون انجام نگرفته است زیرا که در ظرف این دو سال برای دولت ایران روشن نبوده است که متفقین وی در ضمن اجرای نقشه‌ای که خودشان در سیاست عمومی خود تعقیب می‌کنند، نسبت به آنچه مربوط به ایران می‌شود، از همکاری دولت ایران بالصراحه و منجزاً چه انتظاراتی دارند. به علاوه دولت ایران هیچ وقت فرصت نیافته است که مشکلات و احتیاجات ضروری مملکت را یک جا با متفقین در میان بگذارد، تا نمایندگان سه دولت با هم بنشینند و انتظارات دول متحد را با احتیاجات ضروری مملکت و تعهدات ذات‌البین و حقوق حاکمیت ایران تطبیق دهند و بر اساس همکاری کامل، نقشه اجرایی آن را تهیه نمایند، و همینکه مقصد مشترک و راه وصول به آن بر هر سه دولت معلوم شود دولت ایران مسئولیت اجرای وظیفه خود را در برابر مملکت و متفقین به عهده بگیرد و به تقویت متفقین به پایان برساند. بلکه جریان کار غالباً این طور شد که متفقین احتیاجات خود را که اغلب هم مستعجل بود، به تدریج که ضرورت پیش می‌آورد، بیان کردند و هر بار که دولت ایران در مقام انجام آنها بر آمد، چون از پیش برای رفع مشکلات قهری آنها فکری نشده بود، اجرای آن بسا که به مانع برخورد یا طول کشید و علی‌الظاهر راه کدورتی را به دل نمایندگان متفقین باز کرد.

«ضمناً در بعضی امور نیز متفقین مصلحت را در آن دیدند که مستقلاً قدمی بردارند و اقدامی بکنند و در نتیجه مردم از مداخله مستقیم آنها شروع به شکایت کردند و چون دولت جوابی به ایرادات مردم نداشت رفته رفته بر موجبات ضعف دولت افزود و مجموع این حوادث به اینجا منجر شد که از یک طرف روز بروز توانائی قشون و قوای

تأمینیه در برقراری نظم و امنیت روبه‌کاهش گذارد و در عواید دولت کسر فاحش راه یافت، و گرانی و سختی زندگی مأمورین دولت را از کار باز داشت به‌این ترتیب عواملی که در عموم ممالک وسیله کار دولتها است، در ایران سست شد. از طرف دیگر تمام مردم از هر طبقه که بودند بلااستثناء از قحطی و گرانی و اختلال امور معاشی و ناامنی به‌جان آمدند و در همه این احوال تقصیر را از دولت دانستند. «نتیجه همه این وقایع این شد که متفقین بر اثر ضعف روزافزون دولت هر روز بر مداخله خود افزوده و همین افزایش مداخله موجب فزونی ضعف دولت گردید و این دور تسلسل دوام یافت و هنوز هم دوام دارد.

«دولت ایران با اوضاع فعلی پایان این دور تسلسل را هم از نظر مصالح مملکت ایران و هم از نظر مصالح دول متحد و خیم می‌داند و یگانه چاره را در آن می‌بیند که هرچه زودتر دنباله این دور تسلسل را قطع کند و برای نیل به‌این مقصود به‌تقویت واقعی و اساسی مبانی دولت که یگانه علاج درد است بپردازد. «این تقویت کاملاً به‌صرفه دول متحد است اما درباب نقشه انجام کار چون شرط اول پیشرفت آن، مساعدت جدی دول متحد و مخصوصاً مجاهدت باطنی و ظاهری دولت انگلیس است، آنچه به‌نظر دولت ایران رسیده و از لحاظ مناسبات همکاری و دوستی و همسایگی چگونگی آن در اینجا با دولت انگلستان در میان گذاشته می‌شود ذیلاً تشریح می‌گردد:

«اولاً — اگر وزارت امورخارجۀ انگلستان بتواند ترتیبی بدهد که امور مربوط به‌ایران (قطع نظر از مراحل عدیده‌ای که موقتاً از لحاظ مقتضیات جنگ برای بعضی از امور قائل شده و مراجعی مقدماً در مصر و غیرذلک به‌جهت آنها برقرار کرده‌اند) در صورتی که در تهران حل نشود، مستقیماً به‌لندن رجوع شود، یکباره بسیاری از مشکلات آسان خواهد گردید و سهولت کار و مخصوصاً تقویتی که از این بابت برای دولت ایران فراهم خواهد شد کمک بزرگی به‌پیشرفت کار دولت خواهد کرد. زیرا که با وضع فعلی که در هر قسمت اداره جداگانه‌ای مستقلاً به‌امور مربوط به‌خود می‌پردازد و قبل از اینکه مطلب خاتمه پذیرد و یا به‌لندن رجوع شود، مدت‌های مدید در مراجع مختلف جریان اداری را می‌پیماید، در غالب مطالب دولت ایران نتوانسته است در امور جواب قطعی فوری به‌دست بیاورد.

«ثانیاً — تقاضای دولت ایران این است که کلیه مأمورین دول متحده همان‌طور که در پیمان ژانویه ۱۹۴۲ مقرر و پیش‌بینی شده است، عملیات خود را در ایران کاملاً بر اساس همکاری قرار بدهند و به این ترتیب از هر اقدامی که شائبه مداخله در آن رود صمیمانه احتراز نمایند، و برای حسن انجام تقاضاهایی که از ایران دارند بر اساس همکاری و معاضدت دو طرفی موضوع را در میان بگذارند و با مطالعه کلیه عواقب آن، وسایل اجرای آن را به کمک دولت معین کنند و حتی برای رفع حوائج خود (از خرید و غیره) نیز قرار آن را با دولت بدهند و مستقیماً به بازار رجوع نمایند، والا مناسبات دو مملکت از صورت همکاری خارج خواهد بود.

«یکی از وسایلی که ممکن است به انجام این مقصود کمک مؤثر بکند این است که آنچه اجرای آن براساس مقرارت پیمان اتحاد و یا به مقتضای حوادث و پیشامدها به وسیله همکاری دولت ایران با دول متحد مورد نظر باشد، قبلاً به کمیسیون مرکب از نمایندگان دولت ایران و دول متحد احاله شود، تا کمیسیون در آن خصوص مذاقه کافی نماید و با جلب موافقت کامل دولت ایران تدابیر و وسایلی را که به جهت انجام توقعات متفقین از ایران ضروری است، پیشنهاد کند. به این ترتیب امکان اجرای هر امری که ضروری تشخیص داده شود به مراتب سهلتر خواهد گردید. در این صورت نسبت به مطالبی هم که دولت ایران داشته باشد قهراً همین رویه معمول خواهد شد. به این معنی که در آن موارد نیز دول متحد فی الفور نمایندگان خود را معلوم خواهند کرد تا به اتفاق نمایندگان دولت ایران به موضوع رسیدگی نمایند و البته از اعضای کمیسیون، هریک مختار خواهند بود که در هر بار هر قدر حاجت باشد مشاور و کمک به جهت خود به کمیسیون دعوت کنند.

«اما حسن تأثیر و نتیجه مطلوبی که از این رویه انتظار می‌رود موکول بر این خواهد بود که اولاً آنچه برای رفع حوائج متفقین ضروری باشد بالانحصار مستقلاً به دست دولت ایران و با امر دولت ایران به دست دوایر ذیدخل دولت انجام بگیرد، و اساساً حاجتی نباشد که دوایر مختلف ایران مستقیماً طرف رجوع مأمورین دول متحد قرار گیرند. ثانیاً کلیه مأمورین دول متحد از کشوری و لشگری و غیر آن، تصمیماتی را که پس از رسیدگی کامل کمیسیون سابق الذکر به توافق طرفین اتخاذ می‌شود، به اسرع اوقات به مقام عمل در آورند و اینکه هریک از مأمورین لشگری و کشوری دول متحده مطیع مرکز مخصوصی در دستگاه دولت متبوع خود هستند، مانع اجرای سریع اقدامی

که به جهت رفع مشکلی از دولت ایران مورد موافقت قرار گرفته است، نباشد. «بدیهی است اگر این نظر اصولاً مورد توافق دولت ایران و همچنین دو دولت متحد قرار بگیرد کیفیت اجرا و حدود اختیارات نمایندگان سه دولت جداگانه باید معلوم و مصرح گردد.

«ثالثاً — انتظار دولت ایران این است که دولت انگلستان مساعدت جدی مبذول دارد که آنچه از مقررات پیمان ژانویه ۱۹۴۲ تا کنون در نتیجه اقدام بعضی از مأمورین دول متحده کان‌لم‌یکن تلقی شده است، مراعات شود و به این ترتیب هر عمل و اقدامی که ممکن است تاکنون از ناحیه بعضی از نمایندگان دول متحده و یا عمال آنها شده باشد، و با تمامیت ارضی و یا وحدت کامل اداری و نظامی و اقتصادی و مالی ایران و یا با استقلال و حاکمیت ایران منافات داشته باشد و یا آنکه حوائج ایران را چنانکه باید منظور نداشته باشد و یا آنکه پیش از حد لزوم برای ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگی اقتصادی کشور و رفت و آمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران مزاحمت فراهم کرده باشد، منبذ متروک گردد.

«رابعاً — دولت ایران تقاضا دارد آن قسمت از مقررات پیمان ژانویه ۱۹۴۲ که تا کنون موقوف الاجراء مانده و پیش‌بینی انعقاد قراردادهایی را می‌کرده است که می‌بایستی تعهدات مالی دول متحده را در مقابل ایران مشخص نماید و حافظ حیات اقتصادی ملت ایران در مقابل تضییقات و اشکالات ناشیه از جنگ باشد و مصونیت‌هایی را که قوای دول متحد در ایران می‌توانند از آن بهره‌مند شوند روشن کند و ترتیب واگذاری ابنیه و مستحدثات دول متحد را در خاک ایران در خاتمه جنگ به دولت ایران معین نماید، مورد توجه دولت انگلستان قرار گیرد و دول متحده هرچه زودتر نمایندگان خود را برای مذاکره و امضای قراردادهای مزبور معلوم نمایند. اهمیت این قراردادها به اندازه‌ای است که بدون آنها امور مالی و اداری و نظامی دولت، اوضاع اقتصادی و پولی مملکت و معر معاش و ضروریات زندگی ملت کلیتاً آشفته و معلق است و روز بروز هم بدتر می‌شود.

«برای عقد این قراردادها ناچار بایستی موجودی و توانایی مملکت (از حیث اسکناس و عواید دولت و اسعار و فلزات قیمتی و اجناس فلاحی و معدنی و صنعتی

و وسایل نقلیه و استعداد کارخانجات اسلحه‌سازی ایران و غیره)، احتیاجات دول متحد در ایران (از حیث وجوه نقد و جنس برای مصرف و برای صدور حمل و نقل و غیره)، و حداقل احتیاجات مردم ایران به اجناس داخله و خارجه و میزان قیمت اجناس و قانون وام و اجاره و غیر ذلک، حداقل احتیاجات دولت ایران برای مرتب کردن دستگاه اداری مملکت، استقرار نظم و امنیت در تمام کشور به وسیله تجهیز و انضباط قوای تأمینیه و برقراری ثبات واقعی در امور مالی و حوائج صنعتی و زراعتی مؤسسات دولت و غیره کلاً با هم در نظر گرفته شود و بر اساس همکاری کامل و صمیمانه ترتیب کلی داده شود که سهم هریک آنچه منصفانه است بشود و حق هر کدام آنچه عادلانه است برسد.

«قبل از اینکه این موضوعات کاملاً روشن بشود و قراردادهای آن امضا گردد. هیچ قدمی در راه بهبود اوضاع ایران نمی‌توان برداشت. دکتر میلسپو هم اگر قبل از امضای کلیه قراردادهای مزبور به‌کاری دست بزند و در نظر داشته باشد که در هر بایی که به تدریج پیش بیاید جداگانه به دولت ایران مراجعه کند و گذرانیدن قانون تازه و یا تقاضای مساعدت متفقین را از دولت بخواهد و هر اقدامی که بکند، محققاً محکوم به عدم توفیق خواهد بود. زیرا که این رویه فقط در صورتی که دکتر میلسپو وقت طولانی برای اصلاحات داشته باشد به نتیجه خواهد رسید و حال آنکه اوضاع اقتصادی و مالی ایران به درجه‌ای از وخامت رسیده است که تصور نمی‌رود دیگر تاب و تحمل داشته باشد.

«در موقع مذاکره برای عقد قراردادهای مزبور، این نکته حائز کمال اهمیت خواهد بود که در مورد بسیاری از این مسائل، مخصوصاً در مورد آنهایی که در تولید ثروت مملکت مؤثر هستند، مانند راه و راه‌آهن و کارخانه و معادن و اسکناس و اسعار و فلزات قیمتی و غیره، در آن واحد ممکن است دو دوره قائل شد و از حالا یک نقشه برای دوره جنگ و نقشه دیگر برای دوره بعد از جنگ کشید.

«در این میان به طوری که به نظر می‌رسد خاتمه کار قرارداد راه‌آهن و راه شوسه و بندر از سایرین آسانتر خواهد بود. زیرا که طرح آن متجاوز از یک سال و چهارماه قبل در تهران تهیه و تسلیم شده است. در صورتی هم که اولیای دولت انگلستان مذاکره‌ای را در باب مندرجات آن لازم بدانند تصور نمی‌رود که در لندن مدت طولانی برای خاتمه مذاکرات مربوط به آن صرف شود.

«خامساً — دولت ایران از همان موقعی که پیمان اتحاد ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ را امضا کرد و اجرای آن را صمیمانه برعهده گرفت، این توقع را داشت که دول متحد در کلیه مناسبات و روابط خود با ایران و همچنین در کلیه تصمیمات بین‌المللی، همان مرتبه‌ای را که برای عموم متفقین خود قائل شده‌اند، یا بعدها قائل می‌شوند، برای ایران نیز بشناسند. علی‌الخصوص که در میان متحدین، دول بسیاری هم هستند که سهمشان از مصائب و متاعب جنگ به مراتب از آنچه نصیب ایران شده است کمتر می‌باشد. بنابراین از وقتی که جریان حوادث معلوم کرد که اولاً — برای ارتباط و همکاری جمع کثیری از مردم ایران که مدتی از اوضاع مملکت پریشان‌خاطر و از آینده ایران دچار بیم‌وهراس شده‌اند موجبات آسایش‌خاطر فراهم خواهد گردید.

«ثانیاً — دولت وسیله خواهد داشت که فوراً مایحتاج زندگانی چهارصد هزار مستخدم دولت را که مدتی است از گرانی و تنگی فوق‌العاده در زحمت‌اند به‌قیمت مناسب و معتدل در دسترس آنها بگذارد.

«ثالثاً — حداقل نان و برنج و قند و چای و گوشت و هیزم و زغال و قماش و دوا و صابون مردم مملکت بدون تأخیر تدارک خواهد شد و به‌ترتیب منظم به‌عموم خواهد رسید و به‌این ترتیب آسایش نسبی ملت از بابت ضروریات زندگی فراهم خواهد گردید.

«رابعاً — در نتیجه تأمین ضروریات و حوائج قشون، در ضمن قراردادهایی که ذکر آن گذشت و رفع مداخلاتی که تاکنون موجب تزلزل کار قشون بوده است، دولت فرصت خواهد یافت که قوای مسلح مملکت را مرتب و منظم کند. زیرا مسلم است که ایران نیز مانند عموم ممالک دنیا بدون قوه مسلح نمی‌تواند باقی بماند. البته این قوه از حیث عده و انتظامات و تشکیلات و مهمات و سایر خصوصیات بایستی با توانایی مالی و احتیاجات واقعی مملکت متناسب و از حیث اداره کاملاً ثابت و محکم و بر طبق قانون اساسی مطیع اصول نظامی و از جریانات سیاسی مملکت که ممکنست هر روز دستخوش تغییر بشود قطعاً برکنار و مخارج و حوائج آن از هر جهت آماده باشد.

«بنابراین در آن صورت متخصصین امریکایی که سال گذشته به‌ایران دعوت

شده‌اند نقشهٔ اصلاح و تشکیل قشون و امنیه و نظمیهٔ ایران را بر این اساس تهیه و اجرا خواهند کرد و به‌این ترتیب امنیت در مملکت مستقر خواهد شد و عواید دولت مرتباً وصول خواهد گردید.

«نتیجهٔ این اقدامات این خواهد بود که دولت معناً و مادئاً روزبه‌روز قویتر خواهد شد. به‌همین مناسبت افکار عامه بیش‌ازپیش پشتیبان دولت خواهد بود و همین قدرت و فرصت به‌دولت وسیله خواهد داد که از طرفی در راه همکاری و معاضدت با دول متحد روزبه‌روز پیش‌تر برود و بعد از جنگ نیز در ضمن انجام نقشه‌های اقتصادی و مالی که مقدمات آنها از حالا باید تهیه و به‌اجرا گذاشته شود روابط صمیمانه‌تری با دول متحد برقرار سازد و اصلاحات ضروری مملکت را به‌تدریج طرح و اجرا نماید.

«این بود رئوس مطالبی که در خصوص نقشهٔ عمل آیندهٔ دولت ایران جمع‌آوری و نگاشته شده و مجموع آن در صورتی‌که از هر جهت اجرا شود، به‌عقیدهٔ دولت ایران شکل سیاست عمومی جامع‌الاطراف و کاملی است که با همکاری صمیمانهٔ متفقین و ایران انجام‌پذیر خواهد بود و علاقهٔ مردم ایران به‌دول متحد و مخصوصاً نسبت به‌انگلستان چندین برابر خواهد بود و در حال و آینده وسائل تحکیم استقلال و تمامیت ایران را تأمین خواهد کرد و البته برای تشریح جزئیات این نقشه و روشن کردن مقصود هر توضیحی را که لازم بدانند فوراً در لندن داده خواهد شد و هرگونه مذاکره‌ای را که مورد لزوم باشد ممکن است فوراً شروع نمود. بدیهی است در ضمن مذاکرات مربوط به‌کلیات و اصول اساسی سیاست عمومی مزبور درباب حل و خاتمهٔ هریک از فقرات مشروحه دراین تذکاریه نیز در صورتی‌که صلاح بدانند موضوع با وزارتخانه‌ها و ادارات مربوطهٔ دولت انگلستان مورد مذاکره قرار گیرد از همان قرار اقدام خواهد شد.

«نکتهٔ اساسی دیگری که باید ذکر شود این است که در این سیاست همکاری و حسن مناسبات همجواری آنچه در اینجا توضیح شد مطالبی است که از لحاظ احتیاجات دولت ایران جمع‌آوری شده اما برای اینکه رشتهٔ دوستی و همکاری از هر دو طرف محکم باشد دولت ایران مخصوصاً تقاضا دارد که اولیای دولت انگلستان نیز آنچه را که از ایران در دورهٔ جنگ یا پس از خاتمهٔ آن انتظار دارند و از عهدهٔ ایران ساخته شود و البته با اصول مندرجهٔ فصل اول عهدنامهٔ ژانویهٔ ۱۹۴۲ وفق بدهد جزء به‌جزء بیان نمایند تا ازهمین حالا که نقشهٔ عملیات دولت ایران کشیده می‌شود انتظارات

دولت انگلیس نیز در ضمن آن پیش‌بینی و نقشه‌ اجرایی آن کشیده شود و به‌این ترتیب منبذ هیچ‌گاه هیچ امری که موجب اندک سوء تفاهم یا اندک اختلاف نظر باشد فی‌مابین واقع نشود و هر دو طرف آنچه را که منجزاً بر عهده خواهند گرفت مرتباً انجام دهند.

«اگر در نتیجه این توضیحات اولیای دولت انگلستان و بنا به اقتضای حسن‌نیتی که همواره نسبت به ایران ابراز داشته و می‌دارند اساساً لزوم اتخاذ یک سیاست عمومی روشن را نسبت به ایران قبول می‌نمایند دولت ایران با کمال امتنان و مسرت فوراً هرچه را که لازم باشد خواهد کرد تا نقشه قطعی آن هرچه زودتر بر اساس مطالبی که گذشت، به اتفاق نظر طرفین تنظیم و برای اجرا حاضر شود. در آن صورت اطمینان قطعی حاصل است که هر دو طرف از مزایا و منافع آن چه در موقع جنگ و چه در موقع صلح بهره‌مند خواهند گردید و البته این نکته نیز مسلم است که آنچه در اینجا قید شده است، فقط از لحاظ تهیه زمینه مذاکرات بوده، والا اگر اولیای دولت انگلستان برای انجام منظور اصلی دولت ایران، پیشنهادهای دیگری مطرح و تصور نمایند که آنها بیشتر و زودتر طرفین را به مقصود نزدیک خواهد نمود، دولت ایران موافقت خواهد داشت که پیشنهادهای مزبور را مورد مطالعه قرار بدهد و حاضر است که در آن بابها وارد بحث و مذاکره شود.

«دولت ایران چون معتقد است که دولت انگلستان نسبت به ایران حسن‌نیت و علاقه باطنی دارد، به یقین می‌داند که مقامات ذیدخل انگلستان آنچه را که در اینجا به رشته تحریر درآمده است، درخور توجه کامل و دقت خواهند شمرد و برای رفع مشکلات از راه مساعدت چاره‌جویی خواهند کرد و فی الحقیقه همتی به کار خواهند برد تا مناسبات دو مملکت بر اساس سیاستی ثابت و روشن استوار شود، زیرا که دوام اوضاع کنونی و لاعلاجی مشکلات زائد اعلی ماسبق، موجب فتور و اختلال خواهد گردید و مشکل است که بگذارد ملت و دولت ایران شالوده ثابتی برای سروسامان دادن به کارهای خود بریزند و مرتباً دنبال کنند.

ضمیمه یک

«برای اینکه معلوم شود که دولت و مأمورین ایران برای انجام منظوری که دول متحده از آمدن به ایران در نظر داشته‌اند تا چه درجه حسن‌نیت و معاضدت واقعی به کار برده‌اند، سه نمونه ذیل ذکر می‌شود:

«اول — جناب آقای سر ریدر بولارد وزیرمختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان، در ۲۷ آوریل ۱۹۴۳ سواد مکتوب فرمأنده کل نیروی عراق و ایران را مبنی بر اظهار رضایت کامل از طرز کار رضایت‌بخش رؤسا و کارمندان راه‌آهن ایران و همچنین صاحب‌منصبان قورخانه مرکزی تهران، در طی مدتی که مأمورین نظامی انگلیس در اداره امور راه‌آهن ایران شرکت داشتند، به وزارت راه ایران فرستاده‌اند.

«دوم — خطوط مختلفه راه‌آهن ایران از اوت ۱۹۴۱ تا مارس ۱۹۴۳ متجاوز از نهصد هزارتن از محمولات انگلیس و امریکا و شوروی را در ایران جابجا کرده، و در ارسال محمولات جنگی از جنوب ایران برای روسیه به قدری مرتب و منظم کار کرده که اکنون در حدود شصت‌هزار تن محمولات جنگی و خوراکی در بندرشاه (کنار بحر خزر) برای حمل به روسیه حاضر است و روسها وسیله حمل سریع آن را ندارند. علاوه بر این در حدود سی‌هزار تن نیز از همان محمولات در طول خط‌آهن در شمال تهران (شاهی، ساری، فیروزکوه و غیره) معطل است و چون باز مرتباً جنس از جنوب می‌رسد و در طول خط انبار برای جابجا کردن آن نیست، در دو هفته اخیر مشغول ساختن انباری در تهران شده‌اند که آنجا هم گنجایش شصت‌هزار تن را خواهد داشت. بدیهی است آنچه در ظرف این دو سال از راه شوسه و به وسیله کامیون از جنوب ایران به روسیه رفته جزء این حساب نیامده است.

«سوم — در ظرف این دو سال راه‌آهن برای مساعدت به متفقین هر روز بر مقدار اجناسی که از جنوب حمل می‌کرده است افزود و تا آنجا که در روز ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۳ در ظرف بیست‌و‌چهار ساعت ۶۲۱۴ تن بار خالص (که غیر خالص آن ۹۴۵۰ تن می‌شود) از بنادر جنوب به تهران رسانیده است.

ضمیمه دوم

«برای اینکه معلوم شود که دولت ایران در مقام ابراز دوستی با دول متحد خود از تعهداتی هم که به موجب پیمان ژانویه ۱۹۴۲ کرده بود در راه همکاری، پیشتر رفته است، نمونه ذیل ذکر می‌شود:

«به موجب ضمیمه دوم پیمان ژانویه ۱۹۴۲ دولت ایران قبول کرده بود که اگر دول متحد هر دو با دولت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند، دولت ایران هم با دولت مزبور روابط سیاسی نگاه ندارد. لکن با اینکه دولت شوروی با دولت ژاپون روابط

سیاسی داشت، دولت ایران بر حسب تمایل دولت انگلستان و امریکا روابط خود را با دولت ژاپون قطع نمود.

ضمیمه سوم

«برای اینکه معلوم شود چگونه پیمان ژانویه ۱۹۴۲ به عقیده دولت ایران کمابغی رعایت نشده است، نمونه‌های ذیل ذکر می‌شود:

«اول – به موجب فصل اول پیمان، دو دولت مشترکاً و هر یک منفرداً تأیید کرده‌اند که تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال ایران را محترم بدارند. دولت ایران هم از مقررات این فصل و هم از علاقه دیرینه‌ای که همواره دول متحد نسبت به استقلال و تمامیت ایران ابراز داشته‌اند، چنین استنباط کرده است که:

«اولاً – تمام مملکت بدون استثناء باید در تحت اداره واحد که مرکز آن تهران است باشد،

«ثانیاً – دول متحد هرچه به اقتضای سیاست همکاری و اشتراک منافع و دوستی و همسایگی از ایران انتظار دارند، قبل از هر اقدامی آن را با دولت ایران در میان بگذارند و نظریات دولت ایران را در آن خصوص بر اساس همکاری بشنوند و با توافق یکدیگر تصمیم بگیرند. بدون اینکه احتیاجی به مداخله خودشان باشد، اجرای تصمیمات مشترک را از دولت ایران انتظار داشته باشند.

«ثالثاً – در هر عملی که هر یک از دولتین متحد در هر نقطه ایران بکنند مسئولیت و ضمانت مطابقت آن عمل با رعایت حاکمیت ایران و تمامیت و استقلال ایران مشترکاً با هر دو دولت خواهد بود، نه تنها با عمل‌کننده، فقط.

«لکن در ظرف این مدت تأسف دولت ایران همواره این بوده است که همیشه کار به این منوال جریان نیافته و همکاری به این طرز تعبیر نشده بلکه موارد عدیده‌ای می‌توان ذکر کرد که برای تردید در تباین آنها با تمامیت و استقلال و حاکمیت ایران وجهی به نظر دولت ایران نرسیده و از آن جمله است امور ذیل:

۱- ولایات شمالی و جنوبی ایران بطرز واحدی که کاملاً تابع مرکز باشد اداره نمی‌شود، و مجاهدت دولت ایران برای اینکه امور اداری و اقتصادی و مالی و نظامی این هر دو قسمت بر اساس واحد و به‌دستور مرکز انجام پذیرد، نتیجه‌قابلی نداده است. حتی برای رفت‌وآمد مردم و حمل‌ونقل اجناس از قسمتی به‌قسمت دیگر قیودی وجود دارد که گویی قسمتهای مختلف ایران از لحاظ اداری و اقتصادی و غیر آن بایستی از یکدیگر جدا زندگی کنند.

۲- اعزام قوا از قشون و امنیه به‌نقاط شمالی بدون تحدید تجهیزات و اسلحه آنها انجام نمی‌گیرد، مگر آنکه مقامات شوروی قبلاً موافقت کرده باشند حتی در محل نیز نمی‌توان بر تعداد و تجهیزات آنها افزود و یا آنکه آنها را جابجا کرد.

۳- قشون دولّ متحده به‌ر نقطه‌ای از ایران که لازم بدانند می‌روند و در آنجا اقامت می‌کنند، حتی در پایتخت نیز به‌تعداد زیاد دیده می‌شوند با آنکه در فصل چهارم پیمان قید شده است «تا جایی که مقتضیات استراتژیک اجازه بدهد نقاطی که این قوا در آنجا نگاهداشته خواهند شد، با موافقت دولت ایران تعیین خواهد شد» موافقتی در این باب از ایران نخواسته‌اند مگر اینکه تصور شود تاکنون یک نکته هم که مشمول قید مقتضیات استراتژیک می‌باشد نبوده است.

۴- اقداماتی که دولّ متحد در بعضی از شعب مختلفه امور داخل مملکت (از قبیل خرید و فروش و سفارشات و معاملات و کرایه وسایل نقلیه و غیرذلک) به‌عمل آورده‌اند، بدون اینکه قبلاً در آن ابواب با دولت ایران مشورت کرده باشند و موضوع با مقتضیات سیاست اساسی مملکت تطبیق شده باشد، به‌عوض همکاری در انظار به‌صورت مداخله درآمده و در بعضی موارد حتی جزئیات امور را نیز دربر گرفته، بالنتیجه وهنی به‌شان و حیثیت دولت شده است.

۵- رعایت قوانین ایران که جزء لاینفک استقلال و حاکمیت مملکت است و نظر به‌کمال اهمیت آن در فصل چهارم پیمان اشاره صریح نیز به‌آن شده است که قوای دولّ متحد در ایران، هر قدر ممکن باشد برای اجرای قوانین و مقررات ایران کمتر مزاحمت خواهند نمود، در بعضی موارد انجام نشده است. چنانکه مقررات گمرکی کشور بسیاری اوقات مراعات نمی‌شود.

۶- با آنکه در فصل اول پیمان تصریح شده است که احترام تمامیت و حاکمیت و استقلال ایران را دولّست هم منفرداً و هم مشترکاً تأیید می‌کنند، نظر دولت

ایران بر این است که عدم رعایت این فصل در هر موردی از موارد از طرف یکی از دو دولت به دولت ایران حق می‌دهد که برای ترمیم قضیه اقدام جدی دولت دیگر را نیز تقاضا کند. حال آنکه تاکنون هر موقع که چنین موردی پیش آمده است دولت انگلستان حل مطلب را منحصرأ به مذاکره فی‌مابین دولت ایران با دولت شوروی موکول نموده‌اند مثل اینکه در پیمان تأیید احترام به تمامیت و حاکمیت و استقلال ایران از طرف دو دولت متحد فقط منفرداً قید شده باشد.

«دوم — به موجب فصل سوم پیمان دول متحد برعهده گرفته‌اند که در موقع استفاده از وسایل ارتباطی ایران حوائج ضروری ایران را کاملاً منظور نظر خواهند داشت. حال آنکه در این باب موارد چندی را می‌توان شمرد که حوائج ضروری ایران در ظرف این دو سال چنانکه باید منظور نظر نبوده است. به نظر دولت ایران قراری که تأمین منظور پیمان را از این بابت بکند و تکلیف قطعی مردم و کارکنان هر سه دولت را در این خصوص معلوم نماید، واجب است.

«سوم — بنا به فصل چهارم پیمان «یک یا چند قرارداد راجع به تعهدات مالی که دول متحد بر عهده خواهند داشت فی‌مابین منعقد خواهد شد.» حال آنکه در این خصوص فقط یک قرارداد مالی با هر یک از دو دولت بسته شده است که منظور اساسی تأمین ریال به شرایط معین برای حوائج متفقین در ایران می‌باشد. به نظر دولت ایران اکنون که وضع مالی مملکت دچار مضیقۀ سختی گردیده، موقع آن است که بر اساس منظور این فصل، دول متحد هر چه زودتر به مساعدت دولت ایران قیام نمایند و تعهدات مالی خود را مشخص نمایند.

«چهارم — فصل چهارم پیمان مقرر داشته است که مصونیت‌های قوای دول متحده در ایران باید به موجب قراردادهای مخصوص معین شود، لکن تاکنون چنین قراردادی به امضا نرسیده است. با این همه قوای دول متحده در ایران، اولاً از انواع مالیاتها و عوارض خود را معاف می‌دانند و چیزی از این بابتها نمی‌پردازند. ثانیاً خود را تابع پلیس و محاکم ایران نمی‌دانند و علاوه بر این در مواردی هم که در نتیجه حادثۀ اتوموبیل یا غیر آن از عمل آنها سهواً خسارت مالی یا بدنی به کسی وارد بیاید، یا اینکه حادثه منجر به فوت اتباع ایران گردد یا اصلاً مرتکب معلوم نمی‌شود و موضوع بلا تعقیب می‌ماند، یا آنکه وجهی که متناسب با واقعه نیست پرداخته می‌شود و این پیشامد موجب بروز شکایت عمده مردم شده است.

«پنجم — به موجب فصل هفتم پیمان، «دول متحده باید بهترین مساعی خود را به کار برند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند و پس از آنکه این پیمان اعتبار یافت، برای بهترین وجه عمل کردن به این تعهد مابین دولت ایران و دول متحده مذاکرات شروع خواهد شد.» به نظر دولت ایران اگر این فصل پیمان به همان ترتیبی که از روز اول منظور بوده است، بلافاصله به موقع اجرا درآمده بود، قسمت عمده شکایاتی که بر اساس احتیاجات اقتصادی مملکت برپا شده است خود به خود از میان می‌رفت و اصلاً وجود پیدا نمی‌کرد. لکن از قراردادهایی که منظور فصل مزبور بوده است جز موافقت‌نامه‌ای در باب تحویل بیست و پنج هزار تن گندم چیزی به امضاء نرسیده است. متأسفانه دو فقره طرح قرارداد اقتصادی هم که دولت ایران براساس این فصل تنظیم و برای اینکه زمینه مذاکره بشود در ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ تسلیم کرده بود، مورد قبول نیافته و حتی طرح متقابلی هم در آن باب به دولت ایران داده نشده است. بهر حال به نظر دولت ایران هر قدر در انجام مقررات این فصل تعجیل شود مشکلات اقتصادی ایران که روز به روز شدت می‌یابد آسانتر حل خواهد شد و اساس همکاری ایران با دول متحد محکم‌تر خواهد گردید.

«ششم — دولتین انگلیس و شوروی به موجب فصل ششم پیمان ژانویه ۱۹۴۲ متعهد شده‌اند که در هر امری که مستقیماً با منافع ایران مرتبط باشد با دولت ایران مشاوره نمایند. لکن بدون اینکه قبلاً دولت ایران از موضوع مسبق شده باشد کلنل استودارد امریکایی روز ۲۶ نوامبر ۱۹۴۲ به وزارت راه ایران آمده تقاضا نموده مأمورین امریکایی در امور راه‌آهن مطالعاتی به عمل آورند و پس از آن وارد اقدام شوند.

«متعاقب آن در ۵ دسامبر ۱۹۴۲ وزیر مختار امریکا و ژنرال کونولی امریکایی به وزارت راه ایران آمده تقاضا کردند به مأمورین مسلح امریکایی اجازه داده شود که در اداره قسمت جنوبی راه‌آهن سرتاسری ایران، و بعضی بنادر و راههای شوسه ایران که تا آن تاریخ مأمورین دولت انگلیس در آن مداخله داشتند، وارد عمل بشوند. «وزارت راه ایران که نمی‌توانست مانع ورود قوای مسلح امریکا و مداخله آنها در اداره راه‌آهن و بنادر بشود به این مقدار قناعت کرد، که به وزیر مختار امریکا یادآوری کند که بنا به مقررات پیمان ژانویه ۱۹۴۲ موافقت دولتین انگلیس و شوروی در

این باب ضرورت دارد. در ۶ دسامبر ۱۹۴۲ سفارت امریکا در تهران به وزارت امور خارجه ایران نوشت که دول امریکا و انگلستان موافقت نموده‌اند که مقامات نظامی امریکا اداره کردن قسمتهای جنوبی راه‌آهن سرتاسری ایران و همچنین اداره کردن بعضی بنادر و سایر تشکیلات حمل و نقل و غیره را از انگلستان تحویل بگیرند. در ۷ دسامبر ۱۹۴۲ سفارت انگلیس در تهران به وزارت امورخارجه ایران اطلاع داد که: «دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان موافقت کرده است که دولت ایالات متحده امریکا از نقطه نظر شرکت و همکاری در مساعی جنگی مشترک دول مستفق قسمت جنوبی خط‌آهن سرتاسری ایران را از بنادر خلیج فارس تا تهران از مقامات نظامی انگلیس تحویل بگیرند»

با اینکه سفارت امریکا در نامه سابق‌الذکر خود قید کرده بود که درباره جنبه‌های مختلف انتقال منظور، اکنون مطالعاتی در جریان است و جزئیات آن بعد مورد مذاکره قرار خواهد گرفت، و سفارت انگلیس در نامه سابق‌الذکر خود نوشته بود که، جزئیات مربوط به انتقال مزبور و تاریخ آن تا کنون به‌طور قطع معین نگردیده، قوای مسلح امریکایی نه‌تنها منتظر انجام هیچ‌گونه مقدمه‌ای نشده و نه فقط فوراً قسمت جنوبی راه‌آهن را تا تهران در دست گرفتند، بلکه با اینکه در نامه سفارت انگلیس اشاره‌ای به این مطلب نشده بود بنادر و راه شوسه خوزستان را نیز متصرف گردیدند و بدلخواه خود و بدون اینکه هیچ‌گونه حدو قیدی در امور فنی یا اداری به‌جهت مداخله خود قایل شوند آنچه را که به‌نظر خودشان لازم دانستند انجام داده و می‌دهند و هرچه هم که دولت ایران در این خصوص به‌قوای امریکایی مراجعه نموده همیشه مختصراً جواب داده‌اند که جانشین قوای انگلیس هستند. به‌طوری که تا کنون استنباط شده است مذاکره و توافق درباب اساس و حدود مداخله آنها به‌نتیجه نرسیده است.

«اما سفارت شوروی در تهران که اساساً استفاده از راههای ایران برای مساعدت به‌دولت متبوع اوست، در جواب استمراج دولت ایران که بنا به‌مقررات پیمان ژانویه ۱۹۴۲ نظر خود را در باب ورود و مداخله قوای امریکا بگوید تا ۲۸ ژوئیه ۱۹۴۳ چیزی نگفت، فقط در این تاریخ به‌وزارت امور خارجه ایران چنین نگاشت که به‌نظر دولت شوروی اقدامات قوای امریکا در ایران محدود به «منطقه اقامت قوای بریتانیا در ایران» است و «در تحت اداره کلی انگلیسها» انجام می‌گیرد و «چون برطبق قرار مخصوصی» که فی‌مابین دولتین بریتانیا و شوروی داده شده نظارت قطعه شمالی

راه‌آهن سرتاسری ایران با مقامات شوروی است و قطعه جنوبی راه مزبور را مقامات انگلیسی نظارت می‌کنند «واحدهای نظامی مستقلی نیستند بلکه جزء حوزه نظامی ایران و عراق انگلیس می‌باشند».

«دولت ایران نه تنها از «قرار مخصوصی» که در این یادداشت سفارت شوروی در تهران به آن اشاره شده است اطلاع ندارد، بلکه با این وضعی که پیش آمده اساساً متحیر است که بالفعل امور راه‌آهن ایران را بر چه اساس باید بگرداند و فکر راه‌آهن ایران را بعد از خاتمه جنگ از حالا چگونه باید بکند و برای رفع مشکلاتی که تعداد آنها در این یادداشت هر قدر هم که مفصل باشد مقدور نخواهد بود به چه مقامی باید مراجعه کند و اساساً قرار مداخله امریکاییها را با خود آنها باید بدهد و یا اینکه در این باب خود دولت انگلستان قراری با دولت ایران خواهند داد؟

«برای اینکه به خوبی روشن شود که وزارت راه ایران که می‌خواهد کمال مساعدت را از هر جهت بکند، تا متحدین وی بتوانند حد اعلاى استفاده معقول و ممکن را از وسایل نقلیه ایران برای نیل به منظور مشترک ببرند، در برابر اقدامات و مداخلات قوای مسلح امریکایی که حتی عزل و نصب اعضای اداری کوچک راه‌آهن را نیز نمی‌خواهند بدون موافقت آنها انجام بگیرد، هر روز دچار چه محظوری است، عین متحدالمالی را که در این زمینه برای ابلاغ تهیه کرده بودند و وزارت راه ایران با ابلاغ آن موافقت ننمود، و ترجمه نامه‌ای را که در پاسخ متحدالمال مزبور جواباً به امریکاییها نوشته شده است ضمیمه می‌نماید.

تیرماه ۱۳۲۲

موضوع: همکاری بین نیروی امریکا و کارمندان ایرانی نسبت به امور کارگزینی بنگاه راه‌آهن دولتی ایران.

«به — رؤسای قسمتها، رؤسای نواحی راه‌آهن دولتی ایران، فرماندهان سرویس نظامی راه‌آهن امریکا و کارخانجات.

۱- برای اینکه نتیجه مطلوب از حسن سازمان به عمل آید بایستی بین کارکنان بنگاه و نیروی امریکا در هر مورد همکاری لازم وجود داشته باشد. این همکاری شامل کلیه مسائل مربوط به راه‌آهن بوده که از جمله کارهای

کارگزینی تهران و نقاط جنوب تهران می‌باشد که شرح آن در زیر داده می‌شود.

۲- هیچ‌گونه پیشنهاد استخدام، انفصال و یا انتقال طبقه یک و هیچ‌گونه پیشنهاد استخدام و انفصال طبقه دو و یا انتقال آنها بدون مراجعه و موافقت ستاد نیروی نظامی راه‌آهن امریکا از طرف بنگاه راه‌آهن دولتی ایران به عمل نمی‌آید. هرگاه پیشنهاد تغییر مقام یکی از کارکنان طبقه یک یا دو در یکی از نواحی لازم شود، رئیس ناحیه مربوطه بایستی قبل از مراجعه به مدیریت کل موافقت رئیس امریکایی ناحیه مربوطه (فرمانده گردان) را جلب نماید.

۳- از طرف بنگاه راه‌آهن دولتی ایران هیچ‌گونه استخدام، انفصال و یا انتقال کارکنان طبقات ۳ و ۴ بدون موافقت فرماندهان گردانهای سرویس نظامی راه‌آهن امریکا انجام نمی‌پذیرد، ولی هرگاه افسران امریکایی در بخش یا در قسمتی نباشند آن وقت برای تغییر و تبدیل مقام یا طبقات کارکنان طبقه ۳ و ۴ موافقت ضرورت نخواهد داشت.

۴- کارمندان بنگاه راه‌آهن که مرتکب تقصیر اداری شده و یا قصوری از آنها مشاهده شود و یا مانع جریان عادی امور راه‌آهن گردند، از طرف افسران سرویس نظامی راه‌آهن امریکا تقاضای انتقال یا معافی از خدمت آنها خواهد شد.

در مورد کارمندان طبقه ۱ و ۲ انتقال و یا اخراج آنها در این قبیل مواقع، توسط ستاد سرویس نظامی راه‌آهن امریکا به بنگاه رجوع خواهد شد و نسبت به طبقات پایین تر مستقیماً با مراجعه افسران مربوطه امریکایی به رؤسای نواحی و یا به قسمتهای مربوطه صورت خواهد گرفت.

۵- به طور کلی تعداد کارمندان موقت بنگاه راه‌آهن دولتی ایران که به منظور توسعه حمل و نقل متفقین استخدام شده‌اند، به حد کفایت رسیده است و هیچ قسمت یا ناحیه بنگاه راه‌آهن دولتی ایران به تعداد کل کارمندان یا کارکنان قسمت یا ناحیه نمی‌افزاید مگر با موافقت فرمانده گردان یا ستاد سرویس نظامی راه‌آهن امریکا. بنگاه راه‌آهن می‌تواند بدون جلب موافقت سرویس نظامی راه‌آهن امریکا برای کارکنان روزمزد طبقه ۵ جانشین استخدام کند به شرط اینکه به تعداد کل کارکنان بنگاه اضافه نگردد. در این مورد کارمندان

طبقات دیگر مشمول بندهای بالا خواهند بود.

«بخشنامه شماره ۸۹۳۰ مورخه ۲۰ خرداد ۲۲ بنگاه راه‌آهن دولتی ایران ملغی و مقررات مذکور در بند ۵ جایگزین آن خواهد بود.

۶- جرایم و مجازات که از طرف رؤسای بنگاه راه‌آهن دولتی ایران تعیین می‌شود، با موافقت فرماندهان گردانهای سرویس نظامی راه‌آهن امریکا خواهد بود. این موضوع فقط در موردی است که مجازات از طرف یکی از رؤسای بنگاه راه‌آهن باید تعیین شود نه از طرف دادگاه اداری.

۷- اضافه‌کار تا حدود دو ساعت در هر روز به شرط اینکه حقیقتاً کار انجام شده باشد، طبق آئین‌نامه راه‌آهن دولتی ایران پرداخته خواهد شد. اضافه‌کار بیش از دو ساعت در روز در صورتی که از روزی چهار ساعت تجاوز نکند، طبق بخشنامه راه‌آهن (مگر اینکه ضرورت ایجاب کند) به تصدیق افسر سرویس نظامی راه‌آهن امریکا که تقاضای آن را نموده پرداخته خواهد شد. تمام کارهای اضافی بایستی به حد اقل باقی بماند.»

مدیرکل بنگاه راه‌آهن دولتی ایران

رونوشت نامه جوابیه بنگاه راه‌آهن دولتی ایران
خیلی فوری
موضوع: طرز امور استخدامی

آقای کلنلیانت

«به مناسبت وصول پیشنهاداتی که آقای کاپیتن داوس^۲ در باب بعضی از مقررات مربوط به امور استخدامی کارکنان بنگاه راه‌آهن فرستاده بودند، بنگاه به موقع دانست این نکته را که طی نامه‌های متعدد نیز تأیید شده یادآوری نماید که هرگونه تصمیمی در این باب و در کلیه نظایر آن موقوف برآن خواهد بود که پیشنهادات واصله منطبق بر مقررات قرارداد عمومی باشد که به امضای دولتین ایران و امریکا رسیده باشد و چنانکه مسبوقید مدتها است تحت مذاکره می‌باشد و انتظار حصول نتیجه آن هرچه زودتر می‌رود.»

مدیرکل بنگاه راه‌آهن دولتی ایران

ضمیمه چهارم

«برای اینکه مشکلات عظیم دولت ایران در ظرف دو سال اخیر هر اندازه که ممکن باشد بهتر روشن شود و وضعی که از لحاظ مادی و معنوی در اداره مملکت به هم رسیده است، آشکار گردد و تأثیری که عواقب بعضی از اقدامات دول متحد البته درست برخلاف میل و اراده آنان، در اداره امور ایران داشته واضح شود، در اینجا جز بسط مقال چاره نیست، لکن قبل از شروع به مطلب توضیح دو نکته مهم ضرورت دارد. نکته اول اینکه اگر مشکلات دولت ایران در برابر محظورات و موانع کار از بعضی جهات به عواقب پاره‌ای از اقدامات دول متحد اسناد می‌شود، از این بابت نیست که نقایص کارها از جنبه داخلی فراموش شده باشد، بلکه با توجه کاملی که به نقایص کار از جنبه داخلی هست، مقصود اصلی از مذاکرات فعلی این بوده و هست که اگر اساساً تأثیر این عوامل معلوم شود و در رفع آنها اقدامی به عمل آید، دولت ایران خواهد توانست با حواس جمع به رفع نقایص از جنبه داخلی بپردازد.

«نکته دوم اینکه در باب همان قسمت از مشکلات دولت هم که عواقب بعضی از اقدامات دول متحد در آن تأثیر کرده باشد، بنا بر آنچه تا کنون به نظر رسیده است، باید گفت که بیشتر زحمت از این یک مطلب برخاسته است، که در ظرف دو سال اخیر جریان امور در ایران همواره این‌طور بوده است که هرچندی یکی از انتظارات متفقین موضوع اقدام قرار گرفته و به صورتی که دولت نمی‌توانسته است به فرصت کافی و یقین کامل تمام عواقب آن را در نظر بگیرد و برای جلوگیری از عواقب نامطلوب محتمل آن چاره‌ای بیندیشد، به موقع اجرا درآمده، و بر اثر آن زندگی مردم روزبه‌روز بیشتر دچار مضيقه گردیده، و به قدرت معنوی دولت بیش از پیش سخته وارد شده است. تا آنجا که در نتیجه تأثیر تدریجی عواقب مزبور امروز در ارکان و قوایم اصلی دولت و مملکت از قشون و مالیه و ارزاق و وسایل حمل و نقل و زراعت و تجارت و صحیحه و غیرذلک اختلال عظیم مشهود، و اطمینان اهالی ایران به توفیق دولت در انجام مواعیدی که مکرر داده است متزلزل شده است.

«بنابراین هر توضیحی که در این زمینه در اینجا داده می‌شود طبیعتاً این نکته را در بر دارد که دولت ایران تعهداتی را که به موجب پیمان ژانویه ۱۹۴۲ در برابر دول متحد نموده است البته محترم و واجد اجراء می‌شمارد لکن تقاضایش این است که دول متحد همچنان که در فصول همان پیمان نیز مقرر شده است، اقداماتی را که به استناد

تعهدات سابق‌الذکر از دولت ایران انتظار دارند، با رعایت اوضاع ایران و تأمین حوائج ضروری اهالی مملکت و به‌مشورت به‌همت خود دولت ایران باشد، تا نظایر عواقب نامطلوبی که سابقاً بروز کرده است، دیگر روی ندهد.

«از این قرار بدیهی است که نقل آنچه ذیلاً آمده و شامل امور مهم مملکت می‌باشد، صرفاً از لحاظ تشریح اوضاع ایران به‌منظور احتراز از تکرار آن در آینده بوده است، بدون اینکه از ذکر آنها مطلقاً هیچ‌گونه شکایتی در اینجا در نظر باشد.

قشون

«تا قبل از اوت ۱۹۴۱ قشون ایران از یکصد و هفتاد هزار نفر متجاوز به‌حساب می‌آمد. و بودجهٔ سالیانهٔ وزارت جنگ در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱-۱۹۴۲) ۵۹۳ میلیون ریال تصویب شده بود.

«وقایع اوت و سپتامبر ۱۹۴۱ شیرازهٔ قشون ایران را به‌کلی پاشید و اساس آن را بر هم زد و مختل کرد و از عدهٔ آن‌هم کاست به‌طوری که اکنون به‌نود هزار نفر هم نمی‌رسد. لکن از آنجا که بعد از اوت ۱۹۴۱ به‌مناسبت بروز گرانی زاید‌الوصف در ایران، هم مخارج وزارت جنگ افزایش یافت و هم به‌موجب صاحب‌منصبان و سربازان افزوده شد بودجهٔ وزارت جنگ در ۱۳۲۱ (۱۹۴۲-۱۹۴۳) به‌مبلغ هفتصد میلیون ریال به‌تصویب رسید و برای سال ۱۳۲۲ (۱۹۴۳-۱۹۴۴) یک‌میلیارد ریال پیشنهاد گردید.

«با اینکه مسئولین امور وزارت جنگ سال گذشته مدام شکایت داشتند که بر اثر گرانی روزافزون، بودجهٔ مصوب کفاف مخارج را نمی‌دهد و از این جهت توقع نظم و خدمت را از قشون مشکل می‌دانستند، امسال اصلاً از آغاز سال یک میلیارد ریال را کافی نمی‌دانستند. قبل از واقعهٔ اوت ۱۹۴۱، هم قشون کافی بود و هم مملکت آرام. لیکن بر اثر واقعهٔ مزبور از یک طرف تعداد قشون نصف شد و از طرف دیگر در غالب نقاط مردم و ایلات اسلحهٔ قشون را که در وقایع اوت ۱۹۴۱ پریشان شده بود به‌دست آوردند و اغتشاش پدید آوردند. به‌این جهت وزارت جنگ که بودجهٔ خود را برای مصارف عادی هم کافی نمی‌دانست ناچار شد تقاضای مخارج فوق‌العاده نیز بکند. بر این مجموع قحطی نیز که سال گذشته در سرتاسر ایران بروز کرد علاوه شد به‌طوری که بسا اوقات سرباز و صاحب‌منصب در بلاد عمدهٔ مملکت نان و برنج هم

برای خوراک روزانه خود نداشتند.

«اما از حیث اسلحه و مهمات هم روز بروز قشون تحلیل رفت به این معنی که مقدار معتناهی از آنچه موجود داشتند در ظرف چند روز اول واقعه اوت ۱۹۴۱ به دست قشون شوروی و انگلیسی افتاد و هنوز ترتیب استرداد آن داده نشده است. به مناسبت همان وقایع مقداری هم در دست ایلات پراکنده شد. مقدار معتنا به دیگری را نیز از تفنگ و مسلسل و طیاره قشون بنا به تمایل دولت انگلستان به متفقین تحویل داد. ظاهراً دول متحد وعده داده بودند که در عوض آن اسلحه وسایل و تجهیزات دیگری را به دولت ایران بدهند. چنانکه این مطلب را در همان اوان رئیس الوزرای ایران در مجلس اعلام داشت. آخر الامر قیمت آنها را دولت انگلستان نقداً پرداخت کرد.

«از کارخانه های اسلحه سازی که در ایران کار می کرد آنکه مربوط به طیاره است، در اجاره دولت انگلستان است. بقیه که کمال اهمیت را دارد و تفنگ و تفنگ می سازد به موجب قراردادی که در ۲۳ ژانویه ۱۹۴۳ به امضاء رسیده است، سفارش دولت شوروی را باید انجام دهد و دیگر نخواهد رسید که چیزی برای قشون ایران تهیه نماید.

«میدانهای طیاره و سربازخانه ها غالباً تحویل قشون دول متحد گردید. از بابت فقدان وسایل نقلیه نیز اغلب وزارت جنگ شکایت داشت. زیرا که نه فقط وسایل موتوری به قدر کافی نداشتند، بلکه در نتیجه قحطی حتی اسب هم به قدر لزوم نتوانستند در دسترس خود نگاه دارند.

«به این ترتیب قشون ایران که بر اثر وقایع اوت ۱۹۴۱ ضربت سختی به قدرت معنویش وارد آمده بود، در نتیجه عواقب آن وقایع روز به روز از نظر مادی و معنوی ضعیف تر شد و به همان نسبت در انتظار مردم نیز خفیف تر گردید تا آنجا که اخیراً برای رفع اغتشاش ایل قشقایی در فارس به دولت پیشنهاد شد سایر ایلات محل را برضد قشقاییها مسلح کند. به عبارت اخیری طرز حکومت فتودال که با آن همه زحمت در ایران برافزاده بود مجدداً دارد خودنمایی می کند. همچنین سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به مناسبت تقاضایی که اخیراً دولت ایران از دولت امریکا کرده و مقداری ملزومات و اشیاء برای قشون خواسته بود، در ۲۸ ژانویه ۱۹۴۳ به دولت ایران نوشته است، فقط در صورتی ممکن است آن اشیاء را به ایران حمل نمود که اقدامات مؤثر و واقعی به جهت اصلاح قشون ایران به عمل آید و عدم انضباط و فساد و عدم کفایت و

فقدان روحیه که آثار آن در طی ماههای اخیر دیده شده است، رفع گردد. «مقصود دولت ایران نیز از این مذاکرات فراهم آوردن لوازم و وسایل یک قشون منظم و مجهز و کامل‌العیار است. زیرا که مسلماً بدون یک قشون منظم و مجهز و قویدل و محبوب مردم، دولت به‌هیچ‌گونه اصلاحی قادر نخواهد بود. مخصوصاً برقراری امنیت و انتظام در مملکت صورت نخواهد بست و عایدی دولت وصول نخواهد شد.

مالیه

«در ظرف ده سال اخیر وضع مالی ایران به‌طوری با وضع اقتصادی آن توأم و مخلوط شده است که طی این مدت هیچ اقدامی در هیچ‌یک از این دو رشته نمی‌شد، مگر اینکه تأثیر شدید و فوق‌العاده در رشته دیگر داشته باشد. بودجهٔ مملکت در ظرف این ده سال تقریباً هفت برابر شد و در هر سال این خاصیت در آن آشکارتر بود که از یک طرف قسمت معتابهی از عواید دولت از محل انحصارهای تجارتي به‌دست می‌آید و از طرف دیگر قسمت معتابه مخارج مبالغی است که صرف تأسیسات صنعتی و اقتصادی می‌شود لکن در این میانه چون غالب این تأسیسات طوری نبود که فوراً فایدهٔ کافی بیاورد و یا آنکه فوراً میزان تولید مملکت را به‌تناسب بالا ببرد، گاهی دولت مبالغی کسر می‌آورد و چون به‌قرض از خارجه اقدام نمی‌نمودند، تنها راهی که همواره برای جبران این کسر به‌کار بردند، قرض از بانک ملی ایران بود که موجب ازدیاد انتشار اسکناس می‌گردید. به‌طوری که میزان آن به‌تدریج از دویست میلیون ریال در ۱۳۱۱ (۱۹۳۱-۱۹۳۲) بالا رفته و در اوت ۱۹۴۱ به دو هزار میلیون ریال رسید.

«این اقدام که برای تعدیل بودجهٔ مملکت ضرورت داشت قهراً در قیمت اجناس تأثیر کرد و میزان آن را سالیانه به‌تناسب دورهٔ ماقبل دوازده سال اخیر بالا برد. ضمناً دولت ایران در ظرف مدت مزبور در امر واردات و صادرات نیز قیود و انحصارهایی قابل شد تا موازنهٔ مخارج کشور مستقر گردد. از این جهت نیز افزایشی در قیمت‌ها پدید آمد، اما در قبال اینهمه گذشت و بردباری که مردم به‌خرج دادند، مؤسسات صنعتی و کارخانجات عمده‌ای به‌وجود آمد و چند هزار کیلومتر خط شوسه دائر گردید و راه‌آهن ایران کشیده شد.

«بعد از اوت ۱۹۴۱ قیودی که سابقاً برای تجارت گذاشته شده بود و انحصارها رو به‌تخفیف گذاشت و انتشار اسکناس تازه برای اینکه به دولت قرض بدهند و بودجهٔ

مملکت تعدیل شود تا مدتی ترک شد. لکن از یک طرف متفقین برای انجام مخارج عظیم خود در ایران احتیاج به مبالغ خطیری پیدا کردند و از دولت ایران اسکناس خواستند و از طرف دیگر غالب تأسیساتی که برای ایجاد آنها قبلاً دولت ایران متوسل به ایجاد عوارض و قرض از بانک ملی شده بود و مخصوصاً راه آهن مورد استفاده متفقین قرار گرفت، بدون اینکه در ازای آن عایدی به دولت ایران برسد.

«اگر از ابتدا نقشه‌ای به اتفاق نظر کشیده می‌شد که هم مقصود متفقین از لحاظ مخارجی که در ایران داشتند تأمین و هم از بروز رخنه‌ای در امور اقتصادی ایران جلوگیری به عمل می‌آمد، البته وضع مالی و اقتصادی ایران به درجه امروز وخیم نمی‌شد، لکن دولت ایران ناچار برای جبران کسر عواید خود باز متوسل به استقراض از بانک ملی شد و برای رفع حاجت متفقین متوسل به انتشار اسکناس گردید، تا آنجا که میزان اسکناس منتشره که سابقاً در ظرف ده سال ده برابر شده بود از اوت ۱۹۴۱ به بعد در ظرف یک سال و نیم تا میزان هفده برابر و نیم بالا رفت و ذخیره فلزی اسکناس از بیست درصد هم پایین‌تر آمد. این پیشامد، اعتبار اسکناس را در انظار متزلزل ساخت و مخارج متفقین در ایران نیز که البته از لحاظ تهیه کردن کار و رونق معاملات مفید بود، چون بنا به اقتضای جنگ بدون رعایت موجودی جنس و قیمت‌های معمولی اجناس انجام می‌یافت، اسکناس را بیشتر بی‌قدر نمود به طوری که قیمت‌ها زاید‌الوصف بالا رفت، تا آنجا که در اواخر ۱۹۴۲ به تناسب هفت سال قبل از آن لا اقل هفت برابر شد.

«برای اینکه اسکناس زائد بر این بی اعتبار نشود، چون متفقین در قبال اسکناس که می‌گرفتند اسعار و طلا می‌دادند، چندین ماه قبل قانون اسکناس اصلاح و به موجب آن انتشار اسکناس منحصرأ در مقابل ارز یا طلا مجاز گردید، به این ترتیب انتشار اسکناس برای راه انداختن کار متفقین مجاز گردید، لکن از آن به بعد بانک ملی ایران عملاً ممنوع شد که برای دادن قرض به دولت ایران اسکناس انتشار دهد. زیرا که دولت جز در موارد نادر نه اسعار آزاد در اختیار خود دارد نه طلای آزاد، تا بتواند به بانک ملی بدهد و در مقابل آن اسکناس بگیرد.

«در موقعی که دولت ایران قرارداد مالی با دولت انگلستان می‌بست راهی که برای جلوگیری از انتشار بی‌نهایت اسکناس و جلوگیری از ازدیاد قیمت‌ها در نظر گرفته و دولت انگلستان نیز تا آن اندازه که در حدود امکان باشد با آن موافقت کرده و در قرارداد گنجانیده شده بود، این بود که در مقابل لیره انگلیسی ایران بتواند جنس بخرد،

لیکن بعدها توضیح داده شد که بنا به مقتضیات جنگ دولت انگلستان نمی‌تواند به قدر احتیاج به ایران جنس بدهد و به این جهت از این راه نتیجه حاصل نشد. با اینکه به موجب قرارداد مالی با انگلستان نرخ ریال به لیره انگلیسی و به طلا تثبیت شده است، ترقی قیمت‌ها به اندازه‌ای رسیده که با هیچ مملکتی نمی‌توان آن را مقایسه کرد و حتی از قیمت‌های قاهره هم که به گرانی معروف شده به مراتب زیاده‌تر است.

«البته در این چند ماه اخیر مخارج دولت انگلستان در ایران رو به تخفیف رفته است، لکن به موجب قرارداد ۲۷ اسفند ۱۳۲۱ دولت ایران ملزم است، مبالغ بالنتیجه معتنا بهی به جهت رفع احتیاجات دولت شوروی اختصاص بدهد. یک قرارداد مالی که تا اندازه‌ای شبیه به قرارداد مالی انگلستان است نیز برای دادن اسکناس با دولت امریکا در شرف امضاء است.

«بنابراین از آنجا که بالفعل راه استفاده از قسمت عمده عوضی که متفقین به ایران می‌دهند مسدود است، نتیجه این شد که مخارج ریالی متفقین در ایران به وسیله انتشار دائم التزاید اسکناس که موجب گرانی فوق‌العاده و نایابی اجناس است تأمین می‌شود، و در این معامله اسکناس در دست مردم و اسعار و طلا در خارجه می‌ماند تا آنکه بعد از جنگ به تدریج تبدیل به جنس بشود.

«این است وضع فعلی که در نتیجه انتشار اسکناس، لااقل مردم در داخله مملکت مشغول کار می‌شوند، لکن بعد از جنگ تا وقتی که کارها درست به جریان بیفتند، تا مدتی هم اشکالات فعلی دنباله خواهد داشت و هم مردم در داخله مملکت بیکار خواهند ماند مگر اینکه قبلاً نقشه‌ای طرح و مرتباً اجرا شده باشد.

«از جمله مضرات عمده وضع اقتصادی فعلی ایران خرید آزاد و مصرف بعضی از اجناس ایران (از قبیل محصول کارخانجات و حاصل املاک و دواب و غیره)، از طرف متفقین و از این مهمتر صدور آنها مخصوصاً از ایالات شمالی است. زیرا که این ترتیب هم مردم را بیشتر دچار قحطی می‌کند و هم قیمت‌ها را بالاتر می‌برد و هم وسیله به دست قاچاقچیان می‌دهد که تمام نقشه‌های دولت را بهم می‌زنند. در این امر محصول کارخانجات دولتی و کارخانجات خصوصی و محصولات زراعتی و اغنام و احشام و غیر آن همه در حکم واحدند.

«اما در باب واردات نیز چون تفتیش سرحدات و مخصوصاً اداره گمرکات در نتیجه ضعف و حتی حذف قشون درپاره‌ای نقاط وجود ندارد، مخصوصاً آنچه از

سرحدات شمال وارد می‌شده است اغلب بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به بازار آمده و به‌دست اشخاص نادرست به‌قیمتهای گزاف معامله می‌شود و رشته هرگونه اقدام را از دست دولت بیرون می‌برد.

«یکی دیگر از خسارات عظیم اقتصادی و مالی که در نتیجه سلب اختیارات دولت و ضعف قوای تأمینیه مملکت به‌ایران وارد شد این است که تا اکتبر ۱۹۴۲ دولت گندم را به‌نرخ ثابت هر تن ده لیره از مردم می‌خرید، لکن وقتی که آقای شریدان مستشار امریکائی ارزاق به‌تهران آمد، برای اینکه قیمت گندم در ممالک همسایه ایران در حدود هر تن سی لیره بود، یک مرتبه قیمت گندم را در ایران از ده لیره به‌بیست و پنج لیره و نیم رسانید تا قاچاق نشود. لکن این اقدام گذشته از این که مانع قحطی نشد موجب ترقی سریع اجناس دیگر گردید. از نتیجه این اقدام نیز این نکته تأیید شد که با وضع فعلی ایران تصمیمی که در یک مورد گرفته شود فایده ندارد بلکه یک نقشه وسیع عمومی برای اصلاح کلیه امور مالی و اقتصادی لازم است.

«از جمله اشکالات عظیم النظیر ایران در امور اقتصادی یکی هم این است که ایالات شمالی که در واقع قسمت آباد و پر نعمت مملکت را تشکیل می‌دهد، تقریباً از ایالات دیگر منقطع شده است. به‌این ترتیب بقیه ایالات ایران از کمکی که همیشه مخصوصاً از حیث غله و برنج از ایالات شمالی می‌گرفتند محروم مانده‌اند. این ترتیب هرچند که در ایالات شمالی تاحدی موجب تعدیل قیمت‌ها گردیده در سایر بلاد اسباب زحمت فوق‌العاده شده است. چنانکه برنج در سال گذشته که یکی از پرحاصلترین سالها بوده در تهران تقریباً به‌بیست برابر قیمت عادی آن خرید و فروش شده است.

«رویه‌مرفته در امور اقتصادی نیز به اندازه‌ای مداخلات مختلف از هر طرف به عمل آمده است که اختیار را به کلی از دولت سلب کرده و اکنون جمع‌آوری تمام رشته‌های پاشیده آن محتاج به قوت فکری و عملی زیاد است و اگر تمام وسایل کار قبلاً پیش‌بینی نشود هراقدامی بی‌نتیجه خواهد ماند. به همین جهت هر چند بعضی از نمایندگان دول متحده تصور می‌کردند که در این مضیقه اقتصادی تمام تقصیر به عهده یک عده تاجر معامله گرویک عده محترک بی‌انصاف است و تثبیت و تفتیش قیمت‌ها تنها علاج کار خواهد بود، حقیقت این است که علاوه بر تثبیت و تفتیش قیمت‌ها اقدامات عدیده دیگری هم باید کرد تا بتوان به نتیجه رسید. چنانکه چند ماه است برای اقدام در این زمینه اختیارات مطلق به دکتر میلسپو مستشار امریکایی مالیه ایران داده شده و

چند هفته قبل اختیار ارزاق مملکت نیز بر آن جمله مزید شده، اوهم اداره خاصی برای انجام منظور احداث نموده و دستوراتی برای تنظیم احتیاجات مملکت و تدارک آن و اصول مربوط به واردات و صادرات و مقررات مربوط به خرید و فروش مقامات نظامی دول متحد در ایران و وسایل نقلیه و غیر ذلک منتشر نموده است، لکن باوجود اینکه به محض انتشار این دستورات بازار راکد شد و حتی در مورد بعضی اشیاء قیمتها را پایین آورد، مخصوصاً فروش نقره‌ای که دولت انگلستان به ایران فروخته و تحویل داده بود، در بازار آزاد و فروش طلایی که دولت انگلستان به بازار ایران آورد و اخباری که راجع به موافقت آمریکا با ارسال مقداری طلا به ایران برای فروش انتشار یافت نیز تا حدی در رکود قیمتها مؤثر شد.

«با اینهمه بدیهی است که توفیق کامل دکتر میلیسو در این راهی که شروع کرده جز به کمک و تقویت قاطع متفقین که نگذارند هیچ‌گونه رخنه و روزنه‌ای درکارها پدیدار شود امکان‌پذیر نخواهد بود و شرط اساسی پیشرفت کار او این است که اولاً بتواند بلاوقفه عراده امور مملکت را بگرداند و ثانیاً به تدریج که پیش می‌رود، مردم از نتایج اقدامات او اثری ببینند که به آینده بیشتر امیدوار شوند. والا اگر بنا باشد از اقدامات او فقط محدودیتهای جدیدی که برقرار کرده است مشهود باشد، زمینه خوبی برای مغرضین خواهد بود که مردم را بدبین و او را دلسرد و از کار برکنار کنند.

«عدم تصویب لایحه مالیات بر درآمد او منسوب به همین پیش آمد است. بنابراین برای نجات از وضع سخت اقتصادی و مالی فعلی و جلوگیری از اشکالات احتمالی آینده دولت ایران جز جلب نظر دول متحد به مراتب فوق راهی ندارد و با اینکه خود دول متحد نیز ضرورت این مساعدت را دریافته و در فصل هفتم پیمان ژانویه ۱۹۴۲ قید شده است که: «دول متحده باید بهترین مساعی خود را به کار برند که ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند و پس از اینکه پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن به این تعهد ما بین دولت ایران و دول متحده مذاکرات شروع خواهد شد.» وقتی که دولت ایران دو فقره طرح قرارداد اقتصادی برای این منظور تهیه و در ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ برای زمینه مذاکره به سفارتخانه‌های دول متحد داد آن را رد کردند و اساساً وارد هیچ‌گونه مذاکره‌ای در این باب نشدند و هنوز مطلب معوق است، و در ظرف این مدت تنها جایی که موضوع ماده ۷ پیمان به میان آمده قرارداد مالی ۲۷ اسفند ۱۳۲۱ ایران و شوروی است که

مفهوم عملی و واقعی آن برای دولت ایران این بوده که به موجب آن دولت ایران متعهد است اعتبارریالی به شرط معین در اختیار دولت شوروی بگذارد که حداقل آن در هر شش ماه سه میلیون و هشتصد هزار لیره انگلیسی خواهد بود.

«به هر حال در نتیجه عوامل مشروحه فوق الذکر وضع مالی ایران به اندازه ای غامض شده است که دکتر میلسپو در طرحی که تهیه نموده و سه هفته پیش به مجلس تقدیم شده است، بودجه سال جاری ایران (۱۹۴۳-۱۹۴۴) را با ۳,۲۹۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال خرج و ۱,۸۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد جمع و تنظیم کرده و به این ترتیب ۱,۴۰۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال کسر نشان می دهد. بدیهی است در میان این همه مشکلات مالی، موافقت شرکت نفت ایران و انگلیس با تأدیه چهار میلیون لیره انگلیسی موجب گشایش کار و امتنان دولت ایران است. اما علل اساسی این کسر بودجه به قرار ذیل است:

۱- به سبب گرانی فوق العاده کم کردن از مخارج ممکن نیست و به مناسبت وضع بحران آمیز فعلی اعضای ادارات را نمی شود بدون داشتن نقشه های دیگر اخراج کرد.

۲- به مناسبت محدودیتهایی که برای ورود جنس از خارجه درکار است، حقوق و عوارض گمرکی کسر شده و گذشته از این بسیاری از آنچه هم که به ایالات شمالی وارد می شود گمرک و عوارض راه و سایر عوارضی را که معمولاً در سرحد وصول می شود نمی پردازند.

۳- با اینکه در پیمان ژانویه ۱۹۴۲ قید شده است که «مصونیت هایی که قوای دول متحد در ایران از آن برخوردار خواهند بود، به موجب قراردادهای مخصوصی معین خواهد شد» تاکنون قراردادی در این خصوص بسته نشده است، قوای متفقین از پرداخت گمرک و بسیاری از مالیاتهای داخله مملکت استنکاف دارند و از آن جمله است مالیات ذبایح و برق و صدی سه نفت و بنزین اما مهمتر از همه این است که اشخاص متفرقه به بهانه اینکه کار متعلق به نیروی متفقین است مالیات نمی دهند.

۴- دکتر میلسپو عواید مؤسسات بهره برداری و کارخانجات دولتی و انحصارهای تجارتي را از قبیل دخانیات و تریاک و غله و برنج و قماش و قند و چای که در سنوات گذشته مبالغ عمده بوده است، جزء بودجه نیاورده زیرا که به عقیده او آنچه را که بتوان از سرمایه مؤسسات مزبور خارج کرد و به عنوان عایدی به حساب آورد، ناچار باید به مصرف جبران ضرر برنج (که به نرخ معین به دولت شوروی فروخته

می‌شود) ضرر نانی که به ضرر به مردم فروخته می‌شود، کارخانجاتی که به ضرر کار می‌کنند و مخارج انجام تعهدی که دولت درباب تهیه و تحویل اسلحه به دولت شوروی دارد رسانید.

«البته با این وصف مشکل است مجلس را متقاعد کنند که تمام این کسر را به وسیله بالا بردن نرخ مالیات بردرآمد جبران کند، مگر اینکه قبلاً به صحت نقشه اساسی مالی و اقتصادی دولت اعتماد پیدا کنند و این نقشه بدون موافقت کامل و رضایت قلبی دول متحده ارزشی نخواهد داشت و اتفاقاً در موقع انعقاد پیمان ژانویه ۱۹۴۲ دول متحده خودشان جبران خسارات مالی را با دولت ایران در نظر داشته‌اند زیرا که در پیمان صریح است که «یک یا چند قرارداد راجع به تعهدات مالی که دول متحده بر عهده خواهند داشت» منعقد خواهد شد و حال آنکه قراردادهای مالی که تاکنون بسته شده هیچ‌گونه مساعدتی به وضع ایران نکرده و به این جهت دکتر میلسپو برای جبران مشکلات تا هشتاد میلیون دلار از امریکا قرض خواسته است.

«اما در باب قانون وام و اجاره که دول متحده امریکا از یک سال و نیم قبل شمول آن را وعده می‌دادند و متجاوز از یک سال است که آن را اعلام داشته‌اند، جز در حدود هفتصد کامیون کوچک و مقداری گندم چیز دیگری هنوز دیده نشده است که به ایران رسانیده باشند.

«علی‌ایحال بر فرض هم که طرحهای ارسالی وزارت امور خارجه درباب دو فقره قرارداد اقتصادی طوری باشد که دول متحده نخواهند آن را زمینه مذاکره قرار دهند، تقاضای دولت ایران این است که مسائل طرح شده در آن را به‌هر صورتی که مناسب بدانند موضوع مذاکره قرار بدهند که مشکلات خطیر مالی و اقتصادی ایران پیش از این معوق نماند.

راه آهن — راه شوسه — بندر

«بهموجب پیمان ژانویه ۱۹۴۲ اصول ذیل مقرر شده است:

۱— دول متحده حق غیرمحدود دارند که جمیع وسایل ارتباطی را در خاک ایران به‌کار ببرند و نگاهداری کنند و حفظ نمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید به‌هر نحوی که مقتضی بدانند در دست بگیرند.

۲— دول متحده حوائج ضروری ایران را کاملاً منظور نظر خواهند داشت.

۳- قرارداد مخصوصی منعقد خواهد شد ما بین دول متحد و دولت شاهنشاهی ایران که تعیین خواهد کرد که بعد از جنگ ابنیه و اصلاحات دیگری هم که دول متحد در خاک ایران انجام داده باشند به چه شرایطی به دولت شاهنشاهی ایران واگذار شود.»

«برای اینکه در موقع اجرای این مقررات حقوق و تکالیف ایران و دول متحد معلوم و اساس روابط ایران و متفقین در این زمینه مصرح باشد، پس از مذاکره طولانی با نمایندگان دول متحده طرح قراردادی با همکاری خود آنها تنظیم و در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۲۱ برای تصویب لندن و مسکو در تهران به نمایندگان دول متحد تسلیم شد. لکن مدتها گذشت و خبری از آن نیامد. با اینهمه برحسب توافقی که با نمایندگان دول متحد به عمل آمده بود، مقررات همان طرح موقتاً به موقع اجرا درآمد تا تکلیف قطعی کار معلوم گردد. لکن در این اثناء قوای مسلح امریکایی وارد ایران شد و در قسمت جنوبی راه آهن و بنادر خوزستان و راه شوسه خوزستان جانشین مأمورین انگلیسی شدند. در نتیجه بجز چند نفر از مأمورین انگلیسی که هنوز هم قسمتی از کارهای راه آهن جنوب را در دست دارند، بقیه مأمورین انگلیس در راه آهن به کلی ایران را ترک کردند.

«از آن به بعد در کار راه آهن و راه و بندر نه عملاً دیگر اختیاری برای وزارت راه باقی ماند و نه رسماً در نزد دولت ایران معلوم شد که مسئولیت کار آنها با کیست و تکلیف فعلی و سرنوشت آینده آنها چه خواهد بود؟ چیزی نگذشت که دولت انگلستان اطلاع داد که با طرحی که سابقاً فرستاده شده بود موافقت ندارند بدون اینکه مذاکراتی برای تجدید نظر در آن طرح شروع شود.

«اگر کار به همین منوال برود و اساس مناسبات دولت ایران در کار راه آهن و راه و بندر با دول متحد داده نشود، مشکلات دولت و زحمت مردم و خسارت مملکت ایران از حد و وصف بیرون خواهد بود و برای دولت ایران مسلم است که این وضع نه بر وفق میل دولت انگلستان است و نه به صرفه آن دولت.

«به طور خلاصه از موقع آمدن امریکاییها و عزیمت قسمت عمده مأمورین انگلیسی اولاً هیئت سه نفری که مرکب از وزیر راه ایران و رؤسای هیئتهای نظامی انگلیس و شوروی مرتباً در تهران تشکیل می شد و به کلیه مسائل مربوطه به راه و راه آهن و بندر رسیدگی می کرد و به این ترتیب وحدت اداره آنها محفوظ می ماند، و این

وحدت که در ضمن رعایت حقوق دولت ایران، مقصود متفقین را نیز انجام می‌داد از میان رفت. زیرا که مرکز اقامت رئیس هیئت نظامی انگلیس از ایران به بین‌النهرین منتقل شد و با رئیس هیئت نظامی امریکایی نیز چون هیچ‌گونه قراردادی تاکنون ایران و امریکا در این باب نگذاشته‌اند، وزارت راه نمی‌تواند رسماً وارد مذاکره بشود. بالتجیه روسها در شمال و آمریکاییها در جنوب هرچه بخواهند می‌کنند و از مأمورین ایران توقع دارند که بلاکلام با تقاضاهای آنها موافقت نمایند و حتی در خصوص موارد و میزان مداخلات خود با یکدیگر هم رقابت می‌کنند. ثانیاً مأمورین ایران نیز از بیم آن که مبدا تأمل آنها در قبول تقاضاهای روسها و امریکاییها حمل بر آن شود که برای انجام مقصود اساسی متفقین کاملاً همکاری نمی‌شود، تاکنون غالباً به سکوت گذرانیده‌اند. در نتیجه نظم و اطاعت و حس مسئولیت از میان اعضای وزارت راه رفته است. به مناسبت همین وضع حسابهای موجودی و خرید و مصرف راه‌آهن همه به هم ریخته و حتی در باب حیف و میل اموال داستانها درست شده است. به‌طوری‌که قطعاً معلوم نیست دارایی راه‌آهن قبل از اوت ۱۹۴۱ چگونه مصرف شده، حالا چه از آن باقی مانده و آنچه دول متحد آورده‌اند چه بوده و چه شده و حالا کجاست؟

«مادامی که ژنرال رودز در ایران بود حسن‌نیت و همکاری صمیمانه او باعث امتنان دولت ایران بود. لکن پس از اینکه آمریکاییها جانشین مأمورین انگلیس شدند، فکر اصلی که محور همه کارها شده این است که هرچه بیشتر و هرچه زودتر بارهایی را که می‌رسد به حدود روسیه برسانند و اساساً نمی‌خواهند در خصوص اشکالات دولت ایران وارد مذاکره بشوند. چنانکه در این باب نامه سفارت امریکا در تهران مورخ ۳۱ خرداد ۱۳۲۲ که بعد از مراجعات مکرر دولت ایران به مقامات عالی‌رتبه متفقین به وزارت امور خارجه ایران نوشته شده است چنین نگاشته است:

«مدیر ما در راه‌آهن برای اینکه استفاده از راه‌آهن به‌جدیترین وجهی بشود، همیشه با مأمورین راه‌آهن ایران و روسها و انگلیسها همکاری می‌نماید. نظر به افزایش حمل مقدار تدارکات روسها و اشیاء غیرنظامی که با راه‌آهن حمل می‌شود هیچ دلیلی بر اینکه اختلال شدیدی پیش آمده باشد نیست.»

«بنابراین به‌نظر آمریکاییها همین‌قدر که زودتر بر میزان حمل جنس به‌وسیله راه‌آهن افزوده شود، وضع راه‌آهن خوب است. اما دولت ایران با ابراز مسرت از اینکه

راه‌آهن و بندر و راه‌های ایران تا این درجه برای انجام مقصود عالی متفقین مفید و مؤثر واقع شده است، انتظار دارد که متفقین نیز در آن واحد در نظر گیرند که دولت ایران مسئول حسن اداره و حفظ دارایی و تأمین منافع مؤسسات مزبور در حال و آینده است و در این مورد مساعدت جدی و مؤثر به ایران کنند.

«اولیای دولت انگلستان به‌خوبی می‌دانند که تا آخر ۱۳۱۹ (مارس ۱۹۴۰) دولت ایران چهارهزار میلیون ریال برای ساختمان راه‌آهن خرج کرده و از آن به‌بعد نیز مبالغی در این راه صرف نموده و مخارج ساختمان و نگاهداری خطوط شوسه و بنادر ایران نیز لااقل معادل نصف این مبلغ شده است. همه این وجوه از ثروت مردم خود مملکت گرفته شده و دیناری سرمایه خارجی در آن به‌کار نرفته است. و نیز به‌خوبی می‌دانند که در مملکتی مثل ایران که تمول آن بالنسبه به‌ممالک دیگر دنیا چقدر قلیل است، جمع‌آوری شش‌هزار میلیون ریال در ظرف ده‌پانزده سال مستلزم تحمل چه مشقتی از طرف مردم مملکت می‌باشد و چون در موقع جنگ به‌هیچ‌وجه اصولی که در اوقات عادی برای حفظ و نگاهداری ماشین و غیرذلک رعایت می‌شود معمول نیست، مسلماً اولیای دولت انگلستان منصفانه نخواهند دانست که حاصل ده‌پانزده سال مشقت مردم ایران بعد از جنگ به‌اندازه‌ای فرسوده شده و به‌صورتی درآمد داشته باشد که قابل استفاده نباشد، در عوض آن هم چیزی به‌ملت ایران داده نشود.

«این وضع مخصوصاً از این جهت بیشتر ناگوار است که در ظرف همین مدتی هم که متفقین از این مؤسسات استفاده می‌کنند احتیاجات خود مردم ایران بر خلاف آنچه اولیای دولتمند انگلیس و شوروی در ضمن پیمان ژانویه ۱۹۴۲ قید کرده بودند چندان در نظر نیست.

«زیرا که اولاً در این باب به‌هیچ‌وجه نظر دولت ایران را نمی‌پرسند، یا به‌آن ترتیب اثر نمی‌دهند. همیشه از طرف خود تصمیم می‌گیرند که روزانه چه مقداری اختصاص بدهند و همان را اجرا می‌کنند. در شمال حتی وقتی هم که واگوها تخلیه می‌شود و باید برگردد مقداری از آنها را خالی برمی‌گردانند و بار ایرانیها را به‌جنوب نمی‌آورند، به‌این عنوان که بارگیری و تخلیه واگوها را معطل می‌کند.

«ثانیاً در مواقعی که دولت ایران بخواهد در این خصوص توضیحی بدهند و مساعدت بیشتری بطلبند معلوم نیست مرجع کار کیست زیرا که آمریکاییها و انگلیسیها هیچ‌یک تمام و کمال کار را در دست خود نمی‌دانند. گاهی نیز موضوع را در حدود

صلاحیت شعبه کمیته تدارکات شرق میانه که مرکز آن قاهره است می‌داند، تاکنون هم هر وقت که به‌شعبه مزبور رجوع شده جواب را موکول به‌رسیدگی کرده‌اند و مطلب همچنان معوق مانده و شکایت مردم و اقدام دولت همیشه بی‌حاصل بوده و همیشه نظری را که از بدو امر مستقلاً خودشان اتخاذ نموده‌اند، لازم‌الاجرا شمرده‌اند.

«اگر عدم قبول تقاضای دولت ایران در این زمینه از لحاظ مصالح جنگ ضرورت قطعی داشت، باز مطلبی بود که توضیح آن اشکال نداشت. لکن در این خصوص هم جای گفتگو باقی است، زیرا که چند ماه قبل وقتی که امریکاییها میزان حمل جنس را از جنوب روزانه به‌چهار الی پنج هزار تن خالص رسانیدند و از طرف دیگر در قسمت شمال ایران متجاوز از شصت هزار تن بار معطل مانده بود و مأمورین شوروی اصراری نداشتند که هر روز چهار الی پنج هزار تن دیگر موجودی ایستگاههای شمال اضافه شود، دولت ایران تقاضا کرد که چند روز تمام واگونها را به‌حمل اجناس موجود در خوزستان که به‌همه جهت از بیست هزار تن تجاوز نمی‌کرد و چندهزار تن آن خرما بود (و صاحبان خرما می‌کوشیدند که قبل از فصل گرما آن را به‌تهران برسانند) اختصاص دهند. لکن این تقاضا نیز پذیرفته نشد و در ۸ ژوئیه ۱۹۴۳ سفارت امریکا به‌وزارت امور خارجه ایران نوشت که چرا وزارت امور خارجه این اندازه در حمل خرما اصرار دارد، بدون اینکه لااقل اگر حمل خرما را صلاح نمی‌دیدند سایر اجناس موجود را حمل کنند.

«ضمناً این نکته قابل توجه است که در همان موقعی که راه‌آهن برای حمل اجناس از خوزستان این رویه را داشت، اداره باربری راه که تحت نظر متخصصین انگلیسی اداره می‌شد در جراید اعلام کرد که چون خوزستان به‌وسیله راه‌آهن با تهران مربوط است، هر کامیونی که در آن خط کار کند قاچاق محسوب و جریمه خواهد شد. «علی‌ایحال این وضع حمل اجناس بود. اما درباب مسافر، در ظرف این مدت تنها واگون مسافری که در سرتاسر راه‌آهن به‌طول ۲۲۰۰ کیلومتر در کار بود، هر هفته چندین قطار مسافری در خطوط مختلفه رفت‌وآمد می‌کرد همان چهل‌ودودستگاه واگون مسافری بود که قبل از اوت ۱۹۴۱ دولت ایران داشت و همیشه چند دستگاه آن‌هم در تعمیر بود. اما در این مورد هم راه‌آهن فقط به‌اندازه‌ای که متفقین از احتیاج خود زاید می‌دانستند می‌توانست مسافر بپذیرد. در نتیجه اکنون که در مملکت اتوموبیل برای مسافرت بی‌نهایت کمیاب است عده زیادی از مردم از مسافرت باراه‌آهن نیز محروم می‌مانند.

«اما در مورد راه آهن جلفا - تبریز - شرفخانه و کشتیرانی دریاچه رضاییه که اساساً دو سال است هیچ گونه مداخله‌ای به دولت ایران داده نمی‌شود. پس از مذاکرات ممتد دوماه‌ونیم قبل جوابی داده‌اند که در این امر هیچ گونه سوءنیتی در کار نیست و قطار شوروی در آن کار می‌کند. البته متفقین و مخصوصاً دولتمندان انگلستان و آمریکا در راه آهن و بندر و دولت انگلستان در خطوط شوسه ایران در ظرف دو سال اخیر مخارج زیاد کرده و اشیاء و ادوات و لوازم و وسایل بسیار آورده‌اند از قبیل احداث خط آهن اهواز - خرمشهر و اهواز - حسینییه و اتصال آن از سرحد ایران تا کنار شط العرب و به وسیله پل بابصره. وارد کردن واگون و لکوموتیو و لوازم دیگر راه آهن، عریض کردن و تعمیر بعضی از خطوط شوسه، اسفالت یکی دو خط شوسه و ساختمان بندر خرمشهر و بندر شاپور و غیره. لکن علاوه بر اینکه دریافت اسکناس ریالی از دولت ایران برای انجام این مخارج چنانکه گذشت موجب آن همه مشکلات مالی و اقتصادی ایران شده است، اساساً یک نکته بر دولت ایران مبهم است که چگونه در اموری که مربوط به ایران است نظر خود او را نمی‌خواهند مثلاً راه آهن حسینییه - تنومه بدون موافقت قبلی ایران ساخته شده و امریکاییها از اول ژوئن ۱۹۴۳ بهره‌برداری از آن را شروع کردند بدون اینکه قبلاً هیچ گونه قراردادی در این باب با دولت ایران داده شده باشد. به علاوه در ضمن این عملیات جنگی که انجام گرفته و می‌گیرد نه تنها امور به طور قطع معین نشده که فایده دولت ایران بالمآل از آنها چه خواهد بود، بلکه حتی امروز هم خطوط شوسه و راه آهن و بندر ایران دیگر آنچه قبل از اوت ۱۹۴۱ بوده نیست، روزبه‌روز هم فرسوده‌تر می‌شود و روبه‌خرابی و اسقاط می‌رود. (چنانکه هم‌اکنون پل راه شوسه که بر روی رود قزل‌اوزن در نزدیکی میانج بسته شده شکست سخت برداشته است.) برای جبران این خسارتها هنوز قراری با دولت ایران داده نشده است.

«این خسارات به حدی برای دولت ایران گران است که اعاده این مؤسسات حتی به صورت قبل از اوت ۱۹۴۱ به این سهولت برای دولت ایران مقدور نبخواهد بود چنانکه همین امسال با همه مذاکراتی که شد بالاخره دکتر میلسپو نتوانست اعتبار لازم را برای تعمیر آن قسمت از راههای شوسه که خرج آن به عهده خود دولت است به وزارت راه بدهد.

«ضمناً ذکر این نکته را نیز در اینجا مناسب می‌داند که در همین موقع که تمام

وسایل و توانایی دولت و ملت ایران برای رسانیدن جنس به روسیه به کار افتاده و هنوز هیچ قراری برای جبران خسارت خود با دول متحد ندارد و دولت شوروی تمام بنادر شمال ایران را با متعلقات آن از جرثقیل و کشتی شن‌کش و غیره در اختیار خود گرفته است. مأمورین شوروی در راه‌آهن تبریز - جلفا وقتی که مأمورین راه‌آهن ایران را جابجا می‌کنند از آنها کرایه می‌گیرند و اخیراً که چهارده دستگاه جرثقیل برای تخلیه و بارگیری اجناس خودشان در اختیار راه‌آهن ایران گذاشته‌اند از راه‌آهن ایران کرایه می‌خواهند.

«بنابراین انتظار دولت ایران این است که دول متحد هرچه زودتر قراری در این کار با ایران بدهند که ایران بداند اساس اداره و میزان مداخله و حدود مسئولیت او مادامی که جنگ باقی است در راه و راه‌آهن و بندر چیست؟ و بعد از جنگ حقیقتاً در این رشته چه خواهد داشت؟ والا دولت ایران نمی‌داند در این باب به مردم چه بگوید و وجدان خود را چگونه قانع نماید.

سایر وسایل ارتباط

«گذشته از راه‌آهن وسیله نقلیه در ایران اتوموبیل است و اتوبوس و کامیون و دواب. از این حیث نیز از اوت ۱۹۴۱ به بعد هر روز از روز پیش مشکلات مردم و دولت بیشتر شده است، تا آنجا که اکنون مسافرت با اتوموبیل کرایه عادتاً محال است. زیرا که اولاً به دست نمی‌آید و ثانیاً اگر هم به ندرت پیدا شود کرایه آن به قدری گزاف است که کسی حاضر به پرداخت آن نیست. کار به جایی رسیده که دولت مفتش و مأمور نمی‌تواند به ولایات بفرستد. حتی کسانی هم که شغل آنها مستلزم مسافرت با اتوموبیل است (مانند رؤسای نواحی راه‌های شوسه و از همه مهمتر مأمورین جمع‌آوری غله) از کار خود باز می‌مانند. اما در موارد فوق‌العاده از قبیل مبارزه با ملخ اگر مأمورین نظامی انگلیس به دستور اولیای خود اتوموبیل و کامیون خود را به این کار اختصاص نمی‌دادند دولت یک قدم هم به طرف مقصود نمی‌توانست بردارد.

«البته تا دو هفته قبل تعداد معدودی اتوموبیل دولتی که اغلب آنها تقریباً اسقاط است و از شهر نمی‌تواند بیرون برود، در تهران و ولایات در اختیار مأمورین دولت بود که دکتر میلسپو دستور جمع‌آوری آنها را داد. لکن برای طرز استفاده از اتوموبیل‌های خصوصی هنوز مقرراتی وضع نشده و دکتر میلسپو در نظر دارد ترتیبی در آن باب بدهد.

«قبل از اوت ۱۹۴۱ رفت و آمد مردم متوسط الحال در شهر تهران و از شهری به شهر دیگر با اتوبوس بود. یکصد دستگاه از این اتوبوسها را متفقین برای لهستانیها که به ایران آمده بودند اجاره کردند. به این جهت مردم ایران دچار زحمت شدند. هرچند اخیراً نصف آنها آزاد شده اند، لکن به علت نداشتن لاستیک، اتوبوس کافی در دسترس مردم نیست.

«به این ترتیب مضیقۀ فوق العاده ای که در امر لاستیک به تدریج پدید آمده مردم را در عسرت فوق العاده گذاشته است، لکن مصیبت بزرگ از فقدان کامیون می باشد که اساساً رشته کارهای مملکت را به تدریج گسیخته است.

«توضیح آنکه تا قبل از اوت ۱۹۴۱ چهار هزار دستگاه کامیون برای رفع حوائج ایران موجود بوده که از این تعداد در طی وقایع اوت ۱۹۴۱ در حدود چهارصد دستگاه کامیون را مأمورین شوروی برای احتیاجات خود ضبط کردند. از آن به بعد کامیونهای موجود هم مخصوصاً از این جهت که لاستیک نداشت به تدریج از کار افتاد و به این مناسبت میزان کرایه کامیون فوق العاده بالا رفت، به همان تناسب هم بر قیمت اجناس افزود.

«در این اثناء مؤسسات حمل نقل دول متحد که لاستیک وارد کرده بودند به هر یک از کامیوندارانی که حاضر می شد برای آنها کار کند لاستیک دادند. به این ترتیب متجاوز از دوهزار و شصت دستگاه از کامیونهای ایران به خدمت متفقین رفت و کار داخله به کلی لنگ شد، تا آنجا که همه مردم شاکی شدند و بدتر از همه آنکه خود دولت هم برای حمل غله کامیون به دست نمی آورد.

«علیهذا بعد از مذاکره زیاد با متفقین قرار شد برای باربری اداره ای تشکیل شود و کار حمل و نقل مملکت را به دست بگیرد. متفقین هم وعده دادند بر همان اساس که به جهت رفع حوائج خود لاستیک به کامیونداران می دهند به اداره باربری هم لاستیک بدهند.

«اداره ای در تحت ریاست یک متخصص انگلیسی تشکیل شد و به کار پرداخت. یک قسمت از کامیونداران باقی مانده شرایط اداره باربری را نپذیرفتند و به قاچاق مشغول کار شدند. از دوهزار و شصت دستگاه کامیون که خدمت متفقین را قبول کرده بودند بیش از چهارصد دستگاه به این اداره منتقل نشد. چندصد دستگاه کامیونی هم که بالاخره به حساب قانون وام و اجاره رسید خیلی به تانی آمد، به طوری که اداره باربری

نه تنها از عهده رفع کلیه حوائج دولت و مردم برنیامد بلکه حوائج وزارت خواربار را هم نتوانست رفع کند. به این جهت همه شروع به شکایت کردند. وزارت خواربار از همه بیشتر می‌نالید. در وزارت بازرگانی و پیشه و هنر مواد اولیه و سوخت کارخانجات نمی‌رسید. وزارت کشاورزی برای حمل پنبه و ذرت و لوازم دفع مصلخ معطل بود. وزارت پست و تلگراف مکاتیب مردم را یک‌ماه یک‌ماه نمی‌توانست برساند، حال آنکه ارسال تلگرافات نیز چون غالباً سیمها برای رفع حوائج متفقین مشغول بود ده روز و بیست روز طول می‌کشید. وزارت جنگ مدام تکرار می‌کرد که برای رفع غایله قشقای معطل بیست دستگاه کامیون است. در این بین مردم و جراید و مجلس نیز لاینقطع بر سر تشکیل این اداره به دولت ایراد وارد می‌کردند.

«علی‌ایحال هنوز اصلاح اساسی در این کار به نظر نرسیده و بیم آن می‌رود که امسال هم حمل و نقل و مخصوصاً حمل و نقل غله به همان مشکلات سال گذشته دچار شود. بنابراین اشکال اساسی حمل و نقل در ایران از اینجا ناشی شد که قریب هفتاد درصد کامیونهای مملکت به انجام کار متفقین مشغول شد. البته دولت به یقین می‌داند که اگر دول متحد در بدو ورود قوای خود به ایران به کامیون و اتوموبیل دیگر دسترس داشتند، متعرض اتوموبیل و کامیونهای ایران نمی‌شدند، سهل است برای حوائج ایران هم لاستیک می‌آوردند. از طرف دیگر دولت ایران فراموش نکرده است که اتحادیه بازرگانی انگلیس «U.K.C.C.» به کامیونهایی که در ایران اجازه کرده بود اجازه داد که در اوقاتی که خود آن اتحادیه بار ندارند کامیونها بار ایرانیها را حمل کنند و فقط در این اواخر از لحاظ صرفه در لاستیک این اجازه را قطع کرد، لکن با این همه توقع ایران که تمام توانائیش در راه انجام مقصود دول متحد به کار افتاده، این است که در کلیه موارد از جمله در این مورد احتیاجات قطعی ایران را نیز اولیای دول متحد در ردیف احتیاجات قطعی خود بگذارند، تا هر چاره‌ای که می‌اندیشند زحمت و راحت آن یکسان شامل ایران هم بشود. نه اینکه احتیاجات و مصالح ایران اساساً در نظر نیاید، زیرا که از این همه لاستیکی که در ظرف این دو سال مرتباً از راه ایران به روسیه فرستاده شد، اگر معادل یک جزء ناقابل آن به ایران داده می‌شد این همه گرفتاری برای ایران رو نمی‌داد.

«اما برای استفاده از حیوانات بارکش دو مانع بزرگ در کار بود. یکی اینکه در ظرف چند سالی که کامیون در ایران رواج یافته بود به تدریج از تعداد دواب بارکش

کاسته شده و آنچه هم که باقی مانده کار حمل و نقل را در میان دهات و مسافات کم انجام می‌دهد. دیگر اینکه به مناسبت قحطی و گرانی جو و علیق توسعه این کار مقدور نبود. از این گذشته در ایالات شمالی دولت شوروی نیز خریدار آنها بود.

تجارت خارجی

«قسمت عمده حوائج اقتصادی ایران را سالهاست که دو همسایه وی برآورده‌اند. علاوه بر این رفع احتیاجات ضروری از طرف دو همسایه در پیمان ۱۹۴۲ نیز قید شده است.

«قبل از جنگ واردات ایران در حدود چندصد هزار تن بود، لکن تجارت خارجی ایران قبل از جنگ، با ممالکی که دادوستد در آنجا آزاد بود این تفاوت فاحش را داشت که در ممالک اخیرالذکر جنس و افزار خارجه وارد می‌شد. چنانکه در مصر هنوز هم مقدار زیادی جنس از پیش از جنگ در انبارها و گمرگ موجود است. لکن در ایران به مناسبت تحدیداتی که از ده سال پیش از جنگ برقرار شده بود، ورود جنس از خارجه بسیار محدود بود. به این معنی که ایران قبل از جنگ هیچ وقت بالنسبه به سایر ممالک، ذخیره زیادی در انبارها و در گمرگ خود نداشت. بلافاصله بعد از اوت ۱۹۴۱ که اوضاع ایران عوض شد بازار دادوستد رواج یافت و تجار مقدار مختصری جنس از ممالک وابسته به حوزه استرلینگ وارد کردند و مقدار مهم دیگری سفارش دادند. لکن طولی نکشید که انگلستان ناچار شد حدود و قیودی برای ورود جنس به ایران قائل شود و بالنتیجه بسیاری از سفارشات مزبور معوق ماند. به علاوه روسها مقداری از اجناس موجود در گمرکات شمال را بردند. این امور باعث عدم رضایت تجار و گرانی اجناس شد.

«بعد از اینکه قرارداد مالی ایران و انگلیس به امضاء رسید امید دولت ایران برای جلوگیری از ترقی قیمتها به امکان واردکردن مقدار کافی جنس بود. لکن طولی نکشید که شعبه‌ای از کمیته تدارکات شرق نزدیک در تهران تشکیل شد و هرگونه وارداتی را موقوف به اجازه خود نمود. لکن این کمیته اولاً در هر قدم تشریفات و گفتگوی زیاد داشت و ثانیاً چنانکه اظهار می‌داشت ناچار بود قیود زیادی را که کمیته اصلی قاهره برقرار می‌کرد رعایت کند. به این جهت از آنچه تجار قبل از ایجاد کمیته سفارش داده بودند، چیز فوق‌العاده ناقابلی را اجازه ورود داد. از آنچه هم که تازه

تقاضا داشتند وارد کنند قسمت معتنا بهی را کسر کرد. از ۳۵ هزار تنی هم که برای نیمه دوم ۱۹۴۲ اجازه ورود داده بودند از قاهره بیست هزار تن آن را زدند. چون در این باب دولت ایران به قاهره رجوع کرد جواب فقط این بود که برحسب دستور دولت انگلستان ناگزیر از این کسر بودیم.

«اما در باب سهمیه واردات سال ۱۹۴۳ در قاهره به سفارت ایران اطلاع داده شد. که برای افزایش بر آنچه به تصویب رسیده و به نظر دولت ایران قلیل آمده است، اگر دکتر میلسپو برای اجرای نقشه اقتصادی و مالی خود احتیاج به مقداری جنس اضافی داشته باشد موضوع مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

«اما جنسی که دولت شوروی به ایران می فرستد از اوت ۱۹۴۱ به بعد کلاً به توسط خودشان به ایران می آید و در بازار به فروش می رسد و دولت ابداً از کمیت و کیفیت و قیمت آن اطلاع ندارد.

«دولت ایران به تمام مشکلاتی که دولت انگلستان را واداشته است هر چه بتواند کمتر اجازه بدهد جنس به ایران وارد کنند واقف است. لکن از آنجا که اطمینان دارد دولت انگلستان در مقابل دردهای واقعی مردم ایران بی علاقه نمی ماند توقع دارد که به مناسبت عسرت فوق طاعت مردم و گرانی زائد الوصف اجناس خارجه در ایران اولیای دولت انگلستان چند مطلب ذیل را در نظر بگیرند:

۱- دولت ایران لاعلاج است که در باب آن قسمت از اجناس خارجه که جزء احتیاجات اولیه اکثریت مردم است، مخصوصاً در مورد قند و چای که بعد از نان و برنج قوت غالب مردم مملکت است و پارچه نخی که یگانه پوشاک عامه اهالی است و قیمت آنها به افسانه شبیه شده است، هرچه زودتر فکری بکنند.

«قبل از جنگ در حدود یکصد هزار تن قند مصرف سالیانه مردم بود که در حدود بیست هزار تن آن در داخله تهیه می شد و بقیه را از خارجه می آوردند. مصرف قماش عامه نیز در حدود یکصد هزار عدل بود که جزء اعظم آن از روسیه و مقداری هم از ژاپون و هندوستان و قلیلی هم از انگلستان می آمد. قند را که دولت در ایام سابق بقرار هر کیلو یک شیلینگ به مردم می فروخت اکنون به پنج شیلینگ می فروشد، لکن در بازار آزاد هر کیلو از هجده شیلینگ هم متجاوز است.

«پارچه ای را که سابقاً هر متر یک شیلینگ به مردم می داد امروز چهار شیلینگ می فروشد لکن در بازار آزاد به دوازده شیلینگ هم به دست نمی آید. ورود حداقل قند

و پارچه نخى كه ساليانه بايد از خارج به ايران برسد ناچار بايد به ترتيب معين انجام شود. تا دولت بتواند آن را به قيمت مناسب به مقدار مقرر عادلانه في مابين مردم توزيع كند والا نه از جيره بندى اين اجناس نتيجه اى عايد خواهد شد و نه از تثبيت قيمت آنها.

۲- در موقعى كه اجناس مورد احتياج ضرورى مملكت و از جمله پارچه نخى از خارج به ايران نمى رسد و مردم در عسرت مى باشند، يك قسمت از كارخانجات ايران از كارخانه چرم و نخ و پارچه نخى و پارچه پشمى و غيره مرتباً مشغول اند و براى رفع احتياجات متفقين كار مى كنند. اما همينكه در موقع برداشت محصول پنبه ايران معلوم شد كه از نصف هم كمتر شده است و دارندگان پنبه در مصر حاضر شدند مقدارى به كارخانجات ايران پنبه بفروشدند، مقامات دولت انگلستان به علت دورى راه ترجيح دادند كه پنبه بين النهرين يا هندوستان به ايران فرستاده شود. حال آنكه بين النهرين نتوانست پنبه كافى به ايران بفرستد و دولت شوروى از لحاظ صحى با ورود پنبه هندی به ايران موافقت ندارد. از مجموع اين گفتگوها نتيجه اين شد كه دولت نتوانست به مقدار قابلى پنبه به ايران وارد كند و به كارخانجات بدهد.

۳- قبل از اوت ۱۹۴۱ دولت و مردم ايران مقدار زيادى جنس كه از آلمان خريده و قسمتى از وجه آن را پرداخته بودند در خاك شوروى داشتند كه هنوز هم بلاكليف مانده و تكليف خسارات كه از آن بابت وارد شده است معلوم نيست. از اين گذشته در همان موقع در گمركات ايران مقدار معتنايى جنس آلماني متعلق به دولت و افراد وجود داشت كه قيمت آن كلاً يا جزئاً به آلمان پرداخته شده بود. مأمورين شوروى يك قسمت از اموال مزبور را اساساً مورد احتياج خودديدند و براى تحويل بقيه به صاحبان آنها معادل تمام قيمت آن مجدداً از آنها وجه گرفتند. اين اقدام قهراً قيمت راس المال آن اجناس را بالا برد و بالطبع در گران شدن قيمت ساير اجناس نيز تأثير زيادى كرد.

«استناد مقامات شوروى در مورد اجناس مزبور اين بود كه چون اجناس مزبور به نام اتباع آلمان حمل شده است، مال اتباع آلمان تلقى مى شود و به اين جهت دولت شوروى حق دارد آنها را ضبط كند و به عنوان مال خود به تجار ايراني بفروشد. حال آنكه اتباع آلمان كه جنس به نام آنها وارد شده بود فقط دلال معامله بودند.

۴- به طوري كه مشهود شده است در باب امور مربوط به ايران ولو اينكه بسيار هم مهم

باشد، مأمورین دول متحد غالباً نظر دولت ایران را نمی‌خواهند و آن را شرط نمی‌دانند و به این جهت تصمیماتی که رأساً اتخاذ و ابلاغ می‌شود دولت ایران را دچار مرارت می‌کند. حال آنکه دولت ایران تصور می‌کند که این طریقه با منظور و نیت متفقین منافی است، زیرا که مسئولیت اداره مملکت به عهده دولت ایران است. با این ترتیب معلوم نیست دولت مسئولیت خود را چگونه باید اعمال کند.

«اما از قانون وام و اجاره نیز دولت ایران هنوز بهره‌مند نشده است. به این معنی که در حدود ده ماه قبل یکی دو نماینده از امریکا به تهران آمده مدتی ماندند و صورت احتیاجات ایران را خواستند، لکن نتیجه‌ای جز موضوع چندصد دستگاه کامیون و مقداری غله مشهود نشد.

فلاحت

«از اوت ۱۹۴۱ به بعد سه عامل به تدریج در کار فلاحت ایران رخنه کرده است که اگر چاره آن سریعاً نشود بعید نیست اسباب نقصان فاحش فلاحت بشود:

۱- ناامنی به علت پاشیدگی کار قشون و امنیه که بر اثر وقایع اوت ۱۹۴۱ در بسیاری از نقاط جان و مال رعیت را دستخوش تاخت و تاز یاغیان و دزدان و راهزنان محلی نموده است چنانکه رعایا مالک جان و مال خود نبوده‌اند و چون دامنۀ ناامنی هر روز وسعت می‌یابد ناچار از مساحت زمین زیر کشت به تدریج کاسته می‌شود.

۲- فقدان ضروریات زندگی و یا گرانی فوق‌العاده آن که کم‌کم رعیت را از سر مزرعه بر می‌دارد و به شهرها و نقاطی که لوازم زندگی در آنجا فراهم‌تر باشد می‌کشاند چنانکه در اوایل امسال چندین هزار نفر از رعایا به اداره راه‌آهن و راه خوزستان آمده، زیر دست امریکائیها کار می‌کردند. زیرا که امریکائیها علاوه بر مزد روزانه مرتباً به هر یک از آنها نیم‌کیلو آرد و ۵۵ گرم قند و ۸ گرم چای می‌دادند. همچنین در ظرف دو سال اخیر لااقل یکصد هزار نفر به سکنۀ تهران افزوده شده است.

۳- پراکندگی عظیم‌النظیر عوامل زراعت از گاو و گوسفند و اسب و الاغ و غیرذلک که چون هم قیمت آنها فوق‌العاده بالا رفته بود و هم احتیاج رعیت به پول زیاد شده بود بسیاری از آنها را فروخته‌اند، و خریداران آنها را به خارج کشور برده و یا در ایران به مسلخ فرستاده‌اند. در این خصوص وارد کردن کود شیمیائی و ماشین فلاحتی محققاً یکی از اقدامات مفید خواهد بود و برای این مقصود و همچنین برای تهیه

معاش رعیت و توسعه عوامل زراعت از بذر و گاو و دواب سرمایه کافی لازم خواهد شد و چون در ایران سی‌ونه هزار قریه احصاء کرده‌اند جز با سرمایه کافی که ناچار باید از خارجه بیاید بهبودی وضع زراعت ایران امکان نخواهد داشت.

«اگر محصول امسال گندم در ایران خوب شده به‌این علت بوده است که رعیت و مالک به‌طمع قیمت گزافی که سال گذشته یک‌باره دولت برای غله معین کرد به‌کشت تشویق شدند و مخصوصاً در نتیجه بارندگیهای نافع حاصل دیم خوب شد. لکن در مقابل، محصول اخیر پنبه از بیست‌هزار تن به‌هشت‌هزار تن رسید و محصول اخیر چغندر که سال قبل از آن یکصد و پنجاه هزار تن بود و متجاوز از بیست‌هزار تن قند داد معادل یک ثلث تنزل کرد.

«یکی از اشکالات بزرگ وزارت کشاورزی این است که چند تن از قبیل عیسایوف و لاپیدوس که به‌عنوان مأمور و مقاطعه‌کار قوای نظامی متفقین می‌باشند جنگلهای ایران را رو به‌انهدام کامل می‌برند. به‌این مناسبت تقاضای وزارت کشاورزی این است که در معیت مأمورین دول متحد زودتر ترتیبی در این کار داده شود که جز آنچه را که بر طبق قواعد علمی می‌توان برید، نبرند. البته اگر مؤسسات صاحب سرمایه انگلیس بتوانند قراری در این باب با دولت ایران بگذارند به‌صرفه دو طرف خواهد بود.

«یکی از بلیاتی که مخصوصاً در عرض دو سال اخیر به‌ایران رو آورده ملخ است که سال گذشته حاصل بعضی از نقاط جنوب را به‌کلی از میان برد. هر چند امسال چندان زیانی نرسانید لکن متخصصین دول متحد برای مبارزه با آن در سال آینده نقشه وسیعی کشیده‌اند که چهارصد میلیون ریال خرج دارد و به‌نظر ایشان اگر بر طبق آن نقشه اقدام نشود تمام محصول ایران در سال آینده در معرض خطر خواهد بود.

«دولت ایران در سال گذشته و امسال در حدود یکصد میلیون ریال به‌مصرف این مبارزه رسانیده و البته از مساعدت ذیقیمت متفقین نیز که در این راه مبذول داشته‌اند کمال امتنان را دارد. لکن گفتگو بر سر این است که از یک طرف دولت ایران با عسرت مالی فعلی نمی‌تواند چهارصد میلیون ریال برای این کار خرج کند و از طرف دیگر دولت شوروی اظهار می‌دارد که اگر در ایران مبارزه کامل نشود محصول روسیه نیز به‌خطر خواهد افتاد. حال آنکه اساساً آفت ملخ از ایران نیست، بلکه بلایی است که از ممالک وابسته به‌انگلستان می‌آید و به‌محصول ایران صدمه می‌رساند.

«ضمناً نمایندگان دولت انگلیس نیز چنین اظهار می‌دارند که از لحاظ فنی

مبارزه با ملخ قبل از اینکه به ایران برسد امکان ندارد. با این وصف بدیهی است که ایران که در این میانه قرار گرفته حقاً و انصافاً نمی‌بایستی تمام این مخارج را بر عهده بگیرد. اما در کنفرانسی که دوسه هفته قبل در تهران برای این موضوع تشکیل شد و نمایندگان انگلستان و شوروی و معالک شرق در آن حضور داشتند پیشنهادی شد که اساس آن تقسیم ایران از لحاظ مبارزه با ملخ به سه منطقه بود که دولت ایران نمی‌توانست آن را بپذیرد و بالنتیجه تکلیف انجام نقشه مفصلی که متخصصین تهیه کرده بودند درست روشن نشد و البته تا فرصت باقی است دولت ایران ناچار است با کمک متفقین چاره‌ای برای این کار بیندیشد.

«علاوه بر این وزارت کشاورزی فهرستی از احتیاجات خود تنظیم کرده و مدتها است از مقامات انگلیسی مقیم قاهره تقاضا نموده است ترتیبی برای تدارک آن بدهند لکن تاکنون جوابی در آن باب داده نشده است.

صنایع و معادن

«صنایع و معادن که در ظرف پانزده سال اخیر در ایران به وجود آمد و به تدریج توسعه پیدا کرد، از دو لحاظ شایسته توجه دقیق است. یکی از جهت سفارشات که برای رفع احتیاجات آنها به آلمان داده شده و قیمت آنها کلاً یا جزئاً نیز تأدیه شده بود و بعد از وقایع اوت ۱۹۴۱ معلوم نشد تکلیف آنها چه خواهد شد؟ دیگر احتیاجاتی که از حیث یدکی و غیره دارند و معلوم نیست چگونه باید رفع شود؟

«زیرا که اولاً مقدار زیادی از ماشینها و دستگاههایی که دولت یا مردم قبل از اوت ۱۹۴۱ از آلمان خریده و وجه آن را پرداخته‌اند بعضی یا در آلمان و یا در روسیه مانده و با همه کوششی که دولت نمود دسترسی به آنها پیدا نشد. چنانکه خود دولت یک فقره سی میلیون مارک برای خرید کارخانه ذوب آهن به آلمان پرداخت و از آن بابت جز مقدار مختصری آهن آلات و آجر نسوز و لوازم الکتریک چیزی به ایران نرسید و تاکنون نیز هیچ گونه قراری نتوانسته است با دول متحد بدهد که ترتیب جبران این خسارت و سایر وجوه دولت و مردم را معین کنند.

«ثانیاً صورت احتیاجات صنعتی ایران (اعم از دولتی و خصوصی) را مکرر دولت به نمایندگان انگلستان و مأمورین وام و اجاره داده، لکن تاکنون هیچ نتیجه‌ای به دست نیامده است، و چون هرچه هم که از این قبیل اشیاء در بازار ایران پیدا می‌شد

به تدریج مصرف شده و ماشینها همه در حال فرسودگی است، ناچار عنقریب قسمت عمده آن از حیز انتفاع خواهد افتاد.

«این همه مضیقه که در کار است باز کارخانه‌های دولتی و خصوصی و معادن مرتباً یک قسمت عمده از وقت خود را صرف انجام سفارشهای قوای دول متحد می‌کنند. با این وصف نزد دولت ایران روشن نیست که این همکاری چگونه است که قوای نظامی دول متحد نمی‌توانند رفع حوائج همین کارخانه‌ها و معادن را جزء حوائج نظامی قلمداد و تأمین کنند.

«البته مأمورین دولت انگلستان در تهران در این زمینه کمال اهتمام را به خرج داده‌اند و حتی برای رفع این حوائج مانند کسی که دنبال کار خود می‌رود کوشیده‌اند، لکن غالباً نتیجه‌ای که گرفته‌اند محدود به‌اموری بوده که در خود ایران ممکن شده است، والا از خارج کمتر اتفاق افتاده که کمکی شده باشد. اما همین مطلب هم که صاحبان کارخانه‌های خصوصی قسمتی از سفارش متفقین را انجام می‌دهند خود باعث شده است که دولت نمی‌تواند آنها را مجبور کند مقررات موضوعه از طرف دولت را کاملاً مراعات کنند.

«به‌هر حال امروز در ایران اهمیت کارخانجات و معادن به‌ترتیبی که شرح داده شد، از اهمیتی که عادتاً صنعت و معدن در هر مملکت دارد به‌مراتب بیشتر است. زیرا که اگر به‌موضوع با تدبیر و مآل‌بینی توجه نشود، از لحاظ اجتماعی عواقب نامطلوب از آن ناشی خواهد شد. بدیهی است که امروز بدون مساعدت قطعی دول متحد دولت ایران نخواهد توانست در این خصوص از اقدامات خود نتیجه قطعی بگیرد.

صحیه

«تدابیری که معمولاً عموم ممالک برای حفظ سلامت مردم و رفع امراض عمومی به‌کار می‌برند در ایران به‌سبب عسرت مالی چندان وسعتی ندارد. با این وجود وقتی که در نتیجه گرسنگی و قحطی مردم دچار ضعف بنیه و امراض مختلف بشوند و امراض دیگری هم که اختصاصاً در ایام جنگ شیوع پیدا می‌کند بر آنچه از سابق بوده است مزید شود، گرفتاری سختی برای عامه مردم پدید می‌آید. از آن جمله مرض محرقه است که به‌این شکل جز نادراً در ایران سابقه نداشت و در واقع سوغاتی است که سال گذشته مهاجرین لهستانی به ایران آوردند چنانکه در تمام مملکت انتشار یافت و در خود

تهران تعداد متوفیات را تا ماهی یکهزار نفر بالا برد. عاقبت در نتیجه اقداماتی که برای مبارزه با آن به عمل آمد مرض تخفیف کلی پیدا کرد لکن بیم شیوع سخت آن در زمستان آینده هنوز باقی است.

«به طور کلی وزارت بهداری ایران برای اقدام به دفع محرقه و امراض مسری دیگر و سایر اقدامات ضروری صحی احتیاجاتی دارد که کمیته تدارکات خاورمیانه همه آنها را تصویب کرده و اجازه آنها را صادر نموده، لکن از ارسال آنها به ایران هنوز اطلاعی نرسیده و به این مناسبت وزارت بهداری تقاضای تسریع دارد.

«از جمله احتیاجات مزبور آنچه اهمیت فوق العاده دارد انواع دواهایی است که همه دنیا به قدر نان به آن احتیاج دارند. زیرا که در ایران در این دو سال اخیر کارنایابی و گرانی دوا به جایی رسیده که نه تنها مردم بی بضاعت نمی توانند بخرند و اغلب از مرض میمیرند بلکه مردمان صاحب سرمایه نیز از خرید آن عاجز مانده اند. مثلاً قیمت یک دانه آمپول که سابقاً یک شیلینگ بود به یک لیره و پنج شیلینگ و یک جعبه قرص که سابقاً سه شیلینگ بود به یک لیره و نیم رسیده است.

«ادویه عمومی نیز به همین تناسب و بلکه بعضی اوقات بیشتر ترقی کرده است. چنانکه یک قرص گنه گنه که معمولاً در حدود یک پنس قیمت داشت اکنون یک شیلینگ و بیشتر فروخته می شود و به علت کمیابی اغلب هم به دست نمی آید. با این وصف اگر توجه عاجلی به ارسال مقدار کافی دوا به ایران نشود از این رهگذر هم جان مردم سخت در معرض خطر است و دولت ایران قطع دارد که عاطفه ملت انگلستان و امریکا و علاقه ای که همیشه به حفظ حیات مردم دنیا نشان داده اند فکری در این خصوص خواهد کرد.

«یکی دیگر از لوازم تندرستی مردم صابون است که قیمت آن نیز در این دو سال از هر قالب شش پنس حداقل به پنج شیلینگ رسیده و عامه مردم قادر به خرید و مصرف آن نمی شوند. در ایران صابون را اغلب با وسایل محلی می سازند و علاوه بر این در تهران یک کارخانه صابون سازی نیز وجود دارد، لکن اشکال عمده در نایابی و گرانی چربی و روغن است. البته دولت ایران احتیاج دولت شوروی را به چربی و روغنهای نباتی می داند. حتی وزارت پیشه و هنر قراری با مقامات شوروی گذاشته است که به اتفاق از روغن تخم پنبه ایران استفاده کنند و موافقت نموده که گلیسرین کارخانه گلیسرین را نیز به دولت شوروی بدهد. حتی مأمورین

شوروی در این اواخر چندصد تن صابون از وزارت پیشه و هنر خواسته بودند، لکن با وضع فعلی چربی و روغنی که در بازار ایران به دست می‌آید برای رفع حواچ کافی نیست و قیمت آن نیز گزاف است. برای رفع این مشکلات چندی قبل دولت ایران خواست از هندوستان روغن نارگیل بیاورد لکن نتیجه‌ای حاصل نشد و با این ترتیب برای سلامت مردم از جهت نظافت راهی باید به دست آورد.

ارزاق

«در ظرف دو سال گذشته دولت ایران نیز مانند هر دولت دیگر بزرگترین مشکلی که در برابر خود داشته تأمین معاش مردم بوده است. از جمله اجناسی که امر معاش مردم بسته به آنهاست کیفیت قند و جای و پارچه نخی قبلاً توضیح شد و آنچه باقی می‌ماند گندم است و برنج و گوشت و سوخت.

«در باب سوخت مواد عمده در ایران غیر از مواد نفتی هیزم و زغال چوب است. مضیقۀ زغال چوب و هیزم در سال گذشته بیشتر از جهت فقدان وسیله نقلیه بود که به دست نمی‌آمد. ضمناً قوای دول متحد نیز به هیزم احتیاج داشتند. بالفعل نیز از حیث فقدان وسیله نقلیه وضع به قرار سابق است. چنانکه الان که تابستان است در تهران هر تن زغال چوب بیست لیره و هر تن هیزم دوازده لیره قیمت دارد و اگر اقدامی را که دکتر میلسپو در این باب در نظر گرفته اجرا نشود امسال از سال گذشته نیز هیزم و زغال سخت‌تر و گرانتر خواهد شد.

«گذشته از سوخت برای اینکه حتی المقدور از احتیاجات لازمه مردم ایران که از آن در اینجا بحث می‌شود کاسته شود، از لباس پشمی و کفش و کلاه و مرغ و تخم مرغ و کره و انواع میوه و غیر ذلک که قیمت آنها نیز نسبت به ده سال قبل لااقل ده برابر شده و مردم توانایی خرید آن را ندارند، در اینجا ذکر نمی‌شود، فقط یادآوری این نکته لازم است که در مورد اجناسی که از خارجه به ایران می‌آید علت اساسی گرانی نقصان واردات است، اما در مورد اجناسی که در خود ایران تهیه می‌شود (اگر گندم که در سال گذشته محصول آن خوب نبود استثناء شود) باید گفت که علت گرانی کمیابی آنها نبوده است. زیرا که در سال گذشته محصول برنج به قدری زیاد بود که در ظرف سی سال اخیر نظیر نداشت. انواع میوه به قدری فراوان بود که در ظرف ده سال اخیر کسی به خاطر نمی‌آورد. مرغ و تخم مرغ به حد وفور وجود داشت. نقصانی هم که در گوشت

به هم رسیده بود فاحش نبود. بنابراین وقتی که ترقی عديم النظر محصولات داخله ایران مورد دقت قرار گیرد معلوم می شود که معلول چهار امر ذیل بوده است:

۱- خرید آنها برای مصرف قوای متفقین و وابستگان آنها (از قبیل مهاجرین لهستانی) در ایران.

۲- صدور آنها به توسط متفقین یا به توسط تجار (که به علل سابق الذکر دولت نمی تواند از آنها ممانعت کند).

۳- منع ارسال آنها از نقطه ای به نقطه دیگر در داخله مملکت.

۴- فقدان وسائط نقلیه.

«اما اینکه در سال گذشته مدام به دولت ایران گفته می شد که چون جیره بندی نشده است، این قحطی و گرانی بروز کرده است، حقیقت این است که با وجود چهار علت فوق الذکر حقاً به دولت ایران ایرادی وارد نبود. زیرا که از اجرای پیشنهاد مزبور انتظار نتیجه عمده نمی رفت چنانکه وقتی هم که مشغول اجرای آنها شدند مشکل سخت تر شد.

«در همه جای دنیا آنچه را که دولت جیره بندی می کند باید بتواند به مقدار مقرر به همه مردم مملکت برساند. حال آنکه دولت ایران در سال گذشته نه گندم و برنج و گوشت و قماش و قند و چای و سوخت ذخیره داشت، نه مطمئن بود که بتواند آنها را به تدریج تهیه کند. زیرا که اولاً متفقین تعهدی در این باب نمی کردند ثانیاً دارندگان جنس هم مشتریان نقد دیگری زیر سر داشتند و هم غالباً راه صدور برای آنها باز بود و به علل سابق الذکر دولت نمی توانست مانع آنها بشود و حاضر نبودند به آسانی جنس خود را ارزان به دولت بفروشند، ثالثاً آن مقدار هم که خود دولت گندم و برنج در بعضی از نقاط مملکت به زحمت می خرید (از قبیل گرگان، مازندران، گیلان، آذربایجان و خراسان) یا وسیله حمل و نقل به دست نمی آورد که آن را حمل کند، یا اینکه اشخاص و مقامات خارجی برای ممانعت از حمل آن دلایل و وسایلی داشتند و دولت را مستأصل می کردند.

«با اینهمه برای اینکه تجربه ای شده باشد دولت در شهر تهران و بعضی از بلاد دیگر جیره بندی نان را معمول نمود، لکن از عهده برنیامد. زیرا که تهران روزی دویست و پنجاه تن گندم می خواست و حال آنکه در ذخیره دویست و پنجاه کیلو هم گندم نبود و هرچه دولت می کوشید نمی توانست روزانه به مقدار کافی جنس جمع آوری کند.

آنچه را هم که جمع می‌کرد نمی‌توانست به وسیله راه آهن و کامیون به تهران برساند، چنانکه مردم چندین روز بی‌نان ماندند و در حادثه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ به علت گرسنگی به هیجان آمدند و آشوبی برپا کردند که بیم آن می‌رفت دامنه پیدا کند و تمام مملکت را بگیرد.

«اما در باب مجازات محترکین نیز اولاً احتکار بعضی اجناس از قبیل میوه و تخم مرغ اساساً معقول نیست. ثانیاً - در مواردی که جنس وافر باشد (مثل برنج در سال گذشته) کسی آن را احتکار نمی‌کند مگر اینکه مطمئن باشد که علاوه بر مصرف عادی مملکت مصرف زیاد دیگری پیدا خواهد کرد. ثالثاً - بدیهی است که قحطی قهراً محترکین را به خیال می‌اندازد که جنس خود را نگاهدارند تا گرانتر بفروشند. اما اگر اوضاع طوری باشد که بعضی اشخاص بتوانند جنس خود را به خارج صادر کنند و دولت نتواند جلوی آنها را بگیرد رغبت به احتکار بیشتر خواهد بود. البته دولت ایران هرچه می‌توانست برای تنبیه محترکین می‌کرد لکن اقدامات دولت در این رشته چنین تعبیر شد که دولت فقط در برابر اتباع خود قدرت نمایی می‌کند و حال آنکه در برابر خارجیها لاعلاج ساکت می‌ماند.

«علی‌ایحال توضیحاتی که در باب چهار عامل سابق‌الذکر می‌توان داد از قرار

ذیل است:

«در باب خرید جنس برای مصرف قوای متفقین و وابستگان آنها در ایران قطع نظر از اینکه از اوت ۱۹۴۱ به بعد مکرر دول متحد اطمینان داده‌اند که قوای آنها از حیث آذوقه و مسکن و سایر احتیاجات تحمیلی بر ایران نخواهند کرد و این مطلب به موجب پیمان اتحاد نیز معهود بود، لکن عملاً این ترتیب پیش نیامد و خرید جنس توسط آنها در بازار باعث شکایت شد.

«البته قوای دول متحد بعضی احتیاجات ضروری دارند که آنها را نمی‌توان از خارج وارد کرد، لکن عقیده مردم ایران همیشه این بود که چون تعداد قوای متفقین به نسبت جمعیت ایران زیاد نیست، در صورتی که طرفین در مقام همکاری بیشتری باشند، اولیای سه دولت می‌توانند از احتیاجات ضروری قوای متفقین آنچه را که نمی‌توان از خارج وارد کرد و همچنین احتیاجات ضروری مردم ایران را یکجا، باهم در نظر بگیرند و بر اساسی منصفانه قرار کلی به جهت آسایش عموم آنها بدهند، تا دیگر برای اقدامات انفرادی و خریده‌های جداگانه هیچ‌گونه موجبی باقی نماند.

«البته مضیقه‌ای که در کار کشتیرانی دنیا در این موقع ایجاد شده بود جای تردید نیست، از این گذشته موجب امتنان بود که دول متحد در موقعی که کار آذوقه در ایران فوق‌العاده سخت شد حاضر شدند مساعدتی به ایران بکنند. یعنی دولت انگلستان از مارس ۱۹۴۳ به تدریج ۲۵ هزار تن گندم را که چندی قبل تعهد کرده بود رسانید و دولت شوروی نیز متعاقب آن بیست و پنج هزار تن گندم برای تهران وارد نمود. اما توقع دولت و ملت ایران در آن روزهای سخت، یعنی چهار پنج ماه قبل از مارس ۱۹۴۳ این بود که دول متحد هم به مناسبت علایق عدیده‌ای که فی‌مابین موجود است، هم به موجب پیمان ژانویه ۱۹۴۲ و هم از لحاظ اهمیت بی‌نظیری که خودشان برای حفظ امنیت ایران — راه کمک به روسیه — قائل هستند، رفع گرسنگی مردم ایران را نیز جزء سایر امور جنگی که اوقات خود را صرف حل آنها می‌کنند بگذارند. علی‌الخصوص که این قحطی و گرسنگی از برهم‌خوردن نظم در ایران به وجود آمده بود و برقراری نظم از موقعی که قوای دول متحد به ایران آمده‌اند بدون مساعدت دول متحد صورت‌پذیر نیست. «ملت ایران می‌دید که مقامات انگلیسی در ایران با چه دلسوزی و مراقبت شبانه‌روزی خوراک و پوشاک و مسکن و نظافت و معالجه و گردش و پرورش بدنی و روحی متجاوز از پنجاه هزار نفر مهاجر لهستانی را در ایران مرتب و منظم کرده‌اند و در اوقاتی که در تهران تعداد زیادی از مردم نان پیدا نمی‌کردند و مرگ و مرض همه را احاطه کرده بود و گرانی به جائی رسیده بود که تخم‌مرغ دانه‌ای یک شیلینگ پیدا نمی‌شد، جراید به تصدیق مستشار امریکایی وزارت خواربار می‌نوشتند که نان خالص و شیر و تخم‌مرغ و کره و مربا و گوشت و غیره به حد وفور برای مهاجرین لهستانی تهیه می‌شود، از خود می‌پرسیدند که چگونه شده است که دولت انگلستان در برابر این مصیبت که به مردم ایران روی آورده است به همان درجه لهستانیها مساعدت نمی‌کند. «طول کلام در این باب فقط از لحاظ علاقه تامی است که ایرانیان به حفظ و توسعه دوستی با متفقین دارند و منظور از بیان این مطلب این است، که دولت ایران وظیفه خود می‌داند با مساعدت متحدین خود، هر اقدامی را که برای رفع هر گونه شبهه از مردم ایران لازم است، انجام بدهد.

«اما در باب صدور گندم و برنج و حبوبات و سیب‌زمینی و کره و سایر اقسام خوراکی و انواع دواب و غیرذلک نسبت به آنچه بنا باشد بدون اجازه دولت بیرون برود و در سال گذشته نیز محققاً به مقدار معتناهی بیرون رفته است علاج منحصر همین

است که دولت ایران با کمک دول متحد نقشه قطعی و عملی برای این کار بکشد و به مساعدت و تقویت کامل آنها، آن را به موقع اجرا بگذارد. والا مادامی که دولت ایران شب‌وروز در راهها و مخصوصاً در سرحدات مأمور جدی و مراقبت نداشته باشد و گمرکات ایران وظیفه خود را تمام و کمال انجام ندهند، جلوگیری از قاچاق جنس به خارج محال است. لکن ذکر این موضوع در اینجا برای توضیحی در باب صدور اجناس سابق‌الذکر بنا به اجازه خود دولت بود، و خلاصه مطلب در این باب است که در سال گذشته دولت ایران موافقت کرد بیست‌هزار تن گندم و جو و سی‌هزار تن برنج و دوهزار تن سیب‌زمینی به قیمت ثابت به دولت شوروی بفروشد و ضمناً اجازه داد که مقدار معتابهی گاو و گوسفند و دواب و اجناس دیگر نیز خود بخرند و صادر کنند.

«بنا به مناسبات اقتصادی و سیاسی و حسن روابط همجواری که سالها است فی‌مابین ایران و روسیه برقرار بوده و مخصوصاً به مناسبت فصل تازه‌ای که از موقع امضای پیمان ژانویه ۱۹۴۲ در همکاری ایران و شوروی پیش آمده است، وقتی که دولت ایران در مقام ابراز مودت و دوستی یک‌چنین مساعدتی در موقع سختی و تنگی خود ایران، با دولت شوروی می‌کند، البته منتی به کسی ندارد علی‌الخصوص که دولت شوروی در سنوات سابق نیز مرتباً از ایران غله و برنج و غیره می‌خرید و به روسیه می‌برد، از این گذشته ضرر و زیانی هم که در نتیجه خرید و فروش برنج و غله و سیب‌زمینی مزبور به خزانه دولت وارد شده است، در برابر دوستی و یگانگی دولت شوروی قابل نیست، لکن در این مقام توقع دولت ایران این است که مأمورین دولت شوروی نیز این مطلب را از مد نظر دور ندارند که دولت را چاره‌ای نیست جز اینکه هرچه بتواند مرتباً غله و برنج و سایر مواد خوراکی را از ولایات شمالی برای مصرف سایر ولایات ایران حمل کند و برای انجام این مقصود با تمام وسایل موجود در ایران از راه آهن و کامیون و دواب و غیره و همچنین با کلیه وسایل خودشان هر کمکی را که لازم باشد به دولت ایران بکنند. علی‌الخصوص که در سنوات گذشته نیز همیشه اوقات عیناً به همین رویه اجرا می‌شد و ولایات مختلف ایران نیز مانند سایر ممالک دنیا احتیاجات همدیگر را فی‌مابین خودشان رفع می‌کردند.

«به علاوه در موقعی که دولتین انگلستان و امریکا بنا به قراری که داده‌اند هرچه بتوانند مواد خوراکی از قبیل آرد و قند و حبوبات و کنسرو و غیره از راه ایران به روسیه می‌فرستند، مردم قحطی‌زده ایران این اجناس را که از راه ایران رد شده است

می‌بینند، توقع نمی‌کنند که به تناسب شرکتی که در راه برانداختن جنگ کرده‌اند، حصه‌ای از آن اجناس به آنها داده نشود؟ آیا حمل قسمتی از مازاد محصول ایالات شمالی به نقاط دیگر مملکت جز اقدامی به جا و به حق چیز دیگر ممکن است تعبیر شود؟ «به‌رحال دولت ایران توفیق نیافت قرار کلی در این باب بگذارد لکن به تدریج مقدار مختصری غله و برنج از ولایات شمالی به تهران می‌رسید و ضمناً در همان مواقع برای اینکه ثابت کند که حتی زاید بر آنچه هم که تا آن وقت با دول متحد در لوازم کار جنگ همکاری نموده حاضر است قدم بردارد، با دولت شوروی قراردادی امضاء کرد و به موجب آن تعهد نمود که بر طبق شرایط معین سالیانه برای دولت شوروی تفنگ و فشنگ و طپانجه بسازد.

«این همه شرح و بسط برای این بود که تجربه گذشته بتواند امسال هادی دولت ایران در روابط خود با دول متحد بشود. بلکه هر سه دولت به اتفاق یکدیگر فوراً ترتیبی برای جمع‌آوری محصول و ذخیره و توزیع آن در نظر بگیرند و در معیت یکدیگر به موقع اجرا بگذارند که به موجب آن یقین حاصل باشد که هیچ‌یک از چهار علتی که مصیبت سال گذشته را موجب شدند، امسال بروز نخواهد کرد. والا با اینکه امسال خوشبختانه محصول گندم ایران خوب است و از آنچه تا کنون مشهود است محصول برنج ایران نیز خوب خواهد بود و از اطلاعاتی که رسیده در عراق و فلسطین و شامات و مصر هم محصول خوب بوده، بیم آن می‌رود که باز دولت و مردم ایران و دول متحد دچار همان مشکلات سال گذشته بشوند.

«به علاوه کار نان مردم در ایران از جهات دیگر نیز لاینحل مانده است به این معنی که هم گران است (چنانکه در خود تهران چند ماه قبل باز سی درصد بر آن افزودند و از قرار هر کیلو سه ریال قیمت نان را تعیین کردند.) و هم دولت ظاهراً هنوز از ضرری که از آن بابت مرتباً می‌داد خلاص نشده و این ضرر تا چند ماه قبل از قرار هر ماه چهل و هفت هزار لیره انگلیسی بود. لکن نه مردم تاب این قیمت گزاف را دارند و نه خزانه دولت تاب تحمل این زیان را.

«قطع نظر از اینکه دولت موظف است ضروریات اولیه زندگی عموم مردم را تأمین کند، امروز در ایران مخصوصاً وضع مستخدمین دولت مقدم بر سایر طبقات باعث بیم دولت شده است. زیرا که اولاً — طبقات دیگر مردم در موقع گرانی می‌توانند به قیمت جنس یا به اجرت کار خود بیفزایند، حال آنکه این کار برای مستخدمین دولت که

میزان اجرت آنها امروز حد اعلی دو برابر بیست سال قبل است، لکن قیمت اشیاء لااقل ده برابر شده است امکان‌پذیر نیست. ثانیاً — هر تصمیمی که دولت بگیرد و بخواهد اجرا کند ناچار باید به‌دست مأمورین انجام بگیرد، اگر مأمورین از بابت معاش خود راحت نباشند چنانکه باید نخواهند توانست خدمت کنند، اما وقتی که دولت می‌بیند مواجب مستخدمین او در هر رتبه و مقامی که باشند کفاف مخارج ضروری آنها را نمی‌دهد و مواجب ماهیانه کسانی که حائز حد اعلای درجات قانون استخدام دولتی هستند فقط معادل قیمت دو دست لباس یا پنج جفت کفش یا دو تن زغال است، البته معلوم است که مستخدمین دچار چه مرارتی هستند.

«مستخدمین دولت در ظرف این دو سال هرطور بود به‌امید منتظر شدند، لکن اگر حالا هم باز فکری به‌حال آنها نشود مسلماً انجام کار دولت دچار وقفه خواهد شد. چنانکه مقدمه آن دو ماه قبل ظاهر شد و مهندسین اعتصاب کردند و چندی به‌سر کار نرفتند و دولت وعده داد که فکری به‌حال عموم مستخدمین می‌کند.

«چندی قبل طرحی تهیه شده بود که دولت ضروریات زندگی مستخدمین خود را تهیه کند و به‌قیمتی که متناسب با حقوق آنها باشد به آنها بدهد، لکن دکتر میلسپو نتوانست برای حوایج مستخدمین دولت انبار و دستگاه جداگانه ترتیب بدهد. از طرف دیگر از لحاظ کسر عواید دولت در بودجه‌ای هم که اخیراً به‌مجلس تقدیم نمود نتوانست اضافه‌ای برای مستخدمین دولت در نظر بگیرد.

«بنابراین امروز در ایران نه‌تنها موجبات مشکلات زندگی از هر حیث در میان مردم مملکت فراهم شده است بلکه در این گیرودار مستخدمین کشوری هم که در واقع مجری تصمیمات دولت هستند کاملاً زندگی را بر خود تلخ می‌بینند.

«مجموع این مسائل باعث شده است که جراید و مجلس مدام از اوضاع بد بگویند و به‌دولت حمله کنند. در مقابل این پیشامدها تنها کاری که دولت می‌تواند بکند توقیف جراید است، لکن اگر متعاقب توقیف جراید دولت توانایی نداشته باشد که در اصل مصائب مردم و مملکت تخفیفی بدهد چنانکه تاکنون این توانایی را نداشته است، توقیف هر روزنامه سبب محبوبیت او در میان مردم می‌شود و روزنامه دیگر راهی را که روزنامه توقیف شده در پیش گرفته بود دنبال می‌کند، و دوام این وضع مملکت را اندک‌اندک به‌آن درجه از ضعف می‌رساند که سرانجام آن وقفه کلی کار دولت است. چون دولت ایران شک ندارد که دول متحد علاقمند به آرامش ایران بوده، مایل‌اند که

هرچه زودتر دولت باتقویت دول متحد و مخصوصاً دولت انگلستان به علاج دردهایی که ذکر آنها گذشت بپردازد و به این ترتیب خاطر خود و دو دولت متحد را از آینده ایران آسوده کند.»

متعاقب تسلیم لایحه جامع مزبور به مقامات انگلیسی، گزارش وزیر مختار شاهنشاهی در لندن به نخست وزیر حاکی از پاسخ مجملی است که مقامات وزارت امور خارجه انگلستان به نامه وزیر راه داده اند:

شماره: ۱۶

تاریخ: ۷ آذر ۱۳۲۲

مقام محترم ریاست وزراء،

«در تعقیب معروضه شماره ۱۱۵۹/۷/۱۹ مورخه ۲۰ آبان ماه ۱۳۲۲ که لایحه آقای هژیر (متن فارسی و ترجمه انگلیسی) در لف آن تقدیم شد، اینک مراسله جوابیه آقای ایدن وزیر امور خارجه انگلیس را که خطاب به این جانب نوشته اند لفاً تقدیم می کنند. چنانکه ملاحظه می فرمایید در جواب اظهارات آقای هژیر تأخیر خیلی فاحش نمودند. برحسب اظهارات خودشان برای بعضی تحقیقات به قاهره و تهران مراجعه نمودند. در واقع برای به دست آوردن بعضی ارقام و اعداد (به قصد رد اظهارات با نام و نشان آقای هژیر) مطالعات و فحص و بحث مشیع نمودند، ولی چنانکه بر خاطر شریف از ملاحظه جواب روشن خواهد شد، اظهارات و دلایل مندرجه غالباً یا بیان قسمتی از حقیقت و اغماض از قسمت متمم بوده و یا سست و کم قوت است، منتهی درجه سستی در اظهارات بی نام و نشان است که در ضمن استدلال ذکر شده، مانند اینکه خرما در تهران موجود بود و چایی و قند در تهران در چند نقطه احتکار شده و غیره که موجب تعجب است که چرا از میزان و محل و اسم اشخاص و نام و نشان ذکر نیست و اگر مطابق حقیقت بوده چه محذور و ملاحظه ای از ذکر نام و نشان و مشخصات بوده و از کی ملاحظه داشته اند و چرا در موقعی که دولت قریب یک سال مستمر در حمل خرما یا چایی اصرار متوالی و مکرر داشت، جواب نگفتند و به خود دولت اظهار نکردند که در فلان جا در بازار یا نزد فلان کس فلان مقدار موجود است که دولت اقدام به ضبط آنها بکند.

«البته ما در اینجا نخواستیم داخل بحث طولانی سطر به سطر شده و مدلل کنیم

که خیلی از این اظهارات نیمه‌راست است. مثلاً در آنچه می‌گویند ۲۷ هزار تن نفت و مشتقات آن در ماه با راه‌آهن برای ما حمل می‌کنند این حقیقت مستور داشته شده که این مقدار شامل بنزین و غیره نیز می‌باشد که به‌درد حمل اشیاء به‌روسیه می‌خورد. یعنی مقدار عمده از آن به‌مصرف کامیونهای مؤسسه تجارتي خودشان یعنی «U.K.C.C.» که کامیونهای ما را تصرف نموده و باز به‌روسیه مهمات لازم حمل می‌کنند و به‌مصرف سایر حمل‌ونقل متفقین در همه‌جای ایران از قبیل کلیه آنچه انگلیسها و روسها و امریکاییها برای مقاصد خود به‌کار می‌برند می‌رسد.

«در موضوع هفت‌هزار تن در ماه هم که می‌گویند برای حمل سایر اشیاء به‌داخله ایران اختصاص داده‌اند، این نکته اغماض و کتمان‌شده که این مقدار را به‌عنوان سهمیه ثابت منظم در ماه به‌ما اطلاع نداده‌اند. (که می‌گویند ما از آن استفاده نکرده و آن مقدار را حمل نکرده‌ایم.) بلکه روزبه‌روز بشتاً و بدون خبر قبلی در یکی از ایستگاههای طول راه‌آهن خبر می‌دهند که فردا یا دو روز دیگر می‌توانید دوهزار تن جنس حمل کنید و کسی از پیش نمی‌دانسته که مال در ایستگاه حاضر کند و همین که روز معین گذشت دیگر آنچه به‌ایستگاه آورده شود حمل نمی‌کنند، به‌عنوان اینکه موقع گذشت و نیاوردید. هکذا باب فعل و تفعّل که در اینجا مجال تشریح وافی نقاط ضعیف مشروحه جوابیه نیست.

«به‌رحال پس از رسیدن جواب مزبور در دو جلسه که در وزارت خارجه با رؤسای آن وزارتخانه منعقد شد، آقای هژیر (با حضور این جانب) با بیانات وافی و استدلال شافی مطالب را توضیح داده، نظر دولت ایران را به‌حضرات فهماندند. در نتیجه وعده دادند مطالعات و مشاورات بیشتری نموده یک لایحه جوابیه مستم نیز بفرستند و گفتند که تقریباً تا یک هفته این جواب را می‌دهند. ولی باز تأخیر و تعویق نامطلوب پیش آمد، و تا امروز که هفتم آذر است هنوز جواب حضرات نرسیده است. قصد دارم امروز یا فردا در این باب در وزارت خارجه گفتگو بکنم که تعجیل نمایند و آقای هژیر را بیش از این معطل ننمایند.

«بدبختانه حضرات هم در این اوقات خیلی گرفتار و بیش از معمول و میزان عادی غرق امور اساسی صلح و جنگ به‌نظر می‌آیند. ظاهراً آقای چرچیل رییس‌الوزراء در انگلستان نیست. بعضی حدس می‌زنند باز برای ملاقات روزولت و استالین رفته است. احتمال می‌رود وزیر امور خارجه هم در اینجا نباشد. معاون دائمی وزارت خارجه

هم رفته و لذا کار کند پیش می‌رود. با همه مراتب مذکور در فوق امیدوارم این اقدامات یعنی مخصوصاً آمدن آقای هژیر و ملاقاتها و بیانات کتبی و شفاهی ایشان بی‌ثمر و بی‌نتیجه نبوده است و شاید دوستان انگلیسی ما عاقبت قدمی به‌سوی مقاصد ایران بردارند.

وزیرمختار شاهنشاهی در لندن
حسن تقی‌زاده



در آینهٔ سنجش حکیمیت

تخلیه از قفس تبریک

پایان جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم در قاره اروپا با تسلیم بلاشرط آلمان در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ (۸ مه ۱۹۴۵) و در خاور دور با شکست قطعی ژاپون در ۲۴ اسرداد ۱۳۲۴ (۵ اوت ۱۹۴۵) پایان یافت.

ملت ایران که در دوران جنگ با مصائب و محرومیت‌های گوناگون مواجه شده بود مزده پایان یافتن جنگ جهانی دوم را به وسیله رادیو از زبان شاهنشاه خود چنین شنید:

«... همه می‌دانیم که از جنگ به دنیا چه صدمات و جراحات بزرگی وارد شده و جبران آن مستلزم چقدر کوشش و مجاهدت خواهد بود. حالا که این آتش جهانسوز خاموش شده و ما به هدف اصلی خود که برقراری صلح و آرامش است نائل گردیده‌ایم با کمال خوشوقتی در این جشن شرکت می‌کنیم و به تمام ملل مخصوصاً متفقین بزرگ پنجگانه تبریک می‌گوییم و به ملت ایران که در این نبرد عظیم شریک بوده و پیروزمندانه سربلند شده است خوشبختی و سعادت را بشارت می‌دهیم.

«دیروز نوید فرح‌بخش پیروزی و فتح و ظفر متفقین ما را امواج رادیو به گوش جهانیان رسانید و آلمان مهاجم اسلحه را به زمین گذاشت و بلاشرط تسلیم متفقین گردید و جنگ وحشتناکی که در مدت دوهزار و شصت و هفت روز پیوسته در هوا و دریا و زمین برپا بود به پایان رسید. ملت ایران که در زمره ملل متفق قرار دارد و دوش بدوش متفقین در راه حصول پیروزی و غلبه نیروی حق و عدالت و آزادی کوشیده است و شریک در این فتح و پیروزی است اکنون بی‌نهایت خرسند و شادمان بوده و بسی برخود می‌بالد که در این پیروزی درخشان سهم بزرگی داشته است.

«ما این پیروزی درخشان را به عموم آحاد و افراد ملت ایران تبریک می‌گوییم و فرصت را مغتنم شمرده به نام ملت ایران به پیشوایان ملل متفق و به کلیه افسران و

سربازان و درجه‌داران ارتشهای دلیری که در راه پیروزی مجاهدت نموده و جانفشانی کرده‌اند شادباش می‌گوییم و از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که این روز پیروز را برای جهانیان و عموم نوع بشر مبارک نموده و از این پس جنگ و خونریزی برای همیشه از گیتی رخت بربندد و ثمرهٔ این جهاد و جنگ عظیم تاریخی استواری بنیاد صلح و سلم در گیتی باشد.»

ضمناً از طرف رادیو تهران این اعلامیه منتشر گردید:

«برنامه جشن پیروزی در تهران.

- ۱- به‌مجرد اعلام رسمی خاتمهٔ جنگ اروپا توسط متفقین رادیو تهران مراتب را اعلام و بلافاصله یکصدویک تیر توپ شلیک شده و نقاره نواخته خواهد شد.
- ۲- ساعت هشت بعد از ظهر روز شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ «امروز» اعلیحضرت همایون شاهنشاه به‌وسیلهٔ رادیو تهران پیامی خطاب به‌ملت ایران ایراد خواهند فرمود که به‌توسط امواج کوتاه ۴۹/۳۱ و موج ۳۳۵ پخش خواهد شد.
- ۳- از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه تلگرافهای شادباش به‌سلاطین و رؤسای دول متفق مخابره خواهد گردید.
- ۴- پرچمهای کشور شاهنشاهی و دول متفق از فردا تا سه روز در بالای ابنیهٔ عمومی در اهتزاز خواهد بود.
- ۵- مجلس شورای ملی قبل از ظهر روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت جلسهٔ فوق‌العاده تشکیل داده و آقای نخست‌وزیر در مجلس حضور به‌هم رسانیده بیاناتی ایراد خواهند نمود سپس آقای رئیس‌مجلس شورای ملی اظهاراتی مبنی بر ابراز مسرت از طرف نمایندگان مجلس و عموم ملت ایران ایراد و جلسه تعطیل خواهد شد.
- ۶- ساعت سه بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه (فردا) موکب اعلیحضرت همایون شاهنشاه برای اعطای نشان به‌بنگاه راه‌آهن تشریف‌فرما خواهند شد.
- ۷- از طرف شهرداری تهران مراسم آتشبازی و تزیینات در محوطهٔ میدان سپه فردا شب به‌عمل خواهد آمد و در چهار نقطه از میدانهای عمومی شهر موزیکهای نظامی مترنم خواهد بود.
- ۸- ادارهٔ کل تبلیغات و انتشارات برنامه‌ای مخصوص روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت

ماه ۱۳۲۴ از اول وقت تا ساعت پنج و نیم بعد از ظهر در رادیو تهران اجرا خواهد نمود.

۹- در مراکز استانداریها مدت سه روز پرچم مملکتی افراشته و تزیینات به عمل خواهد آمد.

۱۰- امشب و فردا شب برای امکان اشتراک عموم در مراسم جشن و شادی عبور و مرور آزاد خواهد بود.»

در تاریخ ۶ امرداد به مناسبت حصول پیروزی قطعی و پایان دومین جنگ عمومی دنیا از طرف دربار شاهنشاهی ضیافت مجللی به شام در کاخ سعدآباد داده شد. برحسب دعوتی که از طرف رئیس تشریفات سلطنتی شده بود آقایان وزیران، رئیس مجلس شورای ملی، کلیه سفرا و وزرای مختار و نمایندگان سیاسی خارجی مقیم تهران از ساعت ۸ و نیم بعد از ظهر در کاخ سفید سعدآباد حضور بهم رسانیدند. در سر میز شام اعلیحضرت همایون شاهنشاه بیانات زیر را ایراد فرمودند:

« بسیار خوشوقتم که امشب از نمایندگان محترم کشورهای پذیرایی می‌کنم که شیفته آزادی بوده و با نهایت شجاعت برضد دول متجاوز یعنی دشمنان عدالت و دموکراسی قیام نموده‌اند.

« ما در اینجا برای جشن پایان پیروزمندانه جنگ خانمان‌سوزی جمع شده‌ایم که نوع بشر را دچار مصائب بی‌شمار کرده بود.

« کشور ایران مفتخر است از اینکه در حدود وسایل خود برای موفقیت متفقین بزرگ خویش و عموم ملل متحد همکاری نموده است و ما یقین داریم جان و مالی که بیدریغ در این راه ایثار شده در تحت لوای سازمان ملل متحد صلح پایداری را برقرار و احترام حقوق تمام ملل را از بزرگ یا کوچک و قوی یا ضعیف تأمین خواهد نمود.

« به سلاطین و رؤسای کشورهای ملل متحد و دولی که نمایندگان آنها در سر این میز حضور دارند درود می‌فرستم.

« البته در این موقع جشن و شادی قهرمانان و شهدای این جنگ را نیز که با کمال شجاعت جان خود را برای خدمت به آزادی و رستگاری بشر فدا کرده‌اند نمی‌توانم فراموش کنم و من اینک احساسات قلبی خود را به روح پاک آنها هدیه می‌کنم و از خداوند متعال درخواست دارم که در این دنیا یک دوره آرامش و امنیت

طولانی برقرار فرماید تارفاه حال و کامیابی اهالی تمام کشور ها تأمین شود.»

پس از بیانات اعلیحضرت همایون شاهنشاه سر ریدر بولارد سفیر کبیر انگلستان در تهران با سمت مقدم‌السفرایی پاسخ زیر را ایراد نمود:

«شاهنشاه، این بنده که از روزهای اول جنگ در ایران بوده‌ام خوشوقتم از اینکه این افتخار نصیب من شده است تا مترجم احساسات نمایندگان سیاسی خارجی در پاسخ اعلیحضرت همایونی باشد.

«تمام کسانی که در این مجلس حضور دارند اظهار خوشوقتی اعلیحضرت همایونی را دربارهٔ اینکه جنگی که مصائب فراوان وارد آورده پایان یافته و از احترامی که برای آنان که در راه آزادی جان داده‌اند قائل شده‌اید و از ته قلب منعکس می‌سازند. تنها مایه تسلی در برابر این همه مصائب و شداید و در برابر از بین رفتن این همه مردم امیدواری به این است که سیستم امنیت دنیا که آن را ملل متفق — از جمله ایران — تنظیم کرده‌اند بیشتر از سلف خود یعنی مجمع اتفاق ملل در جلوگیری از تهاجم موفقیت یابد. با امیدواری به اینکه تحت این سیستم چنانکه اعلیحضرت همایونی نیز بدان اشاره فرمودید صلح دائمی، احترام به حقوق تمام ملل چه بزرگ و چه کوچک به وجود آید.

«من به نام تمام نمایندگان سیاسی خارجی در اینجا جام خود را به سلامتی اعلیحضرت همایونی و برای خوشبختی کشور شما که مطمئن هستم بر مشکلات بعد از جنگ فایز خواهد آمد بلند می‌کنم.»

آقای حکیمی نخست‌وزیر در مجلس جشن باشکوهی که به مناسبت پیروزی ملل متفق در کاخ وزارت امور خارجه برپاشده بود نطقی به این قرار ایراد کرد:

«امروز در مقابل عظمت وقایع مسرت‌بخش تاریخی که خوشبختانه با شروع تصدی این‌جانب به خدمتگزاری کشور تصادف نموده سکوت و خاموشی جایز نیست. فتح و پیروزی امروز بیشتر از این جهت عظمت و اهمیت دارد که ما می‌بینیم و روز به روز هم بیشتر و بهتر واقف می‌شویم که اساس این کشمکش و نبرد در این دفعه به خلاف جنگهای سابق اصلاً یک مجادله معمولی و مبارزهٔ دو قوه و یا تظاهر به‌زورآزمایی نبوده است بلکه مقصود اصلی و هدف مشترک از ناحیهٔ متفقین ما احترام

به آزادی و دفاع از آن، احترام به عهد و پیمانها و احترام به تعهدات و تقبلات بین‌المللی بوده است که فقط برای حفاظت این اصول که ضامن آسایش جامعه‌ها و نقطه اتکای ملل و کشورهاست ایستادند تا زانوی دشمن را به زمین آورند. طمع و خودپسندی، زورگویی، میل به تجاوز و تعدی و حرص و آزهای بی‌مورد یک سلسله خیالات واهی تولید کرده دستگاهی عظیم و نابودکننده را به وجود آورد. عشق و ایمان به آزادی ملل و استقلال دول، آرمان و آرزو به رفاه و آسایش بشر هم در طرف دیگر تصمیم و اراده خلل‌ناپذیری را ایجاد نموده که با فداکاری و از خود گذشتگی در مدتی قلیل قدرت و قوت محیرالعقولی را در اختیار آورد که توانایی داد سد سیدی در مقابل قوه اهریمنی به وجود آورده رفته رفته هم آن قوه را نیست و نابود نماید. نصفت و عدالت و شناختن حدود و حقوق دیگران چرا باید بر ظلم و جور و اجحاف و تعدی رجحان نداشته باشد. اگر زور حاکم بر مقدرات جامعه‌ها باشد پس این همه مبانی حقوقی و این عهد و پیمانهای دور و دراز برای چیست؟ و چگونه ممکن است با قبول اصولی که خلاف آزادی بشر باشد وسایل رفاه و آسایش مردم را فراهم کرده و به پیشرفت تمدن اطمینان حاصل نمود. شکر خدا را که فتح و ظفر نصیب طرف آزادی و پیروزی نهایی به متفقین ما عاید شد.

«برای سپاسگزاری از این نعمت باید به حقیقت و واقع همه برای آزادی و اجرای عدالت و برای رفاه و آسایش جامعه‌های بشری کار کنیم تا روح پاک میلیونها سرباز دلیر و شجاع را که در این راه به خاک هلاک افتادند شاد نماییم. فداکاری میلیونها سرباز و بی‌باکی این مردان غیور که خود را به خرمن آتش زده آنقدر بیای مقصود مثل شمع فروزان ایستادند تا سراپا سوخته و نابود شدند تا ابد قابل ستایش و قدردانی است.»

اقدامات سیاسی برای خروج متفقین از ایران

سخنان شاهنشاه و نخست‌وزیر ایران و سران کشورهای متفق که هر یک به مناسبت پایان جنگ از آزادی و سعادت افراد ملل دنیا و استقرار صلح و نظم و آرامش و دفاع از حقوق ملل سخن گفتند در روح و قلب ملت ایران، که طی جنگ به سهم خود متحمل مصائب و خسارات زیادی شده فداکاریهای مهم و قابل توجهی برای پیروزی متفقین خویش نموده، محرومیتها و

زیانهای مالی تحمل کرده با فقر و پریشانی دست به گریبان شده بود، اثرات عمیقی بخشید و او را به همکاری متفقین امیدوار ساخت. ملت ایران یقین حاصل کرد که متفقین در برابر گذشتها و فداکاریهای او در دوران جنگ در صدد جبران خسارات وارده بر خواهند آمد و اگر به علت مشکلات فراوان و مصائب بی شماری که بر اثر جنگ بر آنها وارد گردیده است نتوانند به همکاری مؤثر و دامنه داری با ایران برخیزند لاقلاً موانع و مشکلات جدیدی برای این کشور پیش نخواهند آورد و با تخلیه خاک او از ارتشهای خود به ملت اجازه خواهند داد تا برای ترمیم خرابیها و جبران ضایعات اقتصادی و سیاسی ناشی از دوران جنگ به تلاش و کوشش خود ادامه دهد.

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۴ از طرف وزارت امور خارجه یادداشتی متحالله‌ی به سفرای کبار انگلیس و شوروی و امریکا راجع به تخلیه ایران از ارتشهای متفقین ارسال گردید و مراتب ضمن بخشنامه‌ای به اطلاع سفارتخانه‌های ایران در لندن و مسکو و واشنگتن رسید:

سفارت کبرای ایران

شماره: ۵۶

تاریخ: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۴

بخشنامه

«در تاریخ ۲۹ اردیبهشت به سفرای کبار انگلیس و شوروی و امریکا نامه نوشته درخواست شد که قوای لشگری دولتهای مزبور از حالا خاک ایران را تخلیه نمایند. خواهشمند است با مقامات مربوطه مذاکره فرمایید نسبت به انجام این درخواست موافقت نمایند. رونوشت نامه‌ها را با پست می فرستم. عجلتاً بعضی از جملات مشترک نامه‌ها را برای استحضار جنابعالی درج مینماید:

«چون جنگ اروپا خاتمه یافته دیگر احتیاج نیست که وضعیات حاصله از حال جنگ در خاک ایران باقی بماند و چون بایستی اوضاع کشور به حال عادی برگردد تا رضایت خاطر ملت ایران فراهم شود لازم است ارتش آنها خاک ایران را از حالا ترک نمایند. در نامه به سفارت انگلیس نوشته شد که ارتش آن دولت با ژاپن در حال جنگ است و مخصوصاً تذکر داده شده است که چون جنگ با ژاپن در مناطق خیلی دور از ایران است، اقامت موقتی ارتش متفقین تأثیر در آن ندارد به علاوه ژاپن هم رسماً آگهی کرده که دیگر متحد آلمان نیست. ادامه توقف ارتش انگلیس در ایران منظور

اصلی خود را که کمک به متفقین باشد از دست داده و بایست از حالا خاک ایران را ترک کنند. البته در موقع مذاکره اظهار خواهند فرمود که دولت شاهنشاهی ایران انتظار دارد در این قسمت به ما کمک نمایند و هرطور صلاح می‌دانند بازبان خوب و خوش به آنها بفهمانند که حمایت آنها به وسیله حسن قبول که از این درخواست می‌کنند سرمشق رفتار سایرین واقع شود. منتظر نتیجه اقدامات جنابعالی هستم.»

وزیر امور خارجه
انوشیروان سپهبدی

از این پس موضوع تخلیه ایران از قوای متفقین از مسائل مهم سیاسی بود و در تمام کنفرانسها و مجامعی که سران دولتهای متفق در یالتا، پوتسدام و لندن با یکدیگر داشته و نیز مذاکرات و مباحثات طولانی بین وزیران امور خارجه و سایر نمایندگان سیاسی مطرح مذاکره قرار می‌گرفت.

نظریه سید حسن تقی‌زاده سفیر ایران در لندن و محمد شایسته وزیر مختار ایران در واشنگتن درباره کنفرانس پوتسدام به قرار زیر بوده است:

شماره: ۱۰۰۵

تاریخ: ۲۱ مرداد ۱۳۲۴ - لندن

وزارت امور خارجه،

«از قرار اظهاراتی که اینجا می‌شود فیصله نشدن موضوع تخلیه ایران در پوتسدام به واسطه عدم موافقت روسها بوده و در بعضی محافل گفته می‌شود که روسها تا به مقاصد خود در ترکیه نایل نشوند با تخلیه ایران موافقت نخواهند کرد. گاهی شنیده می‌شود که ممکن است نظارت بغازها را بر حسب ظاهر بین المللی نموده و آنها را تحت مراقبت مشترک دول بزرگ قرار بدهند، ولی بعد دولت روس از طرف دولت آنها برای اجرای این امر تعیین شود که در معنی همان انجام تقاضای روس می‌شود. در مسائل راجع به آلمان ظاهراً نود درصد مقاصد روس، پیش رفته و علاوه بر دادن قطعه سهمی از آلمان بابت بزرگ در بالتیک به روس ربع خاک آلمان هم به لهستان واگذار شده است و شدیدترین ضربت به آلمان تصمیم به نقل کارخانه‌ها و ماشین آلات صنعتی آلمان به ممالک فاتح و از همه بیشتر به روسیه است. ترکها از عدم مذاکره مسائل آنها در پوتسدام خیلی ملول و آشفته‌اند عقیده غالب بر آن است که حکومت جدید سوسیالیست

انگلیس در مدارا با روس خیلی جلو خواهد رفت و شاید افراط خواهد کرد و به این جهت یونان و ترکیه و حتی ایتالیا خیلی نگران هستند.»

حسن تقی‌زاده

شماره: ۱۵۰۰

تاریخ: ۲۱ مرداد ۱۳۲۴ - واشنگتن

وزارت امور خارجه،

«جناب آقای وزیر خارجه، تلگراف جنابعالی دیشب رسید امروز به وزارت امور خارجه رفته مطلب را مطرح و نگرانی دولت شاهنشاهی ایران را از وضع مبهم کنونی بیان نمود. یکی از اشخاصی که در مذاکرات شرکت داشت آقای آلن است که تازه از پوتسدام مراجعت نموده ایشان اظهار داشت که بیانات کاردار انگلیس در تهران کامل نیست زیرا در پوتسدام بین سه دولت موافقت شده است تا قوای هر سه دولت فوراً تهران را تخلیه نموده و موضوع ادامه تخلیه از نقاط دیگر هم در کنفرانس وزیران خارجه در لندن مطرح مذاکره گردد و مخصوصاً تصمیم گرفته شده است که این مسئله جزء برنامه اولین دوره کنفرانس وزیران خارجه که در ماه سپتامبر تشکیل می‌شود گذارده شود. بنابراین دولت امریکا تصور می‌کند که تخلیه تهران مقدمه تخلیه تدریجی تمام ایران خواهد بود. رئیس اداره خاور نزدیک اظهار داشت دولت امریکا اشکالات فعلی دولت شاهنشاهی ایران را می‌فهمد و با نظر علاقمندی به درخواست ایران برای خروج قوای اجنبی نگاه می‌کند و امید دارد که این مسئله موافق میل دولت ایران انجام شود. در باب مذاکره‌ای که در پوتسدام راجع به ایران شده است هنوز نتوانسته‌ام اطلاعات زیادی به دست بیاورم. از قرار معلوم روسها اظهار مخالفت در خروج قوا از ایران نکرده‌اند بلکه بیشتر ساکت بوده و بعد هم گفته‌اند که تهران تخلیه شود و مورد موافقت گردیده.

«پرسیدم که آیا در کنفرانس صحبت از نفت ایران به میان آمده است پاسخ داد که به هیچ وجه حرفی از آن زده نشده است. مراقب هستم و اگر اطلاعاتی بدست آید عرض خواهم کرد.»

محمد شایسته

وزارت امور خارجه،

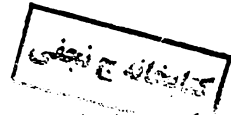
«روز بیست و سوم مرداد که وزیر امورخارجه را برای خداحافظی ملاقات نمودم از موقع استفاده کرده شرحی راجع به اوضاع ایران و لزوم تخلیه فوری ارتش خارجی اظهار داشتم و گفتم چون قریباً برای کنفرانس وزیران خارجه به لندن می‌روید انتظار دولت و ملت ایران آن است که کوشش فرمایید تخلیه فوری خاک ایران بعمل آید. ایشان پاسخ داد که سیاست دولت امریکا همین است. در این باب در پوتسدام اقدام کرده‌ایم و در لندن هم دنبال خواهیم کرد. روز بعد که ناهاری برای خداحافظی بنده داده بودند آقای «جراحات» معاون وزارت خارجه که در پوتسدام بوده و حالا هم به لندن می‌رود حضور داشت با ایشان نیز مفصلاً مذاکره نمودم و پرسیدم که نظر روسها در این باب چیست؟ گفت آنچه من احساس کردم کلیه ارتش خارجی خاک ایران را تخلیه خواهند کرد و رئیس جمهوری هم در پوتسدام در این باب خیلی اصرار نمودند و باز هم در لندن تعقیب خواهیم کرد.

«امروز رئیس جمهور برای خداحافظی بنده را پذیرفت بازهم همین مطلب را با ایشان مطرح نمودم خیلی با سادگی و صمیمت پاسخ دادند که ما در پوتسدام خیلی اصرار کردیم که کلیه ارتش خارجی فوراً از ایران بروند ولی آن موقع موفق نشدیم. بنده گفتم استدعا دارم به وزیر امورخارجه که حالا عازم لندن هستند مجدداً دستور فرمایند. معظم‌له پاسخ دادند این مطلب جزء دستور هست بازهم تأکید خواهم کرد.»

محمد شایسته

خروج ارتش امریکا از ایران

همان‌طور که ملاحظه شد، طی مذاکرات پوتسدام همسایگان ایران درباره تخلیه خاک این کشور به توافق نرسیدند، معذالک اسنادی که ذیل به آن اشاره می‌شود بیانگر این واقعیت است که ایالات متحده آمریکا چه حین مذاکرات پوتسدام و چه بعد از آن در کنفرانس وزراء امورخارجه در لندن، موافقت خود را با تخلیه هرچه زودتر ایران اعلام داشته و به‌طورکلی از نظر اولیاء امور



این کشور فراخواندن نیروهای آمریکایی از ایران بیش از آنکه جنبه سیاسی داشته باشد با تعیین تکلیف داراییهای ارتش آمریکا در ایران و سایر مسائل مربوط به مباشرت و سررشته‌داری این نیروها مرتبط بوده است:

دفتر وزارتی
از وزارت امور خارجه ایالات متحده به تهران

شماره: ۴۱۰
تاریخ: ۱۰ جولای ۱۹۴۵

رونوشت به مسکو به شماره ۳۸۷۵
رونوشت به واشنگتن به شماره ۷۳۴۰

جناب آقای انوشیروان سپهبدی وزیر امور خارجه ایران،
«از طرف دولت متبوع خود دستور دارم که وصول نامه شماره ۱۱۱۸ مورخ ۱۹ مه ۱۹۴۵ آنجناب را در باب خروج سپاهیان آمریکایی از ایران اشعار دارم.
«دولت امریکا تقاضای دولت ایران را با نظر مساعدی تلقی می‌کند و خوشوقتم از اینکه به اطلاع آنجناب برسانم که هم اکنون ترتیباتی برای تقلیل سریع عده سربازان آمریکایی در ایران داده شده است. به طوریکه خاطر آنجناب مستحضر می‌باشد عملیات فرماندهی خلیج فارس از اول ژوئن ۱۹۴۵ خاتمه یافته تلقی گردیده است و خروج نیروی آمریکایی از ایران از چند ماه به این طرف مرتباً جریان داشته است و به محض اینکه مقتضیات وضعیت نظامی اجازه دهد این عمل با سرعت هرچه تمامتر ادامه خواهد یافت.»

با تقدیم احترامات فائقه
والاس موری

شماره: ۸۱۱-۲۴۵۹۱/۱۱-۲۴۴۵
از وزیر جنگ (پاترسون) به وزیر امور خارجه
واشنگتن: ۲۴ نوامبر ۱۹۴۵

«وزیر عزیز، پیرو مذاکرات دیروز صبح هیئت دولت درباره احضار قریب

به ۵۵۰۰ نفر از نیروهای ایالات متحده که اکنون در ایران اقامت دارند به‌ضمیمه این نامه پیغامی است که ممکن است آن را برای شورویها ارسال دارید.

«دستور خواهم داد که کلیه نیروهای باقیمانده امریکا تا اول ژانویه ایران را ترک گویند، موضوعی که با سیاست وزارت امور خارجه نیز مطابقت دارد. اما انجام این عمل امکان دارد که نتیجه‌اش از دست‌دادن مقدار معتناهی از اموال ایالات متحده و نیز از دست‌دادن منافع کشور از محل تأسیسات ثابتی باشد که زیر اداره ریاست کمسیون تسویه حسابهای خارجی است. ضمناً این نکته را متوجه هستیم که ریاست کمسیون حداکثر کوشش خود را برای فروش این اموال در تاریخی که از اول ژانویه تجاوز نخواهد کرد، به‌کار خواهد برد و ارتش نیز تا آنجایی که مقدور باشد اموال و تأسیسات را که به‌فروش نرفته و قابل حمل است، منتقل خواهد ساخت.

«دستورهای لازم و مناسب برای احضار تمام نیروها تا اول ژانویه صادر خواهد شد ولی برای عملیات هیئت نظامی ژنرال ریدلی برای همکاری با ارتش ایران و هیئت نظامی ژنرال شوارتسکف برای همکاری با ژاندارمری شاهنشاهی ایران استثناء قائل خواهم شد.»

ارادتمند شما
رابرت. پی. باترسون

از رئیس اداره خاور نزدیک و امور افریقا به‌سفیر در تهران
واشنگتن: ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۵

«والاس عزیز با اشتیاق فراوان مضمون تلگرام شماره ۷۶۸ مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۵ شما را مطالعه کردم و با تجزیه و تحلیل شما از وضع توصیف شده و با پیشنهادهای شما کاملاً موافقم.

«با در نظر گرفتن ارتباط موضوع امکان دارد مایل باشید از مضمون یادداشت ضمیمه‌ای که چند روز پیش به‌آقای آچسن ارسال داشته‌ام اطلاع حاصل کنید.

«ممکن است اضافه نمایم که ما در اینجا مشتاقانه در انتظار فراخواندن تمام نیروهای مسلح امریکایی در فوری‌ترین زمان ممکن از ایران هستیم و ابقای آنها را فقط به‌منظور حفاظت دارایی امریکا جایز نمی‌دانم. نظر ما این است که اگر نگهداری سرباز در یک کشور خارجی برای حفاظت از دارایی امریکا در وضع خاصی لازم شود در این مورد بهتر است که آن افراد را برای همان هدف به‌آن کشور اعزام داریم. ما

مایل به توافق در این موضوع هستیم که احضار نیروهایمان باید با نظم و ترتیب توأم باشد و تا زمانی که نیروهای ما در حال تخلیه هستند باید مسئولیت حفاظت دارایی آمریکا را در همان حال به عهده بگیرند. ضمناً ما نمی‌توانیم پشتیبان این عقیده باشیم که نیروهای آمریکایی را در ایران یا هر جای دیگر ماهها فقط به بهانه حفظ دارایی دولت آمریکا متوقف سازیم. اگر برای حصول این مقصود اصرار بورزیم به نظر ما بهانه و عذری به شورویها خواهیم داد که آنان نیز مقدار معتناهی از نیروهای نظامی خود را در شمال ایران و یا به منظوری که مقصود شورویها را عملی سازد، نگاه دارند. به همین دلیل با نظر نگاهداری نیروهای نظامی آمریکا برای مدت مدیدی جهت حفاظت پایگاه هوایی نیز مخالف هستیم. به نظر ما ارتش باید بدون در نظر گرفتن ناراحتیهای حاصله ترتیبی در آبادان بدهد که مقامات ایرانی و بریتانیایی نیز با آن موافق باشند. به عقیده ما این محل باید تا زمان تعطیل آن به پایگاه غیرنظامی تبدیل گردد.

«ترس ما از این است که اگر در عملیات خود دقت بخرج ندهیم، حتی بیشتر از شورویها و انگلیسها، در معرض این اتهام واقع شویم که با وجود برطرف شدن تمام دلایل ورود ما به ایران قوای نظامی خود را در این کشور نگاه داشته‌ایم. «از ابراز نظریات شما درباره روش کار و عقایدی را که اظهار کرده‌ایم سپاسگزار خواهم بود.»

با بهترین سلامهای خالصانه
ارادتمند لوی

تلگرام: ۱۶۴۵-۸۱۱-۲۴۳۹۱/۱۰

یادداشت رئیس اداره خاور نزدیک و امور افریقا (هندرسون)

بهمعاون وزارت امور خارجه (آچسن)

واشنگتن: ۱۶ اکتبر ۱۹۴۵

«با کمال تعجب اخیراً اطلاع یافتیم که وزارت جنگ قصد دارد ۲۲۰۰ نفر از افراد تازه نفس آمریکایی را بجای افراد احضار شده از ایران بفرستد. ناگزیر از ذکر این نکته هستم که معلوم می‌شود که ما علیرغم اعلامیه پرزیدنت ترومن در پوتسدام راجع به خروج نیروهای آمریکایی از ایران تا اول اکتبر، نیروهای نظامی جدیدی به ایران آورده‌ایم. ناچار مورد اتهام و بد عهدی قرار خواهیم گرفت و ضمناً انجام این عمل کار

تخلیه سایر نیروهای خارجی را به تعویق خواهد انداخت. تمام این نکات را به اطلاع مقامات وزارت جنگ رسانیده‌ام.

«تصور می‌کنم با توجه به تعهد پرزیدنت ترومن در پوتسدام. اعزام این افراد به ایران و تأثیر سوء آن، اشتباه باشد امیدوارم که پاسخ تلگرام وزارت جنگ هم رضایتبخش بوده از اعزام قوای مزبور صرف‌نظر نمایند. نظر وزارت جنگ این است که این افراد را در آلمان یا مصر و یا در جای دیگر به کار گماشت، بنابراین با توجه به تعهد پوتسدام نظر وزیر امور خارجه را به این نکته معطوف دارید.»

لوی. دبلیو. هندرسون

تلگرام: ۱۶۴۵-۱۰/۸۹۱-۰۰

از سفیر در ایران (موری) به رئیس اداره خاور نزدیک و امور افریقا (هندرسون)

تهران: ۱۶ اکتبر ۱۹۴۵

«لوی عزیز، نامه مورخ ۲۷ سپتامبر شما و ضمیمه مربوط به آن، یعنی یادداشت به معاون وزیر امور خارجه را دریافت نمودم.....

«به طور کلی من با عقاید اعلام شده در نامه ارسالی شما و مفاد یادداشت کاملاً موافقم. کمال مطلوب است که نیروهای خارجی، از هر دسته که باشند، در کوتاهترین و زودترین مدت ممکن احضار شوند و برای انجام این امر به اعتقاد من گذشته‌های پولی و مالی ارزش دارد. با توجه به اطلاعات کسب شده از سرهنگ آندرسون، از فرماندهی خدماتی خلیج فارس، ارتش بنا به دلایل زیاد، تا حدودی با این امر موافق است.

«تنها موضوع مورد توجه من درباره عقیده شما این است که ما نباید در عقب کشیدن قوای خود به آن اندازه تعجیل به خرج دهیم که نتیجه آن از دست رفتن مقادیر زیادی از اموال قابل انتقال باشد که می‌توان آنها را در صورتی که در محل به فروش نرسد، از ایران خارج ساخت. بخصوص که هزارها وسایل مخصوص راه آهن و تعدادی لکوموتیو وجود دارد که ایرانیان به آنها نیازی ندارند و در صورت احتیاج هم قادر به خریداری آنها نیستند. فرماندهی خدمات خلیج فارس دست اندرکار حمل این محمولات است. ولی به خوبی درک می‌کنیم که انجام این کار مدتی وقت لازم دارد و

شاید بیست و پنج کشتی لازم باشد که بتواند تمام آنها را از ایران خارج کند. باقی گذاشتن و واگذاری این اموال برای دولت ما ضررهای فاحشی خواهد داشت. تنها فرماندهی خدمات خلیج فارس است که می‌تواند محمولات مزبور را بسته‌بندی کرده بار کشتیها نماید.

«بنابراین به عقیده من، سیاست ما باید مبتنی بر نکات زیر باشد:

- ۱- فروش سریع مازاد اموال در محل و در صورت لزوم به قیمتی کمتر از قیمت واقعی.
- ۲- حمل سریع تمام تجهیزات قابل انتقال در مورد آن قسمتی که در ایران خواهان ندارد.
- ۳- احضار سریع و فوری افراد فرماندهی خدمات خلیج فارس، در صورتی که برای حمل و بارگیری اموال امریکا یا خاتمه سایر وظایف خود، مورد استفاده نباشند.
- ۴- نگاهداری قسمتهای امنیتی نیروهای امریکایی در محلهای تأسیسات (مانند امیرآباد، همدان، خرم‌آباد، اندیمشک، اهواز و خرمشهر) تا زمانی که این تأسیسات به فروش برود و یا اموال قابل انتقال برای خروج از ایران بارگیری شده باشد. خرمشهر الزماً به عنوان بندر بارگیری کشتیها، آخرین پایگاه تخلیه به شمار خواهد رفت و تا وقتی که ما در آنجا نیرویی داریم، از نظر سیاسی، تفاوت چندانی نمی‌کند.
- ۵- برای فروش تأسیسات ثابت باید حداکثر کوشش به عمل آید ولی در صورتی که تا دوم مارس موفق نشدیم، واگذاری آنها صورت جدی به خود خواهد گرفت.
- ۶- با مبنا قراردادن تاریخ بازگشت نیروها از هندوستان و ایران، ارتش امکان دارد از عقب‌نشینی سریع از آبادان صرف‌نظر نماید.

«به این نکته نیز توجه دارم که از نظر بین‌المللی طرفداری از احضار فوری تمام نیروهای امریکا، بدون توجه به فداکردن اموال و تأسیسات، اثرات بسیار نیکویی خواهد داشت. اگر چنانچه وزارت امور خارجه برای تخلیه قوای نظامی شوروی از ایران آماده مبارزه واقعی باشد سیاستی بس مطلوب خواهد بود. ولی به دو علت از این سیاست طرفداری نمی‌کنم. اول اینکه هیچ نشانه‌ای در دست ندارم که حاکی از قصد وزارت امور خارجه برای درگیر شدن با شورویها در این موضوع باشد و دوم اینکه در اثر زیانهای مالی هنگفت از این ترس دارم که مورد انتقاد شدید کنگره واقع شویم بخصوص اینکه انجام این عمل در نحوه رفتار شورویها اثرات چندانی نداشته است.»

ارادتمند

والاس موری

مشکلات ناشی از عدم اجرای مفاد پیمان سه گانه

سفیر ایران در لندن در تعقیب یادداشت وزیر امور خارجه ایران به وزیر امور خارجه امریکا که رونوشتی از آن دریافت کرده بود نامه‌ای به مضمون زیر درباره کنفرانس وزیران خارجه سه دولت به عنوان سر رنالد کمپبل معاون وزارت امور خارجه انگلیس نگاشته و از اینکه ضمن اخبار منتشره در جراید از موضوع ایران خبری نمی‌بیند نگرانی خود را اظهار داشته است:

ترجمه رونوشت نامه به سر رنالد کمپبل
تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۵

آقای سر رنالد کمپبل
سر رنالد عزیز،

«اینجانب مرتباً جریان مذاکرات شورای وزرای خارجه را که در مطبوعات انتشار می‌یابد مطالعه نموده‌ام لیکن تاکنون اثری از موضوع تخلیه ایران و مسایل مربوط به آن و حتی تاریخی که ممکن است این موضوع جزء برنامه مذاکرات شورا قرار گیرد مشاهده نموده‌ام. بدیهی است جنابعالی نگرانی طبیعی این‌جانب را در این خصوص تصدیق خواهید فرمود که مبدا این مسئله بسیار فوری بدون جهت به تأخیر افتاده و تحت الشعاع مسائل دیگری که مورد مذاکره فعلی کنفرانس می‌باشد قرار گیرد. «روز پنجم سپتامبر یعنی آن روزی که وزیر امور خارجه (مستر بیون) دعوت این‌جانب را قبول فرموده و افتخار صرف ناهار با معزیه‌ایه پیدا کردم از فرصت استفاده نموده موضوع را به ایشان متذکر شدم. معزیه‌ایه به این‌جانب اطمینان دادند که مراقبت خواهند فرمود چنین چیزی اتفاق نیفتد.

«به‌طوری که خاطر عالی مستحضر است تخلیه کامل ایران از نیروی مستفقین بایستی منتها در ظرف مدت شش ماه از تاریخ خاتمه جنگ با ژاپن صورت گیرد. دولت ایران بینهایت علاقمند است که این مدت به حداقل تقلیل یافته و خروج قوای نامبرده هرچه زودتر عملی گردد. نظر به اینکه تاکنون مدتی از پایان مخاصمات با ژاپن می‌گذرد تا آنجایی که این‌جانب اطلاع دارم هنوز نقشه تخلیه ایران تنظیم نگردیده است، لذا می‌ترسم این موضوع تولید ناراحتی در ایران بنماید.

«ضمناً متذکر می‌شود تا هنگام تبادل نظر با دولت ایران یعنی تا موقعی که نماینده

آن برای اظهار نظریات در کنفرانس دعوت شود این جانب سمت نماینده مختار دولت ایران را خواهم داشت که در مذاکرات مربوطه شرکت نمایم.»

دوستدار
حسن تقی‌زاده

حسن تقی‌زاده متعاقب نامه مورخ ۱۷ سپتامبر خود به معاون وزارت خارجه انگلیس بلافاصله نامه دیگری به مضمون زیر برای ارنست‌بوین وزیر امورخارجه انگلیس ارسال داشت:

جناب آقای ارنست‌بوین نماینده مجلس و وزیر امورخارجه
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان،

«محترماً راجع به تخلیه ایران از طرف نیروهای متفقین ما که به موجب پیمان سه‌گانه مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ بین ایران و انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی بایستی در ظرف مدت شش‌ماه بعد از پایان جنگ ژاپن انجام گیرد اشعار می‌دارد که دولت و ملت ایران مطمئناً انتظار دارند که جزئیات و برنامه تخلیه تا آنجائی که احتیاج به مشورت و تبادل نظر دول متفق با یکدیگر دارد در کنفرانس وزرای امور خارجه با حضور و مشورت با نماینده ایران مورد بحث و مذاکره قرار گیرد.

«برای اینکه جنابعالی و کنفرانس را از نکات اصلی نظریات دولت ایران آگاه سازم و به منظور مقدمه تبادل نظر شفاهی که با نماینده ایران هنگام طرح این موضوع در کنفرانس به عمل خواهد آمد با نهایت احترام اظهار می‌دارم که دولت این جانب اشتیاق وافر دارد که دو موضوع زیرین هرچه زودتر عملی و تصفیه گردد.

۱- خروج نیروهای زمینی و دریایی و هوایی و غیره متفقین از ایران به فوریت شروع و هرچه زودتر خاتمه یابد و تعهداتی که متفقین ما به موجب پیمان فوق‌الذکر متقبل گردیده و قولهایی که بعداً در این خصوص داده‌اند مورد اجرا گذارده شود.

۲- از این تاریخ به بعد آزادی مطلق ایران در برقراری نظم و قانون در کشور خود که لازمه اصلی حقوق حاکمیت و اختیار مطلق می‌باشد، تأمین گردد و هیچ ممانعتی برای نقل و انتقال نیرو و قوای تأمینیه در آن کشور به عمل نیامده و نیز هیچگونه مداخله‌ای در اجرای وظایف قوای مزبور به منظور استقرار نظم صورت نگیرد. بدیهی است حق استقلال و حاکمیت دولت ایران در معنی هرگز مورد تردید نبوده است لیکن متأسفانه در اغلب موارد عملاً مراعات نشده است.

«بدین لحاظ محترماً خاطر آن جناب را مستحضر می‌دارد که هر چند نکته اول یعنی تخلیه فوری ایران یک امر اساسی بوده و نهایت ضرورت و اهمیت را داراست نکته دوم نیز فعلاً کمال لزوم را دارد. زیرا تا زمانی که دولت از یک آزادی کامل و سریعی برخوردار نگردد نخواهد توانست به نحو احسن وظایف خود را انجام دهد و بالتبقیه حکومت مرکزی روز به روز ضعیف‌تر گردیده و دستگاه حاکمه به کلی فلج خواهد گردید. نظر به اینکه اقامت نیروهای متفقین ما در ایران دوستانه بوده و جنبه اشغال را نداشته است (طبق نص صریح ماده ۴ پیمان سه‌گانه) حتی در زمان جنگ نیز دلیلی برای اجرای ممانعت‌های فوق وجود نداشته و اکنون که جنگ خاتمه یافته است البته هیچ‌گونه موردی نخواهد داشت.

«با استحضار جنابعالی از مراتب فوق خاطر عالی را اطمینان می‌دهد که ایران همواره احساسات صمیمانه و دوستانه‌ای نسبت به متفقین بزرگ ابراز داشته و همین روح صداقت دوستی موجب می‌گردد که مسائل مربوطه به این کشور واضح و آشکار مورد توجه قرار گیرد.

«نظر به اینکه دولتمند انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی طبق ماده ۱ پیمان مشترکاً و هر یک منفرداً تعهد نموده‌اند که تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال آن را محترم بدارند دولت این جانب به خود حق می‌دهد که از هر یک از متفقین خود انتظار داشته باشد که از دعاوی حقه وی به طور دوستانه پشتیبانی نموده و نسبت به اجرای تعهدات پیمان خود ثابت قدم باشند.»

با تقدیم احترامات فائده
سفیرکبیر ایران حسن تقی‌زاده

متأسفانه، علیرغم صدمات و مصائبی که ملت ایران در راه پیروزی متفقین متحمل گردید. مسئله تخلیه کامل ایران از قوای بیگانه وجه المصالحه پاره ملاحظات سیاسی در آمد که ضمن دو سند زیر اجمالاً به آن اشاره می‌شود:

تلگراف رمز به لندن

تاریخ: ۲۲ شهریور ۱۳۲۴

جناب آقای آقای تقی‌زاده،

«در این موقع که مسائل مربوط به تخلیه ایران در کنفرانس وزرای خارجه مطرح

می‌شود لازم می‌داند نکات ذیل را متذکر گردد که در حفظ منافع کشور اگر مخالفت‌هایی ابراز شد از چگونگی اوضاع مسبوق باشید. گرچه طبق پیمان سه‌گانه ورود قوای متفقین در ایران به هیچ‌وجه جنبه اشغال را نداشته و در امور داخلی نیز نبایستی دخالت بشود و امنیت کشور به عهده دولت ایران بوده است مع هذا محدودیت‌های زیر عملاً اجرا شده است:

«۱- محدودیت قوای ایران در شمال و معمول نمودن جواز عبور از طرف مقامات شوروی درباره نظامیان.

«۲- موکول نمودن هر گونه نقل و انتقال قوا به اجازه سرفرماندهی شوروی و احاله آن به مقامات نظامی و سیاسی مسکو که اغلب هم نتیجه‌ای گرفته نشده است.

«۳- سلب آزادی عمل از مأمورین ارتش و ژاندارمری در برقراری نظم و وسیله دادن به دست عمال آشوب طلب در ایجاد هرج و مرج.

«۴- در موقع تقاضای ایران در اعزام قوا به مهاباد جهت منع خروج گندم در سال قحطی اینقدر این اجازه را به تأخیر انداختند تا موضوع مرتفع و بعداً نیز اعزام دوگردان را به مهاباد موکول به امضای پرتکلی نمودند که در مدتی که فرمانده شوروی آذربایجان فقط عملیات ژاندارمری را در شمال خط اشنو مجاز دانسته و موافقت می‌نمود به قوای ژاندارمری اضافه شود، مشروط بر اینکه لشکر آذربایجان ۱۲ گروهان پیاده به ژاندارمری قرض دهد و عوض آن را بگیرد و این پیشنهاد لشکر آذربایجان را که بیش از ۱۸ گروهان نداشت و ۶ گروهان آن تازه وارد خدمت بوده به صورت انحلال در می‌آورد، لذا وزارت خارجه از امضای هر گونه پرتکلی امتناع نموده و قضیه معوق ماند.

«۵- مأمورین شوروی که به عنوان خرید دواب به میان دوآب و مهاباد رفته بودند عشایر کرد را اغوا به شورش و طلب استقلال نموده و وقتی فرمانده لشکر کردستان سرتیپ هوشمند افشار به آن محل رفت فوراً او را روانه سقز نمودند و این عمل بر تجری اشرار افزود تا بالاخره انقلاب برپا و عمال دولت در مهاباد در مخاطره افتادند. وقتی دولت تصمیم به اعزام قوای نظامی گرفت و دوگردان از سقز روانه مهاباد نمود، عمال نظامی شوروی آن عده را با حضور نمایندگان عشایر متهم در بوکان نیم‌راه توقیف نموده مجبور به رجعت نمودند.»

وزیر امور خارجه
انوشیروان سپهبدی

شماره: ۱۰۶۰

تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۲۴

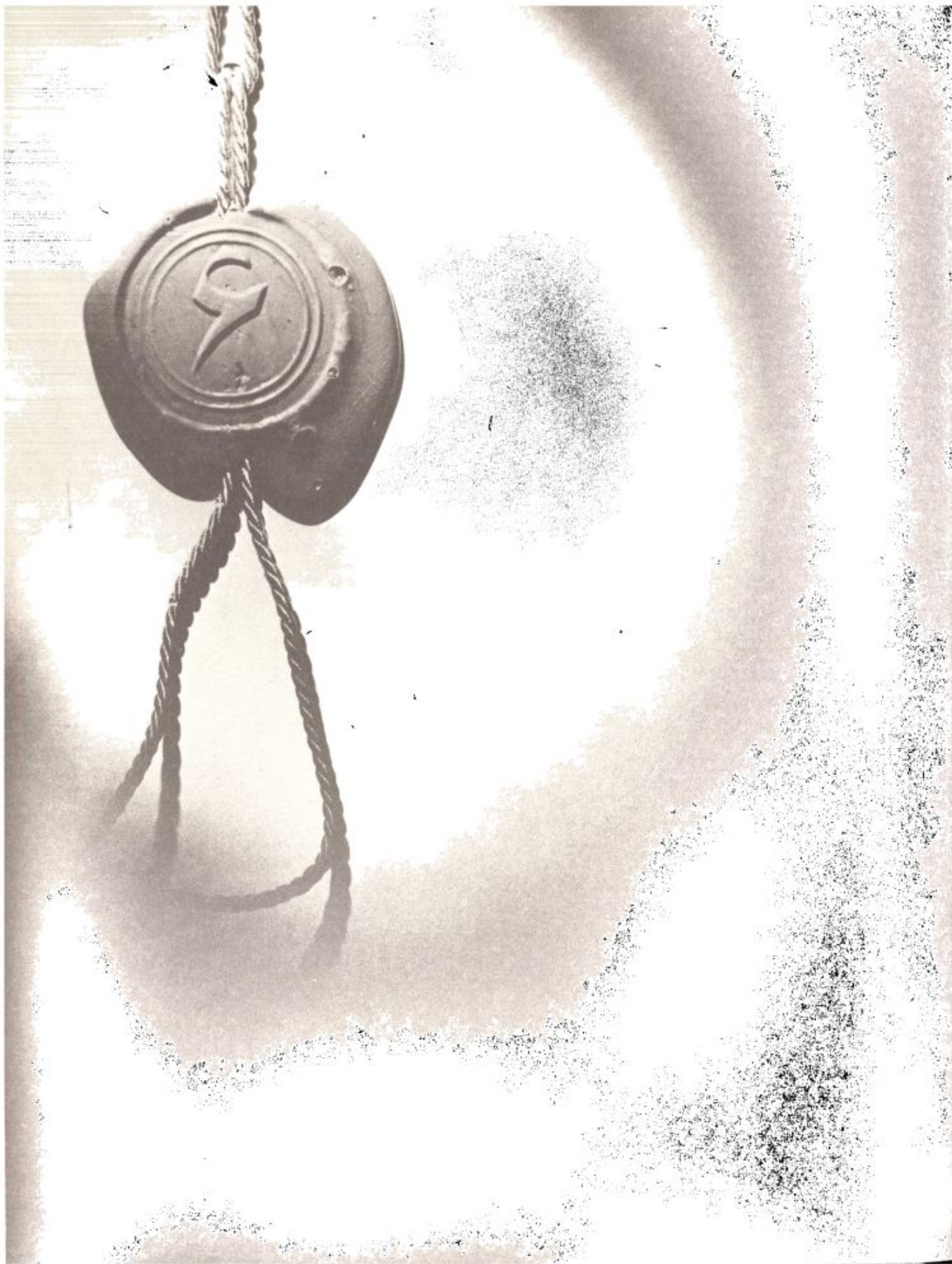
تلگراف رمز از تهران به لندن

«برای استحضار خاطر جنابعالی با وجودی که دیروز تلگراف کردم باز هم عرض می‌کنم که تلگرافاتی که از مسکو می‌رسد تمام موکول به «دستور می‌دهم» «تحقیقات خواهد شد»، «تمام می‌شود» و همینطور ژاندارمهایی که برای اعزام به نقاط شمالی فرستاده‌ایم معطل مانده‌اند. امیدوارم با مذاکره با وزیر خارجه شوروی و مساعدت دوستان طوری بشود که این بدگمانیها مرتفع گردد» ما غیر از دوستی و صمیمیت نیتی با دولت شوروی نداریم. جنابعالی همانطور به وزیر خارجه اطمینان بدهید و بگویید نگذارند عده مخصوصی به این دوستی خللی وارد آورند. ملت ایران شایسته این دوستی است و بایستی بدان اطمینان داشته باشند. کمک شورویها در مطالب حق‌ای که دولت ایران پیشنهاد می‌کند وسیله کاملی خواهد شد که این وضعیات نامطلوب مرتفع شده و دوستی طرفین مستحکم شود.»

وزیر امور خارجه

انوشیروان سبهدی

پایان جلد اول



رسد

6. IX. 1939.

*Ambassade
de l'Union des Républiques
Soviétiques Socialistes
en Iran*

۱۲ شهریور ۱۳۱۸

№ 286.

Господин Министр!

اتای وزیر

با کمال احترام وصول نامه مورخ ۱۲ شهریور
۱۳۱۸ شماره ۲۵۹۴۵/۴۲۵۷ جناب عالی را
مشعر بر ابلاغ تصمیم دولت شاهنشاهی ایران
برطاعت بیطرفی در جنگی که در اروپا شروع
شده تا نید مینماید
دوستانار تصمیم دولت شاهنشاهی را با کمال
دولت متبویه خود را نید مینماید
موقع را منتظم شمرده احترامات صمیمانه را
تقدیم میدارد

Имею честь подтвердить получение
Вашего письма от 5 сентября 1939 го-
да № 25945/4257 с извещением о реше-
нии Иранского правительства соблюдать
нейтралитет в войне, начавшейся в Ев-
ропе.

О решении Иранского правитель-
ства вновь доведено до сведения моего
правительства.

Пользуясь случаем, господин Ми-
нистр, чтобы выразить Вам свое ис-
ключительное уважение.

ЕГО ПРЕВОСХОДИТЕЛЬНОСТИ

Г. М. АААААА

МИНИСТРУ ИНОСТРАННЫХ ДЕЛ.



جناب اتای اعظم وزیر امور خارجه

Handwritten notes and stamps at the bottom of the document, including dates like ۱۱/۹/۳۹ and ۱۸/۹/۳۹, and various signatures and initials.



سفارت انگلیس - طهران

۱۵ شهریور ۱۳۱۸

شماره ۳۹۹

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

7th September 1939.

No. 399.

Monsieur le Ministre,

I have the honour to acknowledge the receipt of Your Excellency's Note No. 25945/4857 of the 13th Shahrivar (6th September 1939), in which you informed me of the Imperial Government's decision to remain neutral in the war which has broken out in Europe.

I have conveyed this decision to my Government.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my highest consideration.

H. Morrison

آقای وزیر
محترماً بنامه جناب عالی شماره ۲۵۹۴۵/۴۸۵۷

مورخه ۱۳ شهریور (۵ شهریور ۱۳۱۹) را که بدان وسیله تصمیم دولت شاهنشاهی را دایره بیخبری آن دولت در جنگی که در اروپا رخ داده بدوستان اصلاح داده بودند اطلاع میدهم.

۲- دستور تصمیم مزبور را بدولت متبینه نمود اطلاع نموده ام.

موقع را متمن شعریه احترامات فائده خود را تجدید مینمایم.

Handwritten signature
۱۷/۹/۳۹

۲۵۹۴۵
۱۱/۹/۳۹

درد بدوستان
۴۴۰۲
۱۳/۹/۳۹

جناب آقای وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران

His Excellency
Monsieur Mussaffar Aslan,
Minister for Foreign Affairs,
TEHRAN.

LEGATION DE SUISSE
EN IRAN

NO 1180 - 177.1

La Légation de Suisse en Iran présente ses
vives sympathies au Service de l'Intendance de l'Adminis-
tration des Affaires Étrangères et à l'Honorable de l'Ad-
ministration de la Santé 27 75415/1877 de 13
Cherbourg 1118, concernant la situation de la
Gouvernement Impérial de l'Iran de rester neutre dans
le conflit actuel et de garder sa neutralité.

La Légation ne manque pas de porter à la con-
naissance de son Gouvernement la décision prise par le
Gouvernement Impérial.

Elle aurait très voulu pour présenter au
Service de l'Intendance de l'Administration des Affaires
Étrangères les communique de sa Constitution sous
distinguer.

Téhéran 6 septembre 1914

Service de l'Intendance

de l'Administration

des Affaires Étrangères

177.1

سازمانه ج نجفی

Téhéran, September 7, 1914.

I have the honor to acknowledge the receipt of
Your Excellency's note No. 1118 dated 27 September 13, 1914,
in which you are good enough to inform me that
the Government of Iran has decided to remain neutral
in the war which has broken out in Europe.

I did not fail to bring this decision to the
knowledge of my Government by telegram.

I avail myself of this opportunity to assure to
Your Excellency the expressions of my highest considera-
tion.

Ch. H. Eugent

Via Your Excellency

Minister of Affairs

Minister of Foreign Affairs

Téhéran

177.1

177.1

177.1

الرقم 177.1
التاريخ 177.1/1

LEGATION ROYALE SUISSE
EN IRAN

سازمانه ج نجفی

الاستاذ صاحب السيادة في التماسات السيد الميرزا محمد
في 177.1/1/13 من مجلس السيادة في طهران
الاستاذ صاحب السيادة في التماسات السيد الميرزا محمد
في 177.1/1/13 من مجلس السيادة في طهران

صاحب السيادة في التماسات
في وزارة الخارجية في طهران

Légation Royale Suisse

Téhéran le 7 Septembre 1914.

Monseigneur le Ministre,

J'ai l'honneur d'acquiescer de la
part de Votre Excellence à tout ce que vous m'adresser
dans le 2 courant se rapportant que le Gouvernement
Impérial de l'Iran a pris la résolution de rester
neutre et de conserver sa neutralité dans le conflit
actuel de l'Europe.

Conformément au désir de votre Excellence je
m'ai pas manqué de porter ce qui précède à la connais-
sance de mon Gouvernement.

Je joins cette occasion pour vous remercier,
Monseigneur le Ministre, les assurances de ma plus haute
considération.

Ministère

Via Your Excellency

Minister of Affairs

Minister of Foreign Affairs

Téhéran

177.1

177.1

177.1

شماره ۱۱ - بهمن ۱۳۷۸
- / ۱۳۷۹ - شماره

در پرتگاه سوره ۶ بهمنام ۱۳۳۴ شماره ۱۳۳۴ ب حبشاً بخدا
آن جانب بروید که دولت ابراهیم میفری و در آنجا
ایران با نوبت و کمال اطلاع حاصل شود با عزیزان و خدمت
معاون قدرانی و با پیشگاه خدای تعالی و خدمت
معاون قدرانی و با پیشگاه خدای تعالی و خدمت

از روی استفاده نمود. اختراعات تازه نمود را تشویق می‌کنیم.

کتاب آقای حکیم اعظم
در امور جاریه و اعتدال

21. 100

Marayana

J'ai l'honneur d'ackuser réception de la note N° 27945/4297 en date de 11.8.48, par laquelle Votre Excellence a bien voulu m'informer de la décision prise par le Gouvernement Impérial de rester neutre et de sauvegarder sa neutralité dans la guerre qui vient d'éclater en Europe.

Je ne manquerai pas de porter la décision du Gouvernement Impérial à la connaissance de mon Gouvernement.

Veuillez agréer, Excellence le Ministre,
les assurances de ma très haute considération.

Son Excellence
Monsieur Rouffier Adam,
Ministre des Affaires Etrangères,
P a r i s .

2038

vel.

 $1A, 7, 1^v$



No. E. 5986/82/34.

Foreign Office,
S.W.1.

11th October, 1943.

My dear Minister,

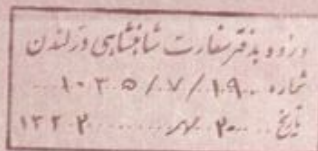
I had hoped that it would be possible before my departure to let Your Excellency have a reply to your letter No. 928/7/19 of the 17th September, in which you enclosed His Excellency Mr. Hajhir's memorandum on conditions in Iran. But before giving my views on Mr. Hajhir's observations and proposals, I thought it necessary to consult the Minister of State at Cairo, as well as Sir Reader Bullard, on certain points. I am afraid that there is now little prospect that their replies will be received in time to enable me to let you have a considered reply before I leave.

On my return from Moscow, where I may have the opportunity of discussing questions relating to Iran with the representatives of the Soviet and United States Governments, I will let you have a full reply. Meanwhile, I am asking Sir Maurice Peterson to discuss with you and Mr. Hajhir any questions which he considers could usefully be dealt with in my absence.

Believe me,

My dear Minister,

Yours sincerely,



Anthony Eden

His Excellency
Mr. Seyed Hassan Taqizadeh.

ملاحظه شد حسن تقی زاده



وزارت امور خارجہ

ادارہ
شمارہ
تاریخ
پوسٹ

۱۴۱۸



بھارت کے پرائیویٹ ہسپتالوں کے بارے میں
بادجو ایکسچینج ٹرانزیکشن کے تحت
کام کے سرٹیفیکیٹ دیا گیا ہے۔ دوسرے
مذاہف کے ساتھ ساتھ یہ بھی دیا گیا ہے
یا سرٹیفیکیٹ کے ساتھ ساتھ یہ بھی
تھا اس کے ساتھ ساتھ یہ بھی
بے قیود کام کے لئے دیا گیا ہے
تعمیم دینے کے لئے یہ بھی
صرف بہت زیادہ دے دیا گیا ہے
نہایت زیادہ دے دیا گیا ہے
جس کا یہ بھی دیا گیا ہے

دور رس (دور رس) کے ساتھ ساتھ یہ بھی

۱۲۴



اداره: دپت * ترجمه تدارک‌رسانه دولت شوروی

شماره: ۱۳۲۰

تاریخ: ۳ شهریور ۱۳۲۰

یوست: کارتن پیمان سه - انبی ایران و اتحاد شوروی
و انگلیس شمال ۱۳۲۰ (راجع به یادداشت وزارت امور خارجه)

در دولتین روس و انگلیس و ورود ارتش آنها

وزان (نخست وزیر)



کمیسیون ملی امور خارجه با نهایت توقیر از طرف دولت شوروی مراتب زیر را باستحضار دولت ایران می‌رساند: دولت شوروی نظر با احساسات دولت آمیز نسبت به ملت ایران و به پاس خاکیمت این کشور همواره سیاستی مبتنی بر استحکام روابط دوستانه بین دولت اتحاد جماهیر شوروی و ایران تحقیق نموده و مصاحبه بسیار راه ترقی و پیشرفت کشور ایران پیکار کرده است.

تدابیر نظامی که دولت شوروی اتخاذ نموده منحصر امتوجه خطری است که از فعالیت دشمنانسه آنها در ایران ایجاد شده است و همچنین این خطر تهدید کننده منافع ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی رفع شود دولت شوروی طبق تعهدی که به موجب عهدنامه ایران و شوروی ۱۹۲۱ نموده است بازتأمله قوای خود را از خاک ایران خارج خواهد کرد.



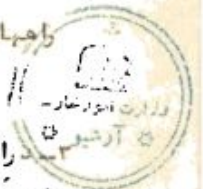
وزارت امور خارجه

۱۲۴

۲۰/۵/۳۰

رونوشت یادداشت سفارت انگلیس

توجه اولیا دولت شاهنشاهی ایران گراما بلزیم اتخاذ اقدامات جهت اخراج هیئت آنها از ایران جلب شده است. بودن متخصصین و مستشاران آلمانی را در سر تا سر ایران که در کار خانات و نگاهبای عمومی و راهپاها و آه‌ن و در بسیاری از مشاغل مهم دیگر استخدام شده اند و ملیات و اقدامات آنها ممکن است



ممنوع حیاتی خود بعمل آورده و خطری را که از عملیات محتمله آنها در ایران ناشی شود برطرف سازد. دولت ایران میتواند مطمئن باشد که این اقدامات به هیچوجه بر علیه ملت ایران نموده و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هیچگونه نقشه و منظوری بر علیه استقلال یا تمامیت خاک آن ندارد. هرگونه اقدامات نظامی که قوای انگلیس مجبور شوند اتخاذ نمایند فقط موقتی بوده و پس از رفع شدن بحران حاضر ادامه نخواهد یافت زیرا این اقدامات فقط و فقط مشوجه دول محور میباشد.

رونوشت با اصل برابر است

۴۲۵
۱۳۰۶



دولت
دولت
دولت

دولت

چنانکه موزان گزارش شد علت یک بند زنجیر است هم هر روز طرف ترکت بهایت
تحت درخت را بر سر کاره بگو دوست نموده بگو بهر آن نسبت بهر آن نسبت
و اینها بگو خورشید میانی با او میسر به چرخ حرکت نموده بهر آن نسبت بهر آن نسبت
میان عدد چهار که میوه نطفه در معده احوال در حرکت بند است بهر آن نسبت بهر آن نسبت
آنها بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت
و اینها بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت
بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت
و اینها بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت بهر آن نسبت

۱۳۰۶
۴۲۵



Ambrassade Impériale de France

1

[illegible]



Ambassade Imperiale de Perse

در عهد ابراهیم خان به سبب در دست داشتن در صورتی که در آن وقت
 نداشتند و در آن وقت به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت
 خودشان هم در آن وقت به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت

نظارت شاهنشاهی

آمریکای افغان در آن وقت به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت
 قلمداد نمایند و به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت
 استعدادهای در آن وقت به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت
 آمده در آن وقت به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت
 قرن به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت
 جواب در آن وقت به سبب این که در آن وقت به سبب این که در آن وقت



Ambassade Impériale de l'Iran

مجلس شورای ملی

نوروزی میمیه انظار شد در سبب تسبیح را در دست در نفع هر حق کنند و دست نوروزی کاغذی

در سبب درون سبب

آتش در آتش باطن مضمون انظار شد در سبب تسبیح را در دست در نفع هر حق کنند و دست نوروزی کاغذی

با کمال در این فشار دست نوروزی کاغذی در سبب تسبیح را در دست در نفع هر حق کنند و دست نوروزی کاغذی

آتش در آتش باطن مضمون انظار شد در سبب تسبیح را در دست در نفع هر حق کنند و دست نوروزی کاغذی

با کمال در این فشار دست نوروزی کاغذی در سبب تسبیح را در دست در نفع هر حق کنند و دست نوروزی کاغذی

آتش در آتش باطن مضمون انظار شد در سبب تسبیح را در دست در نفع هر حق کنند و دست نوروزی کاغذی

با کمال در این فشار دست نوروزی کاغذی در سبب تسبیح را در دست در نفع هر حق کنند و دست نوروزی کاغذی

در سبب تسبیح باطن سبب

مجلس شورای ملی



دفتر مخصوص شاهنشاهی

از برای دفتر

رأی در محضر شاهنشاهی

مجلس امر و شورا است پنج و نیم خط به پادشاه و مرتبه نیز برای پادشاه و
ارشد به انستیتو شرفیه است و اما دارد به آراء طبع و دیگر از برای

رد نوشت
مورد خه
شماره

گفته شده است در ده

۱۵۵۳
۲۶/۳/۲۶



دفتر مخصوص شاهنشاهی

از روز

سایه خورشید

پست دفتر مخصوص شاهنشاهی

رد نوشت
مورخه
شماره

با حضور از حضرت درگاه بزرگوار رسید و فراموش کرد که در روز چند به رختنه
در تاج خانه فراموش کرد و از آنجا که فراموش کرد به تاج خانه فراموش کرد
ایران و نمرودی در آنکه معصود از آمدن به ایران بیرون کردن به خانه است فردا بخشنده
۱۳۹۷ خورشیدی

۱۵۵۱۴
۲۰۶/۴۴



اداره
 شماره
 تاریخ
 پیوست

وزارت امور خارجه

۱۸۵۴
 ۵/۹/۳۲



بسم الله الرحمن الرحيم
 است ۱۴۱۰ خراج ستم بزرگوار و گشتن شهنشاه پسرور پدیده گهنگها
 روزها تمام شد آرد بیکان تا بند بیدر و غداران را که همه بازو
 به دفاع میباشند و آن سید بیدار که سگشته لی نبوده است
 تقاضای درک میکند اطفال را که هرگز آمد و با یک کت از اصول هر
 سبب نباید لرزم از فوراً درازند اگر چه در صدد و عید
 لی آنداء را وضع خود است تا فاش کند بر ضرر در دردی که
 بلکه را بدینده و فحش و اطمینان ۱۴۱۰
 ۵/۹/۳۲



وزارت پست و تلگراف و تلفن

Free

رونوشت گزارش به شماره مورخه وزارت که اصل آن بشماره ثبت شد

تا هم فراموش حشر اگر کسی بکار افتد بنزد فرزاد آید برادران حشر
 هر روز بود در خوار و در این نذر محضر برادران بوده از روز نهم در قطره
 رقیق آن تن در فکر کارند از این نذر شدند و بر آنها آب و مال و غیر
 رسد و از آن به که است خورشید را ترک نکردند قدر دانی است

مدرسہ کلاں
مدرسہ کلاں

دوست برادر صمیمی



وزارت امور خارجه

اداره
شماره
تاریخ
پیوست



دولت ایران را در باب نهضت ملی و اجتماعی
سرمه و سرمایه و امور دیگر و به نهضت ایران و نهضت
ایستادگی کند که هر چه در راه نهضت ایران
سرمه نماید (۱۳۵۸) سح



معارف شاهنشاهی ایران

لندن

کارکن

وہ

تاریخ ۱۴۰۰ (۴ ژانویه ۱۹۸۱)
نمبر ۲۴۰ دفتر سبز است صندوق

وزارت اسررفه - ۱۴۰۱

موضوع

محاضرات

امروز از در فضیلت غمزل آدمی را بنور قهت آتج است طیب امید می در آتش یک آتف
مفتی انداخته شود و مانند لعل در غم بود غنای نظر منبیه به که عصر و یک آتف در کج
که آتف کنی است ادب و دولت بکنه منبر است فقه هم افلا به قیاداد و آتف که در روز
در روز شگفتی بهفتا داشته منی به آتف هر منی که کند مادر و کینوم به در روز و آتف به
برضه و عدل صیبر بر اند و قیاداد بان قیاداد و آتف شود از دین و قیاداد و آتف در آتف یا اگر
اشکال باشد به سیه نماند ایران در روز شگفتی کمال است و آتف نماند:

[illegible]



معارف شاهنشاهی ایران

لذن

مارتن

وکیه

تاریخ
نمره

موضوع صرا

ملاحظات

آید حتی که دولت ایران از دل و جان هر نوع کمک مکن را در حدود و احوال برادر در فوق به هم مکن
به آن دارد و اگر اتمام کتبه در مضافه نماید با شرط است و ملک نظر فریاد.

نایب - اگر چنین چیزی مکن است که این مشارکت با دولت شرایط صادره حقوق
حادثه و اعتدال باشد چنان یا مثلاً که با هر دو هم کار مشارکت نظر نخواهد داشت
دولت ایران از تمام حقوق سهم مندرج خواهد شد یا نه.

نایب - اگر واقعاً اصول مساوات حقوق علی بن علی مساوات و صفات در طبقه روح مندر
اتحادتیک سایر کارمندان دولت و خواهد بود و این امر به جهت کار دولت میسر می باشد
با وسعت مکتب و معتمد به فخر و نام و در هزار ساله او با اینکه کمتر از دیگران است
دائمه کمتر از کوزا بزرگ فخر است و کمتر فخر را به نشانه و غیر مکتب و قرار داد نیست
و اگر این فقره به جهت اینست که هر چه ضعیف تر است و او را حق کفایت از دست نفی
ع در استقلال و هر چه خواهد شد و این امر هر گاه از طرف آنها بر حسب فخر و افتخار
دارا و تواند شد نه با امید شریک و از دل و جان و با عسقلان به دولت منی بر روح لیکن



خارت شاهنشاهی ایران
لندن

سارن

وکی

تاریخ
نمبر

موضوع ص ۳

محاضرات

در صورتی جواب این سؤالات در توان نبرم مگر که مرافق معهود و بطور صریح از دستگش برسد
لکن نام در صورت تصویب و تصدیق اولیاد دولت شاهیه در از صلیح باشد در خواست
بلکه استقبال با میل و افتخار و ابتدا از طرف خود نزد مقامات و با منت گذشتن
محضرات تبار داد و بگشتن من شرم و لغو و درستی دامن ادب را گرفته از دست ندهم
ضموماً اینک تا حدی که فکده پیش رفتیم هر زلفتی را در خیمه خارج نشدن از بطنه است
نماز و تمسک خواهم شد در هر صورت آب از سر یکد نیزه گذشت است پس شایسته
است حاله و مضامین را در تمسک بشویم در خواست آن نیز شرکت و بهر مندرج شده باشیم اینها
است و از این فقط در از جریان که امور و باز هنر غالب و در از غلبه اطراف
چنانکه غایب تواند دید بنظر که مریدان رسید و در اولیاد دولت با احاطه
بجاست در هر امر صلیح را از تشکیف خواسته داد
۱۳۰۰
۱۳۰۱
۱۳۰۲
۱۳۰۳
۱۳۰۴
۱۳۰۵
۱۳۰۶
۱۳۰۷
۱۳۰۸
۱۳۰۹
۱۳۱۰
۱۳۱۱
۱۳۱۲
۱۳۱۳
۱۳۱۴
۱۳۱۵
۱۳۱۶
۱۳۱۷
۱۳۱۸
۱۳۱۹
۱۳۲۰
۱۳۲۱
۱۳۲۲
۱۳۲۳
۱۳۲۴
۱۳۲۵
۱۳۲۶
۱۳۲۷
۱۳۲۸
۱۳۲۹
۱۳۳۰
۱۳۳۱
۱۳۳۲
۱۳۳۳
۱۳۳۴
۱۳۳۵
۱۳۳۶
۱۳۳۷
۱۳۳۸
۱۳۳۹
۱۳۴۰
۱۳۴۱
۱۳۴۲
۱۳۴۳
۱۳۴۴
۱۳۴۵
۱۳۴۶
۱۳۴۷
۱۳۴۸
۱۳۴۹
۱۳۵۰
۱۳۵۱
۱۳۵۲
۱۳۵۳
۱۳۵۴
۱۳۵۵
۱۳۵۶
۱۳۵۷
۱۳۵۸
۱۳۵۹
۱۳۶۰
۱۳۶۱
۱۳۶۲
۱۳۶۳
۱۳۶۴
۱۳۶۵
۱۳۶۶
۱۳۶۷
۱۳۶۸
۱۳۶۹
۱۳۷۰
۱۳۷۱
۱۳۷۲
۱۳۷۳
۱۳۷۴
۱۳۷۵
۱۳۷۶
۱۳۷۷
۱۳۷۸
۱۳۷۹
۱۳۸۰
۱۳۸۱
۱۳۸۲
۱۳۸۳
۱۳۸۴
۱۳۸۵
۱۳۸۶
۱۳۸۷
۱۳۸۸
۱۳۸۹
۱۳۹۰
۱۳۹۱
۱۳۹۲
۱۳۹۳
۱۳۹۴
۱۳۹۵
۱۳۹۶
۱۳۹۷
۱۳۹۸
۱۳۹۹
۱۴۰۰
۱۴۰۱
۱۴۰۲
۱۴۰۳
۱۴۰۴
۱۴۰۵
۱۴۰۶
۱۴۰۷
۱۴۰۸
۱۴۰۹
۱۴۱۰
۱۴۱۱
۱۴۱۲
۱۴۱۳
۱۴۱۴
۱۴۱۵
۱۴۱۶
۱۴۱۷
۱۴۱۸
۱۴۱۹
۱۴۲۰
۱۴۲۱
۱۴۲۲
۱۴۲۳
۱۴۲۴
۱۴۲۵
۱۴۲۶
۱۴۲۷
۱۴۲۸
۱۴۲۹
۱۴۳۰
۱۴۳۱
۱۴۳۲
۱۴۳۳
۱۴۳۴
۱۴۳۵
۱۴۳۶
۱۴۳۷
۱۴۳۸
۱۴۳۹
۱۴۴۰
۱۴۴۱
۱۴۴۲
۱۴۴۳
۱۴۴۴
۱۴۴۵
۱۴۴۶
۱۴۴۷
۱۴۴۸
۱۴۴۹
۱۴۵۰
۱۴۵۱
۱۴۵۲
۱۴۵۳
۱۴۵۴
۱۴۵۵
۱۴۵۶
۱۴۵۷
۱۴۵۸
۱۴۵۹
۱۴۶۰
۱۴۶۱
۱۴۶۲
۱۴۶۳
۱۴۶۴
۱۴۶۵
۱۴۶۶
۱۴۶۷
۱۴۶۸
۱۴۶۹
۱۴۷۰
۱۴۷۱
۱۴۷۲
۱۴۷۳
۱۴۷۴
۱۴۷۵
۱۴۷۶
۱۴۷۷
۱۴۷۸
۱۴۷۹
۱۴۸۰
۱۴۸۱
۱۴۸۲
۱۴۸۳
۱۴۸۴
۱۴۸۵
۱۴۸۶
۱۴۸۷
۱۴۸۸
۱۴۸۹
۱۴۹۰
۱۴۹۱
۱۴۹۲
۱۴۹۳
۱۴۹۴
۱۴۹۵
۱۴۹۶
۱۴۹۷
۱۴۹۸
۱۴۹۹
۱۵۰۰
۱۵۰۱
۱۵۰۲
۱۵۰۳
۱۵۰۴
۱۵۰۵
۱۵۰۶
۱۵۰۷
۱۵۰۸
۱۵۰۹
۱۵۱۰
۱۵۱۱
۱۵۱۲
۱۵۱۳
۱۵۱۴
۱۵۱۵
۱۵۱۶
۱۵۱۷
۱۵۱۸
۱۵۱۹
۱۵۲۰
۱۵۲۱
۱۵۲۲
۱۵۲۳
۱۵۲۴
۱۵۲۵
۱۵۲۶
۱۵۲۷
۱۵۲۸
۱۵۲۹
۱۵۳۰
۱۵۳۱
۱۵۳۲
۱۵۳۳
۱۵۳۴
۱۵۳۵
۱۵۳۶
۱۵۳۷
۱۵۳۸
۱۵۳۹
۱۵۴۰
۱۵۴۱
۱۵۴۲
۱۵۴۳
۱۵۴۴
۱۵۴۵
۱۵۴۶
۱۵۴۷
۱۵۴۸
۱۵۴۹
۱۵۵۰
۱۵۵۱
۱۵۵۲
۱۵۵۳
۱۵۵۴
۱۵۵۵
۱۵۵۶
۱۵۵۷
۱۵۵۸
۱۵۵۹
۱۵۶۰
۱۵۶۱
۱۵۶۲
۱۵۶۳
۱۵۶۴
۱۵۶۵
۱۵۶۶
۱۵۶۷
۱۵۶۸
۱۵۶۹
۱۵۷۰
۱۵۷۱
۱۵۷۲
۱۵۷۳
۱۵۷۴
۱۵۷۵
۱۵۷۶
۱۵۷۷
۱۵۷۸
۱۵۷۹
۱۵۸۰
۱۵۸۱
۱۵۸۲
۱۵۸۳
۱۵۸۴
۱۵۸۵
۱۵۸۶
۱۵۸۷
۱۵۸۸
۱۵۸۹
۱۵۹۰
۱۵۹۱
۱۵۹۲
۱۵۹۳
۱۵۹۴
۱۵۹۵
۱۵۹۶
۱۵۹۷
۱۵۹۸
۱۵۹۹
۱۶۰۰
۱۶۰۱
۱۶۰۲
۱۶۰۳
۱۶۰۴
۱۶۰۵
۱۶۰۶
۱۶۰۷
۱۶۰۸
۱۶۰۹
۱۶۱۰
۱۶۱۱
۱۶۱۲
۱۶۱۳
۱۶۱۴
۱۶۱۵
۱۶۱۶
۱۶۱۷
۱۶۱۸
۱۶۱۹
۱۶۲۰
۱۶۲۱
۱۶۲۲
۱۶۲۳
۱۶۲۴
۱۶۲۵
۱۶۲۶
۱۶۲۷
۱۶۲۸
۱۶۲۹
۱۶۳۰
۱۶۳۱
۱۶۳۲
۱۶۳۳
۱۶۳۴
۱۶۳۵
۱۶۳۶
۱۶۳۷
۱۶۳۸
۱۶۳۹
۱۶۴۰
۱۶۴۱
۱۶۴۲
۱۶۴۳
۱۶۴۴
۱۶۴۵
۱۶۴۶
۱۶۴۷
۱۶۴۸
۱۶۴۹
۱۶۵۰
۱۶۵۱
۱۶۵۲
۱۶۵۳
۱۶۵۴
۱۶۵۵
۱۶۵۶
۱۶۵۷
۱۶۵۸
۱۶۵۹
۱۶۶۰
۱۶۶۱
۱۶۶۲
۱۶۶۳
۱۶۶۴
۱۶۶۵
۱۶۶۶
۱۶۶۷
۱۶۶۸
۱۶۶۹
۱۶۷۰
۱۶۷۱
۱۶۷۲
۱۶۷۳
۱۶۷۴
۱۶۷۵
۱۶۷۶
۱۶۷۷
۱۶۷۸
۱۶۷۹
۱۶



سفارت شاهنشاهی ایران

لندن

جزوه دان ۴

پرونده ۸

موضوع التحاق ایران به ملل متحد

تلگراف رمز شماره ۴۱۶ رسیده از تهران
تاریخ وصول سفارت ۱۲ خرداد ماه سنه ۱۳۲۲ هجری شمسی
تاریخ صدور از مبدأ ۱۱ خرداد ماه سنه ۱۳۲۲
شماره دفتر ثبت تلگرافات وارده ۷۹

ملاحظات

وزیر مختار ایران - لندن

خواهشمند است فوراً بازجوشی و صراحةً معلّم نمایند الحاق دولت ایران به اعلامیه ملل متحد ملازمه با منتهای بودن رادارد باخبر دولت ایران میتواند از بند آخر اعلامیه استفاده نموده به مستند کمک های مادی و معنوی که برای پیروزی متفقین مینماید و تاثیرات آن بمراتب عمیق تر از آنچه جنگ کشورهای امریکای جنوبی است بدون اینکه آنگهی جنگ کند و یا از منافضای کمک نظامی بشود الحاق خود شرابه ملل متحد اعلام بدارد نتیجه را تلگراف و همچنین در صورت تسلیم (ظنا: تصمیم) دولت به الحاق منافعه که از تاریخ عمل ممکن است برای دولت ایران در حال و آینده تحصیل نماید اشعار دارید
۱۱ خرداد ۱۳۲۲ سال

ملاحظه و جواب داد
حسن تقی زاده



سفارت شاهنشاهی ایران

لندن

جزوه دان

پرونده

موضوع شرکت ایران در کنفرانس بعد از صلح

ملاحظات

وزیر مختار ایران لندن

تعقيب ۶۳۳ جمعه ۱۱ شهر پور برای مختار انگلیس و آمریکا و کاردار اروس پاسخ دولت های خود شان را در خصوص تمایل دولت ایران به الحاق اعلامیه ملل متحد به این جانب دادند هر سه پاسخ دارای مضمون واحدی هستند از قرار ذیل :

یکم - چون دولت ایران با هر یک از دول محور وارد جنگ شود ایران شایسته الحاق خواهد بود .

دوم - معنی الحاق بی نفسه این نخواهد بود که ایران تعهدات جدید اقتصادی و نظامی قبول نماید هر چند (حد . امیدوار است) دولت ایران پس از آن جدی ترین اقدامات ممکن را برای کمک و مساعدت مادی در جنگ و فیروزی بر علیه هیتلریسم بعمل آورد .

سوم - مزایائی که از دخول الحاق باید ایران میشود مزایائی است که بطور وضوح در شرکت رسمی و کامل در این جنگ با ۲۳ ملت متفق ناشی خواهد شد .

چهارم - همینکه ایران به اعلامیه مزبور ملحق شود در شرکت کردن در کنفرانس های مربوط به صلح ایران با سایر ملل متفق مساوی خواهد بود .

در ضمن صحبت با وزیر مختار انگلیس نسبت به قسمت منظور از کنفرانس های مربوط اینست که دولت ایران فقط در کنفرانس هایی که مسائل مربوط با ایران مورد مذاکره واقع میشود حق شرکت دارد منظور ما حاصل نمیشود دولت ایران میخواهد در کلیه کنفرانس های صلح شرکت نماید و در کنفرانس مذکور اگر در مسائل مربوط به بلژیک و هلند و غیره بهرود

تلگراف رمز شماره ۹۱۳ رسیده از وزارت امور خارجه تهران
تاریخ وصول سفارت ۲۴ شهریور ماه سنه ۱۳۲۲ هجری شمسی = ۲۳ اکتبر ۱۹۴۳ مسیحی ساعت
تاریخ صدور از مبدأ ۱۳ - ماه سنه ۱۳۲۲ - " " - ۲۳ اکتبر ۱۹۴۳
شماره دفتر ثبت تلگرافات وارده ۱۷۹



سفارت شاهنشاهی ایران

لندن

چزوه دان

پرونده

- ۲ -

موضوع

ملاحظات

رابعا خود را از یحقیقید اند درین کنفرانس هاهم شرکت نموده صاحب رای باشد
وزیر مختار انگلیس پاسخ صریح نداده و اظهار داشته رو' و مسائل مهم مربوط به صلح
بین ۱۴ دولت بزرگ مذاکر میشود و درین موضوع بخصوص که سؤال میکنید وارد نیستم
ولی کاردارش روی نسبت بکلیه مسائل توضیحاً بالاخره گفت که منظور کلیه کنفرانسهای
است که راجع به برقراری صلح منعقد میگردد و درین باب شک ندارم . ۹۱۳
ساعت .

ملاحظه شد حضرتعالی را

اداره
 شماره
 تاریخ
 پیوست



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه

۱۰۷
 ۲۱، ۲۲

وزیر مختار ایران - لندن

۲ حر است در دفع غث و ناز و دیگر امنیت نه است بدست رادارد و
 نتیجه تدبیر حاصل می شود اگر انگلیس به این دلزدگی در قیام است نتیجه بدیده گرفته اند
 اهتمام نمایند بگرفتن آفرینهای منصفه و ارزاق ایران را اجازه ندهند به عراق
 سواران اعزام قسود و ارزاق به اطراف سران به بند موافقت حاصل خواهد شد
 منکم کردن روز یکشنبه به یک است ۱۰۷ پیوست در زیر





وزارت امور خارجہ

ادارہ

شاره

تاریخیت

یوٹ

مکتوب از سید احمد گلشن

[illegible]

زنا

11/10/69



وزارت امور خارجه

اذا ر. رمز



از در *کشی* بتاريخ ۳/۱۱/۱۳۶۱ شماره ۱۸۶۹

2023/11/12

دولت قرض - دولت قرض

۱۶۶۴ مخبر و مهر کتابت ۱۵۸۴ وزارت خند و دفتر اکر به هم
 و نه گفته میگردید : نذر است ایران در اینک به صورتی که در هر دو راقی است لیکن در یک
 به این ذکر هر نه آله نه گفته - - - جگه : نفس : بیان آله نه گفته **سببه** اگر بخانه
 در یک به بیان سه لایحه می شود به طلبه بمهر نشان مراد کرده و مر فخر در اینست طوطی
 به این که اظهار رافت نشان غیر لیکن نیز به این نشان آیه طوطی را این سرافقت نامه
 ایران در یک در این فرجه است تصور نکنند : هر چه به بگر طرح فخرت **۴۷۱** یکم به
 نایب

Handwritten notes in Persian script, likely a continuation of the text or a separate entry, mentioning "مادر" (Mother) and "والدین" (Parents).



موسم

PIAV .

تاریخ ۱۶/۱۰/۱۳۲۱

خارت شاهپہی ایران

دانشین

وزارت امور خارجه

119 169

راجہ بہ حضرت قوامی سید ارکاء الدلالتین در خدمت شریف شامہ ۱۵۲۰ قہم تختہ دندہ نظر بندہ راجہ

مہبت درینہ را سحر فرمودہ :

تبریز، خریف، دلدی، شب، ۱۴۶۸، راج بر صبح، قصیدہ در کایہا، در راہ کہنہ، حضور دار کزنا، در خانہ ارباب

و با ذلالت و زاری و ناله و غم در دل و سستی راه سعادت خوشی در تهران و در ده بوند به بند طمع و لذت

خبر از ما برکتی بهتر از دفعه دوششم و هفتم خضیات نگرفت در دنیا رخوشتان می بود در مهربانی و شرمندگی که با

فدولت از غریبه در ملک ما که منصرف نمودیم میزند دولت از ملک ما بیک که گذر از درستی در قوی از ملک ما که خدا دارد

فردی که برای این مسئله خدمت نموده مانند مصراعاق هندستان تهرانی نیزه‌ها و غیره -- بنده چهارم و ششم دفعه می

گمراہ نہ ہو، بارانِ قنات است و گرنہ وضع فرمود نیست بر تختانِ دلند و آبِ حیاتِ نیکان در باغِ شکرستان

رتب حضرت در درگاه پادشاه دلد. گند وضع اران در دره هر چند وقت است از نظر حضرت قای فخرانگیر

چنانچه ان قرارداد بگردد از برون مالدو وزارت در آن قرار دلد بر اینست که منقعه نموده در حضور قاضی ایستاد در آنجا

مجاز نموده و دفاع ایران را عبیده قرار نفی می‌نویسند و می‌گویند که:

نه. فلما بهشت بطریق طبع ودم، بشود اسلامه قرار ددی با جفندی و ای امریکای و دنیا مضطرب و در -

فرار و در آلودن در جه کرم در آن عبارت از پخته است امری که وقت پخته در باور واقع و کرم است

دفاعیه نوشته و دفاع آن کرد و امید بود در این جنگ با هر نوع تیر و توپ ناب شده و مایه های تاخت و تاز را تاخته نهاده و آن

در این روزها اظهار نمودند که منم فسخه و آنهم در در این چنین قرار دوی رفیت در این دسته!

زیرا رفته باشد و در اول بینه منهد دست لری که دین در جنگ نبوده در این زمین لری که در یکا برتر بود



12/20/11

1/10/50

١٠٠

الحمد لله

المعروف

13)

١٠٠ / ١٠٠ / ١٠٠



خارت شاهنشاهی ایران

سفر ۱۵



ما همچنین در تمام مجلس و کتبخانه عمر لریک خدمت کرده در قراردادی منعقد نمود و عدولت قانونی داشته باشد و در لایحه قرض لریک
در باب بیاطاف دنیا مستند دارد و سبب در مورد لریک هم نیز در است لریک قرضی بمنزله ختیق خود ندارد زیرا عده در کتابها
بیشتر از کارهای قرض در دنیا هم و در تمام کتب معبدان از کتب چنانچه و نیز عده را بر کتب کردن در کتاب فراهم نموده و دفاع
حاکم لریک هم مستند قرض لریک نیست .

[illegible]

پس از شرح مذاکره است ، باید بدین عرض کنم که هرگز نمی توانم نظر در استقامت برای این نوع جیت داشته باشم و چنین قراردادی چه تنهاده را در نظر ندارم - البته اینست که اگر در داد و ستد حضور آقای سید ابراهیم در ایران مشروع و مجاز می کند و نه غیر آن ، چه تنهاده در آن خواهم نمود و در نظر دارم که در این باره تحقیق کنیم ، فقط موقوفیت خود آن را در این باب نباید طلوع مسمم اگر تنهاده وقت غیر از برای آنچه فایده خواهد داشت ؛ بپسوده آن مصلحت است در حضور آقای سید ابراهیم در ایران فقط عمران قصه راه آئین ایران به هم بخیزد ؟

در هر حال فرانسه قوای امریکایی در ایران هرگز وارد و در هر حال در دوی راجع به طرز محاکمه در سیه که به عدلی جان و غیره
افراد قتل امریکایی در ایران منع گردد - پنج نهم دولت نباشد و قتل و در سیه باب محض و امریکایی در ایران
در این بر آنکه محاکمه در رکن طبع و در دوی راجع به محاکمه قضای امریکایی را با بهینه یکدیگر کنیم نه شده فسخ
آنکه اول محض و امریکایی در ایران را از طرف دولت ایران منع شده باشد تا به این امر وارد دوی راجع
طرز محاکمه آنرا منع نم.

مهربان و مروت و خسته بنظر رسید که بر نظر دوستی و برادرش هم خواهند رفت در میان



وزارت امور خارجه

اداره

شماره

تاریخ

پیوست

وزارت امور خارجه - لندن

خط محترم مبدق است که از دلائل انقضای پیمان آتش منسوخ گشتن ای قهرمانی
 بهیچ که انگلیس با وعده میدادند مردم و مجلس را در دست بیشتر روی این اصل که اگر ای
 ارتقاء ای خواهی شد و از حیث ضروریات در صورت نخواستیم انقضای پیمان منسوخ با اینکه
 مشتمل دلم و اجاره هم شده ایم انگلیس به بد از جلب اینکه در قاره کرد از هر چه می توانست
 کرد از که بهیچ وجه حیاتیات ضروری ما را تأمین نمیکند جناب ضروری را به نفع ما
 پانچین آورده بعضی اشیاء دیگر را با میخوانند بدین که بهیچ وجه بد ما نمیخورد بعد از امر انگلیسها
 را که مجبور کردند لاسکیت را که یک از اعلام حیاتیات ما است با نخواست انگلیسها و اگر از
 گشته که آنرا هر اندازه بخوانند با بدیند امروز بشا در دفر نامه رشته عدالت حیاتیات
 پانچین زنی با و ابلاغ کردم که مرین بزرگ یک هزار عدد لاسکیت روئی و تره شده
 عدد هزارم یک از مرین و کامرین سیصد هزار لیره تقریباً گندم یک صد و بیست





وزارت امور خارجہ

ادارہ

شمارہ

تاریخ

پیوست

ہزارہ کی تہذیب و تمدن ہزاروں سال قبل مسیح سے دنیا کی ہزاروں تہذیبوں میں سے ایک ہے۔ ہزارہوں کی تاریخ و تہذیب کا مطالعہ کرنا ہمارے لیے ایک فرائض ہے۔ ہزارہوں کی تاریخ و تہذیب کا مطالعہ کرنا ہمارے لیے ایک فرائض ہے۔ ہزارہوں کی تاریخ و تہذیب کا مطالعہ کرنا ہمارے لیے ایک فرائض ہے۔

۱۴۲۵ھ



اداره
 سواد یافتنی که خطاب آقای قهرمیر وزیر موقوف برای تقدیم به وزیر امور خارجه انگلیسی در لندن، تحریر
 محمد داود ترجمه انگلیسی آن در ضمن مکسسه وزیر مختار خطاب به ستر آیت الله وزیر امور خارجه مزارع
 صیبه لکسال شهر وانی سواد دارای امضاء آقای
 شهریار است



نشرت شاهنشاهی ایران

از اوت ۱۹۴۱ که سیاست بیطرفی ایران در جنگ کنونی خانه بانفت و شالوده
 همکاری صمیمانه ایران با متفقین ریخته شد دولت ایران هر چه در قوه داشت با کمال
 جدیت بکاربرد تا تعهداتی را که در برابر متفقین بعهده گرفته است بوجه اتم اجرا کند
 (بضمیمه ۱ مراجعه شود) و باین وسط اعرابین دوستی و همکاران را روز بروز تحکیم و تقویت
 نماید و متحدین درین راه کوشید که در بعضی موارد از آنچه هم که قبلاً تعهد کرده بود به مراتب
 بیشتر و رفت تا به متفقین عدالت ثابت شود که دولت ایران صادقانه مایل به استقامت و توسعه
 حسن مناسبات و مساعدت ذات البین است (بضمیمه ۲ مراجعه شود) لکن در ضمن
 اجرای این سیاست که اسامیان از بدو امر تلبیه مصالح ایران با منافع متفقین بود و دولت ایران
 در اتخاذ و اجرای آن همیشه بحسن مساعدت و حسن نیت متفقین و بالخاصه دولت انگلستان
 نسبت بایران کاملاً امیدوار و قلباً اعتقاد داشت - و البته این امیدواری و اعتقاد اکنون
 نیز قرار سابق باقی است - رفته رفته و سعی در ایران بوجود آمد که کار دولت را هر روز از روز
 بیش سخت تر کرد. بدین دولت ایران مشکلات مزبور بیشتر از این جابر خواست که مقررات
 پیمان ژانویه ۱۹۴۲ چنانکه انتشار میرفت بموقع اجرا در نیامد (بضمیمه ۳ مراجعه شود)
 تا آنجا که رویض رفته وسع ایران را از اوت ۱۹۴۱ پیچید درد و جمله ذیل میتوان خلاصه کرد:
 ابتداءً روز افزون مملکت و مردم با انواع مسائب و مشکلات و عدم توانایی دولت در تلاش که
 همواره بحیثیت تابعین آسایش ملت و قدرت حکیمت کرده است.

تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۰
 شماره ۴۲۶ درگزشت دارد



مجلس شورای ملی ایران
 لندن

سازش

دکتر

موضوع

درخواست

احترام فرموده از تهران
 سر محمد باک آقا امروزیه اگر شیت مستند را از نزد سر را حضرت محسن سرلش
 گذشت (میدانم بعد از نهم به پنج ماه به افضای برسد ۱۳۲۰)

تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۴۰
ج. ر. ۱۹۶۲
نمره ۲۴۴ دفتر تحریر است



مجلس شورای ملی
تهران

مجلس شورای ملی

کتابخانه

موضوع: عهدنامه ایران و انگلیس در مورد

دکتر

ملاحظات

امروز نهم بهمن پیمان اتحاد بین ایران و دولتین انگلیس
و کشورهای در کاخ وزارت امور خارجه امضا شد

x



مجلس شورای ملی ایران

لندن

مکاتیب

دکیمه

موضوع

ملاحظات

سید حسن وارده سفارت لندن از وزارت خارجه - تهران
 آیین اخراج سفیران به هیئت پاریس احوال دارند.
 بمجلس ارضای ایران گمران روزی به متر روز دولت و مترانی از طرف آقای
 رئیس الوزرا به هر چهل و استالین بهر به سه (۲۱۵۰)
 لایحه

ملاحظه شد ۲۰ ت

تاریخ ۱۳۰۲
 شماره ۲۲۲
 در کنگره است. (لندن)

بانیات خداوند
پهلوی شاه ایران

نظر اصل پت و هشتم قسم قانون اساسی مقرر می‌داریم

ماده اول - قانون اجازه مبادله پیمان اتحاد متعین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد

تکلیف
اصرا
بیوم

شوری و انگلستان که در جلسه بیستم بهمن ماه کفرز و صد و بیست تصویب مجلس شورای ملی شده و می‌نمایند

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون است . پنج نهم بهمن ماه ۱۳۲۰

رویدادهای برجسته سالهای ۱۹۳۵ تا پایان جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم که وقوع آن از نخستین ماههای سال ۱۹۳۵ غیرقابل اجتناب می‌نمود، سرانجام در نخستین ساعات بامداد اول سپتامبر ۱۹۳۹ با حمله ارتش آلمان به خاک لهستان آغاز گردید.

خلاصه مهمترین حوادثی که منجر به این رویداد تاریخ معاصر شد، و همچنین اهم حوادث برجسته دوران جنگ چنین است:

۱۱ - ۱۴ آوریل ۱۹۳۵

متعاقب برقراری مجدد خدمت نظام اجباری در آلمان، کنفرانس «استرزا» با شرکت نمایندگان سه کشور ایتالیا، فرانسه و انگلیس به‌منظور ممانعت آلمان از نقض بیشتر مقررات عهدنامه «ورسای» تشکیل شد.
از تصمیمات کنفرانس مزبور نتایج مؤثری عاید نگردید.

۷ مارس ۱۹۳۶

آلمان ایالت «رئانی» را علیرغم مقررات عهدنامه‌های «ورسای» و «لوکارنو» مجدداً منطقه نظامی اعلام کرد.

۱۳ فوریه ۱۹۳۸

آلمان کشور اتریش را به‌خاک خود منضم ساخت.

۲۹ سپتامبر ۱۹۳۸

کنفرانس «مونینخ» با شرکت هیتلر از آلمان، موسولینی از ایتالیا، دلادیه از فرانسه و چمبرلن از انگلیس تشکیل شد.

در این کنفرانس که هدف آن حل اختلافات آلمان و چکوسلواکی بود، دول غربی امتیازات عمده‌ای برای آلمان قائل شدند و کنفرانس با پیروزی هیتلر و الحاق قسمتی از نواحی «سودت» چکوسلواکی به آلمان پایان گرفت.

هرسه کشور را به تصرف درآوردند.

۱۵ اوت ۱۹۳۹

یک قرارداد سیاسی و همکاری نظامی میان انگلستان، فرانسه و لهستان منعقد شد.

۳۱ مه ۱۹۴۰

حمله آلمان به فرانسه آغاز شد.

۲۳ اوت ۱۹۳۹

پیمان عدم تجاوز میان آلمان و اتحاد جماهیر شوروی در مسکو به امضاء رسید. در این قرارداد دو کشور متعهد شدند که مدت ده سال به خاک یکدیگر تجاوز نکنند.

۱۰ ژوئن ۱۹۴۰

ایتالیا به رهبری موسولینی به عنوان متحد آلمان وارد جنگ شد.

۱۴ ژوئن ۱۹۴۰

سربازان آلمانی وارد پاریس شدند.

۱ سپتامبر ۱۹۳۹

ارتش آلمان در ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه بامداد مرزهای کشور لهستان را مورد حمله قرار داد.

۱۵ اوت ۱۹۴۰

حملات هوایی وسیع هواپیماهای بمبافکن و شکاری آلمان به خاک انگلستان آغاز گردید.

۳ سپتامبر ۱۹۳۹

انگلستان و فرانسه براساس پیمان دفاعی خود با لهستان، بر علیه آلمان اعلان جنگ دادند.

۱۹ اوت ۱۹۴۰

قوای ایتالیا در شمال افریقا به ارتش انگلیس حمله کرد.

۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹

ورشو در برابر ارتش آلمان تسلیم شد.

۱۷ اکتبر ۱۹۴۰

کشور رومانی به تصرف نیروهای آلمان درآمد.

۳۰ نوامبر ۱۹۳۹

روسیه به خاک فنلاند حمله کرد.

۲۷ مارس ۱۹۴۱

یونان و یوگسلاوی مورد حمله آلمان قرار گرفتند.

۹ آوریل ۱۹۴۰

آلمان به نروژ حمله کرد و در همان روز «اسلو» را به تصرف خود درآورد.

۱۱ آوریل ۱۹۴۱

ارتش انگلیس کشور لیبی را از اشغال نیروهای محور آزاد کرد.

۱۰ مه ۱۹۴۰

نیروهای آلمانی، کشورهای لوگزامبورک، بلژیک و هلند را مورد حمله قرار دادند. و

۲۲ ژوئن ۱۹۴۱

نیروهای آلمان به خاک شوروی حمله کردند.

امریکا اعلان جنگ داد.

۲۵ دسامبر ۱۹۴۱

نبرد نیروهای آلمان و شوروی در حومه مسکو، با پیروزی ارتش شوروی خاتمه یافت.

۲۵ اوت ۱۹۴۱ (سوم شهریور ۱۳۲۰)

ایران مورد هجوم قوای متفقین قرار گرفت و ارتشهای شوروی و انگلیس از شمال و جنوب وارد خاک ایران شدند.

۲۳ اکتبر ۱۹۴۲

نبرد «اللمین» در شمال افریقا، با شکست نیروهای محور پایان گرفت.

۴ سپتامبر ۱۹۴۱

«لنینگراد» به محاصره نیروهای آلمان درآمد. این محاصره سه سال ادامه یافت و سرانجام در سوم ژوئن ۱۹۴۴ در پایان نبرد «دنپیر» خاتمه یافت.

۸ نوامبر ۱۹۴۲

نیروهای انگلیسی و امریکایی از راه دریا به الجزایر حمله کردند و ارتش آلمان را در شمال افریقا به خطر محاصره انداختند.

۱۱ سپتامبر ۱۹۴۱

با حمله یکی از زیردریایهای آلمان به یک ناو امریکایی، دولت ایالات متحده از حالت بی طرفی خارج شد.

۱۴ دسامبر ۱۹۴۲

ارتش آلمان وارد «استالینگراد» شد. جنگ به مدت یک سال در این شهر ادامه داشت و سرانجام با شکست نیروهای آلمان پایان پذیرفت.

۱۲ اکتبر ۱۹۴۱

دومین حمله ارتش آلمان برای تصرف مسکو آغاز شد. فرماندهی این نبرد را هیتلر شخصاً بر عهده داشت.

۸ فوریه ۱۹۴۳

پس از سه سال شهر «روستوف» از اشغال نیروهای آلمان خارج شد.

۷ دسامبر ۱۹۴۱

با بمباران پایگاه دریایی «پرل هاربور» در اقیانوس آرام، حملات برق‌آسای نیروهای ژاپن به کشورهای آسیای جنوب شرقی و جزایر اقیانوس آرام آغاز شد.

۹ فوریه ۱۹۴۳

ارتش شوروی شهر «خارکف» را از تصرف نیروهای آلمان در آورد.

۱۰ ژوئیه ۱۹۴۳

نیروهای امریکا و انگلستان در جزیره «سیسیل» در ایتالیا پیاده شدند.

۱۱ دسامبر ۱۹۴۱

آلمان به طرفداری از ژاپن به ایالات متحده

۳ سپتامبر ۱۹۴۳

ایتالیا بدون قید و شرط تسلیم نیروهای متفقین شد.

۹ سپتامبر ۱۹۴۴

بلغارستان به تصرف ارتش شوروی درآمد.

۱۳ اکتبر ۱۹۴۴

یوگسلاوی از تسلط نیروهای آلمان خارج شد.

۶ نوامبر ۱۹۴۳

شهر «کیف» پس از سه سال اشغال آزاد شد.

۱۳ آوریل ۱۹۴۵

اتریش به وسیله ارتش شوروی اشغال شد.

۴ فوریه ۱۹۴۴

با حضور رهبران سه کشور آمریکا، شوروی و انگلستان کنفرانس «یالتا» در شبه جزیره «کریمه» واقع در شمال دریای سیاه آغاز به کار کرد. در این کنفرانس علاوه بر بررسی مسائل جهان آن روز، برای نخستین بار در مورد اوضاع پس از جنگ نیز مذاکراتی صورت گرفت.

۲ مه ۱۹۴۵

برلن، پایتخت آلمان به تصرف ارتش شوروی درآمد.

۴ مه ۱۹۴۵

قرارداد تسلیم بلاشرط آلمان امضاء شد.

۶ ژوئن ۱۹۴۴

با پیاده شدن نیروهای آمریکایی و انگلیسی در سواحل نورماندی در فرانسه، جبهه دوم گشوده شد.

۱۷ ژوئیه ۱۹۴۵

کنفرانس «پوتسدام» با شرکت رهبران سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس در شهر «پوتسدام» واقع در خاک آلمان تشکیل شد.

۲۵ اوت ۱۹۴۴

ارتش فرانسه آزاد به رهبری ژنرال دوگل وارد پاریس شد.

۶ اوت ۱۹۴۵

به دستور هاری ترومن، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، نخستین بمب اتمی جهان روی شهر «هیروشیما» در ژاپن منفجر شد. سه روز بعد نیز دومین بمب اتمی شهر «ناکازاکی» را به ویرانه‌ای بدل کرد.

۳۰ اوت ۱۹۴۴

ارتش شوروی رومانی را اشغال کرد.

۷ سپتامبر ۱۹۴۴

با پرتاب نخستین موشک «V۲» به سوی انگلستان، لندن و پاره‌ای از شهرهای آن کشور مجدداً در وحشت بمباران‌های سنگین فرو رفت.

۱۴ اوت ۱۹۴۵

ژاپن با امضای قرارداد تسلیم بلاشرط با آمریکا، به جنگ پایان داد.

کتاب

آ

- آجسن: ۲۸۱، ۲۸۲
 آر تل: ۵۹
 آلمانیها: ۸۱، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۱
 آلن: ۲۷۸
 آندرسون: ۲۸۳

الف

- اتل: ۹۵
 اتلی، کلمان: ۱۳۶
 ارتش سرخ: ۶۳، ۶۷، ۲۰۱
 استانی، امیرال: ۲۵
 استالین یوسف ویساریو نویچ: ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۸، ۲۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰
 ۲۶۸۰
 استرانک، ویلیام: ۱۸۲
 استودارد، کلنل: ۲۲۷
 اسفندیاری، نوری: ۹۷
 اسلیم، ژنرال: ۵۵
 اسمیرنوف، آندره اندریویچ: ۲۵، ۴۶، ۸۸، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱
 ۱۳۲، ۱۳۳
 اعلم، مظفر: ۲۲، ۲۳، ۴۳
 اعلیحضرت رضاشاه بهلوی: ۴۹، ۵۲، ۶۸، ۷۳، ۱۱۴، ۱۱۵
 ۱۲۷
 اعلیحضرت محمدرضاشاه بهلوی: ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹

پ

- پادوگلیو، ژنرال: ۱۷۵
 پورا، گوستاو: ۵۹
 پولارد، سرریسدر: ۳۷، ۸۸، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴
 ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۱۳، ۲۲۴، ۲۷۴
 بوین، ارنست: ۲۸۵، ۲۸۶

پ

- باترسون، رابرت. پی. : ۲۸۰، ۲۸۱
 پتوسون، موريس: ۲۱۳
 بهلوی، خاندان: ۱۱۴

ت

- تراب: ۵۹
 ترومن: ۲۸۲، ۲۸۳

تسلی زاده، حسن: ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۶۸، ۲۷۷، ۲۸۶، ۲۸۷

تیروچی: ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷

تیلکه: ۴۸

ج

جراحات: ۲۷۹

جرج نشم، پادشاه انگلستان: ۱۶۹، ۱۷۰

جزنکان: ۱۸۱

جم، محمود: ۲۱

جمعه خان: ۱۶۶

چ

چرچیل، وینستون: ۵، ۱۳، ۱۴، ۲۹، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۷۶، ۱۸۴

۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۱۱، ۲۶۷

چن کما، دوکتو: ۱۷۴

ح

حسنوتا، جمال: ۱۶۶

حکمت، علی اصغر: ۲۱

حکیمی: ۲۷۴

د

داوس، کاپتین: ۱۹، ۲۳۲

دریغوس، لونی: ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴

۱۹۵

دونت، جیمز: ۱۸۲

دین، ژنرال: ۱۸۲

ر

راونویچ، فون: ۵۹

رضاشاه: ۷، ۹، ۲۵، ۶۹

رودزا، ژنرال: ۲۴۴

روزولت، فرانکلین: ۶، ۱۳، ۱۴، ۳۱، ۶۸، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۷۰

۱۷۱، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۶۷

ریدلی، ژنرال: ۲۸۳

س

ساعد، محمد: ۲۴، ۲۵، ۶۲، ۶۵، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۱۴۱، ۱۴۲

۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴

۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۰۴، ۲۰۶

ساکیس: ۱۸۳

سانوف، ویلهلم: ۵۹

سبهدی، انوشیروان: ۱۸۲، ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۹۰

سرگیف: ۱۸۲

سعدی: ۱۷۹

سمرولز: ۳۱

سهیلی، علی: ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۵، ۹۰، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶

۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۶۴، ۱۸۵، ۱۸۸

۱۸۹، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۲

سیاح، حمید: ۴۶، ۵۰

ش

شاهنشاه آریامهر: ۱، ۱۵، ۲۶

شایسته، محمد: ۱۲۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۸۲

۲۷۸، ۲۷۹

شریدان: ۲۳۹

شوارتسکف: ۲۸۱

نیشو: ۵۹

ض

ضرغامی، سرلشکر: ۵۲

ع

عامری، جواد: ۲۶، ۲۴، ۴۶، ۴۸، ۷۱، ۷۲

علاء، حسین: ۲۰۴

عیسایوف: ۲۵۵

ف

فرشتال: ۵۹

فروغی، محمدعلی: ۱۰، ۷۲، ۷۳، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۴

۱۳۵

ق

قوام، احمد: ۱۱، ۱۴۲

ک

کالینین، میخائیل ایوانویچ: ۱۷۰

کاموتا: ۵۹

مىلىسيو: ۲۲۰، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۹، ۲۶۵

ن

نيكلايف: ۲۸

و

وروئيلوف، مارشال: ۱۸۲

ولز، پرىساف: ۱۳۶

ولف: ۵۹

ويشنيكى: ۱۸۲

ھ

ھارکورت، گرین: ۱۸۲

ھاروی، ژنرال: ۵۵

ھاريمان، اوريل: ۱۸۲

ھۇيسر، عبدالھسين: ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸

ھمايون جاھ: ۱۶۵

ھندرسون، لوى، دېليو: ۲۸۲، ۲۸۳

ھورلى، ژنرال: ۱۸۵، ۲۰۴

ھول، كرل: ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۴

ھيتلر، آدلف: ۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۵۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۹، ۱۸۹، ۱۹۶

ى

يانت، كلنل: ۲۳۲

يدل: ۲۷

كاشىك، چيانك: ۱۷۱، ۱۷۲

كروپ، فريدريچ: ۵۹

كريبس: ۷۴

كستاريكا: ۱۵۵

كلارك كر، ارچيبالد: ۱۸۲

كلينگر، ھنريش: ۵۹

كمبيل، سررنالد: ۲۸۵

كولين: ۵۹

گ

گريزلف، مازر ژنرال: ۱۸۲

ل

لاپيدوس: ۲۵۵

لن: ۵۹

لوكارنو: ۱۹

م

مائيسكى: ۶، ۱۸۰

ماكسيموف: ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶

مقدم، محمدعلي: ۶۸، ۷۱، ۱۱۳، ۱۲۳

منصور، علي: ۲۶، ۵۵، ۵۹، ۶۹، ۷۲

مورى، والاس: ۲۸۰، ۲۸۴

موسولينى: ۲۷، ۱۷۵

مولوتف وياجسلاو ميخائيلويچ: ۲۴، ۲۵، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۱۷۴، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱

مھدى: ۱۶۶

مير: ۵۹

جیا

آ

آبادان: ۵۵، ۲۸۳

آذربایجان: ۵۹، ۷۱، ۲۶۱، ۲۸۸

آرخانگل: ۲۸

آستارا: ۵۵

آنوراده، جزایر: ۵۷

آلمان: ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۳، ۲۶، ۲۷،

۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۴۷، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۷،

۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۹، ۷۷، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۵،

۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۱،

۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸،

۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۷۱، ۲۷۳

آنکارا: ۷۱، ۷۵، ۱۰۰، ۱۷۸، ۱۸۲

الف

اتحاد جماهیر شوروی: ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴،

۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵،

۴۹، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۷۰، ۷۴، ۷۷،

۸۲، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۳۵، ۱۵۰،

۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۸۵، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۴۴،

۲۴۹، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۸۸

اراک: ۲۰۷، ۲۰۸

اروپا: ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۸۲، ۱۷۶، ۲۷۲، ۲۷۸

ارومیه، دریاچه: ۵۷

استرآباد: ۵۷

استرالیا: ۱۳۷، ۱۵۵، ۲۵۲

اشنو: ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۲۸۸

اشوشان: ۵۲

اطریش: ۱۹

افریقا: ۱۰، ۱۳۷، ۱۵۵، ۲۸۳

افغانستان: ۱۶۵

اقیانوس کبیر: ۱۳۷

اقیانوس منجمد شمالی: ۲، ۵، ۲۸

اندیشک: ۲۸۶

انگلستان: ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۶۲،

۷۰، ۷۷، ۸۱، ۸۹، ۹۲، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۳۰،

۱۳۹، ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۰۴، ۲۱۷،

۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷،

۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۶

انگلیس: ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۴،

۳۹، ۴۴، ۴۵، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۶۳، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۸۰،

۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۵،

۱۲۶، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۶۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۹۵،

۲۲۵، ۲۴۴، ۲۷۸

امریکا: ۲، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۷۱، ۱۳۷،

۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲،

۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۲،

۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۰۶، ۲۲۵، ۲۲۶،

۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۶۱، ۲۸۱

امریکای جنوبی: ۱۵۷

امریکای شمالی: ۱۳۸

امیرآباد: ۲۸۶

ترکیه: ۲، ۷۱، ۷۴، ۹۴، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۷۷، ۲۷۸
 تهران: ۵، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۵، ۳۷، ۵۵، ۵۹، ۶۴، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۸۵، ۸۸، ۹۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۹۳، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۸۰

ج

جده: ۱۷۷
 جلفا: ۵۵، ۵۷، ۷۰، ۲۴۸

چ

چکوسلواکی: ۱۹، ۱۵۷
 چین: ۳۰، ۷۱، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۴

ح

حیدرآباد: ۷۷، ۷۸، ۸۰

خ

خانقین: ۵۵، ۷۷، ۷۸، ۸۰
 خاور دور: ۵، ۳۳، ۱۸۴
 خاور نزدیک: ۳
 خراسان: ۵۵، ۲۶۱
 خرم‌آباد: ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۲۸۴
 خرمشهر، بندر: ۷۰، ۲۰۷، ۲۴۸، ۲۸۴
 خسروآباد: ۵۱
 خلیج فارس: ۳، ۱۳، ۱۳۸، ۲۳۰
 خوریان: ۷۹، ۸۳، ۸۴
 خوزستان: ۵۵، ۷۰، ۲۴۴

د

دارداتل، تنگه: ۲
 دانتزیک، بندر: ۱۹
 دانمارک: ۹۹
 دریایچه رضائیه: ۷۷، ۷۸، ۸۰
 دریای خزر: ۵۵، ۵۹، ۷۸، ۷۹، ۸۰
 دریای سیاه: ۲، ۲۸
 دزفول: ۸۱، ۸۶، ۸۹

اهواز: ۵۵، ۹۱، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۲۰۷، ۲۴۸، ۲۸۴
 ایتالیا: ۱۱، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۱، ۹۶، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۷۵، ۱۷۸، ۲۸۰
 ایران: ۱، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۴، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۶۰، ۶۴، ۶۹، ۷۱، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۸۹، ۹۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۴۰، ۲۸۸

ایرلند شمالی: ۱۵۵
 ایسلاند: ۱۳۹

ب

بابل: ۷۷، ۷۸، ۸۰
 بادکوبه: ۵۹
 بالکان: ۱۳

بحر خزر: ۷۴، ۱۵۴، ۲۲۵

برلن: ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۴۳، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱
 بریتانیای کبیر: ۵۵، ۶۰، ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۵۵، ۱۷۸، ۱۹۶، ۲۳۰، ۲۸۴

بصره: ۲۴۷

بغداد: ۱۷۷

بلژیک: ۱۵۵، ۱۶۳

بلغارستان: ۲، ۸۵

بندر دیلم: ۷۷، ۷۹، ۸۰

بندر پهلوی: ۵۵، ۵۹، ۷۱

بندر شاه: ۲۲۵

بندر شاهپور: ۵۵، ۷۰، ۲۴۸

بندرعباس: ۱۱۴

بیروت: ۲۶، ۱۷۷

بین‌النهرین: ۲۵۴

پ

پرل هاربور: ۱۳۷

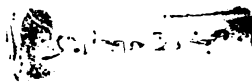
پلاستیا: ۶

پوتسدام: ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳

ت

تبریز: ۵۵، ۷۰، ۲۰۲، ۲۴۸

ترکمنستان شوروی: ۵۹



دورود: ۲۰۵

دومینیکن: ۱۵۵

ر

رامهرمز: ۷۸، ۸۰

رشت: ۵۵

رم: ۲۶، ۱۰۳

رنانی: ۱۹

رومانی: ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۱، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶

ص

صوفیان: ۵۷

ع

عراق: ۵۲، ۵۵، ۵۹، ۱۳۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۲۵، ۲۶۵

علی‌آباد (شاهی): ۷۷، ۷۸، ۸۰

غ

غازیان: ۷۱

ف

فارس: ۲۳۶

فرانسه: ۵، ۲۰، ۲۹، ۱۷۸

فلسطین: ۲۶۵

فنلاند: ۹۶، ۱۰۰، ۱۷۸

فیروزکوه: ۲۲۵

ز

زلاند جدید: ۱۵۳

زنجان: ۷۷، ۷۸، ۸۰

زیرآب: ۷۸، ۸۰

ژ

ژاپن: ۲، ۱۱، ۱۰۰، ۱۳۷، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۷۱، ۲۷۶

۲۸۵، ۲۸۶

ژوهانسبورگ: ۱۰

ق

قاهره: ۲۶، ۱۷۷، ۱۸۴، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۷، ۲۵۷

۲۶۷

قزل اوزون: ۲۴۸

قزوين: ۵۵، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۱۰۰

۱۰۱، ۱۸۱

قُصیه: ۱۵۷

قصرشیرین: ۷۰

قفقاز: ۳

س

سار: ۱۹

ساری: ۲۲۵

سالوادور: ۱۵۵

سعدآباد، کاخ: ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۲۷۳

سقز: ۲۹۰

سلطنت‌آباد: ۷۴

سمنان: ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۹، ۱۰۰

سوند: ۹، ۱۶۷

سوئز، کانال: ۴، ۳۳

سودت: ۱۹

سویس: ۹، ۹۶، ۱۰۰، ۱۶۷

سیستان: ۵۷

ک

کاخ مرمر: ۱۱۵

کانادا: ۱۵۳

کردستان: ۲۹۰

کرمانشاه: ۵۵، ۷۰، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۶

کرملین، کاخ: ۶۲

کویا: ۱۵۵

گ

گجساران: ۷۷، ۷۸، ۸۰

گواتمالا: ۱۵۵

گیلان: ۲۶۱

ش

شامات: ۲۶۵

شاهرود: ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۹

شاهی: ۲۲۵

شرفخانه: ۲۴۷

ل

نیکاراگوا: ۱۵۵

نیوزلاند: ۱۳۹

نیوفوندلند: ۶

لندن: ۳۹، ۶۴، ۷۰، ۷۲، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۵۸، ۱۶۰

۱۷۸، ۲۲۰، ۲۴۴، ۲۶۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۹

لوکزامبورگ: ۱۵۵

لهستان: ۲۰، ۱۵۵، ۱۷۸، ۲۰۲، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۷

و

واشینگتن: ۷۱، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۱

۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۲

ولادی وستک: ۲

ولگا، رود: ۲۸

ه

هاریز: ۵۹

هائیتی: ۱۵۵

هامبورگ: ۲۶

هفتگل: ۷۸، ۸۰

هلند: ۱۶۳، ۱۵۵

همدان: ۵۵، ۲۸۶

هندوراس: ۱۵۵

هندوستان: ۳، ۶، ۳۰، ۳۳، ۵۱، ۵۵، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۵۵

۲۵۳، ۲۵۴

ی

یافا: ۲۶

یالتا: ۲۷۹

یوگوسلاوی: ۱۵۵

یونان: ۲، ۱۵۵، ۲۸۰

م

ماداگاسکار: ۱۰

مازندران: ۲۶۱

مانش، کانال: ۱۰۰

مجارستان: ۸۶، ۸۹، ۹۱، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳

مدیترانه: ۲، ۱۳۷

مسجد سلیمان: ۷۷، ۷۸، ۸۰

مسکو: ۲۵، ۲۶، ۴۳، ۴۴، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۱۰۰

۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۱

۱۸۲، ۱۸۴، ۲۱۳، ۲۴۴، ۲۷۸، ۲۸۸

منهد: ۵۵، ۵۷

مصر: ۲۶، ۱۳۹، ۲۵۱، ۲۶۴

ممل، ناحیه: ۱۹

مورمانسک: ۲

موریس، جزیره: ۱۰

مهایاد: ۲۹۰

میانج: ۲۴۷

میاندوآب: ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۲۹۰

ن

نروژ: ۲، ۹۹، ۱۵۵

مرکز پژوهش‌ها و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی